کیهان ۵۸۸
KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده

جمعه ۲۲ تا پنجشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۵ خورشیدی
سال چهل و سوم ـ شماره ۲۰۵۴



اروپا در خواب عمیق زمستانی

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

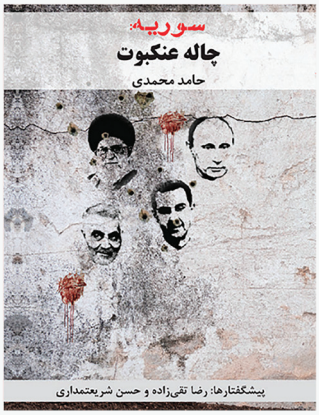
نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing Email: satrap@btconnect.com wwww.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه ها و عاشقانه ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پرنیا
به کوشش منصوره پرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب " نامه ها و عاشقانه ها " با انتشارات مهرایران
شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمائید.
Web: www.pirnia.com E.mail:pirnia@pirnia.com

کیهان

بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهانِ شما ، کیهانِ لندن
@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و سوم
کیهان شماره ۲۰۵۴ (۵۸۸)
۲۲ تا ۲۸ آبان ۱۴۰۵
۱۳ تا ۱۹ نوامبر ۲۰۲۶



کیهان

فهرست مطالب

سرمقاله - معادله میان سرکوب و مذاکره / روشنک آسترکی ۴
تیتر هفته - اروپا در خواب عمیق زمستانی ... / ۵-۴

گزارش اختصاصی؛ سفر شاهزاده رضا پهلوی به بروکسل: از امنیت اروپا و اینترنت آزاد تا حمایت عملی از... / ۶
شاهزاده رضا پهلوی جایزه «آزادی» بنیاد فریدریش نائومان به ملت ایران را دریافت کرد... / ۸-۷
دیدار شاهزاده رضا پهلوی و تئو فرانکن وزیر دفاع بلژیک در «آکادمی نظامی سلطنتی»... / ۸
متن کامل سخنان شاهزاده رضا پهلوی در مراسم اهدای جایزه «آزادی» به ملت ایران... / ۹
چرا رژیم جمهوری اسلامی نمی تواند با همسایگان خود روابط عادی و... / محمد الرمیحی (الشرق الاوسط) ۱۱-۱۰
بازنشر اکسیر اعظم!... / خیر اندیش (احمد احرار) ۱۱
بازنشر گذار از طوفان - خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی / بخش (۱۹) ... / ۱۳-۱۲
بازنشر یک بازنشر خواندنی از سال ۱۳۸۱؛ کنفرانس خبری شاهزاده رضا پهلوی در لندن... / ۱۵-۱۴
سناریوهای پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا ... / ۱۷-۱۶
قلب رژیم ملاها؛ هدف عملیات تازه در تامپا... / فرید خلیفی ۱۷
نشست «گروه هفت» در پاریس؛ رویبو: «رهبران جمهوری اسلامی دیوانه‌اند»... / ۱۸
رونمایی از یک شهرک موشکی؛ علی عبداللهی: «اسرائیل را نابود می کنیم!»... / ۱۹
هیچ تردیدی نیست که حوثی‌ها شاخه‌ای از سپاه پاسداران انقلاب... / عبدالرحمن الراشد (شرق الاوسط) ۲۱-۲۰
ماشین پرنده ماسک چقدر به واقعیت نزدیک است؟... / فرید خلیفی ۲۱
پاسارگاد؛ خاستگاه مبارزات ملی مردم ایران... / بهنام محمدی ۲۱
سراب توافق؛ ائتلاف وقتِ ترامپ و ادامه مذاکره با اصرار قطر و عربستان... / ۲۲
کاخ سفید: ترامپ «تعیین کننده» است!... / ۲۳
توطئه حمله به پایگاه سلطنتی «فیرفورد»؛ طرح یک «تروریست» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در... / ۲۵-۲۴
آمریکا چندهواپیمای سوخت‌رسان خود را در واکنش به تهدیدات جمهوری اسلامی از بریتانیا... / ۲۵
تشکیل نیروی ویژه «دروازه آهنین»؛ طرح چندمنظوره سنتکام برای قطع توانایی حکومت ایران در... / ۲۷-۲۶
تلاش دموکرات‌ها برای استیضاح پیت هگست شکست خورد؛ ترامپ: هگست یک میهن‌پرست واقعی است... / ۲۷
کانال ۱۲ اسرائیل: آمریکا مانع طرح نتانیاهو برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی پیش از انتخابات... / ۲۸
وزارت خارجه فرانسه: سپاه پاسداران پشت حمله‌های سایبری به یخچال‌های فروشگاه‌های زنجیره‌ای... / ۲۹-۲۸
گردهمایی مشترک یهودیان و ایرانیان ساکن بریتانیا بمناسبت روز جهانی کوروش کبیر... / ۲۹
کد ۱۸۱۹؛ رمز توفان خاموش مردم در میانه‌ی خون و امید... / ۳۱-۳۰
حملات آمریکا به مراکز نظامی در جنوب ایران؛ حمله پهپادی به تأسیسات گاز در کردستان عراق... / ۳۱
از عملیات فریب تا مذاکره؛ ونس دیدار با محسن رضایی را برر سی می کند!... / ۳۳-۳۲
ادامه حملات آتش آمریکا به اهداف نظامی و نفتکش‌های جمهوری اسلامی... / ۳۳
شایعه‌ی تهدید به بمب‌گذاری، ۲۷ پرواز اروپایی را منحرف کرد... / ۳۴
«ارم نیوز»: هشدار الزیدی به ترامپ درباره استفاده از خاک عراق برای حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی... / ۳۵
آیزنکوت مامور تشکیل دولت جدید اسرائیل؛ رجزخوانی ائتلاف عربی برای نتانیاهو... / ۳۶
افزایش قیمت دلار به ۳۰۰ هزار تومان دور از انتظار نیست... / ۳۷-۳۶
نقشی که اروپا همچنان ایفا می کند!... / بهنام محمدی ۳۷
حسن دیوبند، حمید کاظمی و رضا نگنه، از بازداشت‌شدگان دی ۱۴۰۴، اعدام شدند... / ۳۸
ماشین سرکوب جمهوری اسلامی، متمرکز بر صدور و اجرای احکام اعدام بازداشت‌شدگان... / ۳۹
نیویورک پست: تصاویر ماهواره‌ای نگران کننده از بازسازی پایگاه‌های موشکی جمهوری اسلامی... / ۴۱-۴۰
الحره: به علت بحران مالی سپاه پاسداران، شبه‌نظامیان عراقی حقوق دریافت نکرده‌اند... / ۴۱
آتش‌سوزی در یکی از سکوهای گاز عسلویه؛ وزارت نفت احتمال هک یا خطای عمدی را رد کرد... / ۴۲
تدوین بودجه ۱۴۰۶ با فرض صفر شدن درآمد نفت، همزمان با اجرای کارزار «دروازه آهنین»... / ۴۳-۴۲
پیگیری نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره فهرست تراستی‌هایی که پول نفت را به جیب زدند!... / ۴۵-۴۴
زخم عمیق بحران‌های اقتصادی بر تن و روان شهروندان در ایران... / ۴۶-۴۵
صنایع ایران چگونه قربانی ناکارآمدی جمهوری اسلامی در بخش انرژی شدند... / ۴۷-۴۶
تورم بخش صنعت به ۳/۱۴۷ درصد رسید؛ ۳۲۲ هزار میلیارد تومان عدم‌النفع صنایع در... / ۴۸
احتمال قطع سراسری ۴۵ روزه گاز صنایع؛ خسارت مستقیم کمبود برق و گاز در صنعت... / ۴۹
بارش شدید باران و جاری شدن سیلاب در مناطق مختلف ایران... / ۵۰
سقوط قدرت خرید آموزگاران؛ حقوق ماهانه یک معلم ۱۰۹ دلار است!... / ۵۱
برگزاری نمایشگاه «سایه‌ها و سکوت‌ها در کلکته»... / کتایون حلاجان ۵۲
غزال انصاری‌راد: ما از دورترین جای تاریخ می آییم و در ادامه یکدیگر هستیم ... / کتایون حلاجان ۵۳
ادامه متن کامل سخنان شاهزاده رضا پهلوی در مراسم اهدای جایزه «آزادی»... / ۵۶-۵۴
ادامه یک بازنشر خواندنی از سال ۱۳۸۱؛ کنفرانس خبری شاهزاده رضا پهلوی... / ۵۶
فروش اعضای بدن؛ تنها راه خروج از باتلاق فقر برای بخشی از کم‌درآمدها... / ۵۷
ادامه گزارش اختصاصی؛ سفر شاهزاده رضا پهلوی به بروکسل... / ۵۹-۵۸
افزایش شاخص فلاکت؛ تلاش حقوق‌بگیران برای بقا زیر خط فقر... / ۶۱-۶۰
ساعاتی پس از دیدار محسن رضایی و پوتین، روسیه در مورد سفر شهروندانش به ایران هشدار داد... / ۶۱
خبـــرهای کوتاه... / ۶۳-۶۲
پشت جلد - عکس هفته / پاسداشت پایداری یک ملت ۶۴











سرمقاله

معادله میان سرکوب و مذاکره

همزمان با هفتمین سالگرد اعتراضات سراسری آبان۹۸ که جرقه آن با افزایش یک‌شبه قیمت بنزین زده شد، جمهوری اسلامی در وضعیتی به مراتب بغرنج‌تر و شکننده‌تر از آن زمان قرار دارد. تأمین بنزین و سوخت همچنان بحرانی جدی در ساختار اقتصادی معیوب به شمار می‌رود؛ رشد اقتصادی منفی، خزانه خالی و صفر شدن صادرات نفت نمونه‌هایی از انواع مشکلات انباشته است که نتیجه آن تعمیق نارضایتی‌ها در جامعه است.

مهم‌تر از مشکلات اقتصادی اما بحران عدم مشروعیت نظام و گره کور فشارهای بین‌المللی و انزوا در دوگانه‌ی بین «جنگ» و «مذاکره» است. در این میان اما «سرکوب» همواره سرفصل اقدامات حکومت برای حفظ خود است. یکی از پرسش‌های تکراری برای افکار عمومی اینست که چرا با وجود اینهمه آشفتگی داخلی و خارجی، سرکوب تداوم دارد و با هر خبری درباره مذاکره و توافق، سرکوب‌ها نیز تشدید می‌شود؟

در شرایطی که تورم کشور یک گام تا سه رقمی شدن فاصله دارد، رشد اقتصادی منفی شده، کمبود انرژی در هفته‌های آینده سبب قطع گاز در بخشی از کشور خواهد شد، فقر و بیکاری و فلاکت بیداد می‌کند، محاصره اقتصادی از بنادر به مرزهای زمینی رسیده و نبض حیات اقتصادی و اجتماعی در ایران کُند شده و شکاف در میان جریانات حکومت بر سر تداوم جنگ یا تسلیم در برابر ایالات متحده عمیق‌تر شده، جمهوری اسلامی ابعاد سرکوب شهروندان را گسترده‌تر کرده است.

افزایش صدور و اجرای احکام حبس و اعدام شهروندان بازداشت شده در اعتراضات دی۱۴۰۴، اعلام رسمی خبر بازداشت چند تن در تهران به علت بی‌حجابی، پلمب پرشمار رستوران‌ها، کافه‌ها، مراکز گردشگری و فروشگاه‌ها به علت «رعایت نشدن شئونات اسلامی»، و تصویب بندها و تبصره‌های محدودکننده زندگی اجتماعی مردم در قانون «مبارزه با جاسوسی» توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تنها بخشی از تشدید سرکوب‌ها طی روزهای گذشته بوده است. این روند به ویژه پس از انتشار پیامی منتسب به رهبر ناپیدای حکومت که خواستار پایان شرایط «نه جنگ، نه صلح» شده، سرعت گرفته است.

جمهوری اسلامی با افزایش سرکوب‌ها در این شرایط سرنوشت‌ساز، چند هدف را دنبال می‌کند.

از یکسو شدت سرکوب‌ها همزمان با انتشار اخباری درباره مذاکره و نمایان شدن نشانه‌هایی برای تسلیم در برابر آمریکا، حاوی پیامی به مردم است که در صورت پایان شرایط جنگی، حکومت اجازه نخواهد داد بسترها برای بروز اعتراضات سراسری فراهم شود. هراس‌آفرینی با اعدام و نمایش سلطه بر خیابان با همین هدف صورت می‌گیرد. به بیان دیگر اتاق‌فکرهای امنیتی حکومت بر این باورند که تسلیم یا نرمش خارجی نباید به فرصتی برای مردم در جهت سازماندهی اعتراضات یا حتی طرح خواست‌های آنان تبدیل شود!

از سوی دیگر جمهوری اسلامی تلاش می‌کند در برابر «غرب» و «دشمن»، به نمایش «اقتدار» بپردازد و خود را مسلط بر کشور نشان دهد و تأکید کند چشم‌انداز ایدئولوژیک آن تغییری نخواهد یافت و یا «تلطیف» نخواهد شد و از همه ابزارها برای حفظ حیات خود بهره خواهد برد!

در آنسو، سرکوب‌ها در ایجاد توزان میان جریانات درون حکومت نیز کاربرد دارد. سرکوب به عنوان ضمانتی برای مخالفان مذاکره و توافق به کار می‌رود تا بگویند حکومت همچنان مقتدرانه بر شرایط مسلط است. از سوی دیگر سرکوب در این مقطع نیز ابزاری برای مدیریت روایت‌سازی‌ها و اظهارنظرها درباره مذاکره و تسلیم و یا تداوم جنگ خواهد بود.

جمهوری اسلامی در مقاطع دیگری هم که در برابر غرب ناچار به «نوشیدن جام زهر» و «نرمش قهرمانانه» شد، سرکوب مردم را تشدید کرد. از جمله پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در تابستان ۱۳۶۷ توسط روح‌الله خمینی که با کشتار زندانیان سیاسی همراه شد.

همچنین در دوران علی خامنه‌ای و جریان مذاکرات برجام و پس از آن، دولت حسن روحانی موجی از سرکوب‌ها از جمله بازداشت دوتابعیتی‌ها، بازداشت فعالان محیط زیست و فعالان صنفی آموزگاران و کارگران را در دستور کار قرار داد.

اگرچه سرکوب در شرایطی به عنوان اهرم فشار بر جامعه، و به عنوان پیام به داخل و خارج، مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در عمل همواره به یک معناست: هراس و ضعف شدید حکومتی که نفسش به شمارش افتاده و هیچ ابزاری جز سرکوب، برای بقاء ندارد.

تیتر هفته

اروپا در خواب عمیق زمستانی



اتحادیه اروپا در مقابل خطراتی که آن را از بیرون و درون تهدید می‌کند، در خواب عمیق زمستانی فرو رفته. این انفعال و بی‌عملی پیام روشنی برای رژیم ایران دارد: عبور از خطوط قرمز دموکراسی‌های اروپا هزینه جدی در پی ندارد!

جمهوری اسلامی بعد از جنگ ۴۰ روزه تهدیدات خود علیه امنیت دولت‌ها و شهروندان اروپایی را افزایش داد. بلغارستان و یونان نخستین کشورهایی هستند که این تهدیدات را دریافت کردند بطوری که آمریکا و ناتو بخشی از هواپیماهای خود را از این دو کشور خارج کردند.

مقامات جمهوری اسلامی مدام دولت‌های اروپایی را تهدید می‌کنند. محسن رضایی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» هشدار داده است که اگر آمریکا جنگ دیگری علیه جمهوری اسلامی ایران به راه بیندازد، تمام پایگاه‌های نظامی، از غرب آسیا تا اروپا، هدف مشروع حملات آن خواهند بود.

یکی از کشورهایی که از سوی سپاه پاسداران و عوامل آن بارها مورد تهدید قرار گرفته بریتانیا است. دونالد ترامپ بارها از مقامات بریتانیایی خواسته بود در جنگ با جمهوری اسلامی کنار آمریکا بایستند اما با مخالفت آنها روبرو شد. آنان مانند دیگر رهبران اروپایی معتقد بودند که جنگ آمریکا با جمهوری اسلامی ربطی به آنها ندارد.

این در حالیست که بازداشت چند خرابکار وابسته به سپاه پاسداران در بریتانیا که قصد اجرای توطئه در پایگاه نظامی سلطنتی «فیرفورد» بریتانیا را داشتند یا حمله سایبری عوامل سپاه به سردخانه‌ها و یخچال‌های فروشگاه‌ها در فرانسه و چند کشور اروپایی نشان داد تا چه اندازه رژیم ایران می‌تواند برای امنیت اروپا تهدید محسوب شود.

کشورهای اروپایی از داخل ایران توسط مقامات نظام بطور علنی تهدید می‌شوند. آنها به صراحت می‌گویند توان افزایش بُرد موشک‌های جمهوری اسلامی برای رسیدن به اروپا را دارند. با اینهمه اینکه دولت‌های اروپایی این تهدیدات را تا چه اندازه جدی می‌گیرند چندان روشن و مشخص نیست.

مایک هاکابی سفیر آمریکا در تل‌آویو می‌گوید، جمهوری اسلامی امکان هدف قرار دادن لندن، برلین، پاریس و رُم را دارد. در حال حاضر آمریکا ۳۱ پایگاه نظامی در اروپا دارد و همچنین ۱۸ پایگاه مشترک را با متحدان اروپایی خود اداره می‌کند.

در هفته‌های گذشته بارها پرواز هواپیماهای مسافربری در اروپا با تهدید به بمب‌گذاری با اختلال روبرو شد. اکنون سرویس‌های اطلاعاتی اروپا در حال بررسی هستند که کدام دولت و گروهی پشت این تهدیدات قرار دارد. هرچند مستقیم نام جمهوری اسلامی مطرح نیست اما برخی تحلیلگران می‌گویند بعید نیست که سرنخ‌هایی از دخالت عوامل رژیم در این مسئله پیدا شود.

اگر تهدیدات حکومت در خاک اروپا در سال‌های پیش محدود به قتل و ارعاب مخالفان یا فعالان سیاسی ایرانی در تبعید می‌شد، اما اکنون بسیار فراتر از آن رفته است. گزارش و هشدارهای منابع امنیتی غرب این موضوع را تأیید می‌کنند.

در همین ارتباط، روزنامه فرانسوی «لوموند» درباره افزایش تهدیدات جمهوری اسلامی از جمله طرح‌های ترور، آتش‌سوزی‌های عمدی، اقدامات خرابکارانه و حملات سایبری می‌نویسد: «کشورهای اروپایی اکنون با تهدیدی مستمر و گسترده از سوی جمهوری اسلامی روبرو هستند؛ تهدیدی که همزمان با افزایش بازداشت افرادی که مظنون به همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی تهران هستند، در سراسر قاره ابعاد جدی‌تری پیدا کرده است.»

تهدیدات جدی‌تر شده‌اند

اروپا مدت‌هاست نگران پیامدهای تهدیدات جمهوری اسلامی است اما در عمل چندان آن را جدی نگرفته است. پس از جنگ ۴۰ روزه در زمستان ۴۰۴ وضعیت نسبتاً

تغییر یافت و به نظر می‌رسد اکنون آنها اقدامات «نامتقارن» رژیم ایران را جدی‌تر گرفته‌اند.

دست‌کم ۳۲ کشور از جمله بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایالات متحده، کانادا و هلند، اواخر مهرماه ۱۴۰۵ با صدور بیانیه‌ای مشترک، استفاده جمهوری اسلامی از «حملات خشونت‌آمیز، از جمله طراحی عملیات مرگبار، آتش‌سوزی عمدی، خرابکاری، حملات سایبری و دیگر فعالیت‌های ترکیبی» علیه کشورهای خود و شرکا را به شدیدترین شکل ممکن محکوم کردند.

با اینهمه به نظر می‌رسد دولت‌های اروپایی همچنان تهدیدات جمهوری اسلامی را چندان اساسی نمی‌دانند. در بیانیه پایانی نشست دو روزه وزرای خارجه «گروه هفت» که ۹ و ۱۰ نوامبر (۱۸ و ۱۹ آبان) در پاریس برگزار شد، آنها در حد دو خط با اشاره به نقش جمهوری اسلامی در تهدید علیه پایگاه هوایی «فیرفورد» بریتانیا از «دخالت ایران در طرح‌های خشونت‌آمیز علیه شهروندان و سرزمین‌های خود» ابراز نگرانی کردند و هشدار دادند که جمهوری اسلامی «نباید هیچ تردیدی داشته باشد که ما متحد هستیم و همچنان به حفاظت از حاکمیت ملی خود متعهد خواهیم ماند.»

درواقع سال‌هاست که اروپایی‌ها صرفا با ابراز نگرانی از اقدامات ضدامنیتی جمهوری اسلامی و تهدیدات آن از جمله در حوزه اتمی، موشکی و نیابتی‌ها و تروریسم به صدور بیانیه و تحریم‌های کم‌اثر بسنده کرده‌اند و به جمهوری اسلامی فرصت داده‌اند تا برنامه‌های جنگ افروزانه و تروریستی خود را با گستاخی بیشتر پیش ببرد.

نکته قابل توجه اینکه با وجود اطلاعات و شواهد امنیتی که اروپا در دست دارد، عوامل جمهوری اسلامی علاوه بر دسترسی آسان به خاک اروپا، به راحتی از سفارتخانه‌های آن در تهران ویزا دریافت می‌کنند و از آن مهمتر به بخش‌هایی از سیستم مالی و پولی اروپا نیز دسترسی دارند.

براساس گزارش منابع غربی، در ماه‌های اخیر موارد متعددی از ارتباط عمیق جمهوری اسلامی با نهادهای مالی، بانک‌ها، هتل‌ها، بنگاه‌های مسکن و شرکت‌های خصوصی اروپا در آلمان، سوئیس، بریتانیا و لیختن‌اشتاین افشا شده است.

از سال ۲۰۲۴ تا کنون سازمان‌های اطلاعاتی آلمان، نروژ، سوئد، فنلاند، دانمارک و هلند درباره فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی و عوامل آن شامل جاسوسی، حملات سایبری و ترکیبی، تلاش برای دسترسی به فناوری‌های دارای کاربرد دوگانه، تلاش برای دسترسی به مواد شیمیایی، استفاده از باندهای تبهکار، تقویت اوباشگری و خرابکاری در شهرهای اروپایی و موارد مشابه هشدار داده‌اند اما در نهایت دولت‌های اروپایی اقدامات چندانی برای مقابله انجام نداده‌اند. تداوم این سیاستِ در عمل انفعالی سبب شد تا رژیم ایران از یک حاشیه امن برخوردار شود.

بهای بی‌تفاوتی امروز؛ هزینه‌های سنگین فردا

دولت‌های اروپایی تلاش کردند از ترس پیامدهای اقدامات جمهوری اسلامی، صرفاً با صدور بیانیه‌های دیپلماتیک، احضار سفیر و تحریم‌های محدود تهدیدات رژیم را مهار کنند، اما چنین مماشات و سیاستی رژیم ایران را به این باور قاطع رسانده است که اروپا «ترسو» و در مقابل تهدیدات، بی‌دفاع و دست‌بسته است.

به این ترتیب، در طول زمان مسئله از عملیات اطلاعاتی، تهدید روزنامه‌نگاران و مخالفان سیاسی یا حملات احتمالی به اهداف اسرائیلی و آمریکایی فراتر رفته و حالا زیرساخت‌های اروپا هدف قرار می‌گیرد.

چنین الگویی به جمهوری اسلامی فرصت و امکان داده تا دامنه عملیات خود را گسترش دهد و همزمان با فرار از پاسخگویی، مسئولیت آنها نپذیرفته و انکار کند. اروپا سال‌هاست جولانگاه عوامل رژیم ایران است. علی انصاری از مهره‌های اقتصادی نزدیک به مجتبی خامنه‌ای فقط نمونه‌ای از آن است که فعالیت‌های او علنی شده است. طی سال‌های اخیر بسیاری از ایرانیان میهن‌دوست در تبعید در مورد مهره‌ها و شرکت‌های دیگر وابسته به رژیم به نهادهای امنیتی اروپا گزارش‌های مستند ارائه داده‌اند اما هرگز پیگیری نشده است.

اروپا در مقابل تهدیدات جمهوری اسلامی در خواب عمیق زمستانی فرو رفته است. این انفعال و بی‌عملی پیام روشنی برای رژیم ایران دارد که از آن نهایت استفاده رابه سود سیاست‌های تروریستی و خرابکارانه‌ی خود کرده است: عبور از خطوط قرمز دموکراسی‌های اروپا هزینه جدی در پی ندارد! چنین برداشتی نه‌تنها تهران را به ادامه و گسترش عملیات تشویق کرده، بلکه به الگویی برای دیگر دولت‌های متخاصم و گروه‌های تروریستی تبدیل می‌شود.

اروپا امروز با انتخابی تعیین‌کننده روبروست: مقابله‌ی جدی و کارآمد با زیرساخت‌های مالی، اطلاعاتی و عملیاتی جمهوری اسلامی، یا نشستن در انتظار روزی که که تهدیدات کنونی به بحران‌های جدیِ امنیتی فردا در این قاره تبدیل شوند. مطمئنا آن زمان، هزینه‌ی انفعال امروز در برابر جمهوری اسلامی بسیار سنگین‌تر از اکنون خواهد بود.



گزارش اختصاصی؛ سفر شاهزاده رضا پهلوی به بروکسل: از امنیت اروپا و اینترنت آزاد تا حمایت عملی از گذار دموکراتیک در ایران

شاهزاده رضا پهلوی در جریان سفر این هفته‌ی خود به بروکسل، از نمایندگان پارلمان اروپا و وزیران دولت بلژیک خواست با افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی، از مبارزات مردم ایران برای دستیابی به آزادی و استقرار دموکراسی حمایت کنند.

این سفر در شرایطی انجام می‌شود که دولت‌های اروپایی با تهدیداتی روبرو هستند که به گفته‌ی آنان، از حمایت جمهوری اسلامی از جنگ روسیه علیه اوکراین تا طراحی و اجرای توطئه‌هایی علیه افراد و مراکز مختلف در خاک اروپا را در بر می‌گیرد.

شاهزاده در نشست خبری مشترک با فرانسوا خاویر بلامی، نماینده‌ی فرانسوی پارلمان اروپا و نایب‌رئیس فراکسیون راست-میانه‌ی «حزب مردم اروپا» از اتحادیه‌ی اروپا خواست همان قاطعیتی را که در قبال روسیه به نمایش گذاشته است، در برخورد با جمهوری اسلامی نیز به کار گیرد. از جمله با شناسایی و ردیابی دارایی‌های وابسته به رژیم و مسدود ساختن اموال و منابع مالی آن.

در این رویداد، دانیال ایوازی که دفتر شاهزاده رضا پهلوی از وی بعنوان یکی از جان‌به‌دربردگان سرکوب‌های اعتراضات ماه ژانویه یاد کرده است، به همراه سارا صادقی محسنی و ارسلان خوبی‌پور که برادران خود را در جریان سرکوب‌ها از دست داده‌اند، حضور داشتند.

شاهزاده رضا پهلوی در دیدارهای پیشین خود با نمایندگان پارلمان اروپا نیز موضوع تهدیدات جمهوری اسلامی علیه امنیت اروپا و ضرورت حمایت عملی از مردم ایران را مطرح کرده بود.

برنامه‌ی سفر شاهزاده رضا پهلوی روز جمعه با دیداری به میزبانی تئو فرانکن، وزیر دفاع بلژیک، و سخنرانی در آکادمی نظامی سلطنتی این کشور ادامه خواهد یافت.

ایشان همچنین قرار است روز شنبه هفتم نوامبر در شهر فرانکفورت آلمان حضور یابند و جایزه‌ی آزادی بنیاد فریدریش ناومان را به نمایندگی و به امانت از سوی ملت ایران دریافت کنند.



شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان اروپا/ ۵ نوامبر ۲۰۲۶

شاهزاده رضا پهلوی در سفر چندروزه‌ی خود به بروکسل، در دیدار با شماری از نمایندگان پارلمان اروپا و مقامات کشور بلژیک، خواستار افزایش فشار سیاسی و اقتصادی بر جمهوری اسلامی، مقابله با شبکه‌های مالی وابسته به آن و حمایت عملی از دسترسی آزاد مردم ایران به اینترنت شد. این سفر در شرایطی انجام می‌شود که نگرانی‌های امنیتی اروپا درباره‌ی فعالیت‌های جمهوری اسلامی، از حمایت نظامی از روسیه تا تهدید مخالفان و اتهامات مربوط به فعالیت‌های اطلاعاتی در خاک کشورهای اروپایی، افزایش یافته است.

شاهزاده رضا پهلوی در جریان سفر این هفته‌ی خود به بروکسل، از نمایندگان پارلمان اروپا و وزیران دولت بلژیک خواست با افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی، از مبارزات مردم ایران برای دستیابی به آزادی و استقرار دموکراسی حمایت کنند. وی تأکید کرد که تهدیدات جمهوری اسلامی تنها متوجه مردم ایران نیست، بلکه امنیت اروپا و شهروندان آن را نیز به مخاطره انداخته است.

شاهزاده رضا پهلوی در دیدارهای خود در بروکسل که از سوم تا پنجم نوامبر برگزار شد، بر ضرورت تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، مقابله با شبکه‌های مالی و اقتصادی وابسته به رژیم و حمایت از تأمین دسترسی آزاد و بدون سانسور مردم ایران به اینترنت تأکید کرد.

برنامه‌های این سفر شامل دیدار با شماری از اعضای ارشد پارلمان اروپا و همچنین شرکت در نشستی با حضور وزیران و نمایندگان پارلمان بلژیک بود که به میزبانی حزب لیبرال «جنبش اصلاح‌طلب» بلژیک برگزار شد.

این سفر در شرایطی انجام می‌شود که دولت‌های اروپایی با تهدیداتی روبرو هستند که به گفته‌ی آنان، از حمایت جمهوری اسلامی از جنگ روسیه علیه اوکراین تا طراحی و اجرای توطئه‌هایی علیه افراد و مراکز مختلف در خاک اروپا را در بر می‌گیرد. شاهزاده رضا پهلوی در جریان این دیدارها تلاش کرد میان این نگرانی‌های امنیتی و دیدگاه خود مبنی بر اینکه گذار به دموکراسی در ایران می‌تواند در خدمت منافع امنیتی بلندمدت اروپا باشد، پیوند برقرار کند.

دیدارهای شاهزاده رضا پهلوی با حمایت شماری از سیاستمداران برجسته‌ی اروپایی همراه بود. هرچند دولت بلژیک تأکید کرده است که از هیچ شخصیت یا گروه مشخصی در میان مخالفان جمهوری اسلامی حمایت نمی‌کند.

روز پنجشنبه پنجم نوامبر، ژرژ لویی بوشه، رهبر حزب «جنبش اصلاح‌طلب» بلژیک، میزبان شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان این کشور بود. در این نشست، برنار کنتن، وزیر کشور و امنیت، متیو بیه، وزیر انرژی، الئونور سیمونه، وزیر امور کسب و کارهای کوچک، و شماری از نمایندگان پارلمانی این حزب نیز حضور داشتند.

به گزارش دفتر ارتباطات شاهزاده رضا پهلوی، در این دیدار درباره‌ی تهدیدات جمهوری اسلامی علیه مردم ایران و امنیت اروپا و همچنین راهکارهای عملی که بلژیک و دیگر کشورهای اروپایی می‌توانند برای حمایت از ملت ایران در پیش گیرند، گفتگو و تبادل نظر شد.

این نشست به ابتکار حزب «جنبش اصلاح‌طلب» بلژیک پس از آنکه تلاش‌ها برای برگزاری مراسم استقبال رسمی از شاهزاده رضا پهلوی در مجلس نمایندگان این کشور، به دلیل عدم دستیابی به توافق میان فراکسیون‌های پارلمانی به نتیجه نرسید، برگزار شد.

ماکسیم پروو، وزیر خارجه بلژیک، با اشاره به تنوع نیروها و جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی، بر ضرورت شنیدن دیدگاه‌های دیگر چهره‌ها و گروه‌های اپوزیسیون نیز تأکید کرد. از این رو، سفر شاهزاده رضا پهلوی و دیدارهای وی با شماری از مقامات و نمایندگان بلژیکی را باید در چارچوب گفتگو و ارتباطات سیاسی برای درک بیشتر از وضعیت ایران ارزیابی کرد.

شاهزاده رضا پهلوی روز چهارشنبه در پارلمان اروپا، با دیوید مک‌الیستر، نماینده آلمانی و رئیس کمیسیون امور خارجی این پارلمان، دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار، تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی و راهکارهای کمک به تأمین دسترسی مردم ایران به اینترنت مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

شاهزاده رضا پهلوی همچنین در یک نشست خبری مشترک با فرانسوا خاویر بلامی، نماینده‌ی فرانسوی پارلمان اروپا و نایب‌رئیس فراکسیون راست- میانه‌ی «حزب مردم اروپا»، حضور یافت.

وی در این نشست از اتحادیه اروپا خواست همان قاطعیتی را که در قبال روسیه به نمایش گذاشته است، در برخورد با جمهوری اسلامی نیز به کار گیرد. از جمله با شناسایی و ردیابی دارایی‌های وابسته به رژیم و مسدود ساختن اموال و منابع مالی آن.

ادامه در صفحات ۵۸ و ۵۹

شاهزاده رضا پهلوی جایزه «آزادی» بنیاد فریدریش نائومان به ملت ایران را دریافت کرد

● «بنیاد فریدریش نائومان» جایزه «آزادی» سال ۲۰۲۶ را به پاس شجاعت و مبارزه پایداری برای آزادی، دموکراسی و حقوق بشر به ملت ایران اهدا کرد. شاهزاده رضا پهلوی ساعاتی پیش به نمایندگی از ملت ایران و به امانت این جایزه را دریافت کرد تا در فردای ایران آزاد آن را به نمایندگان منتخب ملت بسپارد.

● رهبر انقلاب ملی شیروخورشید: «من این جایزه را تنها به صورت موقت نگاه می‌دارم، و درواقع، نه برای مدتی طولانی. تا روزی که معتقدم آن روز بسیار نزدیک‌تر از آن است که رژیم رو به زوال آخوندی بخواهد اعتراف کند، این جایزه را در دستان صاحبان اصلی‌اش، یعنی ملت ایران، قرار خواهم داد. نه در خاک غربت، بلکه در پایتخت خودمان، تهران.»

● شاهزاده رضا پهلوی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «ما ایرانیان وارثان تمدنی هستیم که خود در پایه‌گذاری آرمان‌های حقوق بشر، آزادی‌های فردی و کرامت انسانی پیشگام بوده است. اما آن تمدن، میهن ما و ملت ما، توسط یک غاصب غیرمشروع به گروگان گرفته شده که نه تنها با آن آرمان‌ها مخالف است، بلکه از آنها متنفر است. جمهوری اسلامی دولت مشروع ایران نیست، بلکه نقطه مقابل هر آن چیزی است که ایران و ایرانیان نماد آن هستند.»

● بیژن جیرسرایی، سخنگوی سیاست خارجی حزب دموکرات آزاد آلمان (FDP)، نیز در مراسم اهدای جایزه آزادی به ملت ایران سخنرانی کرد. او از جمله گفت: «مردم ایران دهه‌هاست که برای آزادی مبارزه می‌کنند و به همین دلیل شایسته دریافت جایزه آزادی بنیاد فریدریش نائومان هستند.»

● ماری‌آگنس اشتراک- تسیمرمان، رئیس کمیته امنیت و دفاع پارلمان اروپا، نیز طی سخنانی در این مراسم گفت: «دولت فدرال آلمان باید حمایت بیشتری از مبارزه مردم ایران برای آزادی به عمل آورد و این موضوع باید فراتر از اختلافات حزبی و جناحی باشد و همه جریان‌های سیاسی می‌بایست برای حمایت از مردم ایران همکاری کنند.»

● همزمان با برگزاری این مراسم هزاران ایرانی از شهرهای مختلف اروپا و دیگر کشورهای جهان در فرانکفورت حاضر شدند تا از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران حمایت کنند. همزمان ایرانیان در چند کشور دیگر نیز تجمعاتی در حمایت از انقلاب ملی شیروخورشید برگزار کردند.

شاهزاده رضا پهلوی، رهبر انقلاب شیروخورشید ایران، روز شنبه هفتم نوامبر ۲۰۲۶ برابر با ۱۶ آبان ۱۴۰۵، جایزه «آزادی» ۲۰۲۶ بنیاد فریدریش نائومان به ملت ایران را به امانت دریافت کرد. همزمان هزاران ایرانی از شهرهای مختلف اروپا و جهان با حضور در فرانکفورت در حمایت از انقلاب شیروخورشید و مبارزات آزادیخواهانه مردم در ایران تجمع کردند.

«بنیاد فریدریش نائومان» جایزه «آزادی» سال ۲۰۲۶ را به پاس شجاعت و مبارزه پایداری برای آزادی، دموکراسی و حقوق بشر به ملت ایران اهدا کرد. شاهزاده رضا پهلوی به نمایندگی از ملت ایران ساعاتی پیش به نمایندگی از ملت ایران و به امانت این جایزه را دریافت کرد تا در فردای ایران



شاهزاده رضا پهلوی جایزه «بنیاد فریدریش نائومان برای آزادی» به ملت ایران را دریافت کرد

آزاد آن را به نمایندگان منتخب ملت بسپارد.

این مراسم در کلیسای تاریخی «پائول» فرانکفورت، به عنوان یکی از مهمترین نمادهای تاریخی دموکراسی در آلمان، برگزار شد.

شاهزاده رضا پهلوی پس از دریافت این جایزه در سخنانی با بیان اینکه «راستش این لحظه‌ای بسیار فرازمند و افتخاری بزرگ برای من است که از من خواسته شده تا این جایزه معتبر آزادی را به نمایندگی از هم‌میهنان شجاعم دریافت کنم. »، گفت: «من این جایزه را تنها به صورت موقت نگاه می‌دارم، و درواقع، نه برای مدتی طولانی. تا روزی که معتقدم آن روز بسیار نزدیک‌تر از آن است که رژیم رو به زوال آخوندی بخواهد اعتراف کند، این جایزه را در دستان صاحبان اصلی‌اش، یعنی ملت ایران، قرار خواهم داد. نه در خاک غربت، بلکه در پایتخت خودمان، تهران.»

رهبر انقلاب ملی شیروخورشید تأکید کرد: «من بارها گفته‌ام که نقش خود را به عنوان یک پل می‌بینم. یک پل، مردم را از یک ساحل به ساحل دیگر می‌رساند. کسی روی پل خانه نمی‌سازد. شما از روی آن عبور می‌کنید و آنوقت است که پل، مهم‌ترین وظیفه خود را انجام داده است. نقش من این است که کمک کنم دموکراسی ایرانی به سلامت و سربلندی و برای زمانی پایدار و طولانی مستقر شود. اگر بتوانم این کار را انجام دهم، وظیفه خود را ادا کرده‌ام. بنابراین امروز، من نگهبان یک عهد و پیمان هستم؛ و قصد دارم بر این عهد بمانم.»

شاهزاده رضا پهلوی در بخش دیگری از این سخنرانی گفت: «ما ایرانیان وارثان تمدنی هستیم که خود در پایه‌گذاری آرمان‌های حقوق بشر، آزادی‌های فردی و کرامت انسانی پیشگام بوده است. اما آن تمدن، میهن ما و ملت ما، توسط یک غاصب غیرمشروع به گروگان گرفته شده که نه تنها با آن آرمان‌ها مخالف است، بلکه از آنها متنفر است. جمهوری اسلامی دولت مشروع ایران نیست، بلکه نقطه مقابل هر آن چیزی است که ایران و ایرانیان نماد آن هستند.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین با اشاره به اینکه جهان همواره به جمهوری اسلامی امتیاز داده و ایرانیان نیز سال‌هاست در چندین مرحله اعتراضات سراسری به خیابان آمدند و با سرکوبی خونین روبرو شدند، گفت: «بنابراین با درد فراوان و قلبی اندوهگین بود که به این نتیجه رسیدیم که فشار نظامی بر ماشین سرکوب رژیم، شاید تنها راه باقیمانده برای تضعیف آن و دادن یک شانس منصفانه به مردم ایران باشد. مردم ایران این حق را داشتند که مورد محافظت قرار گیرند، و جهان در مواجهه با کشتاری در ابعاد غیرقابل توصیف، مسئولیت داشت که از آنها محافظت کند. چرا؟ چون چاره دیگری نداشتیم. چون مردم به خیابان‌ها رفتند آنهم در حالی که خود را برای برخوردی شدید آماده کرده بودند، اما آنچه با آن مواجه شدند یک سلاخی بود؛ یک قتل‌عام!»

رهبر انقلاب شیروخورشید با تأکید بر اینکه «ما به این مداخله بشردوستانه نیاز داشتیم و بابت آن پوزش نمی‌طلبیم»، توضیح داد که مردم معترض «از خود فیلم گرفتند در حالی که عینک شنا، شال‌گردن و ماسک پوشیده بودند. آنها برای گاز اشک‌آور آماده بودند. آنها آماده بودند تا مقاومت کنند و برای آزادی خود بجنگند. آنها نه تنها آماده بودند، بلکه به این آمادگی خود افتخار می‌کردند. ویدیوهایی ضبط می‌کردند و برای دوستانشان می‌فرستادند تا آنها را نیز برای آمدن به خیابان‌ها ترغیب کنند، و برای رسانه‌ها می‌فرستادند تا صدایشان باشند. اما آمادگی آنها حریف کلاشنیکف‌ها نشد. حریف شلیک به سر و اندام‌های حساس آنان نشد. حریف قطع کامل اینترنت نشد. آمادگی آنها حریف یک حمله همه‌جانبه به سبک نظامی علیه معترضان بی‌گناه نشد که منجر به کشتار ۴۰،۰۰۰ نفر از آنان در ۴۸ ساعت گردید.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین بار دیگر بر چهار اصل خود به عنوان مبنای همکاری در مبارزات تأکید کرد: تمامیت ارضی ایران؛ آزادی‌های فردی و برابری در برابر قانون؛ آزادی وجدان و عقیده با جدایی دین از حکومت؛ آزادی انتخاب و حق ملت ایران برای تعیین شکل حکومت خود و نظام سیاسی آینده کشور.او افزود: «لطفاً توجه کنید که چه چیزی در این لیست نیست. هیچ نامی، هیچ حزبی، هیچ سیستم حکومتی در آن نیست، زیرا همه آن انتخاب‌ها متعلق به مردم است. من این حق را از آنها نخواهم گرفت؛ و به دیگران نیز اجازه این کار را نخواهم داد. این چهار اصل، برنامه یک جریان سیاسی نیست. این پلتفرم همکاری دموکراتیک است که یک ملت می‌تواند به آن اتکا کند.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین از مقامات و فعالان حقوق بشر آلمان خواستار تلاش برای کمک به مبارزات ایرانیان در چهار محور «عدالت در شناسایی مقامات و سرکوبگران جمهوری اسلامی»، «برقراری ارتباطات و اینترنت برای دسترسی ارتباط با جهان»، «عدم توافق با جمهوری اسلامی» و «حفاظت از ایرانیان و فعالان اپوزیسیون ساکن آلمان» شد.

در این مراسم همچنین بیژن جیرسرایی، سخنگوی سیاست خارجی حزب دموکرات آزاد آلمان (FDP)، سخنرانی کرد. او مردم ایران را شایسته دریافت این جایزه دانست و گفت: «مردم ایران دهه‌هاست که برای آزادی مبارزه می‌کنند و به همین دلیل شایسته دریافت جایزه آزادی بنیاد فریدریش نائومان هستند.»

بیژن جیرسرایی افزود: «آزادی ارزشی جهانی است و مردم ایران فقط برای دستیابی به کشوری آزاد، دموکراتیک و مبتنی بر حاکمیت قانون مبارزه نمی‌کنند، بلکه مبارزه آنها برای آزادی در سراسر جهان است.»

وی ادامه داد: «حکومتی که شمار زیادی از مردم خود را به قتل می‌رساند و مشکلات گسترده‌ای برای جهان ایجاد می‌کند، نباید از سیاست مماشات اروپا بهره‌مند شود.»

ماری‌آگنس اشتراک- تسیمرمان، رئیس کمیته امنیت و دفاع پارلمان اروپا، نیز از دیگر سخنرانان این مراسم بود. او با اشاره به کشتار خونین مردم بی‌دفاع در جریان اعتراضات خیابانی گفت: «وقتی هزاران نفر در خیابان‌های ایران کشته می‌شوند، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باید در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار بگیرد.»

رئیس کمیته امنیت و دفاع پارلمان اروپا افزود: «بقای جمهوری اسلامی به ایجاد ترس و وحشت در داخل ایران و فراموش شدن آنچه در این کشور می‌گذرد در خارج از مرزها وابسته است؛ اما ما نمی‌خواهیم مردم ایران را فراموش کنیم.»

وی تأکید کرد: «دولت فدرال آلمان باید حمایت بیشتری از مبارزه مردم ایران برای آزادی به عمل آورد و این موضوع باید فراتر از اختلافات حزبی و جناحی باشد و همه جریان‌های سیاسی می‌بایست برای حمایت از مردم ایران همکاری کنند.»

همزمان با برگزاری این مراسم هزاران ایرانی از شهرهای مختلف اروپا و دیگر کشورهای جهان در فرانکفورت حاضر شدند تا از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران حمایت کنند.

تجمع ایرانیان از ساعت ۸ صبح در میدان رومربرگ در مرکز شهر فرانکفورت آغاز و از ساعت ۱۴ تا ۹ شب در «اوست پارک» ادامه خواهد یافت. پیشتر محل دیگری برای برگزاری تجمع ایرانیان اعلام شده بود اما پلیس آلمان به علت پیش‌بینی حضور جمعیت زیاد، محل برگزاری تجمع را به «اوست پارک» منتقل کرد.همچنین در روز شنبه هفتم نوامبر و همزمان با برگزاری اهدای جایزه «آزادی» ۲۰۲۶ بنیاد فریدریش نائومان، ایرانیان در چند کشور دیگر از جمله استرالیا و ژاپن در حمایت از انقلاب ملی شیروخورشید تجمع کردند.

دیدار شاهزاده رضا پهلوی و تئو فرانکن وزیر دفاع بلژیک در «آکادمی نظامی سلطنتی»



دیدار تئو فرانکن و شاهزاده رضا پهلوی

وزیر دفاع بلژیک روز جمعه ۱۵ آبان ۱۴۰۵ در مراسم استقبال از شاهزاده رضا پهلوی در «آکادمی نظامی سلطنتی» این کشور، با اشاره به اهمیت تحولات ایران و خاورمیانه، تأکید کرد که سخنان و دیدگاه‌های شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند در شناخت آینده منطقه و ایران اهمیت ویژه‌ای داشته باشد.

نشست شاهزاده رضا پهلوی با مقامات بلژیک در «آکادمی نظامی سلطنتی» در شرایط امنیتی ویژه برگزار شد و خبرنگاران اجازه ورود به این محل را نداشتند.

تئو فرانکن با اشاره به تلاش جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری این نشست گفت که تهران حتی با اعمال فشار و تهدید، تلاش کرده است مانع گفتگو درباره آینده ایران در یک نهاد نظامی و دانشگاهی بلژیک شود.

او همچنین با معرفی شاهزاده رضا پهلوی به عنوان یکی از برجسته‌ترین صداهای مخالف جمهوری اسلامی، از دیدگاه او درباره تشکیل یک حکومت ملی و واگذاری انتخاب نظام سیاسی آینده به مردم ایران از طریق انتخابات آزاد و عادلانه سخن گفت.

وزیر دفاع بلژیک روز جمعه ۱۵ آبان ۱۴۰۵ (۶ نوامبر ۲۰۲۶) در مراسم استقبال از شاهزاده رضا پهلوی در «آکادمی نظامی سلطنتی» این کشور، با اشاره به اهمیت تحولات ایران و خاورمیانه، تأکید کرد که سخنان و دیدگاه‌های شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند در شناخت آینده منطقه و ایران اهمیت ویژه‌ای داشته باشد.

نشست شاهزاده رضا پهلوی با مقامات بلژیک در «آکادمی نظامی سلطنتی» در شرایط امنیتی ویژه برگزار شد و خبرنگاران اجازه ورود به این محل را نداشتند.

تئو فرانکن با اشاره به تلاش جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری این نشست گفت که تهران حتی با اعمال فشار و تهدید، تلاش کرد تا مانع گفتگو درباره آینده ایران در یک نهاد نظامی و دانشگاهی بلژیک شود.

وزیر دفاع بلژیک این رفتار را نشانه ماهیت سرکوبگر جمهوری اسلامی دانست و تأکید کرد که این حکومت نه‌تنها می‌خواهد اراده خود را بر مردم ایران تحمیل کند، بلکه در پی اعمال نفوذ و فشار در خارج از مرزهای خود نیز هست.

فرانکن همچنین با معرفی شاهزاده رضا پهلوی به عنوان یکی از برجسته‌ترین صداهای مخالف جمهوری اسلامی، از دیدگاه او درباره تشکیل یک حکومت ملی و واگذاری انتخاب نظام سیاسی آینده به مردم ایران از طریق انتخابات آزاد و عادلانه سخن گفت.

وزیر دفاع بلژیک در پایان، با اشاره به شعری از حافظ، درباره امید مردم ایران به پایان سرکوب و طلوع آزادی صحبت کرد و حضور شاهزاده رضا پهلوی در این آکادمی را مایه افتخار دانست.

شاهزاده رضا پهلوی پس از دیدار و گفتگوی سه روزه با مقامات بلژیک در شهر بروکسل، به فرانکفورت در آلمان خواهد رفت تا در روز ۱۶ آبان (هفتم نوامبر) جایزه آزادی به ملت ایران را از «بنیاد فریدریش نائومان» به امانت دریافت کند. ایرانیان که به همین مناسبت تظاهرات بزرگی را در این شهر تدارک دیده‌اند، ابتدا از صبح در برابر «کلیسای پائول»، محل مراسم اهدای این جایزه، تجمع خواهند کرد و سپس به محل تعیین‌شده برای تظاهرات خواهند رفت.

متن کامل سخنان شاهزاده رضا پهلوی در مراسم اهدای جایزه «آزادی» به ملت ایران: دیکتاتوری‌ها اینگونه به پایان می‌رسند: به آرامی، و ناگهان یکباره!

شاهزاده رضا پهلوی با مقایسه مبارزات دو ملت ایران و آلمان برای رسیدن به آزادی و دموکراسی با اشاره به نقش تاریخی «کلیسای پائول» در شکل گرفتن دموکراسی در این کشور، گفت: «این عمارت درسی می‌دهد که مستبدان هرگز یاد نمی‌گیرند: ایده‌های سال ۱۸۴۸ شکست نخوردند. آنها در ذهن انسان‌های آزاد زنده ماندند. و پس از تاریک‌ترین فصل در تاریخ این کشور، در قانون اساسی سال ۱۹۴۹ بازگشتند؛ قانونی که با این عبارت آغاز می‌شود که «کرامت انسانی خدشه‌ناپذیر است». شما آزادی را فراموش نکردید. خب، ما هم فراموش نکرده‌ایم! ملت ایران سال ۱۲۸۵ و مشروطه را فراموش نکرده است.»

«ایده مشروطه‌خواهی، یعنی ایده که قدرت سیاسی باید در چارچوب قانون اساسی اعمال شود و توسط قوانینی ناشی از آن و اراده مردم اداره گردد، امروز در ایران زنده است: این ایده در وجود هر زن جوانی که بدون حجاب اجباری از کنار یک ایست بازرسی عبور می‌کند، زنده است؛ در وجود هر کارگری که دست به اعتصاب می‌زند، زنده است؛ در وجود هر دانشجویی که از سکوت امتناع می‌ورزد، زنده است، و در وجود هر جوان و نوجوانی که به خیابان می‌آید، زنده است.»

«هیچکس برای بمب‌ها شادی نمی‌کند. آنچه آنها برایش شادی کردند، امید به ضعیف شدن زندانبانان و اشغالگران کشورشان بود. ایرانیان خواستار هدف قرار گرفتن رژیم شدند: سپاه پاسدارانش، ابزارهای سرکوبش، و دستگاهی که تفنگ‌هایش را به سمت مردم ما نشانه می‌رود. ما خواستار مصون ماندن مردم ایران و زیرساخت‌های غیرنظامی آن هستیم. هر ایرانی بی‌گناهی که در این جنگ از دست برود، اندوهی است که من با خود حمل می‌کنم، و مسئولیت آن بر عهده رژیمی است که این جنگ را بر کشور ما تحمیل کرد.»

«بگذارید شفاف بگویم: فشار از بیرون می‌تواند این رژیم را تضعیف کند. این امر ضروریست. اما نمی‌تواند جایگزین آن شود، و نباید سعی کند انتخاب کند که بعد از آن چه می‌آید! این تصمیم تنها و تنها متعلق به مردم ایران است... مشروطه‌خواهان ۱۲۸۵؛ دانشجویان سال ۱۳۷۸؛ جوانانی که در سال ۱۳۸۸ پرسیدند «رای من کجاست؟» مردم از همه ادیان، زبان‌ها و پیشینه‌ها که در سال ۱۳۹۵ و سال‌های بعد از آن در آرامگاه کوروش بزرگ گرد آمدند... کارگران، معلمان و رانندگان کامیونی که دست به اعتصاب زدند و کشور را در اعتراضات سراسری سال‌های ۹۶ و ۹۸ هدایت کردند. زنانی که خیزش سال ۱۴۰۱ را رهبری کردند. و میلیون‌ها زن و مردی که در دی‌ماه [۴۰۴] خیابان‌ها را پر کردند. پنج نسل، یک خواسته: اینکه ایرانیان خود بر خویشتن حکومت کنند!»

مردم ایران آمادگی خود را برای دموکراسی «هربار که بدون سلاح به سمت مردان مسلح به مسلسل حرکت می‌کنند، ثابت می‌کنند. آنها این را زمانی ثابت می‌کنند که در کشوری بدون اتحادیه‌های آزاد، اعتصابات را سازماندهی می‌کنند و حقیقت را در کشوری بدون مطبوعات آزاد نشر می‌دهند. و در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، آنها بهای این پاسخ را با جان خود پرداختند. ملتی که حاضر است برای حق رأی بمیرد، آماده نیز هست تا حق رأی خود را اعمال کند! ملتی که می‌تواند در برابر گلوله‌ها در کنار هم بایستد، می‌تواند در پای صندوق‌های رای نیز در کنار هم بایستد!»



سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در مراسم اهدای جایزه «آزادی» بنیاد فریدریش نائومان به ملت ایران / آلمان/ فرانکفورت/ ۷ نوامبر ۲۰۲۶

شاهزاده رضا پهلوی، رهبر انقلاب شیروخورشید ایران، روز شنبه هفتم نوامبر ۲۰۲۶ برابر با ۱۶ آبان ۱۴۰۵ در «کلیسای پائول» واقع در شهر فرانکفورت آلمان جایزه «آزادی» ۲۰۲۶ بنیاد فریدریش نائومان به ملت ایران را به امانت دریافت کرد تا آن را پس از سقوط جمهوری اسلامی و در ایران آزاد به نمایندگان منتخب مردم بسپارد. وی در فضایی پرشور و احساسات و در مقایسه‌ای که بیانگر وضعیت مردم ایران و ایستادگی آنها، عین مردم آلمان، در مبارزه برای آزادی و دموکراسی است، به مسئولیت و وظیفه اخلاقی کشورهای غربی نیز پرداخت و آنها را فرا خواند تا با حمایت از ملت ایران، از آزادی و امنیت خود نیز محافظت کنند.

متن کامل سخنان شاهزاده را در ادامه می‌خوانید.

«خانم‌ها و آقایان،
اعضای محترم هیئت امنای بنیاد فریدریش نائومان،
نمایندگان پارلمان،
اعضای شورای شهر فرانکفورت،
مهمانان عالیقدر،
دوستان آلمانی و هم‌میهنان عزیزم،

و خطاب به هموطنانم اعم از شما که در این سالن حضور دارید و شما که در ایران این برنامه را تماشا می‌کنید؛ از هر گوشه‌ای از میهن زیبایمان که سانسور رژیم را دور زده‌اید تا امروز در اینجا همراه ما باشید.

راستش این لحظه‌ای بس فرازمند و افتخاری بزرگ برای من است که از من خواسته شده تا این جایزه معتبر آزادی را به نمایندگی از هم‌میهنان شجاعم دریافت کنم. وقتی بنیاد فریدریش نائومان از من خواست تا این جایزه را تحویل بگیرم، کلمات خود را با دقت انتخاب کرد. از من خواسته شد که این جایزه را به عنوان «امانت» از طرف میلیون‌ها نفر نگاه دارم. و من دقیقاً با همین شرط پذیرفتم که آن را قبول کنم؛ چرا که این واژه، چیزی فراتر از نقش امروز صبح مرا توصیف می‌کند. این کلمه، نقش مرا در این فصل از تاریخ ایران ترسیم می‌کند.

یک امانتدار، چیز بسیار باارزشی را که متعلق به شخص دیگری است، نگاه می‌دارد. او از آن نگاهبانی می‌کند. محافظت می‌کند. آن را خرج نمی‌کند. و وقتی زمانش فرا برسد، آن را صحیح و سالم بازمی‌گرداند. این همان کاری است که من با این جایزه خواهم کرد. من این جایزه را تنها به صورت موقت نگاه می‌دارم، و درواقع، نه برای مدتی طولانی؛ تا روزی که معتقدم آن روز بسیار نزدیک‌تر از آن است که رژیم رو به زوال آخوندی بخواهد اعتراف کند، این جایزه را در دستان صاحبان اصلی‌اش، یعنی ملت ایران، قرار خواهم داد. نه در خاک غربت، بلکه در پایتخت خودمان، تهران.

این جایزه همچنین متعلق به برخی از افرادی است که امروز در این اتاق حضور دارند: خانواده‌های کسانی که جان خود را در راه آزادی فدا کردند. ۴۷ سال است که با ایران مانند خانه‌ای رفتار شده که ساکنان و صاحبانش، یا از خانه خود بیرون رانده شده‌اند و یا درون آن به اسارت درآمده‌اند. کلیدها در سال ۱۳۵۷ از مردم گرفته شد. وظیفه من این است که به پس گرفتن این کلیدها کمک کنم و آنها را به تنها صاحب برحق آنها، یعنی ملت ایران، بازگردانم.

من بارها گفته‌ام که نقش خود را به عنوان یک «پل» می‌بینم. یک پل، مردم را از یک ساحل به ساحل دیگر می‌رساند. کسی روی پل خانه نمی‌سازد. شما از روی آن عبور می‌کنید و آنوقت است که پل، مهم‌ترین وظیفه خود را انجام داده است. نقش من این است که کمک کنم دموکراسی ایرانی به سلامت و سربلندی و برای زمانی پایدار و طولانی مستقر شود. اگر بتوانم این کار را انجام دهم، وظیفه خود را ادا کرده‌ام. بنابراین امروز، من نگهبان یک عهد و پیمان هستم؛ و قصد دارم بر این عهد بمانم.

ادامه در صفحات ۵۴ تا ۵۶

چرا رژیم جمهوری اسلامی نمی‌تواند با همسایگان خود روابط عادی و صلح‌آمیز داشته باشد



پاسخ این پرسش اساساً در این واقعیت نهفته است که با حاکمیتی روبرو هستیم که به برداشت سیاسی خود صفت تقدس بخشیده و سپس از مردم خود و جوامع دیگر خواسته است هزینه تحقق این پروژه ناممکن را تحمل کنند. به این ترتیب، عقب‌نشینی از مجموعه این سیاست‌ها، مشروعیت صاحبان قدرت را زیر سؤال می‌برد و بازنگری در نتایج آن به اعتراضی علیه ایدئولوژی حاکم تبدیل می‌شود.

جمهوری اسلامی این معضلی نیست که با توافق آتش‌بس یا مذاکرات طولانی، هرچند ضروری باشند، حل شود. این مسئله‌ای است که باید برای آن راه حلی خارج از چارچوب‌های معمول جستجو کرد!

تهدید کشورهای همسایه یا مختل کردن تجارت جهانی چگونه می‌تواند به بهبود زندگی یک خانواده یمنی کمک کند؟ این پرسشی عملی است که شعارها پاسخی برای آن ندارند.

چرا این پروژه با وجود هزینه‌های سنگین همچنان ادامه دارد؟ زیرا اعتراف به شکست آن، پرونده‌هایی را باز می‌کند که فراتر از شرایط کنونی هستند. صاحبان این پروژه باید درباره پول‌هایی که هزینه شده، فرصت‌هایی که از دست رفته و دلایل مقدم دانستن رویارویی بر توسعه و پیشرفت پاسخ دهند. در اطراف آنان نیز افرادی هستند که نگران‌اند بازنگری در این سیاست‌ها جایگاه و موقعیت‌شان را از آنان بگیرد.

محمد الرمیحی (الشرق الاوسط) – چرا پذیرش شکست پروژه منطقه‌ای برای رژیم تهران دشوار است؟ و چرا این نظام تقریباً با تمام جهان، نه فقط با همسایگانش، چه به صورت مستقیم و چه از طریق نیروهای نیابتی درگیر جنگ است؟

به باور من، پاسخ این پرسش اساساً در این واقعیت نهفته است که با حاکمیتی روبرو هستیم که به برداشت سیاسی خود صفت تقدس بخشیده و سپس از مردم خود و جوامع دیگر خواسته است هزینه تحقق این پروژه ناممکن را تحمل کنند. به این ترتیب، عقب‌نشینی از مجموعه این سیاست‌ها، مشروعیت صاحبان قدرت را زیر سؤال می‌برد و بازنگری در نتایج آن به اعتراضی علیه ایدئولوژی حاکم تبدیل می‌شود.

این معضلی نیست که با توافق آتش‌بس یا مذاکرات طولانی، هرچند ضروری باشند، حل شود. این مسئله‌ای است که باید برای آن راه حلی خارج از چارچوب‌های معمول جستجو کرد!

رهایی اندیشه از قیمومیت نهاد کلیسا یکی از پایه‌های پیشرفت دنیای غرب بود. رویارویی با کلیسا به تنهایی موجب رنسانس غرب نشد؛ تجارت، آموزش و تحولات سیاسی نیز در این مسیر نقش داشتند و افراد مؤمن هم در توسعه دانش مشارکت کردند. اما به دست آوردن حق نقد تفسیرهای روحانیون، افق گسترده‌ای از تغییر را پیش روی جهان گشود. از آن پس امکان آزمودن دیدگاهی که از سوی یک روحانی مطرح می‌شد و رد آن در صورت مخالفت با شواهد، عقل و منافع عمومی فراهم شد. دیگر چنین نبود که تصور شود صاحب منصب دینی لزوماً پاسخ نهایی مسائل جامعه، طبیعت و روابط بین‌الملل را در اختیار دارد!

البته این تحول به‌آسانی تحقق نیافت. گالیله مجبور شد از دفاع خود درباره حرکت زمین عقب‌نشینی کند و پس از محاکمه در سال ۱۶۳۳، باقی عمرش را تحت حصر خانگی گذراند. او بهای به چالش کشیدن تفسیری را پرداخت که مورد حمایت یک قدرت دینی بانفوذ بود. اهمیت این نمونه در آن است که دانش برای پیشرفت به شجاعتی نیاز داشت که از حق پرسشگری دفاع کند. زیرا اعتراض به تفسیر رایج، جایگاه نهادی را که انحصار آن تفسیر را در اختیار داشت تهدید می‌کرد و نشان می‌داد که نفوذ و قدرت یک نهاد، لزوماً احکام آن را به حقیقت تبدیل نمی‌کند.

امروز در ایران، با وجود تفاوت دوران‌ها، با مشکل دیگری روبرو هستیم: مصونیت بخشیدن به اجتهاد و برداشت انسانی تحت عنوان دین. نظام جمهوری اسلامی بر اصل ولایت فقیه استوار است و جاه‌طلبی آن از اداره کشور فراتر رفته و با عناوین مختلف، تأثیرگذاری بر جوامع کشورهای همسایه را نیز دنبال می‌کند. در چنین شرایطی، تصمیم‌های مربوط به صلح و جنگ در چارچوب گفتمانی اعتقادی قرار می‌گیرند که برای باورمندان به آن، پذیرش پاسخگویی و محاسبه‌پذیری آنان دشوار می‌شود. کسی که درباره فایده و نتیجه این پروژه سؤال می‌کند، بجای دریافت پاسخ، وادار می‌شود وفاداری و حتی زندگی خود را توجیه کند!

به باور من، این پروژه هرگز نمی‌تواند برای جوامع متنوع منطقه ثباتی قابل قبول ایجاد کند، اگر شرط آن، تابع کردن تصمیم‌های این جوامع از مرجعی خارج از مرزهای سرزمین‌شان باشد. آنچه در یمن و لبنان اتفاق می‌افتد، نمونه همین وضعیت است. ممکن است چنین پروژه‌ای با استفاده از سلاح بتواند نفوذ را تحمیل کند و حتی هوادارانی در داخل این کشورها به دست آورد، اما نمی‌تواند این نفوذ را به رضایت و پذیرش ملی تبدیل کند. مردم لبنان یا یمن خواهان دولتی هستند که از حقوق‌شان حمایت کند و در عین حال حق اعتراض به آن دولت را نیز داشته باشند.

در لبنان، این بن‌بست به‌روشنی دیده می‌شود. حزب‌الله سلاح و جایگاه خود را به پروژه رژیم ایران پیوند زده و اکنون بحث درباره تصمیم به جنگ، با محاسباتی گره خورده است که فراتر از منافع لبنان قرار دارند. جامعه لبنان هزینه این پیوند را در امنیت خود می‌پردازد، در حالی که پرسش درباره مسئولیت‌پذیری همچنان با اتهام‌زنی مواجه می‌شود. به همین دلیل محکوم کردن حملات اسرائیل، حزب الله لبنان را از پاسخگویی و حساب پس دادن معاف نمی‌کند. هرکس تصمیم می‌گیرد کشورش را در معرض جنگ قرار دهد، باید در برابر شهروندانش درباره تصمیم زیانبار خود پاسخگو باشد.

یمن نیز نمونه دیگری از الگوی حزب‌الله است. البته این جنبش محاسبات و اهداف داخلی خود را دارد، اما حمایت جمهوری اسلامی ایران را وسیله‌ای برای گسترش توان نظامی و نفوذ خود یافته است. مشکل اینجاست که از مردم یمن خواسته می‌شود پیامدهای تصمیم‌های منطقه‌ای را تحمل کنند؛ تصمیم‌هایی که بر نیاز اساسی آنان برای بازسازی دولت و کشورشان اولویت پیدا کرده‌اند. تهدید کشورهای همسایه یا مختل کردن تجارت جهانی چگونه می‌تواند به بهبود زندگی یک خانواده یمنی کمک کند؟ این پرسشی عملی است ←

که شعارها پاسخی برای آن ندارند.

وجه مشترک این دو وضعیت، مقدم دانستن پروژه یک گروه بر حق جامعه برای تعیین سرنوشت خویش است. البته این سخن به معنای مسئول دانستن مردم ایران در قبال تصمیمات زمامداران کشورشان نیست. همچنین به معنای تقلیل دادن شیعیان لبنان به یک حزب یا مردم یمن به یک گروه مسلح نیست. درون این جوامع، منافع و دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد، اما حزب و گروه و حکومت، این تنوع را نادیده می‌گیرند و سپس روایت خود را در عرصه بین‌المللی به عنوان تنها صدای آن جوامع معرفی می‌کنند.

چرا این پروژه با وجود هزینه‌های سنگین همچنان ادامه دارد؟ زیرا اعتراف به شکست آن، پرونده‌هایی را باز می‌کند که فراتر از شرایط کنونی هستند. صاحبان این پروژه باید درباره پول‌هایی که هزینه شده، فرصت‌هایی که از دست رفته و دلایل مقدم دانستن رویارویی بر توسعه و پیشرفت پاسخ دهند. در اطراف آنان نیز افرادی هستند که نگران‌اند بازنگری در این سیاست‌ها جایگاه و موقعیت‌شان را از آنان بگیرد.

به همین دلیل، اعتقادات و منافع با یکدیگر درهم می‌آمیزند و هر شکست به شکلی تفسیر می‌شود که زمامداران را از مسئولیت معاف کند. کافیست سازمان همچنان پابرجا بماند تا آن را موفقیت بنامند؛ حتی اگر توانایی جامعه برای زندگی و ادامه حیات کاهش یافته باشد.

اینجاست که مسئولیت روشنفکران مطرح می‌شود. آنچه ضرورت دارد، به چالش کشیدن این ادعاست که سیاست به دلیل برخورداری از پوشش دینی، خود به خود درست و مشروع است. معیار باید نتایجی باشد که برای مردم به دست آمده است. نیازی نیست تاریخ اروپا را عیناً تکرار کنیم یا با ایمان و اعتقادات افراد دشمنی داشته باشیم. آنچه نیاز داریم، همان شجاعتی است که حق بازنگری و نقد اندیشه‌ها را به رسمیت شناخت و همچنین حمایت از کسانی که از این حق استفاده می‌کنند.

جامعه‌ای که از پرسشگری می‌ترسد، قادر به اصلاح اشتباهات خود نخواهد بود و سرنوشت خود را به دست صاحبان قدرتی می‌سپارد که تعیین می‌کنند مردم تا چه اندازه اجازه دارند درباره آینده خود بدانند.

ممکن است مذاکرات بتوانند از وقوع جنگی تازه جلوگیری کنند و ممکن است جنگی ویرانگر رخ دهد و دامنه آن گسترش یابد؛ اما صلح پایدار نیازمند بازنگری در پروژه‌ای است که دخالت در سرزمین دیگران را توجیه می‌کند.

تهران باید بپذیرد که جاه‌طلبی‌هایش به آن حق قیمومیت و سلطه بر دیگران را نمی‌دهد و لبنان، یمن و سایر کشورها، سرزمین‌هایی متعلق به مردم خودشان هستند.

پذیرش این حقیقت می‌تواند به ایران آینده، چه از مسیر مذاکره و چه پس از جنگ، این فرصت را بدهد که به کشوری عادی تبدیل شود؛ کشوری که با همسایگان خود بر اساس منافع متقابل رابطه برقرار می‌کند و به ملت‌های منطقه نیز فرصت می‌دهد از رویارویی‌ای که خود انتخاب نکرده‌اند، خارج شوند.

این امر مستلزم پذیرش تکثر و تنوع در داخل کشور، پایبندی به نهادهای قانونی و توقف مسلح کردن گروه‌هایی است که برای تحمیل اراده خود بر دیگران به کار گرفته می‌شوند.

سخن پایانی این بحث این است که تقدس‌بخشیدن به یک ادعا، شکست‌های آن را برطرف نمی‌کند.

***منبع: روزنامه الشرق الأوسط**
***نویسنده: دکتر محمد الرمیحی پژوهشگر و استاد جامعه‌شناسی سیاسی در دانشگاه کویت**
***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

بازنشر

اکسیر اعظم!

(کیهان لندن شماره ۱۲۵۲ - اردیبهشت ماه ۱۳۸۸)

خیراندیش (احمداحرار)



همان روزها که لندن مهیای پذیرایی از میهمانان کنفرانس G۲۰ می‌شد تا برای خروج از بحران و تجدید رونق اقتصاد جهانی چاره‌اندیشی کنند، در تهران نیز پرزیدنت دکتر محمود احمدی‌نژاد چشم به‌راه پرزیدنت هوگو چاوز بود تا متفقاً کنفرانس G۲ را تشکیل دهند و با تلفیق آموزه‌های اقتصاد فقاهتی و مارکسیستی، بر تصمیمات G۲۰ فاتحه بخوانند و راه واقعی خروج از بحران را به‌روی جهانیان بگشایند.

در همین حال، علمای اعلام و فقهای عظام در حوزهٔ علمیه نامه‌ای را که رونوشت آن برای تعدادی از اقتصاددانان ارسال شده بود، به‌امضای دکتر احمدی نژاد دریافت داشتند.

پرزیدنت که دو روز پیش از آن گفته بود «همه بشریت و دلسوزان باید نابودی اقتصاد به‌اصطلاح مدرن و به‌پایان رسیدن اندیشهٔ لیبرالی را جشن بگیرند» در نامهٔ ارسالی از روحانیون می‌خواست بشریت را در این فرصت استثنائی راهنمایی کنند و بگویند نقطهٔ اتصال ارزشهای دینی با تولید و مصرف کجاست و «ردّ پای ربا و توجیه مال حرام در مقررات و مدل‌ها و رفتار اقتصادی فعلی و راهکار شناسایی و مقابله با آن کدام است».

در نامه، همچنین سؤال شده بود که «اقتصاد مبتنی بر انگیزه‌های مادی آیا می‌تواند جوابگوی اقتصاد متعادلی مبتنی بر پیشرفت، عدالت، کرامت انسانی و فضایل اخلاقی با ارزشهای الهی باشد؟»

به سؤال، البته در متن نامه پاسخ داده شده است: «بحران مالی اخیر نشان داد که اقتصاد سرمایه‌داری قادر به حل مشکلات نیست. این راه به‌پایان رسیده و یک مرده قطعی را با تنفس‌های مصنوعی نمی‌توان زنده کرد. به‌همین دلیل، وقت آن است که با نگاهی مجدد به راه طی شده، مبانی علمی و نظری اقتصاد سالم، پویا و پایدار که در خدمت برادری، صلح و عدالت باشد را طرح‌ریزی کنیم».

اقتصاد مارکسیستی پس از هفتاد سال تجربه در نیمی از جهان نتوانست محصول مورد نظر را به‌بار آورد، اقتصاد توحیدی هم که نخستین رئیس جمهوری اسلامی وعده می‌داد همراه با خود او از دستور خارج شد، اما تلفیق این دو و پروژه مبتکرانهٔ اقتصاد توحیدی ـ مارکسیستی که هم خدا و هم خرما را در بر می‌گیرد براستی «اکسیر اعظم» است.

حاج میرزا مهدی تبریزی در «لطائف شکوهی» می‌نویسد:

روزی شخصی گفت به‌جهت ده تومان معطلی کلی دارم. گفتم دعایی به تو بیاموزم که فردا پول به‌گیرت آید. خوشحال شد. گفتم امشب تا صبح احیا کرده بعد از نماز صبح، صد مرتبه آیت‌الکرسی و صد مرتبه انّا انزلنا و صد مرتبه قل‌هوالله بخوان، بعد از اتمام که آفتاب برآمد مجموعهٔ مسی دو زوج و سر قلیان نقره یک زوج از خانه برداشته به‌همراهی من می‌رویم پیش صرافی که آن را گرفته با مرابحه پول قرض می‌دهد. خندید و گفت اگر در آن صرافی پول موجود نبود و یا این که نداد چه باید کرد؟ گفتم می‌بریم در بازار می‌فروشیم و منّت چنان ناکسان را نمی‌کشیم. گفت به‌جان تو به هیچکس تعلیم مکن که اکسیر اعظم است!

بازنشر

نقشه ترور شاه چگونه تهیه شد

عبدالله ارگانی آنچه را که بین او و فخرآرائی و کیانوری گذشته بود در تبعیدگاه خارك برای من حکایت کرد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ -از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.

این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند.

مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه یك زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به‌عنوان افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هواپیمای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس ازآن به خاك عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹ به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها ــ ابوالحسین تفرشیان ــ ابرام شد و چهار نفر ــ ازجمله مرتضی زربخت ــ مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را بازیافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید.

گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می‌خوانید...

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی(۱۹)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران ــ برلین



احمدی: قبل از پرداختن به این موضوع، یك پرسش حاشیه‌ای دارم. شما تا کنون در چند جا از عبدالله ارگانی که با شما در این مدت در زندان قصر و خارك بود، نام بردید. آیا شما از زبان او مطالبی را مربوط به ترور شاه، در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ شنیدید که بتواند روشنگر واقعیت درست این جریان باشد؟

زربخت: ما وقتی در سال ۱۳۲۹ محکوم شدیم و به زندان شماره ۲ قصر فرستاده شدیم، رهبران حزب توده را هم از تبعید جنوب به آنجا آورده بودند. از متهمین ۱۵ بهمن، ارگانی، حداد، حسن‌زاده، محبی و اشتری هم بودند. ارگانی و حداد حبس ابد بودند، سه نفر دیگر، محکومیت‌های کمتری داشتند که بعدها آزاد شدند. حداد اصلاً توده‌ای نبود، او فقط بچه محل و دوست ناصر فخرآرایی ضارب شاه بود. البته، بعداً حداد در زندان توده‌ای شد. محبی و اشتری هم هیچگونه گرایشی به حزب توده نداشتند، فقط بچه محل و دوست ناصر فخرآرایی بودند.

در دوره زندان قصر و جزیره خارك، روابط من با ارگانی خیلی صمیمانه و از جهات فکری هم به یکدیگر نزدیك بودیم. اواخر سال ۱۳۳۴ و اوایل سال ۱۳۳۵ تعداد زندانیان باقی مانده در خارك محدود به همان محکومین سابق بود. کسانی که شامل ماده ۵ بودند، به تهران اعزام شده بودند.

هوای کشنده جزیره خارك و کمبود غذا، ارگانی را دچار کم خونی کرده بود. رنگ و رویش به زردی می‌رفت و خودش امیدی نداشت که زنده از جزیره خارك بیرون برود. او یك روز در خلوت مرا خواست و گفت: «من چون امیدی به زنده ماندن و نجات از این جهنم خارك را ندارم، می‌خواهم رازی را برایت بگویم تا مبادا این موضوع در دل تاریخ دفن شود و با خودم به گور برود. حقیقت این است، حادثه ترور شاه توسط ناصر فخرآرایی طرح‌ریزی شد و بوسیله من به تائید کیانوری رسید.» ارگانی در آن روز برایم چنین روایت کرد:

«ناصرفخرآرایی از دوره نوجوانی همکلاس و همبازی من بود. پدرم که وکیل مجلس بود با حائری‌زاده یك باغ بزرگ در آب سردار که شامل دو ساختمان مجزا و یك حیاط کوچك برای باغبان و متعلق به یکی از شاهزادگان قاجار بود، اجاره کرده بودند. ناصر فخرآرایی نوه باغبان پیر آن باغ بود. او تحصیل را ادامه نداد و حتی دیپلم متوسطه را هم نگرفت. اما جوانی بود فرز، شیطان، ماجراجو و در عین حال ورزشکار. حرکات آکروباسی را خوب انجام می‌داد و به همین مناسبت به او می‌گفتیم، «ناصر فنر». بزرگ شدیم. من رفتم دانشکده علوم رشته شیمی، ناصر بعد از مدتی در روزنامه اطلاعات کار می‌کرد. یك گراورسازی هم در خیابان لاله‌زار دایر کرد. پدرم خانه‌ای در خیابان ایران خرید و ما همچنان با هم دوستی داشتیم و روابطمان را با هم حفظ کرده بودیم.

سال ۱۳۲۷ بود، یك روز ناصر به دیدنم آمد و گفت، عبدالله! من موقعیتی بدست آوردم که می‌توانم شاه را ترور کنم. فقط می‌خواستم مطمئن شوم که آیا حزب توده این عمل مرا تائید می‌کند یا خیر؟ هر هفته حوزه حزبی دانشگاه داشتیم و کیانوری در آن موقع مسئول حوزه دانشگاه بود. بعد از خاتمه جلسه حوزه، کیانوری را به کنار کشیدم و موضوع را به او گفتم. کیانوری پس از شنیدن حرفهای من، در پاسخ گفت این موضوع را به هیچکس نگو تا بعد جوابت را بدهم. درجلسه بعدی حوزه و پس از ختم جلسه، کیانوری مرا کنار کشید و گفت به رفیقت بگو اقدام کند و تاکید کرد که این مساله را فقط ما سه نفر می‌دانیم و به هیچکس دیگر نباید گفته شود. من رفتم و به ناصر گفتم و سپس به اتفاق هم رفتیم نزد شخصی به نام موسی که کلیمی و قاچاقچی اسلحه بود که ناصر او را می‌شناخت. از موسی یك طپانچه برونینگ بلژیکی خریدیم به مبلغ ۳۰۰ تومان.

احمدی: ناصر با همین طپانچه در ۱۵ بهمن به سوی شاه شلیك کرد؟

زربخت: اسلحه‌ای که اولین مرتبه ارگانی و ناصر خریده بودند ــ البته اسلحه را خود ناصر پیدا کرده بود ــ برونینگ بود. یکی دوبار به اتفاق به بیابانهای شهر ری رفتند و ناصر برای تمرین و آزمایش اسلحه، تیراندازی کرد ولی

←

گلوله در طپانچه گیر می‌کند. کیانوری ۳۰۰ تومان به ارگانی می‌دهد تا اسلحه دیگری بخرند. این گفته‌های ارگانی مربوط به ۴۰ سال پیش است ولی از بس مرور کرده و تکرار کرده ام، همه جزئیات توی مغزم حك شده است. در هر حال، در دو مورد که مراسمی با حضور شاه انجام می‌شده، ناصر به ارگانی خبر می‌دهد. یك مورد در اصفهان بود که موقعیتی به دست نمی‌آورد. مورد دوم در مراسم چهار آبان، روز تولد شاه که در ورزشگاه امجدیه بود. ارگانی به کیانوری خبر می‌دهد و او اظهار می‌کند، بیا ما هم برای تماشا برویم به ورزشگاه امجدیه. روز چهارم آبان ۱۳۲۷، ارگانی به اتفاق کیانوری به ورزشگاه امجدیه می‌روند. برای تهیه بلیط به گیشه بلیط‌فروشی مراجعه می‌کنند تا برای ورود به ورزشگاه امجدیه بلیط بخرند. به هنگام خرید بلیط، از بلیط فروش می‌پرسند، اعلیحضرت تشریف آورده‌اند؟ بلیط فروش جواب می‌دهد، امروز اعلیحضرت نمی‌آیند و به جای ایشان والاحضرت شاهپور غلامرضا تشریف آورده‌اند. در هر حال، از رفتن به ورزشگاه امجدیه منصرف می‌شوند و هنگام مراجعت، کیانوری می‌گوید: «بخشکی شانس».

مرحله سوم، بعد از ظهر روز ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ است که مصادف است با روز جمعه. در این روز، اعضای حزب توده و شورای متحده برای اجرای مراسم یادبود دکتر ارانی به مزار او در امامزاده عبدالله می‌روند. همین روز، سالگرد افتتاح دانشگاه تهران بود که همه ساله مراسمی با حضور شاه برگذار می‌شده. ناصر فخرآرایی هم در بعد از ظهر آن روز با دوربین عکاسی خود که طپانچه را در آن جاسازی کرده بود به عنوان خبرنگار روزنامه «پرچم اسلام» عازم دانشگاه می‌شود.

ارگانی بعد از مراسم یادبود ارانی به اتفاق عده‌ای از توده‌ای ها با ماشین دودی از حضرت عبدالعظیم به تهران می‌آیند. ارگانی ماجرا را برای من چنین شرح داده: «در گارد ماشین بود که خبر دادند شاه را در دانشگاه ترور کردند و قاتلش را جابجا کشتند و شاه زخمی شد. با عجله خودم را به منزل رساندم. خواهرم گفت، شخصی به نام فخرآرایی به شاه تیراندازی کرده و او را زخمی کرده است. خواهرم نمی‌دانست که فخرآرایی همان ناصر بچه محل و دوست و همکلاسی سابق من است. بعد از ساعتی، درب منزل ما به صدا درآمد. عده‌ای افسر و پاسبان سراغ هادی ارگانی پسرعمو در عین حال شوهر خواهرم ملیحه را می‌گرفتند. هادی که از همه جا بی خبر بود، گفت، من هادی ارگانی هستم. جریان سراغ گرفتن هادی ارگانی این بوده که: پس از کشته شدن ناصرفخرآرایی، مامورین درجیب او کارت خبرنگاری و عکاس روزنامه پرچم اسلام را پیدا می‌کنند. بعد از رویت این کارت به سراغ دکتر فقیهی شیرازی مدیر روزنامه پرچم اسلام می‌روند که منزل او روبروی کوچه منزل ما در خیابان ایران بود. دکتر فقیهی اظهار بی‌اطلاعی می‌کند اما می‌گوید من امروز صبح ناصر فخرآرایی را دیدم که با هادی ارگانی که مقابل منزل ما می‌نشیند، صحبت می‌کرد.

ناگفته نگذارم، بعدهامعلوم شد، ناصر را در آن روز با کارت خبرنگاری روزنامه پرچم اسلام به دانشگاه راه نمیدهند ولی او به طریقی خود را به درون دانشگاه می‌رساند و در داخل مخبرین و عکاسها جا می‌دهد.»

ارگانی برایم روایت کرد در آن روز که مامورین برای بازداشت هادی ارگانی آمده بودند، من که می‌دانستم جریان چیست و ناصر هم کشته شده است، نخواستم پسرعمو و شوهر خواهر بی‌تقصیرم گرفتار شود. به افسر مامور گفتم، جناب سروان ممکن است من هم همراه پسرعمویم با شما بیایم. او موافقت کرد و ما را همراه مامورین با اتومبیل به شهربانی بردند و در یك اطاق انداختند. سرتیپ صفاری رئیس شهربانی آمد و پرسید، اینها کی هستند؟ افسر مامور جواب داد، این آقا هادی ارگانی است و بنا به اظهار دکتر فقیهی شیرازی امروز صبح با ناصر فخرآرایی دیدار کرده است. آن آقا هم پسرعموی اوست و بنا به درخواست خودش همراه هادی ارگانی به اینجا آمده است. سرتیپ صفاری گفت، هادی ارگانی را نگهدارید و پسرعمویش را آزاد کنید. من گفتم، تیمسار! آن کسی که با ناصر فخرآرایی دوست بوده و شما دنبالش هستید، من هستم نه پسرعمویم. خلاصه مرا هم نگهداشتند و بعد از چند روز بازجویی از ما،هادی ارگانی مرخص شد و بقیه ماجرا، هم به محاکمه نظامی و حکم اعدام من و دستگیری عده‌ای دیگر انجامید که حسین حداد از باقیمانده‌های محکومین است که او نیز مثل من حبس ابد را به دوش می‌کشد.

بعدها که از زندان آزاد شدیم و بخصوص بعد از انقلاب، اطلاعات دقیق‌تری از عبدالله ارگانی دریافت کردم و از جمله آنکه از او پرسیدم، رابطه تو با ناصر در روز حادثه چگونه برملا شد؟ او گفت: «ناصر صبح ۱۵ بهمن به دیدنم آمد. دکتر فقیهی شیرازی همان روز ناصر را دیده بود که جلوی درب منزل ما ایستاده و با یك نفر در داخل حیاط منزل صحبت می‌کند. فقیهی فکر کرده بود که ناصر با هادی ارگانی صحبت می‌کند. ناصر آن روز آمده بود و از من کمی پول خواست و به او دادم. ضمناً جلد اسلحه کمری‌اش را هم به من داد و رفت. بعد از رفتن او فکر کردم اگر ناصر گرفتار شود، این جلد اسلحه به عنوان مدرك جرم من تلقی خواهد شد. بنابراین جلد را تکه تکه کردم و دور ریختم.»

از ارگانی پرسیدم: موضوع کارت شورای متحده مرکزی که به استناد آن دکتر اقبال در مجلس شورای ملی حزب توده را غیرقانونی اعلام کرد، چه بود و چگونه به دست مامورین افتاده بود؟ او گفت: «ناصر در ۱۳۲۵ عضو شورای متحده مرکزی بود و مامورین این کارت عضویت را در خانه‌اش به دست آورده بودند. ناصر که در خیابان لاله‌زار گراورسازی داشت، روز قبل از حادثه مقداری سیانور از مغازه‌اش آورد منزل و آن را در دو کپسول جاسازی کردیم. او سیانور را در لیفه شلوارش جای داد تا چنانچه دستگیر شد، و مورد شکنجه طاقت فرسا قرار گرفت، خودکشی کند. اما با کشته شدنش، دیگر نیازی به خودکشی پیدا نکرد.»

در هر حال، عبدالله ارگانی سفت و سخت در مقابل بازجویان می‌ایستد و هرگونه رابطه‌اش با ترور شاه را انکار می‌کند. او گفت: «یك روز که در حال رفتن از زندان موقت به شهربانی برای بازجویی بودم، دیدم که آن موسی نام کلیمی که از او اسلحه خریده بودیم، به همراه ماموری در یکی از آن اطاقها است. بند دلم پاره شد. پیش خود گفتم مبادا رد پایی در این رابطه پیدا کرده باشند، چون طپانچه دوم را هم ناصر از موسی خریده بود. خوشبختانه بعد از مدتی موسی را آزاد کردند و معلوم شد مرا لو نداده است. و من هم با موسی روبرو نشدم تا ببینم چه گفت و چه نگفت. معلوم شد که او اعترافی نکرده چون آزادش کردند. بدین ترتیب، تنها شاهد قضیه کنار رفت و من هم نفس راحتی کشیدم. بعد از محکومیت، مرا به زندانیان سیاسی و از جمله به گروهی از اعضای کمیته مرکزی حزب ملحق کردند. در زندان قصر و بین توده‌ای‌ها همواره منکر دخالت در ترور شاه بودم و به روی خود نمی‌آوردم تا این که ما را به زندانهای شیراز و یزد و کاشان تبعید کردند. یك روز در زندان شیراز با بقراطی در حیاط زندان مشغول هواخوری بودیم. بقراطی از من پرسید، بالاخره نفهمیدیم که این جریان ترور شاه چه بود؟ من یکه خوردم و نگاهی به او کردم و گفتم، شما که عضو مرکزیت حزب هستید، چطور نمی دانید؟ گفت، نمی‌دانیم دیگر رفیق، چی بوده مگر؟ گفتم، مگر شما دستور نداده بودید که این کار انجام شود؟ جواب داد، ما کی دستور دادیم؟ گفتم، مگر دکتر کیانوری به شما نگفته بود؟ در اینجا من شستم خبردار شد که کیانوری سرخود این کار را بدون مشورت با کمیته مرکزی حزب انجام داده است.»

احمدی: آیا بعد از این گفتگوی ارگانی با بقراطی، این مساله بین اعضای کمیته مرکزی حزب در زندان مطرح شد و به بحث با کیانوری کشیده شد؟

زربخت: بعد از آفتابی شدن این ماجرا، کیانوری را به چه نحو زیر اخیه کشیدند و او چگونه این موضوع را توجیه کرد، نمی‌دانم. اما این موضوعی است که عواقب آن دستاویزی برای غیرقانونی شدن حزب گردید.

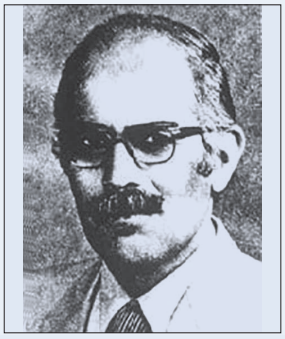
سال ۱۳۵۰، عنایت الله رضا که سالها در شوروی بود از طریق فرانسه و با کمك برادرش پرفسور رضا به ایران برگشت. به اتفاق تفرشیان به دیدنش رفتیم. او از جریان پلنوم چهارم وسیع حزب ــ که در سال ۱۳۳۶ در مسکو تشکیل شده بود ــ و طرح مساله دست داشتن کیانوری در حادثه ترور ۱۵ بهمن که در آن پلنوم مطرح شده بود، صحبت کرد. در آن پلنوم، کیانوری را سخت زیر مهمیز کشیده بودند ولی حرف آخر را در آنجا از پشت صحنه نماینده حزب کمونیست شوروی می‌زد. لذا این پرونده در آنجا بسته شد و در سیطره کشور میزبان، معترضین سکوت کردند. حالا، بعد از گذشت ۴۷ سال، کیانوری در خاطراتش این خودسری را انکار می‌کند. من که سر در نمی‌آورم. شاید برای اجرای آن ترور از مرجعی به غیر از کمیته مرکزی حزب توده کسب تکلیف کرده و دستور اجرا داشته. در آن پلنوم، همان مرجع به دادش رسید و بحث درباره آن ماجرا را مختومه اعلام کرد.

دنباله دارد

عبدالله ارگانی در سه دوره از مراحل زندگانی



قبل از واقعه ۱۵ بهمن



پس از رهایی از زندان



در سال ۱۳۷۷

یک بازنشر خواندنی از سال ۱۳۸۱؛

کنفرانس خبری شاهزاده رضا پهلوی در لندن: دولت‌ها و ملت‌های جهان باید از مبارزه برحق مردم ایران برای دستیابی به آزادی و دموکراسی حمایت کنند



شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس خبری لندن / ژانویه ۲۰۰۳ / بهمن ۱۳۸۱

آنچه شاهزاده رضا پهلوی بیش از چهار دهه است برای آن مبارزه می‌کند، و در سفرها و دیدارها بر آن تأکید می‌ورزد، موضوع جدیدی نیست و در دهه‌های گذشته نیز به آنها پرداخته و بر آنها پافشاری کرده است. گزارشی که در زیر می‌خوانید، مربوط به ۲۳ سال پیش و ژانویه ۲۰۰۳ است که وی به لندن سفر کرده بود.

شاهزاده رضا پهلوی در مورد نقش خویش در این مبارزه ملی گفت: «روزی که مردم ایران به یك رفراندوم عادلانه زیر نظارت داخلی و بین‌المللی برای تعیین نظام آینده کشور دست یابند، وظیفه و تعهدی که من برای خود قائل شده‌ام خاتمه می‌یابد. از این نظر من به نوع حکومت آینده و نقش احتمالی خود، به هیچ وجه فکر نمی‌کنم و بر این عقیده‌ام که نوع نظام دموکراتیك آینده را مردم با رأی خود تعیین خواهند کرد.»

وی در مورد حمله احتمالی آمریکا و متحدانش به عراق [رژیم صدام حسین] گفت: «قدر مسلم این است که هیچکس خواهان جنگ نیست. هدف اساسی، برچیدن دیکتاتوری‌ها و رژیم‌هائی است که هم برای مردم خود و هم برای سایرین دردسرآفرین هستند تا بجای آن نظام‌های دموکراتیك استقرار یابند. کاربرد عملیات نظامی فقط در صورتی است که راه‌های دیگر به نتیجه نرسد و جنگ غیرقابل اجتناب باشد. آنچه مهم است نتیجه‌ای است که از آن حاصل می‌شود؛ اگر عملیات نظامی در نهایت به ایجاد حکومت دموکراتیك بیانجامد، آنگاه با توجه به نتیجه‌ای که به دست آمده آسانتر می‌توان به قضاوت نشست.»

قدرت اصلی و آنچه می‌تواند وضع را عوض کند نیروی مردم است وهر نظام جایگزینی که بخواهد در ایران بر سر کار آید باید توسط مردم تعیین شود. در نتیجه به هیچ نیروی دیگری بجز مردم نباید تکیه کرد.

این روزها شاهزاده رضا پهلوی به عنوان رهبر انقلاب شیروخورشید ایران دور دیگری از سفر اروپایی خود را با دیدار و گفتگو در بلژیک و آلمان و لهستان پشت سر گذاشت. آنچه وی بیش از چهار دهه است برای آن مبارزه می‌کند، و در این سفرها و دیدارها بر آن تأکید می‌ورزد، موضوع جدیدی نیست و در دهه‌های گذشته نیز در گفتگوهای مختلف به آنها پرداخته و بر آنها پافشاری کرده است. گزارشی که در زیر می‌خوانید، مربوط به ۲۳ سال پیش و ژانویه ۲۰۰۳ است که وی به لندن سفر کرده بود.

شاهزاده رضا پهلوی که برای یک دیدار سه‌روزه به لندن سفر کرده بود، علاوه بر دیدار با بیش از ۵۰ تن از نمایندگان پارلمان انگلستان از مجلس اعیان و عوام، روز سه‌شنبه اول بهمن‌ماه در یک کنفرانس خبری با حضور نمایندگان خبرگزاری‌ها و گزارشگران بین‌المللی و ایرانی شرکت کرد و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

در آغاز کنفرانس مطبوعاتی که به دعوت «انجمن مطبوعات خارجی» برگزار شد، شاهزاده رضا پهلوی طی سخنان کوتاهی نمایندگان مطبوعاتی و خبرگزاری‌های خارجی و ایرانی حاضر در جلسه را در جریان مبارزات مردم ایران برای دستیابی به آزادی و دموکراسی قرار داد و از همه کشورهای جهان به ویژه کشورهای اروپائی خواست که بجای سرمایه‌گذاری بر روی رژیم اسلامی، رژیمی که در آن حقوق مردم زیر پا گذاشته می‌شود و اصلاح‌پذیر نیز نمی‌باشد، بر روی مردم ایران سرمایه‌گذاری کنند و از خواست‌های مردم ایران برای ایجاد یک حکومت سکولار و دموکراتیک از راه یک همه‌پرسی عادلانه تحت نظارت داخلی و بین‌المللی حمایت کنند.

رضا پهلوی گفت، هموطنان من مانند همه ملت‌های پیشرفته و مترقی جهان، استحقاق آن را دارند که از حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنگونه که در خور ملت متمدنی چون ایران است بهره‌مند شوند.

شاهزاده رضا پهلوی همچنین گفت، مبارزات مردم ایران برای دستیابی به آزادی و دموکراسی نباید از سوی دولت‌ها و مردم جهان نادیده گرفته شود و مورد بی‌اعتنائی واقع گردد. مردم ایران، همانند مردم آفریقای جنوبی که در دوران مبارزه از پشتیبانی جهانیان بهره‌مند شدند، امروز به حمایت معنوی دولت‌ها و ملت‌های جهان احتیاج دارند و بطور قطع آنهایی که در این دوران حساس در کنار آنها بایستند و از آنان حمایت کنند، فراموش نخواهند کرد.

رضا پهلوی در مورد نقش خویش در این مبارزه ملی گفت: روزی که مردم ایران به یک رفراندوم عادلانه زیر نظارت داخلی و بین‌المللی برای تعیین نظام آینده کشور دست یابند، وظیفه و تعهدی که من برای خود قائل شده‌ام خاتمه می‌یابد. از این نظر من به نوع حکومت آینده و نقش احتمالی خود، به هیچ وجه فکر نمی‌کنم و بر این عقیده‌ام که نوع نظام دموکراتیک آینده را مردم با رأی خود تعیین خواهند کرد.

یکی از خبرنگاران نظر شاهزاده رضا پهلوی را پیرامون حمله احتمالی آینده آمریکا و متحدان آن به عراق و لزوم کاربرد عملیات نظامی جویا شد.

رضا پهلوی گفت، قدر مسلم این است که هیچکس خواهان جنگ نیست. هدف اساسی، برچیدن دیکتاتوری‌ها و رژیم‌هائی است که هم برای مردم خود و هم برای سایرین دردسرآفرین هستند تا بجای آن نظام‌های دموکراتیک استقرار یابند. کاربرد عملیات نظامی فقط در صورتی است که راه‌های دیگر به نتیجه نرسد و جنگ غیرقابل اجتناب باشد. آنچه مهم است نتیجه‌ای است که از آن حاصل می‌شود؛ اگر عملیات نظامی در نهایت به ایجاد حکومت دموکراتیک بیانجامد، آنگاه با توجه به نتیجه‌ای که به دست آمده آسانتر می‌توان به قضاوت نشست.

خبرنگار دیگری گفت: شما وارث سلطنت ایران هستید و رهبری مبارزات مردم برای رسیدن به آزادی و دموکراسی را در دست گرفته‌اید. در حال حاضر در ایران نشانه‌های زیادی از حرکت‌های مردمی مشاهده می‌شود. مسئله مهم نیرو و قدرت مردم است. اگر مردم در سطح وسیع و بطور انبوه به خیابان‌ها بریزند و در مقابل رژیم بایستند، شما به نیروی مردم تکیه می‌کنید یا به حمایت‌های قدرت‌های خارجی و از جمله آمریکا؟

رضا پهلوی در پاسخ گفت: همه مردم خواستار تغییر وضع و برکناری رژیم اسلامی و استقرار یک حکومت غیرمذهبی و دموکراتیک هستند. زمینه‌های یک قیام عمومی فراهم شده و این جنبش همگانی در حال شکل‌گیری است

که باید هر مرحله از این جنبش همگانی را شناخت و به درستی تشخیص داد. در این راه تا کنون دانشجویان، جوانان، معلمان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و دگراندیشان که بخش‌های شاخص جامعه هستند قدم به میدان گذاشته و بهای سنگینی نیز برای مبارزات خود پرداخته‌اند که از این نظر همه ما به این هموطنان خود مدیون و بدهکار هستیم.

این جوشش و جنبش به تدریج دارد طبقات عادی مردم و سطوح پائین جامعه را نیز در بر می‌گیرد و آنان نیز وارد میدان مبارزه می‌شوند. تنها با خروش همگانی مردم و طبقات عادی است که رژیم ناگزیر سقوط خواهد کرد. بنابراین قدرت اصلی و آنچه می‌تواند وضع را عوض کند نیروی مردم است وهر نظام جایگزینی که بخواهد در ایران بر سر کار آید باید توسط مردم تعیین شود. در نتیجه به هیچ نیروی دیگری بجز مردم نباید تکیه کرد. بدین ترتیب مردم ایران برای رسیدن به اهداف خود نیازی به مداخله خارجی یا احیاناً عملیات نظامی- که اساساً مطرح هم نیست- ندارند. خواست ما از همه دولت‌ها تنها این است که از رژیم حاکم بر ایران حمایت و پشتیبانی نکنند، بقیه کارها را خود مردم انجام می‌دهند.

خبرنگار دیگری پرسید: شما از مبارزه مردم عادی و طبقات متوسط در سطح وسیع و گسترده صحبت می‌کنید. آیا فکر نمی‌کنید که رژیم اسلامی که به انواع تجهیزات نظامی مسلح است با کاربرد زور جنبش مردمی را سرکوب کند؟

شاهزاده رضا پهلوی گفت: نیروهای نظامی خود نیز بر این باورند که وظیفه آنها تنها حفاظت از سرزمین ایران در مقابل حملات خارجی است و بنابراین حاضر به مقابله با مردم و سرکوب آنان نخواهند شد چنانکه هم‌اکنون نیز بطور جدی از رویاروئی با مردم پرهیز می‌کنند. حتی افراد بسیجی وحزب‌اللهی نیز که از خود مردم هستند حاضر نیستند رودر روی هموطنان و برادران و خواهران خود بایستند و خشونت به کار برند. تجربه‌های ملموسی در دست است که نشان می‌دهد در اینگونه موارد که اکثریت مردم به خیابان‌ها می‌ریزند نیروهای نظامی از برخورد با هموطنان خویش خودداری می‌کنند و حاضر نمی‌شوند به روی آنها اسلحه بکشند. در چکسلواکی، در قضیه صرب‌ها و همچنین در روسیه دیدیم که نظامی‌ها دخالت نکردند. نمونه بارز آن را نیز در کشور خودمان تجربه کردیم و دیدیم که نظامی‌ها خود را کنار کشیدند.

بنابراین تردیدی نیست که در صورتی که مبارزه مردم جنبه همگانی پیدا کند، به هیچوجه نیروهای نظامی و حتی عوامل شبه‌نظامی رژیم با مردم به مقابله نخواهند پرداخت. در حال حاضر بخش‌هائی از عوامل درون حکومت هم به تدریج به مردم می‌پیوندند. آنها بطور دقیق با مشکلات مردم مانند فقر شدید، فساد و فحشای گسترده، گسترش مواد مخدر و سایر مشکلات آشنا هستند و بدین ترتیب هر روز بیشتر و بیشتر از روحانیون حاکم رویگردان می‌شوند و به مخالفان رژیم می‌پیوندند.

خبرنگار دیگری نظر رضا پهلوی را درباره وضعیت دریای خزر پرسید و گفت روسیه و سایر کشورهای حاشیه دریای خزر از هم‌اکنون این دریا را میان خود تقسیم کرده‌اند و حتی اقداماتی برای بهره‌برداری از منابع آن با همکاری شرکت‌های نفتی بین المللی آغاز شده است. نظر حکومت آینده ایران در مورد این بهره‌برداری‌ها و اقدامات شرکت‌های نفتی چه خواهد بود؟

رضا پهلوی در پاسخ گفت: این درواقع به عهده دولت آینده است که در این زمینه تصمیم بگیرد نه با من. اما عقیده شخصی من این است که به نظر همه ایرانیان دوران جنگ سرد دیگر به پایان رسیده است. ایران منافعی در ارتباط با دریای خزر و منابع آن دارد که باید حفظ گردد و از جمله اینکه در مورد صادرات نفت مسیر ایران اقتصادی‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر برای انتقال نفت است. ولی متأسفانه رژیم کنونی نتوانسته است منافع ملی ما را در این رابطه تأمین و حفظ کند. تنها با حضور یک دولت مسئول و مورد حمایت مردم است که می‌توان منافع ملی ایران راحفاظت کرد.

رضا پهلوی در پاسخ خبرنگار دیگری که در خصوص جدائی دین از حکومت سئوال کرد، گفت: مردم ایران پس از ۲۴ سال این نکته را به خوبی دریافته‌اند که حکومت روحانیون که زیر نام دین شکل گرفته نه تنها حقوق طبیعی و اجتماعی ملت را زیر پا نهاده، بلکه لطمات شدیدی نیز به دین اسلام و مسلمانان وارد آورده است. از این رو می‌توانم اطمینان بدهم که امروز اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواستار جدائی دین از حکومت هستند. اگر به بحث‌ها و مناظراتی که این روزها در ایران وجود داردتوجه کنیم، گزارش‌ها و مقالاتی را که منتشر می‌شود مطالعه نمائیم، به وضوح به این واقعیت پی می‌بریم.

امروز بسیاری از روحانیونی که در رژیم اسلامی حضور داشته و در شکل‌گیری و استقرار آن نقش ایفا کرده‌اند، حتی روحانیون بلندپایه‌ای مانند آیت‌الله منتظری و آیت‌الله طاهری و دیگران هم از وضع موجود رنج می‌برند و از اینکه به اسلام صدمه وارد شده ناخرسندند. بنابراین جدائی دین از حکومت نه تنها برای استقرار دمکراسی حیاتی است بلکه برای حفظ احترام و حرمت دین و مذهب نیز ضروری است. دین اساساً یک مسئله شخصی است و مردم باید در انتخاب هر دینی که می‌خواهند آزاد باشند. حکومت اصولاً نباید در امور اعتقادی و دینی مردم مداخله کند. هموطنان من تاوان سنگینی در این سال‌ها از بابت دخالت دین در حکومت پرداخته‌اند و امروز به این نتیجه قطعی رسیده‌اند که دین باید از حکومت جدا شود.

شاهزاده رضا پهلوی در پاسخ به خبرنگار دیگری که نظر او را پیرامون نقش و جایگاه روحانیون در آینده پرسید، اظهار داشت: مفهوم جدائی دین از حکومت این نیست که باید با دین و مذهب مردم به ستیز برخاست. مانند همه جوامع پیشرفته، دین که از امور خصوصی مردم است باید بدون هیچگونه تبعیض میان ادیان مختلف، محترم شمرده شود و مردم نیز آزاد باشند که هر دینی را که می‌خواهند داشته باشند. در چنین شرایطی روحانیون نیز به امور معنوی و وظائف ارشادی خود خواهند پرداخت و احترام آنان نیز محفوظ خواهد ماند.

خبرنگار دیگری گفت، تجربه حکومت جمهوری اسلامی و فشارهائی که به مردم وارد می‌شود موجب رویگردانی بسیاری از مردم از اسلام شده است. طبق گزارش‌ها اخیراً در یک نهاد فرهنگی و آموزشی نزدیک به بیست نفر دین خود را عوض کرده‌اند.

رضا پهلوی گفت طبیعی است که هرچه فشار بیشتر باشد اینگونه واکنش‌ها نشان داده می‌شود. مردم در مقابل هر چیزی که تحمیلی باشد واکنش نشان می‌دهند. همین گونه اتفاقات است که روحانیون دلسوز به اسلام را نیز نگران کرده است که پیشتر به آن اشاره کردم. اما این را نیز باید در نظر داشت که در تحلیل نهائی، ایرانیان مردمانی نیستند که بسادگی و آسانی فرهنگ و سنن خود را فراموش کنند و دین خود را رها نمایند. مهم این است که می‌خواهند آزاد باشند و حق انتخاب داشته باشند و هیچ چیز به آنان تحمیل نشود. تنها در یک نظام سکولار و دمکراتیک است که این آزادی تأمین می‌شود.

رضا پهلوی در پاسخ خبرنگار دیگری که در زمینه روند مبارزات مردم و نقش وی در مبارزه پرسید گفت مردم ایران فارغ از اینکه دولت‌های خارجی چه رفتاری دارند مبارزه خود را ادامه می‌دهند و این پیکار تا آزادی ایران و دستیابی مردم برای برپائی یک فرانداوم با نظارت داخلی و خارجی دنبال خواهد شد. مبارزان خارج از کشور هم این تعهد را به عهده گرفته‌اند که صدای هموطنان خود را به گوش جهانیان برسانند و افکار عمومی را با خواست‌های مردم ایران آشنا سازند. کارهای زیادی در پیش است که باید انجام شود و انجام خواهد شد. در حال حاضر این شرایط که من در میان مردم داخل کشور باشم هنوز فراهم نیست اما به محض اینکه ما بتوانیم پیوند بین مبارزان داخل و خارج را برقرار کنیم و این حرکت را در سطح وسیع به داخل منتقل نمائیم، من در ایران و در میان مردم ایران خواهم بود.

خبرنگاری پرسید آیا فکر می‌کنید مردم داخل کشور از شما استقبال کنند؟

رضا پهلوی گفت استقبالی که تا کنون مردم ایران کرده و حمایت‌هائی که به عمل آورده‌اند واقعاً چشمگیر و بسیار وسیع است. پاسخ‌های مثبت و پشتیبانی‌هائی که از داخل کشور بخصوص از سوی دانشجویان، جوانان، زنان و مردان ایرانی گرفته‌ایم بسیار گسترده و امیدوارکننده بوده است. به اعتقاد من آنچه باعث این استقبال وسیع شده، باورهای من، اندیشه‌هایم و گفته‌های من بوده که به آنها سخت پای‌بندم و مردم هم مشاهده کرده‌اند که به آنچه می‌گویم وفادار هستم. آنچه من عرضه می‌کنم، از آنجا که خواسته‌های خود مردم را شامل می‌شود، مورد استقبال قرار گرفته است. همواره گفته‌ام که بیش از هر چیز و پیش از هر چیز فقط باید به ایران و رهائی ایران فکر کرد، بقیه مسائل را مردم با رأی خود تعیین خواهند کرد.

خبرنگار دیگری که تصور می‌کرد رضا پهلوی بتازگی فعالیت خود را آغاز کرده سئوال کرد چه دلیلی دارد که شما اکنون شروع به مبارزه کرده‌اید. آیا این امر به گفتگوهائی که میان اتحادیه اروپا و حکومت ایران در بروکسل جریان دارد مربوط می‌شود؟

رضا پهلوی گفت فعالیت‌های من سابقه‌ای طولانی دارد امّا از دو سال و نیم پیش که جنبش دانشجوئی و در پی آن جنبش مردمی توسعه پیدا کرد طبعاً این فعالیت‌ها نیز گسترش یافت و وارد مرحله تازه‌ای شد. مردم ایران بطور جدی خواهان تغییرات بودند و در جریان انتخاب خاتمی هم در واقع به رژیم و روحانیون حاکم واکنش منفی نشان دادند و کاندیدائی را که ظاهراً مورد تائید حاکمان نبود برگزیدند به این امید که شاید بتواند دست به اصلاحات بزند. اما پس از مدت کوتاهی دریافتند که حکومت اسلامی به لحاظ ماهیتی که دارد اصلاح‌پذیر نمی‌باشد. از این رو با حرکت دانشجویان در ایران، جنبش مردمی نیز آغاز شد.

ادامه در صفحه ۵۶

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

سناریوهای پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا

● دموکرات‌ها کنگره را به خوبی می‌شناسند و بخشی از آنان پیشتر نیز در همین مرکز بزرگ و ساختمان‌های عظیم آن در «کاپیتول هیل» حضور داشته‌اند.

● بجز جناح دموکرات‌های سنتی که با جمهوریخواهان روابط خوبی دارند، جناح دومی نیز در میان مخالفان دولت کنونی وجود دارد که از دو گروه تشکیل شده است: گروه نخست، قانونگذاران جدیدی هستند که به جریان چپ رادیکال تعلق دارند و از آنها با عنوان «ووک» (Woke) یاد می‌شود. نویسنده این جریان را متشکل از بقایای حزب کمونیست قدیمی آمریکا و مجموعه‌ای از احزاب، جریان‌ها و انجمن‌های متعلق به چپ افراطی می‌داند که در برخی محافل پژوهشی از آنها با عنوان استالینیست یاد می‌شود. این گروه در چارچوب حزب دموکرات و تحت عنوان «سوسیالیست‌های دموکرات» (Democratic Socialists) سازماندهی شده است.

● گروه دوم که با کمونیست‌ها متحد هستند، از انجمن‌ها، سازمان‌ها و رهبران اسلامگرا تشکیل شده؛ از جمله گروه‌هایی که برخی از آنها با «اخوان‌المسلمین» و برخی دیگر با «خمینی‌گرایان»، یعنی عملاً با نظام حاکم در ایران، ارتباط دارند.

● جناح سنتی دموکرات‌ها خواهان تسلط متعارف بر مراکز و جایگاه‌های کنگره است، در حالی که جناح رادیکال می‌خواهد در خط مقدم حزب دموکرات قرار گیرد تا حمله همه‌جانبه به دولت را آغاز کند و طی شش ماه نخست سال ۲۰۲۷ آن را سرنگون سازد.

● از سوی دیگر، اردوگاه جمهوریخواهان و دولت ترامپ نیز در حال سازماندهی مجدد صفوف خود هستند تا برای نبرد استیضاح یا برکناری رئیس‌جمهور که دموکرات‌ها در آغاز سال آینده به راه خواهند انداخت، آماده شوند. در مرحله نخست، دولت انتصاب‌های جدید و سریعی انجام خواهد داد و نیروهایی را که مسئول ناکامی بزرگ اخیر دانسته می‌شوند یا عملکردشان شکست‌خورده ارزیابی شده، از مجموعه خود کنار خواهد گذاشت.

ولید فارِس (ایندیپندنت عربی) - با تسلط حزب دموکرات بر هر دو مجلس کنگره، یعنی مجلس نمایندگان و سنا، و کسب شمار قابل توجهی از کرسی‌های فرمانداری ایالت‌ها، همچنین تقویت حضور این حزب در مجالس قانونگذاری ایالتی، اکنون که این حزب، که من آن را ابرقدرت می‌نامم، نفوذ خود را در «کاپیتول هیل» ساختمان کنگره آمریکا بازیافته، دو سال آینده ممکن است شاهد مرحله‌ای سرشار از تحرکات سیاسی و مانورهای قانونگذاری باشیم که رهبران حزب دموکرات در واشنگتن هدایت خواهند کرد. این تحولات می‌تواند تأثیر چشمگیری بر سیاست‌ها و اولویت‌های دولت دونالد ترامپ بگذارد.

در این مقاله، مهم‌ترین خطوط کلی برنامه‌هایی را بررسی می‌کنیم که انتظار می‌رود رهبری جدید کنگره دنبال کند و همچنین اقداماتی را که دولت ترامپ در فاصله زمانی کنونی تا آغاز به کار کنگره جدید در ژانویه ۲۰۲۷ در پیش خواهد گرفت.

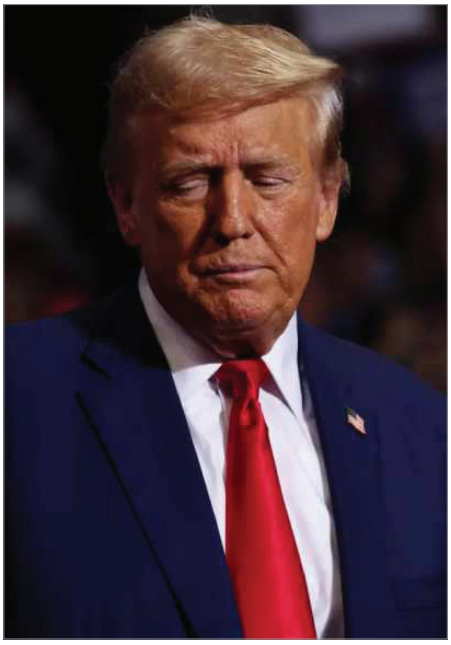
در حزب دموکرات، در این مرحله که از روز انتخابات و اعلام پیروزی آغاز می‌شود و تا شروع فعالیت قانونگذاری در نخستین هفته ژانویه ۲۰۲۷ ادامه دارد، اعضای حزب و استراتژیست‌های آن بر دو موضوع تمرکز خواهند کرد:

نخست، تدوین برنامه‌ای برای ۱۰۰ روز اول فعالیت در کنگره و تعیین مهم‌ترین طرح‌ها و اولویت‌های قانونگذاری که حزب قصد دارد از ژانویه اجرا کند؛ به ویژه طرح‌هایی که با بسیاری از بندهای برنامه سیاسی ترامپ در تضادند.

دوم، ورود عملی به ساختمان کنگره و استقرار در آن؛ به عبارت دیگر، در اختیار گرفتن امکانات، منابع و امور اداری دفاتر کنگره، به ویژه پرونده‌هایی که طی دو سال گذشته در اختیار کمیته‌های تخصصی بوده و همزمان با فعالیت‌های ترامپ در کاخ سفید روی آنها کار شده است.

دموکرات‌ها کنگره را به خوبی می‌شناسند و بخشی از آنان پیشتر نیز در همین مرکز بزرگ و ساختمان‌های عظیم آن در «کاپیتول هیل» حضور داشته‌اند.

از مهم‌ترین پرونده‌هایی که کنترل آنها اهمیت دارد، پرونده‌های مربوط به کمیته‌های تخصصی است. در رأس



دونالد ترامپ

آنها کمیته اطلاعات قرار دارد که اطلاعات و اسناد مهم و گسترده‌ای در اختیار دارد. پس از آن، کمیته روابط خارجی، کمیته مالی، کمیته امنیت داخلی و سایر کمیته‌ها قرار می‌گیرند.

این «گنجینه بزرگ» که تا کنون در اختیار هواداران و متحدان ترامپ بوده، در دوره انتقال قدرت به دست اعضای حزب دموکرات سپرده خواهد شد.

پرسشی که اکنون مطرح می‌شود این است که چه کسانی کنترل این پرونده‌ها را در دست خواهند گرفت؟ زیرا پاسخ به این پرسش مشخص خواهد کرد که چه افرادی برای ریاست این کمیته‌های بزرگ منصوب یا انتخاب می‌شوند. از این طریق، افکار عمومی با کسانی آشنا خواهد شد که می‌توان آنها را وزیران سایه در دولت درونی کنگره نامید.

رئیس کمیته اطلاعات، حق نظارت بر سازمان‌های اطلاعاتی، از سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) گرفته تا پلیس فدرال (FBI) و همچنین نهادهای اطلاعاتی نظامی و دیگر دستگاه‌های اطلاعاتی را خواهد داشت.

همین مسئله درباره کسانی که پرونده امنیت داخلی را کنترل می‌کنند نیز صدق می‌کند. پس از آن، پرونده روابط خارجی و ارتباط میان اعضای حزب جمهوریخواه و جناح جمهوریخواه در دولت با کشورهای مختلف اروپا، روسیه، آفریقا، جهان عرب و اسرائیل مطرح خواهد بود.

همزمان، جبهه دموکرات‌ها اعضای اصلی و کارکنان کمیته‌ها را منصوب خواهد کرد و ارتباط با همکاران جمهوریخواه خود را آغاز می‌کند. سپس روند تحویل و تحول مسئولیت‌ها انجام خواهد شد. این روند می‌تواند کانال‌های ارتباطی میان رهبری جدید حزب دموکرات در کنگره از یکسو و همتایان جمهوریخواه آنان در دولت و نهادهای عمومی از سوی دیگر ایجاد کند؛ به گونه‌ای که هماهنگی و ارتباطات نهادی، با وجود اختلافات و تفاوت‌های سیاسی دو طرف، ادامه یابد.

حزب جدید حاکم بر کنگره و دولت جمهوریخواه باید درباره پرونده‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی، به منظور تأمین منافع مردم آمریکا، با یکدیگر به تفاهم و همکاری برسند. این موضوع در اصل ضروریست، اما میزان همکاری می‌تواند متفاوت باشد و بسته به نوع رابطه با طرف مقابل، بیشتر یا کمتر شود. همین مسئله این پرسش را مطرح می‌کند که حزب جمهوریخواه تا چه اندازه آمادگی همکاری با نمایندگان تازه‌منتخب را دارد.

با این حال، اهداف استراتژیک و برنامه‌های سیاسی در میان گروه‌های مختلف اعضای جدید کنگره هنوز یکپارچه نیست. آنچه تا کنون آنان را متحد کرده، قیام علیه دونالد ترامپ است. بی‌تردید با آغاز سال جدید، تحرکات پی در پی در کنگره برای مهار رئیس جمهوری و وادار کردن او به عقب‌نشینی آغاز خواهد شد.

اما هر جناحی گفتمان سیاسی و اهداف خاص خود را دارد. بزرگترین جناح را دموکرات‌های سنتی و سیاستمداران میانه‌رو تشکیل می‌دهند؛ کسانی که طی دهه‌ها با جمهوریخواهان سنتی روابط و ارتباطات سیاسی داشته‌اند.

این افراد و پایگاه‌های حامی آنان اکثریت جناح دموکرات را تشکیل می‌دهند، اما چندان اهل هیاهو نیستند و تلاش نمی‌کنند بحران بیافرینند. انتقادهای آنان از ترامپ نیز عمدتاً انتقادهایی متعارف است که احزاب سیاسی از یکدیگر مطرح می‌کنند. با این حال، تا کنون نشانه‌ای ندیده‌ایم که بخواهند تمام توان خود را برای برکناری رئیس‌جمهور به کار بگیرند.

اما آنان تمام امکانات خود را برای تسلط بر کمیته‌ها و بودجه‌ها به کار خواهند گرفت؛ موضوعی که برای سیاستمداران سنتی کنگره اهمیت زیادی دارد.

همانطور که از اظهارات آنان پیداست، دموکرات‌های سنتی بیشترین شانس را برای ریاست کمیته‌های اصلی دارند؛ یعنی همان وزارتخانه‌های بزرگ کنگره، از جمله کمیته‌های اطلاعات، روابط خارجی، دفاع، مالی و سایر کمیته‌ها.

این مسئولیت‌ها به نسل بزرگتر سیاستمدارانی خواهد رسید که توانسته‌اند رأی‌دهندگان را بسیج و برای مشارکت انتخاباتی آماده کنند. بنابراین، آنان با مخالفان در کنگره به همان شیوه سنتی رفتار خواهند کرد که طی دهه‌ها میان دو حزب جریان داشته است.

با این حال، جناح دومی نیز در میان مخالفان وجود دارد که از دو گروه تشکیل شده است.

گروه نخست، قانونگذاران جدیدی هستند که به جریان چپ رادیکال تعلق دارند و از آنها با عنوان «ووک» (Woke) یاد می‌شود. نویسنده این جریان را متشکل از بقایای

حزب کمونیست قدیمی آمریکا و مجموعه‌ای از احزاب، جریان‌ها و انجمن‌های متعلق به چپ افراطی می‌داند که در برخی محافل پژوهشی از آنها با عنوان استالینیست یاد می‌شود. این گروه در چارچوب حزب دموکرات و تحت عنوان «سوسیالیست‌های دموکرات» (Democratic Socialists) سازماندهی شده است.

گروه دوم که با کمونیست‌ها متحد هستند، از انجمن‌ها، سازمان‌ها و رهبران اسلامگرا تشکیل شده؛ از جمله گروه‌هایی که برخی از آنها با «اخوان‌المسلمین» و برخی دیگر با «خمینی‌گرایان»، یعنی عملاً با نظام حاکم در ایران، ارتباط دارند.

تفاوت میان اولویت‌های دموکرات‌های سنتی که کنترل بخش عمده این نهاد را در دست خواهند گرفت و جناح رادیکال در دو شاخه «ووک» و «اسلام‌گرایان» بسیار زیاد است، اما این اختلاف در حال حاضر آشکار نخواهد شد.

دو جناح درون بلوک دموکرات‌ها در کنگره، از اکنون تا پایان سال، یک هدف مشترک و فوری دارند: کنترل واقعی تمامی امکانات و ظرفیت‌های کنگره و هماهنگی میان خود، پیش از آنکه اختلافاتشان طی یک یا دو ماه آینده آشکار شود.

میانه‌روهای حزب دموکرات، همزمان با فشار بر دولت، با آن مذاکره نیز خواهند کرد. نمونه‌های متعددی از این وضعیت وجود دارد؛ از جمله زمانی که نیوت گینگریچ در انتخابات سال ۱۹۹۴ پیروز شد و جمهوریخواهان با کسب اکثریت کنگره، در برابر بیل کلینتون قرار گرفتند.

نمونه دیگر، پیروزی هواداران اوباما در سال ۲۰۰۸ در برابر جان مک‌کین، نامزد جمهوریخواه بود. این وضعیت در سال ۲۰۱۲ نیز با پیروزی ائتلاف حامیان اوباما تکرار شد. همین روند در نخستین دوره ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۱۶ و سرانجام در نبرد سیاسی کنونی نیز تکرار شده است.

جناح سنتی دموکرات‌ها خواهان تسلط متعارف بر مراکز و جایگاه‌های کنگره است، در حالی که جناح رادیکال می‌خواهد در خط مقدم حزب دموکرات قرار گیرد تا حمله همه‌جانبه به دولت را آغاز کند و طی شش ماه نخست سال ۲۰۲۷ آن را سرنگون سازد.

از سوی دیگر، اردوگاه جمهوریخواهان و دولت ترامپ نیز در حال سازماندهی مجدد صفوف خود هستند تا برای نبرد استیضاح یا برکناری رئیس‌جمهور که دموکرات‌ها در آغاز سال آینده به راه خواهند انداخت، آماده شوند.

در مرحله نخست، دولت انتصاب‌های جدید و سریعی انجام خواهد داد و نیروهایی را که مسئول ناکامی بزرگ اخیر دانسته می‌شوند یا عملکردشان شکست‌خورده ارزیابی شده، از مجموعه خود کنار خواهد گذاشت.

نباید فراموش کنیم که این دولت تا کنون تنها نیمی از دوره ریاست جمهوری خود را پشت سر گذاشته است. به عبارت دیگر، ترامپ با وجود حملات سیاسی گسترده علیه خود، طبق قانون اساسی هنوز دو سال کامل در اختیار دارد و قرار نیست تمام تمرکز خود را صرف کارزار انتخاب مجدد کند.

او توصیه‌های زیادی پیش رو دارد که اگر بخواهد به بخشی از اهداف اولیه خود دست یابد، باید آنها را جدی بگیرد.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین اقدامی که می‌تواند انجام دهد، بازسازی ساختار دولت و استفاده بهتر از ظرفیت‌های گسترده نهادی آن است؛ البته با در نظر گرفتن فشارهایی که انتظار می‌رود دموکرات‌ها در کنگره اعمال کنند.

او همچنین باید به خود حزب جمهوریخواه فرصت دهد تا صفوفش را دوباره سازماندهی کرده، میزان خسارت‌ها را ارزیابی کند و ارتباط خود را با جناح‌های مختلف سیاسی از سر بگیرد.

ترامپ همچنان از پایگاه مردمی گسترده‌ای برخوردار است که میلیون‌ها رأی‌دهنده را در بر می‌گیرد؛ کسانی که به او و معاونش رأی داده‌اند و همچنان همان سطح حمایت را از هر دو آنان حفظ کرده‌اند.

بنابراین حزب ممکن است برخی مسئولان را کنار بگذارد، پایگاه مردمی و حزبی سال ۲۰۲۴ را دوباره سازماندهی کند و زمینه را برای انتخاب نامزد جدید جمهوریخواهان در دو سال آینده فراهم سازد.

حساس‌ترین مراحل از ابتدای سال آینده تا پایان آن، به ویژه در فاصله سپتامبر تا اکتبر رقم خواهد خورد.

نباید فراموش کنیم که دموکرات‌ها عملاً تنها یک سال فرصت دارند؛ زیرا سال پایانی، یعنی ۲۰۲۸، از سوی هر دو اردوگاه به آغاز سازماندهی و حمایت از کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری اختصاص خواهد یافت. ترامپ در آن انتخابات نامزد نخواهد بود و تنها از نامزدی حمایت خواهد کرد که جمهوریخواهان بر سر او به توافق برسند.

دموکرات‌ها نیز برای انتخاب مناسب‌ترین نامزد، تلاش‌های خود را بسیج خواهند کرد. با این حال، این مسئله ممکن است زمینه‌ساز رقابت شدید درونی در سال ۲۰۲۸ میان دو جریان داخل حزب دموکرات شود؛ رقابتی که هر یک از آنها می‌کوشد نامزد مورد نظر خود را به مرحله رقابت ریاست جمهوری برساند. به احتمال زیاد، این رقابت بخش قابل توجهی از وقت و انرژی اردوگاه دموکرات‌ها را به خود اختصاص خواهد داد.

انتظار نمی‌رود جمهوریخواهان بتوانند تمامی کرسی‌هایی را که از دست داده‌اند دوباره به دست آورند. اما اساساً نبرد پیش رو، نبرد بر سر کنگره نخواهد بود؛ زیرا انتخابات بعدی مربوط به قوه قانونگذاری دو سال دیگر برگزار می‌شود.

این بدان معناست که حزب جمهوریخواه با ترامپ همکاری خواهد کرد تا پایگاه حزبی و مردمی خود را دوباره سازماندهی کند و از امکانات و توانایی‌های سیاسی و تشکیلاتی باقی‌مانده خود بهره بگیرد. همچنین ده‌ها میلیون دلار برای تأمین مالی فعالیت‌های سیاسی و سازماندهی خود اختصاص خواهد داد تا زمینه بازگشت به کاخ سفید را فراهم کند.با این حال، نباید فراموش کرد که اردوگاه دموکرات‌ها اکنون از رهبران ملی باتجربه‌ای برخوردار است؛ موضوعی که ترامپ نیز از آن آگاه است.

دموکرات‌ها معمولاً به شیوه‌ای متکی هستند که بر کار سازمانیافته و مستمر طی چندین سال استوار است. آنان به جزئیات در شهرها و حوزه‌های انتخاباتی مختلف توجه می‌کنند و محاسبات دقیقی انجام می‌دهند تا برنامه‌های خود را متناسب با مراحل مختلف انتخابات اجرا کنند.

در مقابل، حزب جمهوریخواه بیشتر موج‌هایی از بسیج مردمی، یا به تعبیر دقیق‌تر «پوپولیسم»، به راه می‌اندازد؛ موجی که شکل می‌گیرد و نامزد مورد نظر را به جایگاه پیشتاز می‌رساند.

ما هنوز در آغاز دو سال آینده هستیم؛ دوره‌ای که شاهد تحولات پی در پی سیاسی و انتخاباتی خواهد بود.

همچنین نباید اهمیت تحولات خارجی را نادیده گرفت؛ زیرا رویدادهای بین‌المللی، به ویژه در خاورمیانه، ممکن است نقش مؤثری در ترسیم صحنه سیاسی آمریکا پیش از رسیدن به موعد انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب رئیس جمهور جدید ایالات متحده ایفا کنند.

***منبع: ایندیپندنت عربی**

***نویسنده: ولید فارِس مشاور سابق ترامپ در امور خاورمیانه**

***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

قلب رژیم ملاها؛ هدف عملیات تازه در تامپا



فرید خلیفی - پس از ماه‌ها محاصره دریایی، تحولات تازه نه به سوی کاهش فشار، بلکه به سمت هدف قراردادن قلب استراتژیک رژیم ملاها پیش می‌روند. ارتش آمریکا با تشکیل نیرویی ویژه به نام «دروازه آهنین Iron Gate»، دامنه فشار بر جمهوری اسلامی را از محاصره دریایی به مرزهای زمینی، دریای کاسپین و مسیرهای انتقال تسلیحات و منابع مالی گسترش می‌دهد؛ اقدامی که می‌تواند تأمین تجهیزات نظامی و منابع مالی رژیم را محدود کند.

نشست «گروه هفت» در پاریس؛ روبیو: «رهبران جمهوری اسلامی دیوانه‌اند»



نشست گروه «هفت» / عکس: رویترز

● خبرگزاری رویترز به نقل از منابع آگاه گزارش داد مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا، در نشست وزیران خارجه «گروه هفت» هشدار داد که ایالات متحده همچنان هزینه‌های اقتصادی «ویرانگری» بر حکومت ایران تحمیل خواهد کرد و گزینه‌های واشنگتن به از سر گرفتن جنگ یا پذیرش خواسته‌های غیرقابل قبول تهران محدود نمی‌شود.

● منابع دیپلماتیک همچنین به رویترز گفتند، روبیو برای توصیف مقامات جمهوری اسلامی از تعابیری تند استفاده کرده و آنها را «دیوانه» خوانده است.

● در بخشی از بیانیه پایانی نشست «گروه هفت» آمده: «بار دیگر بر اهمیت حفاظت از غیرنظامیان و اماکن و زیرساخت‌های غیرنظامی تأکید کردیم و از [جمهوری اسلامی] ایران خواستیم به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حقوق بشر و قوانین بشردوستانه پایبند باشد.»

● همچنین اعضای گروه از جمهوری اسلامی خواسته‌اند که «حملات علیه کشتی‌های غیرنظامی در تنگه هرمز را متوقف کند.» آنها اعلام کردند که «با هرگونه عوارض، هزینه، مخارج غیرقانونی، تبعیض یا هرگونه محدودیت اعمال‌شده بر تردد دریایی از این تنگه مخالف‌اند.»

● در ارتباط با جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس بخش پایانی این بیانیه اهمیت بیشتری دارد، زیرا «گروه هفت» با تأکید بر «اهمیت اقدامات دفاعی فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) در تنگه هرمز» از جمله مین‌روبی و اسکورت کشتی‌های غیرنظامی، اعلام کرد: «ابتکار عمل چندملیتی، مستقل و دفاعی به رهبری فرانسه و بریتانیا می‌تواند نقش مهمی در تسهیل از سر گرفتن تردد دریایی از تنگه هرمز ایفا کند؛ از جمله از طریق حمایت از راست‌آزمایی روند خارج ساختن تمامی مین‌های دریایی.»

نشست وزرای خارجه کشورهای عضو «گروه هفت» با حضور نمایندگانی از کشورهای عربستان، قطر و مصر با هدف بررسی امنیت منطقه و ایران در پاریس برگزار شد.

خبرگزاری رویترز به نقل از منابع آگاه گزارش داد، مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا در نشست وزیران خارجه «گروه هفت» هشدار داد که ایالات متحده همچنان هزینه‌های اقتصادی «ویرانگری» بر حکومت ایران تحمیل خواهد کرد و گزینه‌های واشنگتن به از سر گرفتن جنگ یا پذیرش خواسته‌های غیرقابل قبول تهران محدود نمی‌شود.

منابع دیپلماتیک همچنین به رویترز گفته‌اند، روبیو برای توصیف مقامات جمهوری اسلامی از تعابیری تند استفاده کرده و آنها را «دیوانه» خوانده است.

روبیو توضیح داد، آمریکا سیاست فعلی خود را ادامه می‌دهد، زیرا تحریم‌های سخت اقتصادی نتیجه داده و توان جمهوری اسلامی را برای تامین مالی فعالیت‌های منطقه‌ای و نیروهای نیابتی‌اش محدود کرده است.

اما لحن بیانیه پایانی این نشست که ۲۰ آبان ۱۴۰۵ صادر شد، با آنچه روبیو عنوان کرد، کاملاً متفاوت و محتاطانه است.

در این بیانیه با تقدیر از «تلاش‌های میانجیگران منطقه‌ای»، اعضا از ادامه «اقدامات دیپلماتیک با هدف دستیابی به توافق پایدار» حمایت کردند اما در عین حال تأکید نمودند که باید نگرانی‌های جامعه بین‌المللی درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران برطرف شود و به تقویت امنیت منطقه‌ای کمک کند.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده: «هرگز نباید اجازه داده شود [حکومت] ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند یا آن را تولید کند. همچنین از [جمهوری اسلامی] ایران خواستیم حمایت خود از گروه‌های مسلح غیردولتی در منطقه را متوقف کند.»

آنها همچنین تهدید کردند: «در صورت عدم دستیابی به راه حل دیپلماتیک، متعهد شدیم هماهنگی‌های خود را برای اعمال محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی بر توانایی رژیم ایران در ایجاد بی‌ثباتی در منطقه و سراسر جهان ادامه دهیم.»

در ادامه، اعضای «گروه هفت» تأکید کردند: «ما حملات جمهوری اسلامی ایران علیه کشورهای همسایه و اخلال در تجارت بین‌المللی، امنیت انرژی و اقتصاد جهانی را که در نتیجه‌ی ایجاد مانع در عبور و مرور از تنگه هرمز صورت گرفته است، به شدت محکوم کردیم.»

در بخش دیگری از این بیانیه آمده: «بار دیگر بر اهمیت حفاظت از غیرنظامیان و اماکن و زیرساخت‌های غیرنظامی تأکید کردیم و از [جمهوری اسلامی] ایران خواستیم به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حقوق بشر و قوانین بشردوستانه پایبند باشد.»

همچنین اعضای گروه هفت از جمهوری اسلامی خواسته‌اند که «حملات علیه کشتی‌های غیرنظامی در تنگه هرمز را متوقف کند.» آنها اعلام کردند: «با هرگونه عوارض، هزینه، مخارج غیرقانونی، تبعیض یا هرگونه محدودیت اعمال‌شده بر تردد دریایی از این تنگه مخالف‌اند.»

در ارتباط با جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس بخش پایانی این بیانیه اهمیت بیشتری دارد، زیرا «گروه هفت» با تأکید بر «اهمیت اقدامات دفاعی فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) در تنگه هرمز» از جمله مین‌روبی و اسکورت کشتی‌های غیرنظامی، اعلام کرد: «ابتکار عمل چندملیتی، مستقل و دفاعی به رهبری فرانسه و بریتانیا می‌تواند نقش مهمی در تسهیل از سر گرفتن تردد دریایی از تنگه هرمز ایفا کند؛ از جمله از طریق حمایت از راست‌آزمایی روند خارج ساختن تمامی مین‌های دریایی.»

در این بیانیه همچنین از توطئه جمهوری اسلامی علیه شهروندان خارجی و طراحی خرابکاری از جمله در پایگاه نظامی سلطنتی «فیرفورد» در بریتانیا انتقاد شده است.

رونمایی از یک شهرک موشکی؛ علی عبداللهی: «اسرائیل را نابود می‌کنیم!»



رونمایی از یک شهرک موشکی توسط علی عبداللهی و مجید موسوی

● علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تهدید کرده است: «هر کانون تهدید علیه ایران هدف مستقیم عملیات نامتقارن می‌شود.» او همچنین در مراسم رونمایی از یک شهرک موشکی تهدید کرد، «اسرائیل را نابود می‌کنیم!»

● آنچه عبداللهی می‌گوید، پیش از او محمد باقری و عبدالرحیم موسوی دو رئیس ستاد نیروهای مسلح که در جنگ کشته شدند نیز ادعا می‌کردند. چنانکه علی خامنه‌ای فرمانده کل قوا و جمع بزرگی از فرماندهان ارشد سپاه از جمله حسین سلامی، امیرعلی حاجی‌زاده، علیرضا تنگسیری و سایرین نیز با تکرار همین ادعاها حذف شدند.

● با شدت گرفتن تحریم‌ها و محاصره اقتصادی، احتمال آغاز اعتراضات ضدحکومتی نیز بیشتر شده است. به نظر می‌رسد بین فرماندهان در بالاترین رده‌ها تقسیم کار صورت گرفته زیرا حسین طائب رئیس سازمان بسیج، احمد وحیدی فرمانده سپاه پاسداران و احمدرضا رادان فرمانده انتظامی روی تقویت ماشین سرکوب بیشتر متمرکز شده‌اند.

● هرچند مقامات آمریکایی می‌گویند فعلا گزینه اصلی ترامپ، تنگ‌تر کردن حلقه محاصره اقتصادی علیه جمهوری اسلامی است اما طبق طرح سنتکام هر زمان و هر جا که لازم باشد مراکز نظامی جمهوری اسلامی و لانچرهای سپاه پاسداران هدف قرار می‌گیرند. عملیاتی که از آن به عنوان «چمن‌زنی» یاد می‌شود.

علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تهدید کرده است: «هر کانون تهدید علیه ایران هدف مستقیم عملیات نامتقارن می‌شود.» او همچنین در مراسم رونمایی از یک شهرک موشکی تهدید کرد، «اسرائیل را نابود می‌کنیم!»

آنچه عبداللهی می‌گوید، پیش از او محمد باقری و عبدالرحیم موسوی دو رئیس ستاد نیروهای مسلح که در جنگ کشته شدند نیز ادعا می‌کردند. چنانکه علی خامنه‌ای فرمانده کل قوا و جمع بزرگی از فرماندهان ارشد سپاه از جمله حسین سلامی، امیرعلی حاجی‌زاده، علیرضا تنگسیری و سایرین نیز با تکرار همین ادعاها حذف شدند.

در میان سردارانی که پس از جنگ ۴۰ روزه در پست‌های رده بالای قدرت قرار گرفتند، محسن رضایی در هفته‌های اخیر بیش از سایرین درباره مذاکرات موضع می‌گیرد. پیش از او محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در عمل سرپرستی تیم مذاکره‌کننده با آمریکا را بر عهده داشت اما به سرعت توسط حلقه‌های نزدیک‌تر به «مجتبی خامنه‌ای»، رهبر نامرئی نظام، در حال حاضر موقعیت خود را از دست داده است.

اگر قالیباف تلاش می‌کرد علاوه بر رجزخوانی و تهدید آمریکا و اسرائیل و بطور کلی علیه غرب، گاهی نقش دیپلماتیک هم بگیرد، اما محسن رضایی به عنوان دبیر شورای عالی «امنیت ملی» اساسا از بازی کردن چنین نقشی بر نمی‌آید. او مدام بر اجرای «هفت شرط» جمهوری اسلامی برای توافق پافشاری می‌کند و تأکید دارد اورانیوم غنی‌شده از ایران خارج نمی‌شود.

از سوی دیگر، محمد باقری و عبدالرحیم موسوی نیز به عنوان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، گاهی بر ضرورت ادامه «دیپلماسی» تأکید داشتند اما علی عبداللهی نه!

در شرایطی که محسن رضایی در نقش یکی از تندروترین چهره‌های امنیتی- نظامی مسئولیت دارد، در داخل ایران برخی اصولگرایان هشدار می‌دهند که «او هم به زودی هدف لوله تانک سوپرانقلابی‌ها قرار می‌گیرد» چنانکه در تجمعات شبانه‌ی «جانفدا»ها علیه قالیباف نیز شعار می‌دهند و او را مانند عباس عراقچی، محمدجواد ظریف و حسن روحانی و مسعود پزشکیان سازشکار و ترسو می‌دانند.

در این میان، ابراهیم کالین رئیس سازمان اطلاعات ترکیه مدعی شده بود که جی. دی. ونس معاون اول ترامپ قرار است با محسن رضایی در دوحه دیدار کند. گویا قطری‌ها تلاش کرده بودند رضایی را به دوحه بکشانند اما او پذیرفتن و بطور کلی چنین قراری را تکذیب کرد.

با شدت گرفتن تحریم‌ها و محاصره اقتصادی، احتمال آغاز اعتراضات ضدحکومتی نیز بیشتر شده است. به نظر می‌رسد بین فرماندهان در بالاترین رده‌ها تقسیم کار صورت گرفته زیرا حسین طائب رئیس سازمان بسیج، احمد وحیدی فرمانده سپاه پاسداران و احمدرضا رادان فرمانده انتظامی روی تقویت ماشین سرکوب بیشتر متمرکز شده‌اند.

سپاه و بسیج حتی پای ارتش را هم به میدان کشیدند و در چند پادگان و میدان آموزش‌های رزمی، از جمله «جنگ شهری» را به «جانفدا»های رژیم که داوطلب شده‌اند، آموزش می‌دهند.

از دید اغلب کارشناسان، اینکه فرماندهان ارشد نیروهای مسلح در ایران تهدید به «واکنش نامتقارن» می‌کنند با افزایش موارد تهدید علیه هواپیماهای آمریکا در انگلستان، تهدید امنیتی علیه اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا، حمله سایبری به یخچال‌های فروشگاه‌های اروپا و همچنین افزایش مین‌پاشی در مسیر کشتی‌ها در تنگه هرمز و حملات موشکی به تاسیسات نفتی منطقه بی‌ارتباط نیست.

هرچند مقامات آمریکایی می‌گویند فعلا گزینه اصلی ترامپ، تنگ‌تر کردن حلقه محاصره اقتصادی علیه جمهوری اسلامی است اما طبق طرح سنتکام هر زمان و هر جا که لازم باشد مراکز نظامی جمهوری اسلامی و لانچرهای سپاه پاسداران هدف قرار می‌گیرند. عملیاتی که از آن به عنوان «چمن‌زنی» یاد می‌شود.

هیچ تردیدی نیست که حوثی‌ها شاخه‌ای از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یمن هستند

دلیلی که رژیم ایران و هوادارانش این وابستگی را انکار می‌کنند، اینست که می‌خواهند حوثی‌ها به عنوان یک مؤلفه یمنی معرفی شوند که در چارچوب منازعات داخلی آن کشور مبارزه می‌کنند. در حالی که حوثی‌ها هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی، به دست سپاه پاسداران و مشابه حشدالشعبی عراق و حزب‌الله لبنان شکل گرفته است.

آغاز این روند به دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که رژیم ایران به دلیل حضور حوثی‌ها در مرزهای جنوبی عربستان سعودی، آنها را برای این منظور انتخاب کرد. جمهوری اسلامی با همان الگویی که در لبنان برای حزب‌الله به کار گرفته بود، این گروه یمنی را نیز مورد توجه و حمایت قرار داد.

در سال ۲۰۱۲، رژیم ایران شبکه تلویزیونی «المسیره» را در بیروت تأسیس کرد و توانمندی‌های حزب‌الله را در خدمت جنبش حوثی قرار داد تا در زمینه ایجاد روایت‌های حقوقی، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری و ارتباط با رسانه‌های بین‌المللی به این جنبش کمک کند.

در اوت ۲۰۱۸، ناصر شعبانی، از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گفت:«ما از یمنی‌ها خواستیم دو نفتکش سعودی را هدف قرار دهند و آن‌ها نیز این کار را انجام دادند.» جمهوری اسلامی ایران دیگر پنهان نمی‌کند که در چارچوب استراتژی خود در جنگ کنونی، حوثی‌ها را مسلح کرده، هدایت می‌کند و در کنار آنها به عملیات نظامی می‌پردازد.

عبدالرحمن الراشد (شرق الاوسط) – تردیدی نیست که حوثی‌ها به عنوان یک گروه شبه‌نظامی، ساخته و پرداخته سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و تحت مدیریت آن فعالیت می‌کنند؛ و نمی‌توان استراتژی‌های این دو طرف را از یکدیگر جدا دانست.

دلیلی که رژیم ایران و هوادارانش این وابستگی را انکار می‌کنند، اینست که می‌خواهند حوثی‌ها به عنوان یک مؤلفه یمنی معرفی شوند که در چارچوب منازعات داخلی آن کشور مبارزه می‌کنند. در حالی که حوثی‌ها هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی، به دست سپاه پاسداران و مشابه حشدالشعبی عراق و حزب‌الله لبنان شکل گرفته است. البته این موضوع، یمنی بودن پوشش ظاهری این گروه را نفی نمی‌کند.

از نظر تاریخی، این جریان قبیله‌ای هیچگونه پروژه سیاسی و توانایی نظامی خارج از استان صعده نداشت و چیزی درباره اداره دستگاه‌های امنیتی، تأسیسات دولتی و حتی رسانه‌ها نمی‌دانست. شبکه تلویزیونی «المسیره» رسانه اصلی حوثی‌ها از منطقه ضاحیه جنوبی بیروت اداره می‌شود.

آغاز این روند به دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که رژیم ایران به دلیل حضور حوثی‌ها در مرزهای جنوبی عربستان سعودی، آنها را برای این منظور انتخاب کرد. جمهوری اسلامی با همان الگویی که در لبنان برای حزب‌الله به کار گرفته بود، این گروه یمنی را نیز مورد توجه و حمایت قرار داد.

از سال ۱۹۹۴، رژیم ایران پذیرش هیئت‌های دانشجویی حوثی را در شهر قم آغاز کرد و با اعضای این گروه روابط اعتقادی و شخصی برقرار ساخت. در اواخر دهه ۱۹۹۰، حوثی‌ها صاحب گفتمانی شدند که از ادبیات جمهوری اسلامی ایران الگوبرداری می‌کرد؛ گفتمانی مبتنی بر مبارزه با یهودیان و آمریکا.

آنها همچنین مفهوم «رهبر انقلاب» را از الگوی ایران اقتباس کردند و حسین الحوثی را در جایگاهی بالاتر از نهادهای رسمی قرار دادند. پس از کشته شدن وی، برادرش عبدالملک به عنوان رهبر این گروه انتخاب شد؛ او پیش از آن نیز روابط ویژه‌ای با جمهوری اسلامی داشت و بارها به ایران سفر کرده بود.

به نظر می‌رسد رژیم ایران حوثی‌ها را از یک گروه مسلح مستقر در مرزهای عربستان سعودی به پروژه‌ای برای تسلط بر سراسر یمن تبدیل کرد. تهران از ناآرامی‌های یمن در بهار سال ۲۰۱۱ بهره برد. در همین چارچوب، شورایی جهادی مشابه شورای حزب‌الله تشکیل شد و یک معاون و یک دستیار از حزب‌الله لبنان در آن منصوب شدند. بر اساس پژوهشی که در مؤسسه «وست پوینت» منتشر شده، هماهنگی آموزش‌ها و تجهیزات نظامی از طریق به اصطلاح مستشاران انجام می‌شد.

در سال ۲۰۱۲، رژیم ایران شبکه تلویزیونی «المسیره» را در بیروت تأسیس کرد و توانمندی‌های حزب‌الله را در خدمت جنبش حوثی قرار داد تا در زمینه ایجاد روایت‌های حقوقی، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری و ارتباط با رسانه‌های بین‌المللی به این جنبش کمک کند.

مهم‌ترین سند درباره وابستگی حوثی‌ها در سال ۲۰۱۳ از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا منتشر شد. این وزارتخانه اعلام کرد که خلیل یوسف حرب بر فعالیت‌های حزب‌الله در یمن نظارت داشته و در ترتیبات انتقال پول به این گروه مشارکت کرده است.

در همان سال، کشتی جیهان حامل سلاح و مواد منفجره ایرانی توقیف شد. بازرسان سازمان ملل تلاش کردند با این استدلال که محموله برای یمن ارسال شده، اما مدرکی مبنی بر اینکه مقصد نهایی آن حوثی‌ها بوده‌اند وجود ندارد، مسیر این پرونده را منحرف کنند؛ این در حالی بود که هیچ جریان یمنی دیگری جز حوثی‌ها با ایران رابطه نداشت.

پس از آن، علی‌رضا زاکانی، نماینده مجلس شورای اسلامی، تأکید کرد که صنعا چهارمین پایتخت عربی مرتبط با انقلاب اسلامی ایران، پس از بغداد، دمشق و بیروت است.



مسعود پزشکیان و محمد باقری کنی در دیدار با نماینده حوثی‌ها در تهران / امرداد ۱۴۰۳

شواهد مربوط به ارتباط حوثی‌ها با رژیم ایران به تدریج افزایش یافت. در سال ۲۰۱۶، سازمان «Conflict Armament Research» اعلام کرد که پهپادهای قاصف۱- را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که طراحی، ساخت و شماره‌های سریال آن‌ها با پهپادهای ایرانی مطابقت دارد.

پس از آن، پژوهش‌های نظامی متعددی، از جمله مطالعات مؤسسه «وست پوینت»، نشان دادند که موشک‌ها، قایق‌های انفجاری و بمب‌هایی که توسط حوثی‌ها کار گذاشته شده‌اند، منشأ ایرانی دارند. این تجهیزات نشان‌دهنده انتقال توانمندی‌های تخصصی نظامی است که امکان حمله به اهداف دوردست و تهدید کشتی‌ها در خارج از مرزهای یمن را فراهم می‌کند.

این شواهد نشان می‌دهد که این گروه، مانند حزب‌الله لبنان، بازوی وابسته به نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

جنگ کنونی در یمن نیز آثار و نشانه‌های آشکاری از نقش رژیم ایران دارد؛ از جمله استفاده از تونل‌ها، استحکامات دفاعی و مین‌ها. این موضوع از دیدگاه نویسنده نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی نقش هدایت‌کننده اصلی را بر عهده دارد و حوثی‌ها صرفاً به عنوان نیرویی وابسته به آن عمل می‌کنند.

از نظر سیاسی نیز مقامات جمهوری اسلامی بارها درباره مسئولیت و نقش خود در قبال حوثی‌ها سخن گفته‌اند. آنها بارها به سعودی‌ها اعلام کرده‌اند که اگر خواهان دستیابی به توافقی برای حل بحران یمن هستند، باید مستقیماً در تهران با رژیم ایران مذاکره کنند.

در اوت ۲۰۱۸، ناصر شعبانی، از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گفت:«ما از یمنی‌ها خواستیم دو نفتکش سعودی را هدف قرار دهند و آن‌ها نیز این کار را انجام دادند.»

در همان سال، وزارت خارجه آمریکا نام هیثم علی طباطبایی، فرمانده نظامی حزب‌الله لبنان، را در فهرست افراد تحت تعقیب قرار داد و اعلام کرد که وی بر تشکیل نیروهای ویژه حزب‌الله در سوریه و یمن نظارت داشته است.

همچنین نام عبدالرضا شهلایی به عنوان یکی از فرماندهان نیروی قدس سپاه پاسداران که مقر فعالیت وی در صنعا قرار دارد، مطرح شد.

وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز اعلام کرد که ده‌ها میلیون دلار از طریق واسطه‌ها و صرافی‌های ایرانی به حوثی‌ها منتقل شده است؛ موضوعی که از وجود یک ساز و کار منظم و فرامرزی برای تأمین مالی این گروه حکایت دارد، و نه صرفا نه کمک‌های سیاسی پراکنده و موردی.

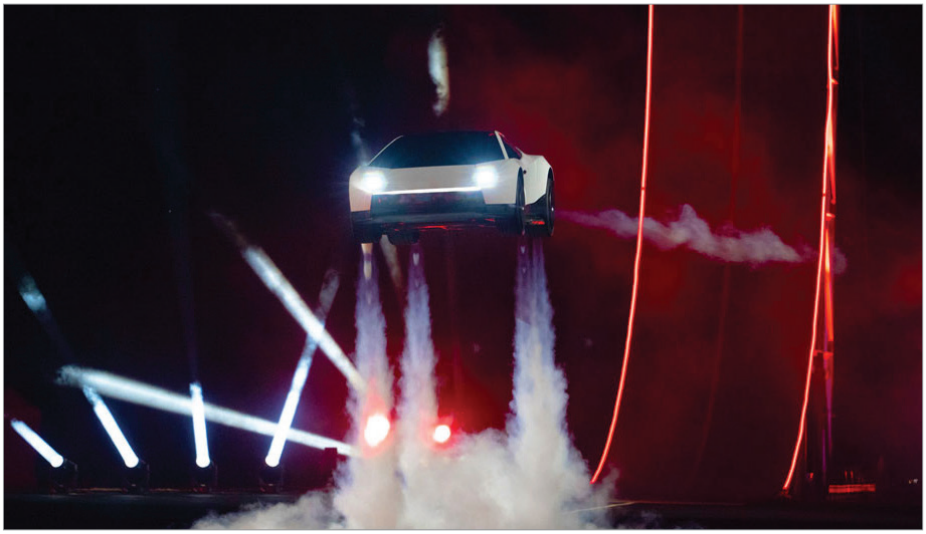
پس از حمله به کشتیرانی در باب‌المندب، مقامات تهران تأکید کردند که بستن این تنگه بخشی از استراتژی جمهوری اسلامی است.

خبرگزاری رویترز نیز به نقل از منابع منطقه‌ای و ایرانی گزارش داد که فرماندهانی از سپاه پاسداران و حزب‌الله در یمن حضور دارند و در هدایت حملات دریایی، ارائه اطلاعات مربوط به اهداف و شناسایی کشتی‌ها به حوثی‌ها کمک می‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران دیگر پنهان نمی‌کند که در چارچوب استراتژی خود در جنگ کنونی، حوثی‌ها را مسلح کرده، هدایت می‌کند و در کنار آنها به عملیات نظامی می‌پردازد.

***منبع: روزنامه الشرق‌الاوسط**
***نویسنده: عبدالرحمن الراشد**
***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

ماشین پرنده ماسک چقدر به واقعیت نزدیک است؟



فرید خلیفی - شامگاه ۱۵ اکتبر ۲۰۲۶، تماشاگران در مرکز موشکی اسپیس‌ایکس در تگزاس شاهد صحنه‌هایی باورنکردنی بودند. اتومبیل تسلا از مسیر منحنی بالا رفت، وارونه شد و برخلاف نیروی جاذبه زمین به مسیر چسبید. سپس از آن ارتفاع به هوا پرتاب شد، در آسمان چرخید و روی چهار چرخ خود فرود آمد! اما نمایش در اینجا تمام نشد. اینبار در مسیر عادی، از زمین بلند شد و از فراز پنج محصول دیگر تسلا، از جمله یک کامیون بزرگ عبور کرد. ایلان ماسک گفته بود حاضران را دعوت کرده تا ثابت کند تصاویر ساخته هوش مصنوعی نیستند. این نمایش واقعی بود؛ اما آیا ماشین پرنده تسلا آماده‌ی عرضه به بازار است؟

پاسارگاد؛ خاستگاه مبارزات ملی مردم ایران

۷ آبان ۱۳۹۵ سرآغاز مبارزات ملی مردم ایران برای براندازی ضد ایرانی‌ترین حکومت تاریخ ایران بود. روزی که مردم از گوشه گوشه‌ی کشور در پاسارگاد به عنوان نقطه کانونی ایرانگرایی و نماد تمدن ایران، گرد هم آمدند. امسال دهمین سال استمرار این مبارزات را شاهدیم.



© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

سراب توافق؛ اتلاف وقتِ ترامپ وادامه مذاکره با اصرار قطر و عربستان

● دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، روز دوشنبه در مصاحبه‌ای کوتاه تلفنی با خبرگزاری «رویترز» اعلام کرد که قطر و عربستان سعودی خواهان راه‌حل مسالمت‌آمیز برای درگیری جاری با رژیم ایران هستند، اما ایالات متحده آماده است در صورت لزوم «حملات نظامی» را از سر بگیرد.

● این اظهارات در حالی منتشر می‌شود که تلاش‌های میانجیگری ادامه دارد و مقامات قطری پیشنهادهایی از جمله بازگشایی تنگه هرمز در ازای لغو محاصره و آزاد ساختن دارایی‌های مسدود شده‌ی ایران را مطرح کرده‌اند.

● دونالد ترامپ پیشتر در مصاحبه با «سی‌ان‌ان» گفته بود که اگر مذاکرات پیشرفت کند و یک توافق قوی امضاء شود، احتمال حملات تازه «بسیار کم» است، اما نیروهای آمریکایی آماده باقی می‌مانند.

● رئیس‌جمهور ایالات متحده پیشتر نیز به صراحت اشاره کرده بود که مذاکره با جمهوری اسلامی صرفاً «اتلاف وقت» است و هیچ فایده‌ی عملی و پایدار در پی ندارد، زیرا این رژیم بارها نشان داده که از گفتگوها تنها برای خرید زمان و ادامه‌ی برنامه‌های هسته‌ای و منطقه‌ای خود بهره می‌برد.

رئیس جمهور آمریکا می‌گوید که قطر و عربستان سعودی خواهان راه حل مسالمت‌آمیز با جمهووری اسلامی هستند اما ایالات متحده «حملات نظامی» را نیز در نظر دارد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، روز دوشنبه ۹ نوامبر در یک مصاحبه تلفنی با خبرگزاری «رویترز» اعلام کرد که قطر و عربستان سعودی خواهان راه حل مسالمت‌آمیز برای درگیری جاری با رژیم ایران هستند، اما ایالات متحده آماده است در صورت لزوم «حملات نظامی» را از سر بگیرد.

به گزارش رویترز، ترامپ که پیشتر در همین روز با نخست‌وزیر قطر دیدار کرده بود، گفت: «قطر و عربستان هر دو ترجیح می‌دهند راه حل مسالمت‌آمیز در پیش گرفته شود». وی همزمان افزود: «ما هروقت بخواهیم آماده‌ایم با حملات نیز پیش برویم.» او در عین حال عنوان کرد که عجله‌ای برای از سر گرفتن حملات ندارد و از محاصره دریایی آمریکا علیه رژیم ایران در تنگه هرمز راضی است. ترامپ گفت: «ببینیم به کجا می‌رسد، من آماده‌ام».

این اظهارات پس از دیدار ترامپ با شیخ محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر، منتشر شد. قطر نقش میانجی کلیدی را در تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به درگیری ایفا می‌کند. شیخ محمد پیش از سفر به واشنگتن، در تهران با مقامات جمهوری اسلامی گفتگو کرده بود.

منابع ارشد آمریکایی و منطقه‌ای پیش از این دیدار، احتمال توافق فوری را بسیار کم ارزیابی کرده بودند. این اظهارات در حالی منتشر می‌شود که تلاش‌های میانجیگری ادامه دارد و مقامات قطری پیشنهادهایی از جمله بازگشایی تنگه هرمز در ازای لغو محاصره و آزاد ساختن دارایی‌های مسدود شده‌ی ایران را مطرح کرده‌اند.

انور قرقاش، مقام ارشد اماراتی، گفته است دستیابی به توافق سیاسی جامع، دشوار به نظر می‌رسد و باید برای دوره‌ی طولانی عدم قطعیت آماده شد که در آن نه حل قاطع و نه نظم پایدار منطقه‌ای، تضمین‌شده نیست.



در حال حاضر حملات متقابل ادامه دارد؛ طبق گزارش‌ها، نیروی دریایی آمریکا، مواضع نظامی را در جزیره‌ی قشم هدف قرار داده، رژیم ایران همچنان به کشتیرانی تجاری در خلیج فارس و تنگه هرمز حمله می‌کند و متحدان حوثی آن در یمن، عربستان سعودی را هدف می‌دهند.

منابع وابسته به جمهوری اسلامی به رویترز گفته‌اند، هدف حملات آمریکا در جزیره قشم، سیستم‌های راداری پدافند هوایی و ناوبری کشتی‌ها، پایگاه‌های پرتاب موشک و سیستم‌های مین‌گذاری بوده است.

در همین رابطه، آمارها نشان می‌دهد حملات چریکی جمهوری اسلامی به نفتکش‌ها در خلیج فارس از ماه اکتبر به بالاترین سطح از آغاز جنگ رسیده است. رژیم ایران معمولاً مسئولیت این ضربات را نمی‌پذیرد و روز یکشنبه اعلام کرد یک تانکر در شرق تنگه هرمز به مین برخورد کرده است.

گزارشگر تلویزیون دولتی رژیم ایران، روز دوشنبه ۱۸ آبان گفت، یازده تانکر طی ۱۰ روز گذشته «از کار افتاده» شده‌اند. همزمان حوثی‌های متحد جمهوری اسلامی در یمن روز یکشنبه به ساختمان اداری شرکت آرامکو در ریاض حمله کردند که طی آن پنجره‌های چند طبقه تخریب شد. وزارت انرژی عربستان این آسیب را تأیید کرد.

دونالد ترامپ پیشتر در مصاحبه با «سی‌ان‌ان» گفته بود که اگر مذاکرات پیشرفت کند و یک توافق قوی امضاء شود، احتمال حملات تازه «بسیار کم» است، اما نیروهای آمریکایی آماده باقی می‌مانند.

محاصره دریایی آمریکا در تنگه هرمز یکی از ابزارهای اصلی فشار بر جمهوری اسلامی است. ترامپ در گفتگو با خبرنگاران اعلام کرد که از این محاصره راضی است و عجله‌ای برای تشدید نظامی ندارد، هرچند آمادگی برای اقدام را حفظ می‌کند.

پیشنهاد رژیم ایران برای پایان درگیری، شامل پایان محاصره بنادر ایران توسط آمریکا، لغو برخی تحریم‌ها و توقف بمباران‌ها در لبنان در ازای توقف حملات به کشتیرانی بین‌المللی توسط سپاه پاسداران است، با این شرط که مذاکرات درباره‌ی برنامه هسته‌ای و سایر تحریم‌ها بعداً انجام شود.

جمهوری اسلامی این طرح را منطقی‌ترین گزینه‌ی موجود توصیف کرده، اما ایالات متحده آن را رد کرده است. مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، شرایط رژیم ایران را «غیرواقع‌بینانه و خنده‌دار» خوانده است. نقاط اختلاف اصلی شامل ترتیب اقدامات و سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده‌ی جمهوری اسلامی است.

عربستان سعودی و قطر به عنوان متحدان کلیدی آمریکا در خلیج فارس نگران تشدید درگیری هستند. حملات حوثی‌ها به عربستان و تأثیر بر امنیت اقتصادی آنها، انگیزه‌ی آنها را برای پیگیری دیپلماسی افزایش داده است.

قطر به عنوان «میانجی» نقش فعالی در انتقال پیام‌ها و پیشنهادها بین واشنگتن و جمهوری اسلامی و پافشاری بر این مذاکرات «بی‌حاصل» داشته است.

مواضع ترامپ در مقابل جاه‌طلبی‌های جمهوری اسلامی، ترکیبی از تهدید نظامی و باز گذاشتن فضای دیپلماسی بوده است. پس از انتخابات میاندوره‌ای که جمهوریخواهان با شکست مواجه شدند، ممکن است ترامپ محاسبات خود را برای دستیابی به یک پیروزی تغییر دهد، اما همچنان بر حفظ فشار از طریق محاصره دریایی تأکید دارد.

گزارش‌های تکمیلی از منابع دیگر مانند «اکسیوس» نشان می‌دهد، جی. دی. ونس طی دو هفته‌ی گذشته بطور روزانه با میانجی‌های قطری و پاکستانی در تماس بوده و استیو ویتکاف و جرد کوشنر نیز با او همکاری دارند.

گفته می‌شود از سوی مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی، طرح دو روزه‌ای با عنوان اقدامات اعتمادساز پیشنهاد شده است که شامل رفع محاصره دریایی و آزاد ساختن بخشی از دارایی‌های مسدود ایران در روز اول و دعوت رسمی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازرسی سایت‌های آسیب‌دیده می‌شود.

رئیس‌جمهور ایالات متحده پیشتر نیز به صراحت اشاره کرده بود که مذاکره با جمهوری اسلامی صرفاً «اتلاف وقت» است و هیچ فایده‌ی عملی و پایدار در پی ندارد، زیرا این رژیم بارها نشان داده که از گفتگوها تنها برای خرید زمان و ادامه‌ی برنامه‌های هسته‌ای و منطقه‌ای خود بهره می‌برد.

کشورهای عربی خلیج فارس به دلیل ناتوانی آشکار در دفاع مستقل از خود در برابر تهدیدات خرابکارانه‌ی رژیم ایران، با ترجیح دادن منافع کوتاه‌مدت، به شدت بر تداوم میانجیگری و فشار برای مذاکرات آمریکا با رژیم ایران تأکید می‌کنند تا بار امنیت خود را بر دوش واشنگتن بیندازند.

با این حال، روند بدون نتیجه‌ی مذاکرات با بقایای جمهوری اسلامی، حاصل سراب توافقی است که واقعیت نخواهد یافت؛ زیرا رژیم ایران بقای خود را در باج‌خواهی مذاکراتی و فرسایشی کردن درگیری و افزایش هزینه‌های اقتصادی و سیاسی می‌داند؛ کم نیستند سیاستمداران منطقه‌ای و تحلیلگرانی که راه منطقی را بجای دور زدن در مسیرهای دیپلماتیک بی‌ثمر، اقدام قاطعانه و مؤثر را برای یکسره کردن تکلیف جمهوری اسلامی توصیه می‌کنند تا امنیت بلندمدت خاورمیانه تضمین شود.

کاخ سفید: ترامپ «تعیین‌کننده» است!

بر اساس گزارش «فاکس‌نیوز»، موضع صریح کاخ سفید در پی واکنش‌های تحریک‌آمیز منسوب به رهبر نامرئی جمهوری اسلامی، مجتبی خامنه‌ای، به نتایج انتخابات میاندوره‌ای آمریکا صورت گرفته است.

کارشناسان معتقدند که اگر ترامپ اقدامات نظامی جدیدی برای سرنگونی رژیم خامنه‌ایِ غایب انجام دهد، می‌تواند پایه‌ای برای خاورمیانه‌ای جدید و عاری از بدترین حامی تروریسم دولتی در منطقه، یعنی جمهوری اسلامی، بنا نهد.



ترامپ و دولتمردانش در کاخ سفید

«پرزیدنت ترامپ همه کارت‌ها را در دست دارد»؛ این موضوع از سوی کاخ سفید اعلام و تأکید شده است که وی در موقعیت بسیار قوی برای مقابله با بقایای جمهوری اسلامی قرار دارد.

در تازه‌ترین تحولات مرتبط با تنش‌های میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی، کاخ سفید در اظهاراتی صریح و قاطع اعلام کرد که رئیس‌جمهور دونالد ترامپ «همه کارت‌ها را در دست دارد» و در موقعیت بسیار قوی برای مقابله با بقایای رژیم ایران قرار دارد.

بر اساس گزارش «فاکس‌نیوز»، موضع صریح کاخ سفید در پی واکنش‌های تحریک‌آمیز منسوب به رهبر نامرئی جمهوری اسلامی، مجتبی خامنه‌ای، به نتایج انتخابات میاندوره‌ای آمریکا صورت گرفته است.

مجتبی خامنه‌ای که از زمان حمله‌ی هوایی مشترک آمریکا و اسرائیل که منجر به کشته شدن بیشتر اعضای خانواده از جمله پدرش علی خامنه‌ای دیکتاتور جمهوری اسلامی شد، در انظار عمومی دیده نشده، در شبکه‌ی اجتماعی ایکس پیامی به اسم او و با لحنی متکبرانه منتشر شده که «فرآیند فروپاشی آمریکا تسریع شده است».

کارشناسان معتقدند که اگر ترامپ اقدامات نظامی جدیدی برای سرنگونی رژیم خامنه‌ایِ غایب انجام دهد، می‌تواند پایه‌ای برای خاورمیانه‌ای جدید و عاری از بدترین حامی تروریسم دولتی در منطقه، یعنی جمهوری اسلامی، بنا نهد.

کاخ سفید با اشاره به کنترل تنگه هرمز توسط آمریکا و فروپاشی اقتصاد جمهوری اسلامی، تأکید کرده است: «رژیم ایران نابود شده و امور به یکی از دو راه پیش خواهد رفت؛ راه آسان یا راه سخت. رئیس‌جمهور ترامپ همه‌ی کارت‌ها را در دست دارد و هر آنچه به نفع ایالات متحده باشد انجام خواهد داد.» سخنگوی کاخ سفید افزود: «تنها رئیس‌جمهور ترامپ می‌داند که چه کاری و کی انجام خواهد داد.»

در هفته‌ی گذشته، رژیم ایران فعالیت‌های تبلیغاتی و تهدیدآمیز خود را علیه ایالات متحده افزایش داده است. در همین زمینه، به مناسبت سالگرد تصرف غیرقانونی سفارت آمریکا در ۴ نوامبر ۱۹۷۹، نمایشگاهی با عنوان «ترامپ در قفس» برگزار شد که شامل اعدام نمادین ترامپ بود.

در ادامه، ویدیویی تولیدشده با هوش مصنوعی از سوی رسانه‌های دولتی ایران منتشر شد که در آن سخنگوی ستاد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، کشورهای اروپای غربی را تهدید کرد. در این ویدیو گفته شد: «ما مثل شما نیستیم. جمهوری اسلامی به بی‌گناهان آسیب نمی‌زند. شما دشمن ما نیستید، اما هر کسی در اروپا که به آمریکا در آسیب رساندن به زنان و کودکان ما کمک کند، دشمن ماست و او را مجازات خواهیم کرد.» این ویدیو اهداف نظامی در فرانسه، آلمان و بریتانیا را نشان می‌داد.

سیمون لدین، مقام سابق پنتاگون، می‌گوید جمهوری اسلامی «باید پایان یابد»، زیرا این رژیم هرگز رفتارش را تغییر نخواهد داد. او از حمایت آمریکا از مردم ایران در داخل کشور پشتیبانی کرد. همچنین، بن شاپیرو، مفسر مشهور آمریکایی، عملیات «خشم حماسی» ترامپ را «شجاعانه‌ترین حرکت سیاست خارجی» نامید و آن را تغییردهنده‌ی بازی برای نقش آمریکا در قرن آینده توصیف کرد.

ماردو سغوم، کارشناس مسائل ایران، نیز اشاره کرد که استراتژی رژیم ایران همیشه «انتظار کشیدن» برای پایان فشار آمریکا بوده و اکنون با شکست جمهوریخواهان در انتخابات میاندوره‌ای، فکر می‌کند باز هم این فرصت را دارد.

سغوم پیشنهاد کرد، ترامپ حمایت کامل از اسرائیل را برای انجام اقدامات بدهد و آمریکا خود را محدود به محاصره و تسهیل کشتیرانی کند. سغوم افزود که رادیوی دولتی رژیم ایران پیروزی دموکرات‌ها را جشن گرفته و این نتایج آنها را جسورتر خواهد کرد.دونالد ترامپ در مصاحبه‌های اخیر گفته که اگر مذاکرات پیشرفت کند، حملات مجدد «بسیار بعید» است؛ اما سه ناو هواپیمابر آماده دارد و اهدافی مانند ۳۸ پل را شناسایی کرده است. اقتصاد در ایران با تورم بالا (گزارش‌هایی از ۳۰۱ درصد خبر می‌دهند) در حال فروپاشی است و آمریکا کنترل تنگه هرمز را در دست دارد. کارشناسان هشدار می‌دهند که رژیم ایران در تلاش است تا پایان دوره‌ی ترامپ صبر کند، با این محاسبه‌ی فرضی که دولت دموکرات آینده به اقدام نظامی متوسل نخواهد شد.

در همین رابطه وزیر خارجه آمریکا، مارکو روبیو، روز یکشنبه (۸ نوامبر ۲۰۲۶) اعلام کرد که مذاکرات با رژیم ایران پیشرفت چندانی نداشته و واشنگتن به دستیابی به یک پیشرفت سازنده و دیپلماتیک نزدیک نیست.

روبیو پیش از عزیمت به فرانسه برای شرکت در نشست وزرای خارجه گروه هفت (G7)، به خبرنگاران گفت: «هیچ پیشرفتی از مذاکرات برای گزارش ندارم. چند کشور همچنان با رژیم ایران در ارتباط هستند و ایده‌های مختلفی مطرح می‌کنند، اما نمی‌گویم که در آستانه‌ی یک پیشرفت هستیم زیرا مطالبات آنها به سادگی غیرقابل قبول هستند و در برخی موارد گستاخانه، خنده‌دارند و به هیچ وجه واقع‌بینانه نیستند».

با این حال، چگونگی پایان دادن به جنگ با جمهوری اسلامی در دو سال باقیمانده از ریاست جمهوری ترامپ، پیامدهای عمیقی بر موفقیت‌های او خواهد داشت. یک پیروزی چشمگیر با «تمام کردن کار» جمهوری اسلامی، هم شکست انتخابات میاندوره‌ای را جبران خواهد کرد و هم موقعیت جمهوریخواهان را تثبیت می‌کند.

بیل کلینتون پس از شکست سنگین حزب دموکرات در انتخابات میاندوره‌ای ۸ نوامبر ۱۹۹۴ که به از دست رفتن کنترل هر دو مجلس کنگره و پیروزی جمهوریخواهان به رهبری نیوت گینگریچ انجامید، دوباره زمینه‌ی بازگشت سیاسی خود را فراهم کرد و در انتخابات ۵ نوامبر ۱۹۹۶ با قاطعیت بر باب دول پیروز شد.

کلینتون در دوره‌ی دوم ریاست جمهوری، با همراهی ناتو علیه یوگسلاوی (صربستان) در چارچوب عملیات «نیروی متفقین» برای توقف پاکسازی قومی در کوزوو، و پایان موفقیت‌آمیز عملیات، این مداخله را به عنوان دستاوردی «دیپلماتیک و بشردوستانه» معرفی کرد و به این ترتیب شکست میاندوره‌ای را به رهبری قاطع و پیروزی سیاسی تبدیل ساخت.

در مجموع، با وجود تبلیغات نمایشی جمهوری اسلامی درباره «فروپاشی آمریکا»، کاخ سفید و ناظران مستقل بر برتری استراتژیک ایالات متحده تأکید دارند.

فشارهای اقتصادی و نظامی و دیپلماتیک رژیم ایران را در موقعیتی بسیار ضعیف قرار داده، هرچند که تهدیدات هسته‌ای و موشکی هنوز بطور کامل از بین نرفته‌اند. تصمیم نهایی ترامپ درباره‌ی تعیین تکلیف آمریکا با رژیم ایران، می‌تواند شکل‌دهنده‌ی میراث او و آینده‌ی خاورمیانه باشد.

توطئه حمله به پایگاه سلطنتی «فیرفورد»؛ طرح یک «تروریست» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زندان نیویورک!



پایگاه سلطنتی «فیرفورد»



داوود السعدی در کنار قاسم سلیمانی

بر اساس گزارش روزنامه «نیویورک‌پست»، داوود السعدی شهروند عراقی- ایرانی که پیشتر به اتهام مشارکت در نزدیک به ۲۰ حمله یا تلاش برای حمله‌ی تروریستی در اروپا بازداشت و به آمریکا منتقل شده بود، با دو همدست مستقر در ایران به نام «محسن مهاجری» و «محمد الحسنی» برای طراحی این توطئه همکاری می‌کرده است.

کیفرخواست جدید که هشت مورد اتهام را شامل می‌شود، نقش داوود السعدی در طرح پایگاه نظامی سلطنتی «فیرفورد» را به اتهامات قبلی او افزوده و نشان می‌دهد که حتی پس از بازداشت، فعالیت‌های او متوقف نشده است.

در ماه‌های ژوئن و ژوئیه، السعدی در تماس‌های تلفنی به مادر و خواهرش گفت که پولی به محسن مهاجری بدهکار است و احوال آخرین وضعیت در مورد «کار»ش را گرفت. او پرسید: «آنها در مورد همه‌ی کارهای قدیمی ما چه می‌کنند؟» و خواستار اطلاعات تازه از لغو یا توقف آن شد. خواهرش پاسخ داد که «لغو نشده است». سه روز پیش از دستگیری‌های ۲۷ سپتامبر توسط پلیس بریتانیا، السعدی از خانواده‌اش در مورد الحسنی پرسید و مطلع شد که او به «بخش بین‌المللی» منتقل شده است. سپس دستور داد: «به او [الحسنی] پول بدهید تا بتوانیم آن را انجام دهیم».

این پیام‌ها که به عنوان «کد» برای پیشبرد طرح تروریستی تفسیر شده‌اند، از طریق بستگان به همدستان منتقل می‌شدند. وکلای داوود السعدی این ادعاها را گمانه‌زنی و مبتنی بر ترجمه‌های مشکوک از عربی دانسته‌اند و توضیحات عادی برای مکالمات ارائه کرده‌اند، اما دادستان‌ها بر معنای رمزگذاری‌شده تأکید دارند.

سه عامل مرتبط با یک شبکه تروریستی تحت حمایت جمهوری اسلامی به طراحی توطئه‌ی پایگاه هوایی سلطنتی «فیرفورد» در بریتانیا متهم شده‌اند.

یک کیفرخواست جدید فدرال در دادگاه ناحیه‌ی جنوبی نیویورک، سه عامل مرتبط با شبکه تروریستی تحت حمایت جمهوری اسلامی را به طراحی و هماهنگی توطئه‌ی نافرجام برای هدف قرار دادن پایگاه هوایی سلطنتی «فیرفورد» (RAF Fairford) در بریتانیا متهم کرده است.

این پایگاه که میزبان هواپیماهای بمب‌افکن آمریکایی بود، در جریان عملیات نظامی ایالات متحده علیه رژیم ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت. محمدباقر سعد داوود السعدی، شهروند عراقی- ایرانی که از ماه مه ۲۰۲۶ در زندان آمریکا بسر می‌بَرَد، از داخل سلول خود با استفاده از پیام‌های رمزگذاری‌شده در تماس‌های تلفنی با بستگانش در عراق، این طرح را سازماندهی کرده است.

بر اساس گزارش روزنامه «نیویورک‌پست»، داوود السعدی که پیشتر به اتهام مشارکت در نزدیک به ۲۰ حمله یا تلاش برای حمله‌ی تروریستی در اروپا بازداشت و به آمریکا منتقل شده بود، با دو همدست مستقر در ایران به نام «محسن مهاجری» و «محمد الحسنی» برای طراحی این توطئه همکاری می‌کرده است.

این سه نفر بخشی از یک شبکه تروریستی مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کتائب حزب‌الله (گروه شبه‌نظامی عراقی تحت حمایت رژیم ایران) محسوب می‌شوند که توسط آمریکا به عنوان سازمان‌های تروریستی خارجی شناخته شده‌اند.

کیفرخواست جدید که هشت مورد اتهام را شامل می‌شود، نقش داوود السعدی در طرح پایگاه نظامی سلطنتی «فیرفورد» را به اتهامات قبلی او افزوده و نشان می‌دهد که حتی پس از بازداشت، فعالیت‌های او متوقف نشده است.

جزئیات هماهنگی از زندان، پیچیدگی این شبکه را بیشتر آشکار می‌سازد. در ماه‌های ژوئن و ژوئیه، السعدی در تماس‌های تلفنی به مادر و خواهرش گفت که پولی به محسن مهاجری بدهکار است و احوال آخرین وضعیت در مورد «کار»ش را گرفت. او پرسید: «آنها در مورد همه‌ی کارهای قدیمی ما چه می‌کنند؟» و خواستار اطلاعات تازه از لغو یا توقف آن شد. خواهرش پاسخ داد که «لغو نشده است».

سه روز پیش از دستگیری‌های ۲۷ سپتامبر توسط پلیس بریتانیا، السعدی از خانواده‌اش در مورد الحسنی پرسید و مطلع شد که او به «بخش بین‌المللی» منتقل شده است. سپس دستور داد: «به او [الحسنی] پول بدهید تا بتوانیم آن را انجام دهیم».

این پیام‌ها که به عنوان «کد» برای پیشبرد طرح تروریستی تفسیر شده‌اند، از طریق بستگان به همدستان منتقل می‌شدند. وکلای داوود السعدی این ادعاها را گمانه‌زنی و مبتنی بر ترجمه‌های مشکوک از عربی دانسته‌اند و توضیحات عادی برای مکالمات ارائه کرده‌اند، اما دادستان‌ها بر معنای رمزگذاری‌شده تأکید دارند.

محمد الحسنی، که ۳۵ ساله است و ملیت عراقی دارد، پیش از این دستور، زمینه‌سازی نیز کرده بود. در ماه اوت، او به همکارانش در بریتانیا پول پرداخت تا اقدامات مقدماتی شامل نظارت بر پایگاه، تهیه‌ی ون‌ها، بشکه‌های سوخت و مواد شیمیایی مانند پتاسیم کلرید و همچنین فلز برای استفاده به عنوان ترکش بمب را انجام دهند.

اتوبوس‌های کوچک «ون» به گونه‌ای آماده شده بودند که شبیه وسایل نقلیه «خدمات سوخت» و «نظافت استخر» به نظر برسند. سه وسیله نقلیه در ۲۶ سپتامبر به سمت پایگاه سلطنتی «فیرفورد» به حرکت درآمدند؛ دو دستگاه از آنها در ایست بازرسی متوقف و هر سه در روز بعد توسط مقامات بریتانیایی ضبط شدند.

پلیس بریتانیا هفت مرد را در نزدیکی پایگاه در «ولسفورد»، پس از گزارش یک کشاورز محلی از فعالیت مشکوک ون‌های سفید و مردان نقابدار، بازداشت کرد. هرچند مواد منفجره بطور کامل یافت نشد، اما سوخت و مواد مرتبط با طرح انفجاری کشف شد و این حادثه به اعلام وضعیت اضطراری و تخلیه خانه‌های اطراف پایگاه

منجر گشت.

این توطئه تروریستی از سوی جمهوری اسلامی، بر بستر جنگ جاری ایالات متحده و متحدانش رخ داد. پایگاه «فیرفورد» نقش کلیدی در عملیات بمباران نقاطی در ایران توسط آمریکا داشت. پس از این حادثه، ارتش آمریکا بمب‌افکن‌های B-1 خود را از این پایگاه به پایگاه‌های دیگر منتقل کرد تا خطر را کاهش دهد.

رئیس جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ، اقدام مقامات بریتانیایی را به دلیل آزاد کردن هفت مظنون با وثیقه محکوم کرد و به همراه نخست‌وزیر بریتانیا، اندی برنهام، رژیم ایران را مسئول این تهدید دانست. برنهام طرح را «تقریباً قطعاً» توسط سپاه پاسداران هدایت‌شده توصیف کرد.

در بریتانیا نیز دو مرد ۲۴ ساله ساکن لندن به نام «محمد عبدالکریم» و «نعمان اصغر» بر اساس قوانین امنیت ملی، به کمک به سرویس اطلاعاتی جمهوری اسلامی و ورود به مکان ممنوعه متهم شدند. عبدالکریم متهم است که تحت دستور یک «هدایت‌کننده» به نام «علی» ونها را تهیه و مردان نقابدار را سازماندهی کرده و حدود ۷۰ هزار پوند دریافت کرده است.

پرونده کیفرخواست داوود السعدی فراتر از طرح حمله به پایگاه «فیرفورد» است و تقریباً بیست حمله یا تلاش برای حمله علیه «جوامع یهودی» در اروپا و آمریکا، از جمله بمب‌گذاری احتمالی در کنیسه «منهتن» را شامل می‌شود. برخی از این حملات در بهار ۲۰۲۶ در بریتانیا رخ داده و شامل آتش‌سوزی، انفجار و حمله با چاقو به دو مرد یهودی در لندن بوده است.

دادستان‌ها می‌گویند، این شبکه از طریق گروه‌های جبهه‌ای مانند «جنبش اسلامی اصحاب یمین» عمل می‌کرده است. دادستان ایالات متحده جیمی مک‌دونالد اظهار داشت: «این متهمان به سازماندهی کمپین ترور به نمایندگی از سازمان‌های تروریستی وابسته به رژیم ایران کمک کردند تا جوامع یهودی در اروپا و آمریکا و پایگاه نظامی بریتانیایی فیرفورد، میزبان سربازان آمریکایی را هدف قرار دهد».

دادستان کل، تاد بلانچ، نیز تأکید کرد که هر کسی طرح تروریستی علیه پایگاه میزبان سربازان آمریکایی را برنامه‌ریزی کند، توسط دولت آمریکا تعقیب خواهد شد. در این میان، تنها السعدی در بازداشت است، و محل دو همدست دیگر وی فاش نشده است.

این پرونده نشان می‌دهد که تروریسم بدون مرز جمهوری اسلامی و متحدانش در استفاده از شبکه‌های جنایتکار، حتی از داخل زندان‌های آمریکا، برای هدف قرار دادن دارایی‌های نظامی غرب را باید بسیار جدی گرفت.

انتقال هواپیماهای آمریکایی از «فیرفورد» و اخیراً از پایگاه‌های دیگر مانند «میلدهال» و افزایش سطح هشدار امنیتی در پایگاه‌های بریتانیا و حتی آلمان، بازتاب نگرانی‌های عمیق از تهدیدات مداوم است. در ادامه‌ی تهدیدهای همیشگی، رسانه‌های دولتی رژیم ایران پایگاه‌هایی مانند «فیرفورد»، «میلدهال» و «لیکن‌هیث» را به عنوان اهداف بالقوه نام برده‌اند.

با این حال، طراحی حمله به «فیرفورد»، آسیب‌پذیری پایگاه‌های مشترک غربی و نیاز به همکاری اطلاعاتی نزدیک‌تر بین متحدان را برجسته می‌سازد و احتمالاً منجر به اقدامات امنیتی سختگیرانه‌تر و تعقیب‌های قضایی گسترده‌تر خواهد شد. پیگیری قضائی پرونده داوود السعدی در دادگاه نیویورک ادامه دارد و می‌تواند ابعاد جدیدی از عملیات‌های تحت حمایت رژیم ایران در اروپا را روشن سازد.

آمریکا چند هواپیمای سوخت‌رسان خود را در واکنش به تهدیدات جمهوری اسلامی از بریتانیا خارج کرد



هواپیماهای نظامی آمریکا در بریتانیا / عکس: رویترز

روزنامه «وال استریت ژورنال» گزارش داد که هواپیماها در پاسخ به تهدید جمهوری اسلامی از پایگاه نیروی هوایی سلطنتی «میلدنهال» منتقل شده‌اند. ارتش آمریکا یا وزارت دفاع بریتانیا هنوز این موضوع را تأیید نکرده‌اند.

بر اساس این گزارش، دو هواپیمای سوخت‌رسان آمریکا که از پایگاه نیروی هوایی سلطنتی «میلدنهال» در «سافک» استفاده می‌کردند، اوایل دوشنبه، ۹ نوامبر، به آلمان تغییر مسیر دادند. بعد در همان روز چندین هواپیمای سوخت‌رسان دیگر در این پایگاه به آلمان و دیگر کشورها منتقل شدند.

لوسی پاول وزیر آموزش بریتانیا در پاسخ به پرسشی در مورد خروج هواپیماهای آمریکایی از پایگاه نیروی هوایی سلطنتی «میلدنهال» به شبکه جهانی «بی‌بی‌سی» گفت: «بدیهی است که نمی‌توانم در مورد مسائل عملیاتی اظهار نظر کنم اما به شما اطمینان می‌دهم که ما امنیت و ایمنی پایگاه‌های خود را فوق‌العاده جدی می‌گیریم و همیشه در صورت نیاز بر اساس اطلاعات امنیتی اقدام خواهیم کرد.»

وبسایت‌های ردیابی پروازها نشان می‌دهند که دست‌کم ۹ فروند هواپیمای سوخت‌رسان نظامی آمریکا یک پایگاه هوایی در شرق انگلستان را ترک کرده‌اند.

روزنامه «وال استریت ژورنال» ۱۸ آبان ۱۴۰۵ گزارش داد که هواپیماها در پاسخ به تهدید جمهوری اسلامی از پایگاه نیروی هوایی سلطنتی «میلدنهال» منتقل شده‌اند. ارتش آمریکا یا وزارت دفاع بریتانیا هنوز این موضوع را تأیید نکرده‌اند.

بر اساس این گزارش، دو هواپیمای سوخت‌رسان آمریکا که از پایگاه نیروی هوایی سلطنتی «میلدنهال» در «سافک» استفاده می‌کردند، اوایل دوشنبه، ۹ نوامبر، به آلمان تغییر مسیر دادند. بعد در همان روز چندین هواپیمای سوخت‌رسان دیگر در این پایگاه به آلمان و دیگر کشورها منتقل شدند.

این اقدام چند هفته پس از آن صورت می‌گیرد که ایالات متحده بمب‌افکن‌های خود را از پایگاه نیروی هوایی سلطنتی «فیرفورد» به دلیل یک حادثه امنیتی مشکوک خارج کرد. دولت بریتانیا این حادثه امنیتی را «به احتمال زیاد» مرتبط با جمهوری اسلامی ایران دانست اما مقامات تهران دخالت خود را تکذیب کردند.

به نوشته این روزنامه، آمریکا سطح تدابیر امنیتی در پایگاه‌های «میلدنهال» و لیکن‌هیث» (RAF Lakenheath) را افزایش داده است. این موضوع را یک مقام آمریکایی آگاه از موضوع تأیید کرده است.

سطح آماده‌باش امنیتی این پایگاه‌ها به وضعیت چارلی (FPCON Charlie) ارتقاء یافته است. این وضعیت، دومین سطح بالای تهدید در نظام امنیتی وزارت دفاع آمریکاست و زمانی اعمال می‌شود که اطلاعات امنیتی حاکی از احتمال وقوع نوعی اقدام تروریستی باشد.

سخنگوی نیروی هوایی آمریکا از ارائه جزئیات درباره جابجایی تجهیزات نظامی به وال‌استریت ژورنال خودداری کرد، اما گفت که هواپیماهای آمریکایی به دلایل مختلف میان پایگاه‌ها و محل‌های عملیاتی جابجا می‌شوند.

لوسی پاول وزیر آموزش بریتانیا در پاسخ به پرسشی در مورد خروج هواپیماهای آمریکایی از پایگاه نیروی هوایی سلطنتی «میلدنهال» به شبکه جهانی «بی‌بی‌سی» گفت: «بدیهی است که نمی‌توانم در مورد مسائل عملیاتی اظهار نظر کنم اما به شما اطمینان می‌دهم که ما امنیت و ایمنی پایگاه‌های خود را فوق‌العاده جدی می‌گیریم و همیشه در صورت نیاز بر اساس اطلاعات امنیتی اقدام خواهیم کرد.»

همچنین سخنگوی وزارت دفاع بریتانیا هم به «بی‌بی‌سی» گفت: «این روال ما نیست که در مورد فعالیت‌های کشورهای دیگر اظهار نظر کنیم.» ولی افزود: «هواپیماها و سایر دارایی‌ها طبق الزامات عملیاتی منظم جابجا می‌شوند.»

تشکیل نیروی ویژه «دروازه آهنین»؛ طرح چندمنظوره سنتکام برای قطع توانایی حکومت ایران در ادامه جنگ و تأمین مالی

آمریکا اقدامات خود برای تنگ‌تر کردن حلقه محاصره علیه جمهوری اسلامی و مختل کردن شبکه‌های تأمین تسلیحاتی و نظامی رژیم را گسترش داده است. بخشی از این اقدامات که از پشتیبانی نظامی و اطلاعاتی برخوردار است، تشکیل «نیروی ویژه دروازه آهنین» برای کنترل مسیرهای زمینی ایران و مسیر دریایی کاسپین است.

مایکل مولروی معاون پیشین دستیار وزیر دفاع آمریکا در امور خاورمیانه می‌گوید: «برخلاف عملیات خشم حماسی که عمدتاً بر اهداف نظامی متمرکز بود، تصور می‌کنم اهداف این مرحله بیشتر زیرساخت‌های اقتصادی و حیاتی را شامل شوند. این اقدامات بخشی از یک طرح جامع برای قطع توانایی حکومت ایران در ادامه جنگ و تأمین مالی آن است.»

مجوب زویری، استاد تاریخ معاصر و علوم سیاسی دانشگاه قطر، به «الجزیره» گفت که گزارش‌ها درباره واردات تجهیزات نظامی از طریق روسیه، برای ایالات متحده یک «نگرانی واقعی» محسوب می‌شود. او گفت این نیروی ویژه ممکن است «باعث رویارویی با روسیه شود».



گشت‌زنی آپاچی‌های سنتکام بر فراز تنگه هرمز

آمریکا اقدامات خود برای تنگ‌تر کردن حلقه محاصره علیه جمهوری اسلامی و مختل کردن شبکه‌های تأمین تسلیحاتی و نظامی رژیم را گسترش داده است. بخشی از این اقدامات که از پشتیبانی نظامی و اطلاعاتی برخوردار است، تشکیل «نیروی ویژه دروازه آهنین» برای کنترل مسیرهای زمینی ایران و مسیر دریایی کاسپین است.

مایکل مولروی معاون پیشین دستیار وزیر دفاع آمریکا در امور خاورمیانه به «الجزیره» می‌گوید که نیروی ویژه «دروازه آهنین» تلاش خواهد کرد مشخص کند که سامانه‌های تسلیحاتی از چه مسیرهایی وارد ایران می‌شوند، چگونه می‌توان مسیر ورود آنها را مسدود کرد و جمهوری اسلامی چگونه منابع انرژی خود را جابجا می‌کند.

بر اساس گزارش «الجزیره»، این طرح محاصره بنادر ایران از سوی آمریکا را گسترش می‌دهد و مرزهای زمینی ایران و دریای کاسپین (مازندران، خزر) را نیز در بر می‌گیرد. گزارش‌ها حاکیست که این یگان با حضور ۲۰ نیروی نظامی و غیرنظامی اداره خواهد شد.

ایران با هفت کشور مرز مشترک دارد: افغانستان، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، عراق، پاکستان، ترکیه و ترکمنستان.

سنتکام اعلام کرد، این یگان که مقرّ آن در شهر تامپا در ایالت فلوریدا قرار دارد، با دیگر نهادهای دولت آمریکا برای «جلوگیری از جابجایی سامانه‌های تسلیحاتی پیشرفته، فناوری‌های دومنظوره، اقلام مشمول تحریم و جریان‌های درآمدی غیرقانونی از طریق مرزهای زمینی ایران و دریای کاسپین» همکاری خواهد کرد.

به گفته مولروی، اگر دونالد ترامپ جنگ را تشدید کند، احتمالاً حملاتی علیه مجموعه‌ای از اهداف انجام خواهد شد.

او افزود: «برخلاف عملیات خشم حماسی که عمدتاً بر اهداف نظامی متمرکز بود، تصور می‌کنم اهداف این مرحله بیشتر زیرساخت‌های اقتصادی و حیاتی را شامل شوند. این اقدامات بخشی از یک طرح جامع برای قطع توانایی حکومت ایران در ادامه جنگ و تأمین مالی آن است.»

به گفته او، این یگان در درجه نخست یک نهاد هماهنگ‌کننده است که بررسی می‌کند آمریکا چگونه می‌تواند با هدف قرار دادن مسیرهای زمینی، استراتژی فشار و خفه ساختن اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را گسترش دهد؛ چراکه بخش عمده مسیرهای دریایی پیشتر تحت پوشش اقدامات آمریکا قرار گرفته‌اند.

واکنش رژیم ایران به اعلام سنتکام چه بود؟

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرح نظامی آمریکا را رد کرد و آن را «صرفاً بازی با کلمات» خواند.

سردار حسین محبی، سخنگوی سپاه پاسداران، در اظهاراتی که خبرگزاری «فارس» منتشر کرد، گفت: «آمریکایی‌ها از این طریق نمی‌توانند به هدف خود، یعنی اعمال فشار شدید اقتصادی برای فروپاشی و تجزیه اقتصاد ایران، دست پیدا کنند.» او افزود، واشنگتن پیشتر ادعا کرده بود که اقتصاد ایران ظرف دو هفته دچار فروپاشی خواهد شد، اما «شاهد بودیم که چنین اتفاقی رخ نداد.»

آیا تشکیل این یگان واکنشی به گزارش‌ها درباره همکاری تسلیحاتی روسیه و ایران است؟

اگرچه سنتکام در بیانیه خود بطور مستقیم به تجارت تسلیحاتی جمهوری اسلامی و روسیه اشاره نکرده، اما تحلیلگران می‌گویند این یگان را می‌توان تلاشی برای مختل کردن شبکه‌های تأمین تسلیحاتی حکومت ایران، از جمله مسیرهای مرتبط با روسیه، دانست.

رسانه‌های آمریکایی گزارش داده‌اند که روسیه قطعات پهپاد و مواد منفجره را از طریق دریای کاسپین به ایران ارسال می‌کند. همچنین ادعاهایی مطرح شده که فناوری روسیه ممکن است به رژیم ایران در توسعه موشک‌های کروز مافوق صوت پیشرفته کمک کند.

مجوب زویری، استاد تاریخ معاصر و علوم سیاسی دانشگاه قطر، به «الجزیره» گفت، گزارش‌ها درباره واردات تجهیزات نظامی از طریق روسیه، برای ایالات متحده یک «نگرانی واقعی» محسوب می‌شود. او گفت که این نیروی ویژه ممکن است «باعث رویارویی با روسیه شود».

رامی خوری، پژوهشگر سیاست عمومی در دانشگاه آمریکایی بیروت و پژوهشگر ارشد غیرمقیم مرکز عربی در واشنگتن، درباره تشکیل این یگان گفت: «آمریکا واقعاً نمی‌داند در قبال جمهوری اسلامی ایران چه کاری باید انجام دهد؛ همانطور که پیشتر هم شاهد بوده‌ایم، این کشور اقداماتی را بدون برنامه‌ریزی قبلی انجام می‌دهد؛ استراتژی‌ای که تا کنون موفقیت چندانی به همراه نداشته است.»

آیا آمریکا واقعاً می‌تواند مسیرهای تأمین کالا و تسلیحات ایران را مسدود کند؟

خوری با اشاره به سابقه چند هزار ساله ایران به عنوان یک کشور مهم در مسیر بازرگانی جهانی، گفت مأموریت آمریکا برای مسدود کردن تمام مسیرهای تجاری ایران تقریباً غیرممکن است.

او توضیح داد: «ایران طی هزاران سال شبکه گسترده‌ای از ارتباطات با بازرگانان، شرکا و متحدان در سراسر منطقه به ویژه در آسیا ایجاد کرده است. عملاً غیرممکن است که آمریکا بتواند تمام این مسیرها را مسدود کند.»

این تحلیلگر افزود، آمریکا می‌تواند علیه جمهوری اسلامی محاصره دریایی یا تحریم اعمال کند، اما نمی‌تواند

رفتار همه کشورها، از روسیه و چین گرفته تا امارات متحده عربی و دیگر کشورها را کنترل کند.

او همچنین افزود: «در سراسر منطقه افراد زیادی با ایران ارتباط دارند؛ برخی از این ارتباطات بسیار نزدیک و برخی دیگر صرفاً تجاری هستند.»

خوری اضافه کرد، بخش قابل توجهی از اقلام و قطعات مورد استفاده در سامانه‌های تسلیحاتی ایران از کشورهای دیگر خریداری می‌شوند؛ حتی برخی از این قطعات منشأ آمریکایی یا اروپایی دارند، اما از طریق شرکت‌هایی در آسیا به ایران منتقل می‌شوند.

آیا این اقدام می‌تواند مسیر جنگ را تغییر دهد؟

جو کنت، مقام ارشد پیشین مبارزه با تروریسم در دولت ترامپ که در ماه مارس در اعتراض به جنگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی استعفا داد، گفت که تشکیل این نیروی ویژه تلاشی از سوی سنتکام برای تضعیف تلاش‌های دیپلماتیک جاری است.

کنت در «ایکس» نوشت: «این اقدام سنتکام به معنای دعوت از جمهوری اسلامی برای تشدید تنش است؛ آنهم در شرایطی که معاون رئیس جمهور در تلاش برای مذاکره با ایرانی‌هاست.»

او افزود، این همانچیزی است که سنتکام آن را «سیاست‌گذاری از طریق طرح عملیاتی» می‌نامد: «زمانی که ارتش بدون سرپیچی آشکار از رئیس جمهور، راهی برای دور زدن کاخ سفید پیدا می‌کند و اقداماتی انجام می‌دهد که تضمین‌کننده تشدید یا ادامه جنگ خواهد بود.»

بر اساس گزارش روزنامه «وال‌استریت ژورنال»، برد کوپر، فرمانده سنتکام، از جمله مقام‌هایی است که در کنار پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، ترامپ را برای از سر گرفتن حملات علیه جمهوری اسلامی ایران تحت فشار قرار می‌دهند.

زویری گفت، این نیروی ویژه ممکن است صرفاً جنبه نمادین داشته باشد، زیرا آمریکا هیچ حضور نظامی در دریای کاسپین ندارد.

او گفت: «آمریکا به این دریا دسترسی ندارد، مگر اینکه برخی کشورهای همسایه مانند جمهوری آذربایجان، ارمنستان یا دیگر کشورها با آن همکاری کنند. اما آنها در این زمینه همکاری نخواهند کرد، زیرا نمی‌خواهند روسیه را ناراضی کنند.»

او افزود، اجرای چنین طرحی مستلزم حضور نیروهای نظامی در منطقه است؛ اتفاقی که، به گفته‌ی او، بعید به نظر می‌رسد.

زویری همچنین گفت، سهم دریای کاسپین در اقتصاد ایران تنها ۱۱ درصد است و بنابراین اقدامات این نیروی ویژه تأثیر منفی چندانی بر تهران نخواهد داشت.

«الجزیره» اعلام کرد که نتوانسته این رقم را بطور مستقل تأیید کند، اما بر اساس گزارش مرکز «سوفان» مستقر در نیویورک، دریای کاسپین تنها بخش کوچکی از کل تجارت دریایی ایران را تشکیل می‌دهد.

میعاد ملکی عضو پیشین «اوفک» در وزارت خزانه‌داری امریکا در یک رشته توییت بر اساس آمار و اسناد تأکید کرده است: «جمهوری اسلامی از قبل برای این تغییر مسیر برنامه‌ریزی کرده و منابع مالی لازم را به آنها اختصاص داده است، برای بستن این راه‌های جایگزین، آمریکا باید به عراق و ترکیه فشار وارد کند، شرکت‌های فعال در این کریدورها را تحریم کند و مسیر دریای کاسپین را زیر نظر بگیرد؛ جایی که ناوهای جنگی آمریکا امکان ورود به آن را ندارند.»

تلاش دموکرات‌ها برای استیضاح پیت هگست شکست خورد؛ ترامپ: هگست یک میهن‌پرست واقعی است

جمهوریخواهان مجلس نمایندگان آمریکا و شماری از دموکرات‌ها روز سه‌شنبه ۱۹ آبان‌ماه مانع عملی شدن طرح استیضاح پیت هگست وزیر دفاع آمریکا شدند.

مجلس نمایندگان با ۲۱۱ رای موافق در برابر ۲۰۴ رای مخالف، پیشنهاد ارجاع هشت مورد از مفاد استیضاح به کمیته قضایی این مجلس را تصویب کرد.

دموکرات‌ها پیش از رای‌گیری حمایت قاطع خود را از تلاش برای استیضاح هگست اعلام کرده بودند اما ۱۱ نماینده دموکرات، از جمله نانسی پلوسی رئیس پیشین مجلس نمایندگان، در رای‌گیری شرکت نکردند. اگر هشت نفر از آنها رای مخالف می‌دادند، پیشنهاد ارجاع طرح به کمیته رد می‌شد و راه برای رای‌گیری درباره استیضاح در صحن مجلس نمایندگان هموار می‌شد.

ترامپ در «تروث سوشال» درباره هگست نوشت: «پیروزی‌ها در ونزوئلا و ایران، بالاترین آمار جذب نیرو در تاریخ ارتش (برای پیوستن به ارتش صف‌های انتظار طولانی وجود دارد!) و روحیه‌ای که به ندرت نظیرش دیده شده، به تبرئه یک میهن‌پرست بزرگ آمریکایی انجامید.»

جمهوریخواهان مجلس نمایندگان آمریکا و شماری از دموکرات‌ها روز سه‌شنبه ۱۹ آبان‌ماه مانع عملی شدن طرح استیضاح پیت هگست وزیر دفاع آمریکا شدند.

مجلس نمایندگان با ۲۱۱ رای موافق در برابر ۲۰۴ رای مخالف، پیشنهاد ارجاع هشت مورد از مفاد استیضاح به کمیته قضایی این مجلس را تصویب کرد. این کمیته تحت کنترل جمهوریخواهان است و توماس مسی، طراح استیضاح، هشدار داده بود که ارجاع طرح به آن عملا به این تلاش پایان می‌دهد.

پیت هگست در یک نشست خبری تلاش برای استیضاح خود را «نمایشی مضحک» خواند و به دفاع از عملکرد خود در پنتاگون پرداخت.

مسی نماینده جمهوریخواه امیدوار بود رأی هم‌حزبی‌های خود را که از عملکرد هگست ناراضی بودند و از پیامدهای مخالفت عمومی با جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران بیم داشتند، جلب کند؛ اما هیچیک از آنها به او نپیوست.

دموکرات‌ها پیش از رای‌گیری حمایت قاطع خود را از تلاش برای استیضاح هگست اعلام کرده بودند اما ۱۱ نماینده دموکرات، از جمله نانسی پلوسی رئیس پیشین مجلس نمایندگان، در رای‌گیری شرکت نکردند. اگر هشت نفر از آنها رای مخالف می‌دادند، پیشنهاد ارجاع طرح به کمیته رد می‌شد و راه برای رای‌گیری درباره استیضاح در صحن مجلس نمایندگان هموار می‌شد.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، از نتیجه رای‌گیری استقبال کرد و گفت که «تلاش دموکرات‌ها» برای استیضاح پیت هگست «مفتضحانه شکست خورد.»

او در «تروث سوشال» توماس مسی را «بازنده تمام‌عیار» خواند و نوشت: «پیروزی‌ها در ونزوئلا و ایران، بالاترین آمار جذب نیرو در تاریخ ارتش (برای پیوستن به ارتش صف‌های انتظار طولانی وجود دارد!) و روحیه‌ای که به ندرت نظیرش دیده شده، به تبرئه یک میهن‌پرست بزرگ آمریکایی انجامید.»

اگر طرح در صحن مجلس به تصویب می‌رسید، هگست نخستین وزیر دفاع آمریکا می‌بود که استیضاح می‌شد. آخرین استیضاح یک مقام غیرنظامی در راس ارتش آمریکا در سال ۱۸۷۶ رخ داد، زمانی که ویلیام بلکنپ «وزیر جنگ» بود.

توماس مسی گفت که از نتیجه رای‌گیری ناامید شده و جمهوریخواهان را به مسافرانی تشبیه کرد که راضی‌اند همراه با تایتانیک غرق شوند.

او ادعا کرد: «می‌دانند کشتی در حال غرق شدن است، اما تصمیم گرفته‌اند در آن بمانند.»

حکیم جفریز رهبر دموکرات‌های مجلس نمایندگان پیش از رای‌گیری انتقادهای تندی را متوجه وزیر دفاع کرد. او گفت: «پیت هگست از قدرت خود سوء استفاده کرده، امنیت ملی آمریکا را تضعیف نموده و معمار جنگی نسنجیده، پرهزینه و شکست‌خورده در ایران است.»

مسی نیز در بندهای هشتگانه استیضاح، هگست را به



پیت هگست وزیر دفاع آمریکا

ارتکاب «جرائم سنگین و تخلفات» متهم کرده بود. اتهام‌های مطرح‌شده طیفی از اقدامات وزیر دفاع، از جنگ ایران تا عملیات نظامی آمریکا در ژانویه برای برکناری نیکلاس مادورو، رییس جمهوری ونزوئلا، را در بر می‌گرفت در مقابل اما جی. دی. ونس معاون ترامپ گفته بود استیضاح او ربطی به مسئله ایران ندارد.

اینهمه در حالیست که دموکرات‌ها از ماه ژانویه سال ۲۰۲۷ کنترل هر دو مجلس کنگره را در دست می‌گیرند و بعید نیست بار دیگر برای استیضاح هگست اقدام کنند.

کانال ۱۲ اسرائیل: آمریکا مانع طرح نتانیاهو برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی پیش از انتخابات اسرائیل شد

کانال ۱۲ اسرائیل گزارش داد، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر این کشور پیش از انتخابات پارلمانی اسرائیل برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی تلاش کرده بود اما مخالفت برخی مقامات امنیتی و دخالت آمریکا مانع اجرای آن شد. به گفته این شبکه، رئیس موساد از اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی حمایت می‌کرد.

در همان دوره روند پیشبرد طرح حمله سرعت گرفته بود تا اینکه یک منبع اسرائیلی «با بی‌احتیاطی»، آمریکایی‌ها را از آماده شدن اسرائیل باخبر کرد. پس از اطلاع ایالات متحده، واشنگتن بلافاصله برای متوقف کردن این طرح وارد عمل شد.

نتانیاهو پیشتر در یک مصاحبه گفته بود که به تازگی به ارتش و موساد دستور داده است حکومت ایران را سرنگون کنند. در روزهای اخیر، گزارش‌هایی از فشار نتانیاهو برای از سر گرفتن حملات و تمایل ترامپ به ادامه مذاکرات منتشر شده است.

کانال ۱۲ اسرائیل گزارش داد، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر این کشور پیش از انتخابات پارلمانی اسرائیل برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی تلاش کرده بود اما مخالفت برخی مقامات امنیتی و دخالت آمریکا مانع اجرای آن شد. به گفته این شبکه، رئیس موساد از اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی حمایت می‌کرد.

بر اساس این گزارش که جمعه ۱۵ آبان از شبکه ۱۲ اسرائیل در برنامه «اولپان شیشی» پخش شد، رومن گوفمن رئیس موساد، از اقدام مورد نظر نتانیاهو پشتیبانی کرده بود.

مقامات دیگر هشدار داده بودند که این اقدام می‌تواند به تشدید خطرناک درگیری و تعویق انتخابات بیانجامد.

در همان دوره روند پیشبرد طرح حمله سرعت گرفته بود تا اینکه یک منبع اسرائیلی «با بی‌احتیاطی»، آمریکایی‌ها را از آماده شدن اسرائیل باخبر کرد. پس از اطلاع ایالات متحده، واشنگتن بلافاصله برای متوقف کردن این طرح وارد عمل شد.

این روایت از سوی مقامات آمریکایی تایید نشده است.

دفتر نخست‌وزیر اسرائیل این گزارش را رد کرد و گفت نتانیاهو «همان زمان اعلام کرده بود که حمله پیش از انتخابات اسرائیل در دستور کار نیست».

این گزارش پس از انتشار خبرهایی درباره اختلاف نتانیاهو و ایال زامیر بر سر یک دستور نظامی منتشر شد.

ادعا شد زامیر رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل، خواستار بررسی بیشتر و دریافت اسناد امضاشده درباره مجوز قانونی اقدام شده است.

نتانیاهو در مصاحبه با شبکه ۱۴ اسرائیل، گزارش اختلاف با زامیر را رد کرد و گفت «هیچ دعوایی» میان آنها رخ نداده است.

او در همین مصاحبه گفت که به تازگی به ارتش و موساد دستور داده حکومت ایران را سرنگون کنند. در روزهای اخیر، گزارش‌هایی از فشار نتانیاهو برای از سر گرفتن حملات و تمایل ترامپ به ادامه مذاکرات منتشر شده است.

فرماندهان ارشد ارتش اسرائیل می‌گویند، ارتش آمادگی حمله احتمالی را حفظ کرده و منتظر تصمیم آمریکا هستند.

بر اساس گزارش «وای‌نت» پس از انتخابات اسرائیل و آمریکا، احتمال حمله به جمهوری اسلامی ایران همچنان مطرح است. با این حال، تحرکات نظامی آمریکا تا کنون به تقویت نیروها در جنوب اسرائیل و چند جابجایی نه‌چندان غیرعادی در دریای عرب محدود بوده است.

بر اساس گزارش‌ها، نتانیاهو و ترامپ سر زمان و پیامدهای اقدام نظامی اختلاف دارند. نتانیاهو برای پیشبرد طرح تلاش کرده اما مقام‌هایی در ارتش اسرائیل و دولت آمریکا نسبت به خطر تشدید درگیری هشدار داده‌اند.



دیدار بنیامین نتانیاهو در مقر موساد با رومن گوفمن رئیس موساد / ۱۷ ژوئن ۲۰۲۶

وزارت خارجه فرانسه: سپاه پاسداران پشت حمله‌های سایبری به یخچال‌های فروشگاه‌های زنجیره‌ای قرار دارد

ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه، دوشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۵، تأیید کرد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسئول مجموعه حملات سایبری به یخچال‌های سوپرمارکت‌های فرانسه در ۱۹ و ۲۰ مهرماه بوده است.

وزیر خارجه فرانسه پس از نشست وزیران «گروه هفت» در پاریس اعلام کرد که تحقیقات درباره این حملات همچنان در جریان است و سفیر جمهوری اسلامی ایران در فرانسه برای ارائه توضیحات و پاسخ‌گویی احضار خواهد شد.

بر اساس گزارش‌ها، «آی‌پی»های کشف شده مستقر در ایران هستند که پیام‌هایی به زبان فارسی نیز بین حمله‌کنندگان رد و بدل شده است.

دادستانی پاریس تحقیقاتی قضایی را درباره رئیس گروه ایرانی «شهید کاوه» آغاز کرده است. این گروه یک واحد عملیاتی در حوزه حملات سایبری است که در زیرمجموعه مرکز الکترونیک و سایبری سپاه پاسداران فعالیت می‌کند.

به گزارش رویترز، سه ایرانی که مظنون به دست داشتن در حمله سایبری به سیستم‌های یخچال و سردخانه‌های ۷۰۰ مرکز فروشگاه‌های زنجیره‌ای و خرده‌فروشی در فرانسه هستند عبارتنداز: حمیدرضا لشگریان رئیس مرکز الکترونیک و سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ مهدی لشگریان فرمانده یگان «شهید کاوه»؛ و رضا سالاروند، فرمانده یگان «شهید کاوه».

ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه، دوشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۵، تأیید کرد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسئول مجموعه حملات سایبری به یخچال‌های سوپرمارکت‌های فرانسه در ۱۹ و ۲۰ مهرماه بوده است. وزیر خارجه فرانسه پس از نشست وزیران «گروه هفت» در پاریس اعلام کرد که تحقیقات درباره این حملات همچنان در جریان است و سفیر جمهوری اسلامی ایران در فرانسه برای ارائه توضیحات و پاسخگویی احضار خواهد شد.

او همچنین تأکید کرد که فرانسه در چارچوب اقدامات اروپایی، تحریم‌های لازم را علیه عاملان این حملات اعمال خواهد کرد.

کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نیز اعلام کرده است که نشست شورای امور خارجه این اتحادیه که قرار است ۲۵ آبان برگزار شود، فرصتی برای بررسی و مذاکره درباره حملات سایبری در کشورهای مختلف اروپا خواهد بود.

او افزود: «در صورت شناسایی و تعیین مسئولان این حملات، واکنش ما باید قاطعانه‌تر باشد.»

بر اساس گزارش‌ها، «آی‌پی»های کشف شده مستقر در ایران هستند که پیام‌هایی به زبان فارسی نیز بین حمله‌کنندگان رد و بدل شده است.

فرانسه در پی صدور حکم بازداشت برای اعضای گروه سایبری «شهید کاوه»

روزنامه فیگارو روز دوشنبه به نقل از منبعی نزدیک به پرونده گزارش داد که سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه، اجرای این عملیات را به واحد سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نسبت داده‌اند.

دادستانی پاریس تحقیقاتی قضایی را درباره رئیس گروه ایرانی «شهید کاوه» آغاز کرده است. این گروه یک واحد عملیاتی در حوزه حملات سایبری است که زیرمجموعه مرکز الکترونیک و سایبری سپاه پاسداران فعالیت می‌کند.

دامنه این تحقیقات علاوه بر رئیس این گروه، دو تن از معاونان او و همچنین افراد دیگری را که احتمال دارد در ادامه روند رسیدگی به پرونده شناسایی شوند، در بر می‌گیرد.

دادستانی پاریس در بیانیه‌ای اعلام کرد که برای بازداشت افراد مورد نظر در این پرونده، درخواست صدور حکم‌های بین‌المللی بازداشت را ارائه خواهد کرد.

در هفته‌های اخیر، شماری دیگر از کشورهای اروپایی از جمله بریتانیا، آلمان، ایتالیا، پرتغال و هلند نیز هدف حملات سایبری به تأسیسات و سردخانه‌ها قرار گرفته‌اند.

وزارت خارجه فرانسه در بیانیه‌ای اعلام کرد، این حملات سایبری خسارات مادی گسترده‌ای از جمله وقوع آتش‌سوزی به همراه داشته‌اند. به گفته این وزارتخانه، ارزش مواد غذایی و سایر کالاهایی که در پی این حملات از بین رفته‌اند، ده‌ها میلیون یورو برآورد می‌شود.

در این حمله، سامانه‌های سرمازا در بیش از ۷۰۰ فروشگاه در سراسر فرانسه هدف قرار گرفت. فروشگاه‌های زنجیره‌ای متعلق به «کارفور»، «مونوپری»، «اینترمارشه» و «کوآپراتیو یو» از جمله واحدهایی بودند که مهاجمان با دستکاری دمای یخچال‌های آنها را تغییر دادند.

سایبری‌ها توانستند به سیستم کنترل یخچال‌ها در چند صد فروشگاه نفوذ کنند و دمای آنها را در طول شب به ۵۰ درجه سانتیگراد برسانند و باعث آتش‌سوزی بشوند.

وزارت خارجه فرانسه اعلام کرد: «این حملات منافع ملی و امنیت شهروندان فرانسوی را بطور جدی تهدید می‌کنند.» مقامات فرانسوی افزودند که این نخستین بار نیست که جمهوری اسلامی ایران با اقدامات بی‌ثبات‌کننده، فرانسه را هدف قرار می‌دهد. آنها در این زمینه به حمله سایبری سال ۲۰۲۳ میلادی به روزنامه طنز «شارلی ابدو» و اقدامات خصمانه در جریان بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ میلادی اشاره کردند.

به گزارش رویترز، سه ایرانی که مظنون به دست داشتن در حمله سایبری به سیستم‌های یخچال و سردخانه‌های ۷۰۰ مرکز فروشگاه‌های زنجیره‌ای و خرده‌فروشی در فرانسه هستند، از این قرارند:

۱) حمیدرضا لشگریان، رئیس مرکز الکترونیک و سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۲) مهدی لشگریان، فرمانده یگان «شهید کاوه»
۳) رضا سالاروند، فرمانده یگان «شهید کاوه»

یکی دیگر از واحدهای مرکز الکترونیک و سایبری سپاه پاسداران، موسوم به یگان «شهید شوشتری»، پیشتر در سال ۲۰۲۰، پس از انتشار مجدد کاریکاتورهای پیامبر اسلام، عملیات شناسایی اهداف و حملات سایبری علیه نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» را انجام داده بود.

این واحد همچنین در سال ۲۰۲۳، زمانی که این هفته‌نامه قصد داشت مسابقه‌ای برای انتشار کاریکاتورهای علی خامنه‌ای برگزار کند، بار دیگر این نشریه را هدف قرار داده بود.


ژان‌نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه

گردهمایی مشترک یهودیان و ایرانیان ساکن بریتانیا بمناسبت روز جهانی کوروش کبیر



نمایندگان جامعه ایرانیان یهودی بریتانیا، عصر روز پنجشنبه ۲۹ اکتبر ۲۰۲۶ در مجموعه فرهنگی «آرتس‌دپو» در «فینچلی» (شمال لندن) گرد هم آمدند تا در کنار دیگر مهمانان دعوت شده به این مراسم، جشن روز بزرگداشت کوروش کبیر را برگزار کنند. کوروش، بزرگترین امپراتوری جهان باستان را، که از دریای اژه در مدیترانه تا رودخانه سِند در آسیای جنوبی و مرکزی امتداد داشت، تأسیس کرد. استوانه کوروش، که به عنوان اولین منشور حقوق بشر در جهان شناخته می‌شود، در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک به نمایش گذاشته شده است.

در این مراسم که توسط «کیهان لندن» و چندین رسانه دیگر پوشش خبری داده می‌شد، چهره‌های رسانه‌ای، سیاسی و فرهنگی جامعه دیاسپورای ایرانی و اسراییلی از جمله شهران طبری، نازنین انصاری، دکتر نازک توکلی، دکتر نامدار بقایی یزدی، دکتر علیرضا نوری‌زاده، بهزاد بلور، تینا قاضی مراد، نوید محمدزاده، کشیش فوأد خورشیدی، آریل کوهن، نام وگنر و خاخام لبیش هلر، به عنوان مهمان و سخنران حضور داشتند.

کد ۱۸۱۹؛ رمز توفانِ خاموش مردم در میانه‌ی خون و امید



برافراشتن پرچم شیروخورشید در تهران؛ نماد «مقاومت خاموش» مردم در سایه‌ی سرکوب

روزنامه «نیویورک‌پست» در گزارشی یادآوری کرده است، اعتراضات سراسری ایران رفته‌رفته از اویل دی‌ماه ۴۰۴ شکل گرفت و در هجدهم و نوزدهم دی به اوج خود رسید. طبق همین گزارش ، حدود ۵ میلیون نفر در خیابان‌های تهران تجمع کردند.

یکی از رهبران اعتراضات در ایران به «نیویورک پست» گفت که ایرانیان حتی رمز کارت‌های بانکی خود را روی ۱۸۱۹ تنظیم می‌کنند. در ایران، هنگام پرداخت با کارت، فروشنده معمولاً از مشتری رمز می‌پرسد و حالا بسیاری با گفتن «۱۸۱۹» به یکدیگر و به جهان پیام می‌دهند که «مبارزه ادامه دارد».

جمهوری اسلامی همچنین فروش جواهرات با نماد شیروخورشید یا تصاویر مرتبط با «شاه» را ممنوع کرده است، اما به دلیل تحریم‌های آمریکا و فشار اقتصادی، توانایی اجرای کامل این ممنوعیت را ندارد. فروشگاه‌های اینستاگرام یکی پس از دیگری بسته می‌شوند، ولی روز بعد فروشگاه جدیدی باز می‌شود که نشان‌دهنده‌ی ناتوان شدن رژیم، در کنترل کامل فضای اقتصادی و فرهنگی است.

در حالی که رژیم ایران همچنان به اعدام و سرکوب ادامه می‌دهد، مردم ایران با تی‌شرت، زیورآلات، زنگ موبایل و میم کتلت، پیام روشنی به اقلیت شرور جمهوری اسلامی می‌فرستند: «انقلاب شیروخورشید» ادامه دارد و «ارزش‌های تمدنی» پیش از هجوم انقلاب اسلامی هنوز زنده هستند، چنانچه جمهوری اسلامی بعداز چهل و هفت سال تلاش، تبلیغات دروغین و صرف هزینه، نتوانست جامعه را «اسلامی» کند.

ایرانیان پس از کشتار ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۴۰۴ با استفاده از نمادهای فرهنگی و ملی، کدهای مخفی، موسیقی حماسی و حتی میم‌ها، پیام ایستادگی خود را منتقل کرده و اعلام می‌کنند که روحیه‌ی امید و باور آنان قویتر از پیش زنده است.

مقاومت ملت ایران، پس از سرکوب گسترده‌ی اعتراضات هجدهم و نوزدهم دی‌ماه ۴۰۴ که طبق منابع مختلف به کشته شدن تا ۷۵ هزار نفر منجر شد، از شکل خیابانی به اقدامات نمادین، مخفیانه و روزمره تغییر کرده است. ایرانیان با استفاده از نمادهای فرهنگی-ملی، کدهای مخفی، موسیقی حماسی و حتی میم‌ها، پیام مقاومت خود را منتقل می‌کنند و نشان می‌دهند که روحیه‌ی آنان در مقابله با حکومت اسلامی همچنان زنده است.

روزنامه «نیویورک‌پست» در گزارشی یادآوری کرده است، اعتراضات سراسری ایران رفته‌رفته از اویل دی‌ماه ۴۰۴ شکل گرفت و در هجدهم و نوزدهم دی به اوج خود رسید. طبق همین گزارش ، حدود ۵ میلیون نفر در خیابان‌های تهران تجمع کردند.

این اعتراضات که در روزهای اول در بازار تهران و با اعتراض به مشکلات اقتصادی، سقوط ارزش ریال شروع شده بود، به نارضایتی عمیق از حکومت و خواست تغییر رژیم با حمایت سراسری از شاهزاده رضا پهلوی تبدیل شد که با واکنش نظامی نیروهای امنیتی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مواجه شد.

منابع مخالف و برخی گزارش‌های بین‌المللی از کشته شدن هزاران نفر خبر داده‌اند؛ ارقام از چند هزار (طبق منابع رسمی ایرانی) از ۱۲ تا ۳۰ هزار نفر یا بیشتر در گزارش‌های گروه‌های حقوق بشری و شبکه‌های مختلف متغیر است.

روزنامه‌ی نیویورک پست، شمار کشته‌شدگان را تا « ۷۵ هزار» نقل کرده که یکی از بالاترین برآوردهاست. این میزان بر اساس «منابع داخلیِ» مخالفان گرفته شده که رئیس جمهور ایالات متحده نیز به آن اشاره کرده است. پس از این سرکوب، اعتراضات علنی کاهش یافت، اما نارضایتی‌های گسترده به شکل‌های مخفی همچنان ادامه دارد.

نمادهای ایستادگی: تی‌شرت، زیورآلات و پرچم شیروخورشید

یکی از بارزترین اشکال مقاومت مردم ایران، فروش مخفیانه‌ی کالاهای نمادین مربوط با ملی‌گرایی در ایران است. فروشگاه‌ها (چه فیزیکی و چه آنلاین) تی‌شرت‌هایی با شعار «Make Iran Great Again» به همراه پرچم شیروخورشید (نماد ملی) می‌فروشند. این پرچم از سال‌ها پیش به عنوان نماد بازگشت به «هویت ایرانی» پیش از جمهوری اسلامی در مخالفت با ایدئولوژی حاکم استفاده می‌شود.

علاوه بر این، جواهرات و زیورآلاتی طراحی شده که اعداد «۱۸ و ۱۹» به صورت مخفی در آنها گنجانده شده است. این اعداد به روزهای هجدهم و نوزدهم دی‌ماه اشاره دارد که اوج اعتراضات و کشتار خونین مردم ایران به دست نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی بود.

یکی از رهبران اعتراضات در ایران به «نیویورک پست» گفت که ایرانیان حتی رمز کارت‌های بانکی خود را روی ۱۸۱۹ تنظیم می‌کنند. در ایران، هنگام پرداخت با کارت، فروشنده معمولاً از مشتری رمز می‌پرسد و حالا بسیاری با گفتن «۱۸۱۹» به یکدیگر و به جهان پیام می‌دهند که «مبارزه ادامه دارد». این اقدام ساده، راهی برای شناسایی هم‌فکران در فضایی پر از ترس و نظارت است.

موسیقی و میم‌ها به عنوان ابزار ایستادگی

در میان مردم ایران، «مقاومت فرهنگی» نیز نقش مهمی دارد. ایرانیان زنگ موبایل خود را روی آهنگ اینسترومنتال «Violin» از موسیقیدان اوکراینی تاراس بازئف (با نام هنری Toneloom) تنظیم کرده‌اند. این آهنگ به عنوان موسیقی غیررسمی اعتراضات دی‌ماه شناخته شده و در ویدیوهای شبکه‌های اجتماعی مرتبط با اعتراضات زیاد استفاده شده است. این رهبر اعتراضات همچنین توضیح داد که حالا وقتی کسی در مکان عمومی تماس می‌گیرد، بجای پاسخ دادن، اجازه می‌دهد تلفن‌اش زنگ بخورد تا همه آهنگ را بشنوند. این کار نوعی اعلام حضور و همبستگی خاموش است.

در فضای مجازی، میم‌هایی با تصویر «کتلت» (غذای معروف ایرانی) برای مسخره کردن علی خامنه‌ای و سرداران هلاک‌شده‌ی سپاه پاسداران که در مقاله «کشته‌شده»

توصیف شده، منتشر می‌شود.

پس از کشته شدن قاسم سلیمانی به دستور دونالد ترامپ، ایرانیان تصاویر کتلت را به اشتراک می‌گذاشتند و می‌گفتند او «مثل کتلت سرخ شده» است. حالا همین استعاره برای خامنه‌ای استفاده می‌شود و مردم می‌گویند «خامنه‌ای کتلت شد!» و از حذف او توسط ترامپ- نتانیاهو ابراز خوشحالی می‌کنند. این طنز سیاه، راهی برای مقابله با ترس و کاهش اقتدار نمایشی رژیم اسلامی است.

این اقدامات نمادین، به گفته‌ی این رهبر اعتراضات، برای مردم حالت «درمان» دارد و روحیه‌بخش است و در عین حال رژیم را به چالش می‌کشد و مرعوب می‌کند. مردم امیدوارند که آمریکا و اسرائیل کار را تمام کرده و درواقع سپاه پاسداران را سرنگون کنند.

ریسک‌ها و واکنش رژیم

با وجود ماهیت مخفی این اقدامات، خطر همچنان بالاست. ماشین سرکوب متوقف نشده؛ اعدام‌ها و صدور احکام روزانه‌ی مرگ ادامه دارد. طبق آخرین گزارش‌ها، دو معترض دی‌ماه به نام‌های «متین شبانی» و «امیر دلشاد» اخیراً به اعدام محکوم شده‌اند. گروه‌های حقوق بشری نیز تأیید می‌کنند که این دو نفر در دادگاه انقلاب مشهد به اتهاماتی مانند «محاربه» (جنگ با خدا) و تخریب اموال عمومی در جریان اعتراضات محکوم شده‌اند. پرونده‌ی آنها به دیوان عالی جمهوری اسلامی ارجاع شده و در زندان وکیل‌آباد مشهد محبوس هستند.

جمهوری اسلامی همچنین فروش جواهرات با نماد شیروخورشید یا تصاویر مرتبط با «شاه» را ممنوع کرده است، اما به دلیل تحریم‌های آمریکا و فشار اقتصادی، توانایی اجرای کامل این ممنوعیت را ندارد. فروشگاه‌های اینستاگرام یکی پس از دیگری بسته می‌شوند، ولی روز بعد فروشگاه جدیدی باز می‌شود که نشان‌دهنده‌ی ناتوان شدن رژیم، در کنترل کامل فضای اقتصادی و فرهنگی است.

اهمیت مقاومت خاموش مردم

این اقدامات کوچک اما هماهنگ، نشان ازعمق نارضایتی عمومی و تداوم اراده‌ی مردم برای تغییر و دستیابی به خواست‌شان است. پس از کشتار گسترده دی‌ماه سال پیش که یکی از خونین‌ترین سرکوب‌ها در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود، مردم به جای تسلیم شدن، راه‌های خلاقانه‌ای برای بیان مخالفت یافته‌اند. این مقاومت نمادین نه تنها روحیه را حفظ می‌کند، بلکه شبکه‌ای از همبستگی مخفی ایجاد کرده که بقایای جمهوری اسلامی را تحت فشار روانی قرار می‌دهد.کارشناسان و منابع مخالف بر این باورند که چنین اقداماتی می‌تواند مقدمه‌ای برای موج‌های بزرگتر اعتراض باشد، به ویژه اگر فشار خارجی از سوی آمریکا و اسرائیل افزایش یابد.

در حالی که رژیم ایران همچنان به اعدام و سرکوب ادامه می‌دهد، مردم ایران با تی‌شرت، زیورآلات، زنگ موبایل و میم کتلت، پیام روشنی به اقلیت شرور جمهوری اسلامی می‌فرستند: «انقلاب شیروخورشید» ادامه دارد و «ارزش‌های تمدنی» پیش از هجوم انقلاب اسلامی هنوز زنده هستند، چنانچه جمهوری اسلامی بعداز چهل و هفت سال تلاش، تبلیغات دروغین و صرف هزینه، نتوانست جامعه را «اسلامی» کند. در مجموع، کشتار عریان مردم در خیابان‌ها توسط جمهوری اسلامی در دی‌ماه ۴۰۴ همچنان نیازمند تحقیق و بررسی‌های مستقل بیشتر است، اما روایت مقاومت مردمی و خلاقیت آنها در شرایط سرکوب، بخش غیرقابل انکار واقعیت امروز ایران است.

حملات آمریکا به مراکز نظامی در جنوب ایران؛ حمله پهپادی به تأسیسات گاز در کردستان عراق

آمریکا شامگاه یکشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۵ (به وقت ایران) نقاطی در جنوب ایران را هدف قرار داد. بر اساس گزارش‌های میدانی، صدای چندین انفجار در قشم، سیریک، جاسک، بندرعباس و ماهشهر شنیده شد.

احمد نفیسی معاون سیاسی امنیتی استانداری هرمزگان اعلام کرد، آمریکا حمله کرده و «اهداف مورد حمله خارج از محدوده‌های مسکونی و تجاری و زیرساخت‌های خدماتی بوده است.»

در ماهشهر ویدیوهایی منتشر شد که نشان می‌دهند، پدافند برای هدف گرفتن پهپادها یا ریزپرنده‌ها فعال شده است. با اینهمه مقامات امنیتی ماهشهر اعلام کردند، انفجارها ناشی از «ترکیدن دو ترانس برق» بوده است.

همزمان تأسیسات میدان گازی کورمور در عراق، یکی از بزرگترین میدان‌های گازی اقلیم کردستان مورد اصابت پهپاد قرار گرفت. منابع عراقی گزارش دادند سپاه پاسداران منشاء این حمله بود. این حملات ساعاتی پس از دیدار نیچروان بارزانی با محمدرضا مسگریان، مسئول پرونده اقلیم کردستان در سپاه پاسداران، اتفاق افتاد.

آمریکا شامگاه یکشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۵ (به وقت ایران) نقاطی در جنوب ایران را هدف قرار داد. بر اساس گزارش‌های میدانی، صدای چندین انفجار در قشم، سیریک، جاسک، بندرعباس و ماهشهر شنیده شد. تأسیسات گاز در اقلیم کردستان عراق نیز هدف حملات پهپادی قرار گرفت.

ابتدا خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از «یک منبع آگاه» گزارش داد: «صدای سه شلیک از محدوده سیریک به سمت تنگه هرمز شنیده شد.» صداوسیمای حکومت نیز در گزارشی اعلام کرد که این شلیک‌ها «مربوط به برخورد با شناورهای متخلف در تنگه هرمز» بوده است. درواقع رسانه‌های حکومتی صداهای انفجار را ابتدا به شلیک‌های سپاه پاسداران به کشتی‌های خارجی نسبت دادند.

ساعاتی بعد اما احمد نفیسی معاون سیاسی امنیتی استانداری هرمزگان اعلام کرد، آمریکا حمله کرده و «اهداف مورد حمله خارج از محدوده‌های مسکونی و تجاری و زیرساخت‌های خدماتی بوده است.»

در ماهشهر ویدیوهایی منتشر شد که نشان می‌دهند، پدافند برای هدف گرفتن پهپادها یا ریزپرنده‌ها فعال شده است. با اینهمه مقامات امنیتی ماهشهر اعلام کردند، انفجارها ناشی از «ترکیدن دو ترانس برق» بوده است.

پیش از این نیز علت چند انفجار «ترکیدن لوله گاز» و صدای «رعد و برق» اعلام شده بود.

حملات سپاه پاسداران و ارتش به کشتی‌های خارجی ادامه دارد اما به نظر می‌رسد همچنان اصلی‌ترین شیوه برای هدف قرار دادن کشتی‌ها، مین‌پاشی در مسیر آنها توسط قایق‌های کوچک پوششی باشد.

حسین محبی سخنگوی سپاه پاسداران در یک سخنرانی مدعی شد: «ما در یک پیچ تاریخی قرار گرفتیم که شاید در طول تاریخ، ایران در چنین شرایطی نبوده است. امروز دشمن قصد دارد که ما را نابود و کشورمان را تجزیه کند؛ اما وسعت سرزمینی ایران برای او مشکل‌ساز است و از این موضوع می‌هراسد.»

همزمان تأسیسات میدان گازی کورمور در عراق، یکی از بزرگترین میدان‌های گازی اقلیم کردستان، مورد اصابت پهپاد قرار گرفت. منابع عراقی گزارش دادند، سپاه پاسداران منشاء این حمله بود. این حملات ساعاتی پس از دیدار نیچروان بارزانی با محمدرضا مسگریان، مسئول پرونده اقلیم کردستان، در سپاه پاسداران اتفاق افتاد.



اصابت موشک به قشم

از عملیات فریب تا مذاکره؛ ونس دیدار با محسن رضایی را بررسی می‌کند!

● بر اساس گزارش «وال‌استریت ژورنال» به نقل از مقامات آمریکایی و خاورمیانه‌ای و همچنین افراد آگاه از روند مذاکرات، جی. دی. ونس معاون اول رئیس جمهور ایالات متحده در حال فراهم آوردن امکان برگزاری گفتگوهای رو در رو با یکی از مقامات «ارشد امنیتی» رژیم ایران است.

● ونس دیدار مستقیم با محسن رضایی دبیر شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی و فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند. به نوشته‌ی این روزنامه، رضایی که از طولانی‌ترین دوره‌های فرماندهی سپاه پاسداران را در کارنامه دارد، به عنوان یکی از بانفوذترین چهره‌های نظامی- امنیتی جمهوری اسلامی شناخته می‌شود.

● گزارش‌ها حاکی از آن است که ونس اخیراً نقش فعال‌تری نسبت به فرستادگان ویژه مانند استیو ویتکاف و جرد کوشنر که بیشتر درگیر مذاکرات روسیه و اوکراین هستند، بر عهده گرفته است. البته تبدیل شدن به چهره‌ی اصلی دیپلماسی با رژیم ایران برای ونس ریسک سیاسی بالایی دارد، زیرا در صورت شکست مذاکرات، او مقصر شناخته خواهد شد.

● از طرف رژیم ایران، واکنش‌ها تا کنون بر پایه‌ی تهدید و عدم نرمش بوده است. محسن رضایی در روزهای اخیر لحن تندتری به کار گرفته و گزارش‌های مربوط به مذاکرات را «اخبار جعلی» و «گفتگوهای خیالی» خوانده است.

● در مجموع، برنامه‌ریزی احتمالی ونس برای گفتگو با محسن رضایی، نشان از شکست مذاکرات دیپلماتیک با مقامات سیاسی جمهوری اسلامی و مذاکره‌ی مستقیم با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان تصمیم‌گیران بقایای رژیم دارد. با اینهمه چشم‌انداز روشنی برای توافق دیده نمی‌شود.



مسعود پزشکیان و محسن رضایی در مراسم علی خامنه‌ای / مصلای تهران / ۳ ژوئیه ۲۰۲۶

جمهوری اسلامی در حالی بر پایان محاصره و آزاد شدن دارایی‌های مسدودشده ایران پیش از مذاکرات اصرار می‌ورزد که از یکسو وزیر خارجه ایالات متحده آن را «خنده‌دار» و «غیرواقع‌بینانه» می‌داند و از سوی دیگر ترامپ به معاون اول خود اختیار داده تا مذاکرات با رژیم ایران را پیش ببرد.

دونالد ترامپ به معاون خود جی. دی. ونس اختیار داده تا مذاکرات با جمهوری اسلامی را هدایت کند و دوحه به عنوان محل احتمالی مذاکرات در نظر گرفته شده است. رژیم ایران همچنان خواستار پایان محاصره و آزاد شدن دارایی‌های مسدودشده ایران پیش از شروع مذاکرات است، در حالی که مارکو روبیو وزیر امور خارجه ایالات متحده این خواسته‌ها را «کاملاً غیرواقع‌بینانه» و «خنده‌دار» خوانده است.

بر اساس گزارش «وال‌استریت ژورنال» به نقل از مقامات آمریکایی و خاورمیانه‌ای و همچنین افراد آگاه از روند مذاکرات، جی. دی. ونس معاون اول رئیس جمهور ایالات متحده در حال فراهم آوردن امکان برگزاری گفتگوهای رو در رو با یکی از مقامات «ارشد امنیتی» رژیم ایران است.

این خبر در حالی منتشر شده که اکنون ونس به عنوان مذاکره‌کننده‌ی اصلی آمریکا با جمهوری اسلامی ظاهر شده که هدف‌اش پایان دادن به جنگی است که به ادعای او، به عامل مهمی در شکست جمهوریخواهان در انتخابات میاندوره‌ای تبدیل شده است.

این گزارش می‌افزاید، ونس دیدار مستقیم با محسن رضایی دبیر شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی و فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند. به نوشته‌ی این روزنامه، رضایی که از طولانی‌ترین دوره‌های فرماندهی سپاه پاسداران را در کارنامه دارد، به عنوان یکی از بانفوذترین چهره‌های نظامی- امنیتی جمهوری اسلامی شناخته می‌شود.

مقامات آمریکایی تأکید کرده‌اند که بحث‌ها درباره‌ی سفر جی. دی. ونس برای ملاقات مستقیم با مقامات رژیم ایران هنوز در مراحل اولیه قرار دارد و هیچ تاریخ قطعی برای چنین دیداری تعیین نشده است.

در روزهای اخیر، دونالد ترامپ به دستیاران ارشد و همتایان خود گفته است که با از سر گرفتن گفتگوهای ونس با رژیم ایران موافق است و به او اختیار لازم برای مذاکره داده است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که ونس ماه گذشته نامه‌ای به رضایی ارسال کرده و از قرار معلوم درخواست دیدار کرده بود.

این نامه با اطلاع و موافقت ترامپ فرستاده شد، هرچند خود ترامپ در آن زمان سعی کرد این تماس را بیشتر به مسائل «بشردوستانه» و ارسال کمک‌های پزشکی مربوط کند. با این حال، گزارش‌های بعدی نشان می‌دهد که تمرکز اصلی نامه بر ایجاد چارچوبی برای مذاکرات به ویژه در موضوع هسته‌ای بوده است.

معاون اول رئیس جمهوری ایالات متحده، علناً جنگ با رژیم ایران را عامل اصلی شکست جمهوریخواهان در انتخابات میاندوره‌ای سوم نوامبر در آمریکا معرفی کرده است. او پس از نتایج انتخابات، به صراحت گفت که پیامدهای جنگ و فشارهای اقتصادی و سیاسی ناشی از آن، باعث پیروزی دموکرات‌ها و افزایش مطالبه‌ی عمومی برای تغییر در سیاست آمریکا نسبت به منطقه شده است.

این موضع ونس با سابقه‌ی او سازگار است؛ او از ابتدا نسبت به تداوم عملیات نظامی تردیدهایی داشت، هرچند علناً از آن حمایت می‌کرد. حدود یک ماه پس از آغاز درگیری‌ها، ترامپ او را به عنوان مذاکره‌کننده‌ی ارشد با رژیم ایران منصوب کرده است.

ونس در آوریل با محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس جمهوری اسلامی، در اسلام‌آباد دیدار کرد و در ژوئن نیز هیئت آمریکایی را در مذاکرات سوئیس رهبری کرد که به توافقی موقت (بدتر از برجام) و «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» منجر شد، اما تعهدی از سوی رژیم ایران در مورد برنامه هسته‌ای یا تنگه هرمز به همراه نداشت.

گزارش‌ها حاکی از آن است که ونس اخیراً نقش فعال‌تری نسبت به فرستادگان ویژه مانند استیو ویتکاف و جرد کوشنر که بیشتر درگیر مذاکرات روسیه و اوکراین هستند، بر عهده گرفته است.

البته تبدیل شدن به چهره‌ی اصلی دیپلماسی با رژیم ایران برای ونس ریسک سیاسی بالایی دارد، زیرا در صورت شکست مذاکرات، او مقصر شناخته خواهد شد. برخی مقامات آمریکایی هشدار داده‌اند که این نقش می‌تواند برای آینده‌ی سیاسی او خطرناک باشد.

از طرف رژیم ایران، واکنش‌ها تا کنون بر پایه‌ی تهدید و عدم نرمش بوده است. محسن رضایی در روزهای اخیر لحن تندتری به کار گرفته و گزارش‌های مربوط به مذاکرات را «اخبار جعلی» و «گفتگوهای خیالی» خوانده است.

رضایی در پستی در شبکه‌ی اجتماعی ایکس نوشت: «دستتان را جمع کنید. از ساختن اخبار جعلی درباره‌ی گفتگوهای خیالی دست بردارید.» او همچنین در مصاحبه با شبکه «الميادين»، گزارش‌های مربوط به نشست در قطر را «دروغ محض» دانست و تأکید کرد: «حتی یک ذره از مواد غنی‌شده از ایران خارج نخواهد شد».

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، نیز گزارش‌ها درباره‌ی دیدار احتمالی ونس و رضایی را بی‌اساس خوانده و گفته است تا زمانی که آمریکا گام‌های

ادامه حملات ارتش آمریکا به اهداف نظامی و نفتکش‌های جمهوری اسلامی



جنگنده‌های ارتش آمریکا بر عرشه ناو / عکس: سنتکام

در آخرین موج حملات آمریکا، یک سامانه پدافندی در قشم هدف قرار گرفت اما ۱۳ آبان‌ماه ۱۴۰۵ تا بامداد ۱۷ آبان‌ماه هر شب سامانه‌های پدافندی یا پایگاه‌های ارتش سپاه پاسداران هدف قرار گرفتند. این حملات تعدادی زخمی برجای گذاشت. مهدی محمدزاده عضو «گردان امام حسین» سپاه ساری یکی از کسانی بود که در منطقه عملیاتی جنوب ایران کشته شد.

منابع آمریکایی ویدیویی از حمله به یک نفتکش مرتبط با جمهوری اسلامی منتشر کردند.

سنتکام در اطلاعیه‌ای به تشریح عملیات اخیر خود علیه اهداف نظامی در جنوب ایران پرداخت. بر اساس این اطلاعیه، پنج سکوی پرتاب موشک در منطقه جاسک و یک سامانه راداری در جزیره قشم را هدف قرار داده شد.

به گفته مقامات آمریکایی، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا همچنان به «دیپلماسی» فرصت داده و قصد دارد مسیر گفتگو با جمهوری اسلامی از طریق میانجی‌ها را ادامه دهد اما همزمان حملات آمریکا به تأسیسات و مراکز نظامی در جنوب ایران ادامه دارد. همزمان سپاه پاسداران و ارتش نیز حمله به کشتی‌ها از طریق پرتاب موشک یا مین‌پاشی را ادامه داده‌اند.

در آخرین موج حملات آمریکا، یک سامانه پدافندی در قشم هدف قرار گرفت اما ۱۳ آبان‌ماه ۱۴۰۵ تا بامداد ۱۷ آبان‌ماه هر شب سامانه‌های پدافندی یا پایگاه‌های ارتش سپاه پاسداران هدف قرار گرفتند. این حملات تعدادی زخمی برجای گذاشت. مهدی محمدزاده عضو «گردان امام حسین» سپاه ساری یکی از کسانی بود که در منطقه عملیاتی جنوب ایران کشته شد.

همچنین منابع آمریکایی ویدیویی از حمله به یک نفتکش مرتبط با جمهوری اسلامی منتشر کردند.

سنتکام در اطلاعیه‌ای به تشریح عملیات اخیر خود علیه اهداف نظامی در جنوب ایران پرداخت. بر اساس این اطلاعیه، پنج سکوی پرتاب موشک در منطقه جاسک و یک سامانه راداری در جزیره قشم را هدف قرار داده شد.

جاسک به دلیل موقعیت استراتژیک خود در سواحل دریای عمان و نزدیکی به مسیرهای مهم کشتیرانی، از اهمیت نظامی و جغرافیایی ویژه‌ای برخوردار است. همچنین جزیره قشم به دلیل موقعیت حساس خود در تنگه هرمز، یکی از مناطق مهم در معادلات امنیتی خلیج فارس محسوب می‌شود.

هدف قرار گرفتن سکوهای پرتاب موشک و تجهیزات راداری می‌تواند بخشی از تلاش برای کاهش توان عملیاتی و شناسایی نظامی طرف مقابل باشد.

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که تنش‌های نظامی در منطقه همچنان ادامه دارد و هر حمله جدید می‌تواند بر معادلات امنیتی خلیج فارس، دریای عمان و تنگه هرمز تأثیر بگذارد.

با این حال، مقامات جمهوری اسلامی و رسانه‌های داخلی جزئیات میزان خسارات، وضعیت سامانه‌های هدف قرارگرفته و پیامدهای عملیاتی آن را پنهان نگه می‌دارند.

بر اساس آخرین گزارش‌های میدانی، تمام نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در بالاترین سطح آماده‌باش قرار دارند. چندین سفارتخانه نیز از شهروندان خود خواسته‌اند که در ایران از مراکز نظامی و ساختمان‌های دولتی دوری کنند.

عملی برای برآورده کردن مطالبات رژیم ایران برندارد، مذاکره‌ای در کار نخواهد بود.

مطالبات جمهوری اسلامی شامل رفع محاصره دریایی، آزاد شدن دارایی‌های مسدودشده ایران و کاهش تحریم‌های نفتی است. مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، این مطالبات را «کاملاً غیرواقع‌بینانه» و «خنده‌دار» توصیف کرده، اما افزوده است که اگر رژیم ایران موضع خود را تغییر دهد، واشنگتن آماده‌ی دیپلماسی خواهد بود.

در میان میانجی‌ها، قطر پیشنهادهایی برای اقدامات اعتمادساز مطرح کرده است؛ از جمله عقب‌نشینی ناوهای هواپیمابر آمریکایی و کاهش محاصره بنادر ایران در ازای اجازه‌ی عبور ۲۵ نفتکش از تنگه هرمز، اما، برخی میانجی‌های خاورمیانه‌ای نسبت به دستیابی به توافق در روزهای آینده تردید دارند و به پیام‌های تندتر مقامات ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مانند احمد وحیدی اشاره می‌کنند.

جی. دی. ونس روز دوشنبه ۹ نوامبر با نخست‌وزیر قطر دیدار داشت. قطر نقش میانجی فعالی داشته و پیشتر نیز نامه‌ی او را به رژیم ایران منتقل کرده بود. ترامپ ابراز امیدواری کرده که توافقی حاصل شود، اما همزمان از اعزام ناو هواپیمابر دیگری (تئودور روزولت) به منطقه خبر داده و گفته است نیروهای آمریکایی «کاملاً آماده» هستند.

در داخل دولت آمریکا، بحث از «آیا جنگ را از سر بگیریم» به این سمت رفته که آیا مذاکرات را از سر بگیرند یا محاصره و فشار تحریم‌ها را ادامه دهند. مارکو روبیو وزیر خارجه و استفان میلر رئیس دفتر کاخ سفید، به ادامه‌ی فشار اقتصادی تمایل دارند و معتقدند این فشارها کارآمد بوده است.

در مجموع، برنامه‌ریزی احتمالی ونس برای گفتگو با محسن رضایی، نشان از شکست مذاکرات دیپلماتیک با مقامات سیاسی جمهوری اسلامی و مذاکره‌ی مستقیم با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان تصمیم‌گیران بقایای رژیم دارد. با این حال، شکاف عمیق به دلیل مطالبات یکطرفه‌ی رژیم تهران با آتش‌افروزی روزانه در خلیج فارس همچنان پابرجاست و چشم‌انداز روشنی برای توافق دیده نمی‌شود.

کیهان

شایعه‌ی تهدید به بمب‌گذاری، ۲۷ پرواز اروپایی را منحرف کرد

بر اساس گزارش خبرگزاری رویترز، پرواز «EI402 ایرلینگوس» حدود ساعت ۶:۲۳ تا ۶:۲۵ صبح به وقت محلی از فرودگاه دوبلین برخاست و قرار بود حدود ساعت ۱۰:۳۰ به فرودگاه «فیومیچینو» در رم برسد. هواپیما مسیر عادی خود را از کریدور هوایی انگلیس طی کرد، اما نزدیک پاریس با اعلام وضعیت اضطراری (کد اسکواک ۷۷۰۰)، مسیر خود را تغییر داد، و به سمت پایگاه «اورو» منحرف شد.

پس از فرود هواپیما در فرودگاه «اورو»، ۱۵۱ مسافر و شش خدمه به مکان امن منتقل شدند و تیم‌های خنثی‌سازی بمب با سگ‌های ردیاب هواپیما را بازرسی کردند که بعد از کنترل کامل تا بعد از ظهر، هیچ ماده‌ی مشکوک یا انفجاری پیدا نشد.

اروپا اخیراً با حملات سایبری به سیستم‌های پخچال سوپرمارکت‌ها، نفوذ پهپادها و سایر اختلالات مواجه بوده است. کارشناسان می‌گویند تهدیدهای بمب‌گذاری جعلی، روشی کم‌هزینه و قابل لاپوشانی برای ایجاد هرج و مرج، تأخیر در پروازها، افزایش هزینه‌های عملیاتی و ایجاد ترس در میان مسافران است.

یک هواپیمای ایرباس A320 که پنجشنبه از دوبلین به مقصد رم در پرواز بود، پس از تهدید بمب‌گذاری، مجبور به فرود اضطراری در منطقه نرماندی فرانسه شد.

روز پنجشنبه (چهاردهم آبان) یک هواپیمای ایرباس A320 شرکت «ایرلینگوس» که از دوبلین به مقصد رم در حال پرواز بود، پس از دریافت هشدار مبنی بر تهدید بمب‌گذاری، مجبور به فرود اضطراری در پایگاه هوایی نظامی «اورو» در منطقه‌ی نرماندی فرانسه شد.

هواپیمای ایرباس A320 شرکت «ایرلینگوس» پس از تغییر مسیر پرواز به دنبال تهدید بمب‌گذاری، مجبور به فرود اضطراری در پایگاه هوایی نظامی «اورو» فرانسه شد

این حادثه که توسط دفتر نخست‌وزیر فرانسه تأیید شده، بخشی از موج گسترده‌ی شایعه‌ی بمب‌گذاری در پروازهای مسافربری در سراسر اروپاست که در همین روز دست‌کم ۱۴ تا بیش از ۲۰ پرواز را تحت تأثیر قرار داد و نگرانی‌ها درباره‌ی اختلالات امنیتی و تهدیدات ترکیبی را افزایش داد.

بر اساس گزارش خبرگزاری رویترز، پرواز «EI402 ایرلینگوس» حدود ساعت ۶:۲۳ تا ۶:۲۵ صبح به وقت محلی از فرودگاه دوبلین برخاست و قرار بود حدود ساعت ۱۰:۳۰ به فرودگاه «فیومیچینو» در رم برسد. هواپیما مسیر عادی خود را از کریدور هوایی انگلیس طی کرد، اما نزدیک پاریس با اعلام وضعیت اضطراری (کد اسکواک ۷۷۰۰)، مسیر خود را تغییر داد، و به سمت پایگاه «اورو» منحرف شد.

طبق گزارش‌ها، از جمله منابع فرانسوی مانند فیگارو، هواپیما توسط جنگنده‌های رافائل و میراژ ۲۰۰۰ نیروی هوایی فرانسه اسکورت شد. دفتر نخست‌وزیر فرانسه اعلام کرد که چون خلبان «آنطور که انتظار می‌رفت با مقامات همکاری نکرد»، دستور اعزام جنگنده‌ها برای رهگیری و اسکورت صادر شد.

پس از فرود هواپیما در فرودگاه «اورو»، ۱۵۱ مسافر و شش خدمه به مکان امن منتقل شدند و تیم‌های خنثی‌سازی بمب با سگ‌های ردیاب هواپیما را بازرسی کردند که بعد از کنترل کامل تا بعد از ظهر، هیچ ماده‌ی مشکوک یا انفجاری پیدا نشد.شرکت هواپیمایی «ایرلینگوس» در بیانیه‌ای تأیید کرد که این پرواز «به عنوان احتیاط امنیتی به نرماندی منحرف شد»، فرود ایمن انجام گرفت و شرکت در حال رساندن مسافران به مقصد نهایی است. مسافران بعداً با اتوبوس به فرودگاه «شارل دوگل» پاریس منتقل شدند تا سفر خود را ادامه دهند.



این حادثه فرودگاه «اورو» را به حالت آماده‌باش سطح بالا درآورد و تحقیقات توسط مقامات امنیت هوانوردی فرانسه آغاز شد و دادستان منطقه‌ای نیز از بازجویی خلبان و کمک‌خلبان خبر داد.

انحراف و فرود اضطراری این هواپیما، تنها بخشی از یک موج وسیع‌تر تهدیدات به شمار می‌رود. در همین روز، پروازهای متعددی از شهرهایی مانند کپنهاگ، هلسینکی، مادرید، میلان، ورشو، لندن و سایر نقاط اروپا هدف تهدیدهای مشابه قرار گرفتند.پرواز «فین‌ایر» از هلسینکی به رم با اسکورت جنگنده‌های نیروی هوایی ایتالیا در «فیومیچینو» فرود آمد و بازرسی شد. سه پرواز «رایان‌ایر» به سمت صوفیه بلغارستان و در کپنهاگ، مادرید و «استنستد» لندن با اسکورت نظامی فرود اضطراری داشتند؛ دو مورد دیگر از تهدیدها در صوفیه و یکی در پلوودیف اتفاق افتاد.

همچنین پرواز «ویز ایر» از مسیر میلان- ورشو به وین منحرف شد. در پراگ، چهار هواپیما پس از فرود بازرسی شدند و هیچ موردی یافت نشد. پرواز شرکت هوایی «لات» (LOT) از ورشو به بروکسل نیز بدون مشکل فرود آمد. فرودگاه «کورک» در ایرلند نیز تهدید تلفنی ناشناس دریافت کرد که منجر به تأخیر ۹۰ دقیقه‌ای یک پرواز شد.

در مجموع، گزارش‌ها از ۱۴ تا بیش از ۲۵ پرواز و حتی چند فرودگاه خبر می‌دهند که خبر تهدید دریافت کردند. هیچ دستگاه انفجاری در هیچکدام کشف نشد و مقامات بریتانیایی از جمله وزیر حمل و نقل، هیدی الکساندر، آنها را «تهدیدهای جعلی مخرب» خواندند. تهدیدها اغلب از طریق ایمیل ارسال شده بودند.

طبق گزارش رسانه‌های ایتالیایی، ایمیلی که به فرودگاه‌های رم و صوفیه فرستاده شده، از سوی گروهی به نام «جنگجویان دولتِ مردانه» (Fighters of the Male State یا Male State) ادعا شده بود. این گروه که در سال ۲۰۱۶ در روسیه توسط ولادیسلاو پوزدنیاکوف تأسیس شد، یک جنبش ضد فمینیسم است و در سال ۲۰۲۱ توسط دادگاه روسیه به عنوان سازمان افراطی ممنوع اعلام شد.

متن تهدیدها شامل عباراتی بودند مانند «ما جنگجویان دولت مردانه هستیم، با اقدامات امروزمان در تاریخ اثر می‌گذاریم. رژیم فمینیستی شما این را برای همیشه به یاد خواهد داشت. انفجار در ۶۰ دقیقه رخ خواهد داد. امروز آسمان‌های شما قرمز خواهد شد».

اشاره به «رژیم فمینیستی» احتمالاً به نخست‌وزیر زن ایتالیا «جورجا ملونی» یا انتخابات اخیر بلغارستان (انتخاب ایلیانا یوتووا به عنوان نخستین رئیس جمهور زن این کشور) مربوط است. مقامات تأکید کردند که هنوز مشخص نیست آیا این ادعاها واقعی است یا جعلی، و تحقیقات ادامه دارد.

موج تهدیدهای روز پنجشنبه، ادامه‌ی حوادث روز سه‌شنبه (دوازدهم آبان) بود که در آن دست‌کم هفت پرواز و یک کشتی کروز هدف تهدید قرار گرفتند، از جمله پروازهای «رایان‌ایر»، «LOT»، «اسکاندیناوی ایرلاینز» و «ویز ایر» که هیچ خطر انفجاری پیدا نشد و اختلالات عمدتاً به تغییر مسیر و بازرسی‌ها محدود شد.اروپا اخیراً با حملات سایبری به سیستم‌های یخچال سوپرمارکت‌ها، نفوذ پهپادها و سایر اختلالات مواجه بوده است. کارشناسان می‌گویند تهدیدهای بمب‌گذاری جعلی، روشی کم‌هزینه و قابل لاپوشانی برای ایجاد هرج و مرج، تأخیر در پروازها، افزایش هزینه‌های عملیاتی و ایجاد ترس در میان مسافران است.

با اینهمه، هرچند هیچ مدرک عمومی مستقیمی مبنی بر دخالت دولتی در این تهدیدات وجود ندارد، برخی تحلیلگران آن را در چارچوب تلاش‌های روسیه برای بی‌ثبات ساختن اروپا می‌بینند؛ مسکو هرگونه دخالت را در این رویدادها رد می‌کند.

«ارم نیوز»:

هشدار الزیدی به ترامپ درباره استفاده از خاک عراق برای حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی

به گزارش «ارم نیوز» درز اطلاعات سیاسی در بغداد، طرح‌های نظامی آمریکا را که به دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا ارائه شده بود، فاش کرد؛ از جمله سناریوهایی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، که مهمترین آنها گزینه حمله زمینی به نقاطی در جنوب ایران از طریق خاک عراق است. این گزینه به گوش علی الزیدی نخست وزیر عراق نیز رسیده است.

منابع عراقی تأیید کردند، گزارشی که الزیدی بررسی کرده، برخلاف روال ارزیابی‌های قبلی، صرفاً به حملات هوایی تنبیهی یا حملات موشکی سریع علیه تأسیسات هسته‌ای یا نظامی جمهوری اسلامی محدود نیست، بلکه از یک «عملیات نظامی زمینی در مقیاس بزرگ» سخن می‌گوید.

«اولین و برجسته‌ترین سناریو در طرح‌های فاش‌شده حول پیشروی نیروهای آمریکایی در خاک عراق، به ویژه از محورهای جنوبی، برای انجام یک تهاجم زمینی با هدف قرار دادن استان خوزستان که با استان بصره عراق هم‌مرز است، می‌چرخد».

به گزارش «ارم نیوز» درز اطلاعات سیاسی در بغداد، طرح‌های نظامی آمریکا را که به دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا ارائه شده بود، فاش کرد؛ از جمله سناریوهایی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، که مهمترین آنها گزینه حمله زمینی به نقاطی در جنوب ایران از طریق خاک عراق است. این گزینه به گوش علی الزیدی نخست وزیر عراق نیز رسیده است.

در این گزارش که ۲۱ آبان ۱۴۰۵ منتشر شده، آمده است که این افشاگری‌ها که توسط محافل سیاسی عالی‌رتبه عراق و رسانه‌های محلی منتشر شده، نشان می‌دهد که محاسبات نظامی بالقوه آمریکا فراتر از حملات هوایی، به سناریوهای اقدام زمینی می‌رسد که عراق در متن آن قرار دارد؛ اقدامی که می‌تواند چالش جدی برای دولت الزیدی باشد، یعنی استفاده از خاک عراق برای اقدام نظامی زمینی علیه جمهوری اسلامی.

سناریوهای تهاجم زمینی

به گفته منابع سیاسی آگاه عراقی که پشت صحنه نشست اخیر اطلاعات و رهبران «چارچوب هماهنگی» را دنبال می‌کردند، الزیدی صراحتاً به حاضران اطلاع داد که اسناد و نقشه‌های جنگی آمریکا را که در واشنگتن تهیه و به ترامپ ارائه شده، دیده است.

منابع عراقی تأیید کردند، گزارشی که الزیدی بررسی کرده، برخلاف روال ارزیابی‌های قبلی، صرفاً به حملات هوایی تنبیهی یا حملات موشکی سریع علیه تأسیسات هسته‌ای یا نظامی جمهوری اسلامی محدود نیست، بلکه از یک «عملیات نظامی زمینی در مقیاس بزرگ» سخن می‌گوید.

به گفته این منابع، اولین و برجسته‌ترین سناریو در طرح‌های فاش‌شده حول پیشروی نیروهای آمریکایی در خاک عراق، به ویژه از محورهای جنوبی، برای انجام یک تهاجم زمینی با هدف قرار دادن استان خوزستان که با استان بصره عراق هم‌مرز است، می‌چرخد.

خوزستان استانی استراتژیک است که بزرگترین مخزن نفت ایران را در خود جای داده و از نظر ژئوپلیتیک، نقطه ضعف جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

به گفته منابع، سناریوی دوم که توسط این افشاگری‌ها آشکار شده، پیچیده‌تر به نظر می‌رسد، زیرا ارزیابی آمریکایی‌ها پیش‌بینی می‌کند که نیروهای ایرانی یا جناح‌های متحد آنها، اقدامی پیشگیرانه یا تلافی‌جویانه انجام خواهند داد که شامل تلاش برای حمله یا نفوذ به یک کشور همسایه از طریق خاک عراق می‌شود، تا مسائل را پیچیده‌تر کرده و به منافع آمریکا فشار وارد کنند؛ که عملاً به معنای تبدیل کل جنوب عراق به یک صحنه عملیات آشکار است.



لشکر ۸۲ هوابرد ارتش آمریکا

هشدار نهایی

منابع عراقی اظهار داشتند که لحن نخست وزیر در این دیدار قاطع و در برخورد با رهبران گروه‌های مسلح وابسته به «مقاومت اسلامی در عراق» بی‌سابقه بوده است.

الزیدی هشداری صریح و قاطع داد: «هر گروه نظامی که بخواهد تصمیمی یکجانبه برای کشاندن عراق به این رویارویی بگیرد، یا از خاک عراق برای هدف قرار دادن نیروهای آمریکایی و منافع آنها استفاده کند، به گونه‌ای که به واشنگتن بهانه‌ای برای اجرای این طرح‌ها بدهد، تحت پیگرد قانونی فوری قرار خواهد گرفت و دولت ممکن است به دستگیری رهبران این گروه‌ها و اعلام وضعیت اضطراری متوسل شود.»

به نوشته «ارم نیوز»، این موضع نشان‌دهنده درک عمیق دولت عراق است که دولت آمریکا تحت رهبری ترامپ در صورت تهدید منافع آن، ممکن است در استفاده از نیروهای بیشتر تردید نکند و سیاست «موازنه» را که بغداد مدت‌ها دنبال می‌کرد، با توجه به تغییرات فعلی منطقه‌ای دیگر معتبر نباشد.

فعالیت‌های پنهانی دولت عراق با پیام‌های عمومی عمدی همزمان شده است؛ الزیدی به بازدید از مقرّ فرماندهی پدافند هوایی عراق اشاره کرد؛ اقدامی که پیامدهای قابل توجهی داشت.

الزیدی پس از تماس تلفنی با رئیس جمهور ترامپ تأکید کرد: «حاکمیت و حریم هوایی عراق خط قرمزی است که نمی‌توان از آن عبور کرد». وی موضع قاطع بغداد مبنی بر عدم اجازه استفاده از خاک یا حریم هوایی عراق به عنوان مبداء برای حمله به هر یک از کشورهای همسایه را تکرار کرد. این پیامی دوگانه به واشنگتن برای جلوگیری از اجرای برنامه‌هایش و به تهران برای کنترل متحدانش در داخل عراق است.

دکتر حسین ابو ورده، تحلیلگر سیاسی، معتقد است که نتایج انتخابات اخیر آمریکا، طرح‌های جنگی بالقوه را متوقف یا محدود نخواهد کرد، بلکه کاملاً برعکس. ابو ورده در پاسخ به پرسش «ارم نیوز» می‌گوید، چنین افشاگری‌هایی نشان‌دهنده یک واقعیت خطرناک است؛ چرا که ترامپ ممکن است به دنبال تسریع سرعت عملیات نظامی یا اقدامات بازدارنده علیه جمهوری اسلامی و متحدانش قبل از روی کار آمدن کنگره جدید با اکثریت دموکرات باشد تا یک عمل انجام‌شده استراتژیک را در خاورمیانه تحمیل کند.

او توضیح داد که فشار بالقوه آمریکا برای تسریع عملیات نظامی و گام‌های بازدارنده بزرگ علیه تهران، با هدف تحمیل یک واقعیت استراتژیک جدید قبل از تغییر موازنه قدرت در واشنگتن، تصمیم‌گیرندگان در بغداد را در مقابل گزینه‌های تقریباً غیرممکنی قرار خواهد داد، زیرا سیاست موازنه سنتی که عراق در طول سال‌های گذشته روابط منطقه‌ای خود را با آن مدیریت کرده است، با آن کار نخواهد کرد.

او تأکید کرد که موفقیت دولت الزیدی در مهار این توفان، در درجه اول به توانایی آن در تحمیل «سیاست دولت» و حاکمیت قانون بر همه طرفین داخلی و جلوگیری از تبدیل شهرهای جنوبی این کشور به خطوط تدارکات نظامی یا سکوهای درگیری بستگی دارد که می‌تواند آنچه را از مظاهر ثبات سیاسی و اقتصادی در کشور باقی مانده، نابود کند.

در پایان این گزارش آمده، نقشه‌های جنگی فاش‌شده‌ی آمریکا که الزیدی از آنها صحبت کرد، تصمیم‌گیرندگان عراقی را مجبور به عبور از میدان مین می‌کند. روزهای آینده نه تنها ماهیت روابط آمریکا و جمهوری اسلامی ایران را تعیین خواهد کرد، بلکه قطعا مشخص خواهد کرد که آیا عراق در حفظ موجودیت و حاکمیت خود به عنوان یک کشور مستقل موفق خواهد شد یا اینکه مجبور خواهد شد در «مادر همه‌ی نبردها»ی منطقه‌ایِ پیش‌بینی‌شده، هم نقش واسطه و هم نقش قربانی را ایفا کند.

آیزنکوت مامور تشکیل دولت جدید اسرائیل؛ رجزخوانی ائتلاف عربی برای نتانیاهو



گادی آیزنکوت رقیق انتخاباتی نتانیاهو

○ اسحاق هرتزوگ رئیس‌جمهوری اسرائیل، شنبه ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۵، گادی آیزنکوت، رقیب اصلی بنیامین نتانیاهو، را برای تشکیل دولت برگزید. این در حالیست که در انتخابات اسرائیل هیچکدام از ائتلاف‌ها نتوانست اکثریت پارلمانی لازم برای تشکیل دولت را به دست آورد.

○ آیزنکوت در «ایکس» نوشت: «اکنون وقت تشکیل یک دولت اضطراری ملی است. هرچه در توان دارم انجام خواهم داد تا شایسته این مسئولیت باشیم.»

○ احمد الطیبی، رئیس فراکسیون «فهرست مشترک» (عربی)، از آیزنکوت خواست یک دولت اقلیت با حمایت بیرونی فهرست‌های عربی تشکیل دهد. او هدف اصلی در شرایط کنونی را سرنگونی دولت نتانیاهو دانست و گفت: "راه را برای تشکیل دولت آیزنکوت باز می‌کنیم."

اسحاق هرتزوگ رئیس‌جمهوری اسرائیل، شنبه ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۵ گادی آیزنکوت، رقیب اصلی بنیامین نتانیاهو، را برای تشکیل دولت برگزید. این در حالیست که در انتخابات اسرائیل هیچکدام از ائتلاف‌ها نتوانست اکثریت پارلمانی لازم برای تشکیل دولت را به دست آورد.

بنیامین نتانیاهو که در مجموع بیش از ۱۹ سال نخست‌وزیر اسرائیل بوده و طولانی‌ترین سابقه ریاست دولت را در این کشور دارد در ائتلاف لیکود ۵۳ کرسی به دست آورد و اکثریت پارلمانی خود را از دست داد، اما همچنان بزرگترین بلوک پارلمانی این کشور است.

ائتلاف «یشار» به رهبری گادی آیزنکوت در انتخابات اسرائیل ۴۸ کرسی به دست آورد. یکی از گزینه‌های او ائتلاف با احزاب عرب است اما به شدت از سوی جامعه سیاسی اسرائیل برای این تصمیم زیر فشار قرار دارد. احزاب عرب در این انتخابات با کسب ۱۹ کرسی رکورد شکستند و حمایت آنها می‌تواند اکثریت پارلمانی و امکان تشکیل دولت را برای آیزنکوت فراهم کند.

سخنگوی رئیس‌جمهوری اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کرد: «رئیس‌جمهور هرتزوگ از گادی آیزنکوت دعوت کرده است تا به اقامتگاه رسمی رئیس‌جمهوری بیاید. فردا در آنجا ماموریت تشکیل دولت به او سپرده خواهد شد.»

آیزنکوت در «ایکس» نوشت: «اکنون وقت تشکیل یک دولت اضطراری ملی است. هرچه در توان دارم انجام خواهم داد تا شایسته این مسئولیت باشیم.»

احمد الطیبی رئیس فراکسیون «فهرست مشترک» (عربی) از آیزنکوت خواست یک دولت اقلیت با حمایت بیرونی فهرست‌های عربی تشکیل دهد. او هدف اصلی در شرایط کنونی را سرنگونی دولت نتانیاهو دانست و گفت: "راه را برای تشکیل دولت آیزنکوت باز می‌کنیم."

او افزود که فراکسیون فهرست مشترک در رایزنی‌های جاری برای تشکیل دولت نقشی تعیین کننده دارد و گفت: «دولت کنونی نتانیاهو خود یک دولت اقلیت است. ما با نتانیاهو مذاکره نمی‌کنیم و گزینه ما این است که راه را برای تشکیل دولت آیزنکوت باز کنیم.»

نتانیاهو هشدار داده ائتلاف با احزاب عربی، اسرائیل را از درون متلاشی می‌کند.

افزایش قیمت دلار به ۳۰۰ هزار تومان دور از انتظار نیست



○ افزایش قیمت ارز اما به معنای سقوط ارزش پول ملی و کاهش ارزش واقعی درآمد خانوارهایی است که زیر بار تورم فزاینده از تأمین هزینه‌های ضروری زندگی نیز ناتوان هستند. در چنین شرایطی قیمت ارز در ایران به شدت به اخبار سیاسی مرتبط با جنگ و مذاکره گره خورده و سرنوشت مالی میلیون‌ها خانوار را متأثر از نگاه ایدئولوژیک و جنگ‌طلبی جمهوری اسلامی کرده است.

○ میلاد زمانی، کارشناس بازارهای مالی: با توجه به شرایط فعلی اقتصاد و محدودیت‌های تجاری، صعود قیمت دلار به محدوده ۳۰۰ هزار تومان دور از انتظار نیست.

○ بسیاری از اقتصاددانان معتقدند پایان جنگ و توافق با آمریکا اگرچه می‌تواند بسترساز بهبود وضعیت اقتصادی باشد اما تا زمانی که مشکلات ساختاری اقتصاد ایران پابرجاست، نمی‌توان اقتصاد پایداری برای کشور متصور بود.

○ مرتضی افقه اقتصاددان: عوامل داخلی مؤثر بر این وضعیت شامل ناکارآمدی‌های مدیریتی، تغییرات مکرر مدیران، مداخلات دولت در فعالیت بنگاه‌ها و مشکلات ناشی از فساد، از جمله عواملی بوده‌اند که مانع استفاده کامل از ظرفیت تولیدی کشور شده‌اند.

○ علی قنبری، اقتصاددان، با اشاره به پیش‌بینی بهبود نرخ رشد اقتصادی در صورت پایان جنگ یا توافق با آمریکا، گفته: «مثبت بودن رشد اقتصادی در یک سال، به معنای برطرف شدن مشکلات اقتصاد نیست. ممکن است اقتصاد در یک دوره رشد کند، اما همچنان با مشکلاتی مانند تورم، کمبود سرمایه‌گذاری، محدودیت منابع مالی و نااطمینانی در فضای کسب و کار مواجه باشد.»

در حالی که درآمدهای ارزی کشور به علت محاصره دریایی و به صفر رسیدن صادرات نفت به شدت کاهش یافته و تیم اقتصادی دولت پزشکیان نیز در مدیریت شرایط بحرانی اقتصاد کشور ناموفق بوده است، یک کارشناس اقتصادی پیش‌بینی کرده افزایش قیمت دلار به ۳۰۰ هزار تومان دور از ذهن نیست.

قیمت‌ها در بازار ارز ایران طی ماه‌های گذشته با صعود بی‌سابقه‌ای روبرو شده‌اند و قیمت هر دلار آمریکا وارد کانال ۲۷۰ هزار تومان شد. بانک مرکزی و تیم اقتصادی دولت پزشکیان در این مدت بر تسلط بر شرایط اقتصادی کشور و در دسترس بودن منابع ارزی کافی تأکید کردند اما نتوانستند از افزایش قیمت ارز جلوگیری کنند و حتی در مقاطعی با دخالت در بازار، از افزایش قیمت ارز به عنوان راهکاری برای جبران کسری بودجه استفاده کردند.

افزایش قیمت ارز اما به معنای سقوط ارزش پول ملی و کاهش ارزش واقعی درآمد خانوارهایی است که زیر بار تورم فزاینده از تأمین هزینه‌های ضروری زندگی نیز ناتوان هستند. در چنین شرایطی، قیمت ارز در ایران به شدت به اخبار سیاسی مرتبط با جنگ و مذاکره گره خورده و سرنوشت مالی میلیون‌ها خانوار را متأثر از نگاه ایدئولوژیک و جنگ‌طلبی جمهوری اسلامی کرده است.

به عقیده کارشناسان اقتصادی، چشم‌انداز قیمت ارز در ماه‌های آینده نیز کاملا مرتبط با سرنوشت جنگ و مذاکره حکومت با آمریکا است. با اینهمه ماه‌ها کاهش درآمدهای ارزی و رشد اقتصادی منفی سبب خواهد شد حتی در سناریوی خوش‌بینانه توافق جمهوری اسلامی با آمریکا نیز کاهش قیمت ارز و نزولی شدن تورم روندی زمانبر را طی کند.

میلاد زمانی، کارشناس بازارهای مالی، در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» توضیح داده که نباید انتظار کاهش قابل توجه قیمت دلار را داشت: «با توجه به محدودیت‌ها و کمبودهایی که در اقتصاد وجود دارد، به نظر می‌رسد قیمت دلار فعلاً در محدوده فعلی در حال استراحت است و به تدریج فنر قیمت این اسکناس برای پایان سال فشرده می‌شود. از سوی دیگر، هرچه به پایان پاییز و آغاز سال نو میلادی نزدیک‌تر می‌شویم، مطابق الگوی سال‌های گذشته باید منتظر افزایش تقاضا برای ارز در اوایل زمستان باشیم. این تقاضای فصلی نیز می‌تواند بر بازار اثر بگذارد؛ بنابراین در شرایط فعلی، نمی‌توان محدوده پایین‌تری برای قیمت دلار متصور بود.»

این کارشناس بازارهای مالی تأکید کرده است: «با توجه به شرایط فعلی اقتصاد و محدودیت‌های تجاری، صعود قیمت دلار به محدوده ۳۰۰ هزار تومان دور از انتظار نیست.»

میلاد زمانی گفته است: «در شرایط فعلی، علاوه بر تشدید تحریم‌های قبلی، محدودیت‌های جدیدی نیز در مسیرهای تجاری کشور ایجاد شده است. پس از جنگ، تحریم‌های دریایی و هوایی ادامه داشته و اکنون محدودیت‌ها به مسیرهای زمینی و مرزی نیز گسترش پیدا کرده‌اند. در روزهای گذشته در مرزهای پاکستان و عراق نیز مشکلاتی به وجود آمده است. حتی جلوی صادرات تانکرهای گازی از مسیر پاکستان گرفته شده است. بنابراین خلاف برخی انتظارات، اتفاق مثبت و تعیین‌کننده‌ای در حوزه تجارت خارجی رخ نداده و فشار تحریم‌ها همچنان ادامه دارد.»

او افزوده: «بخشی از سرمایه‌گذاران داخلی حتی با وجود وزن محدود اخبار توافق، به این احتمال توجه می‌کنند و انتظار دارند قیمت دلار اصلاح شود؛ اما من وزن زیادی برای این سناریو قائل نیستم. در شرایط فعلی، بازار بیشتر در حال استراحت و انتظار برای مشخص شدن مسیر آینده است.»

در این میان رشد اقتصادی منفی و رکود شدید در بخش صنعت و تولید نیز تقویت پول ملی را با محدودیت جدی روبرو کرده است. در شرایطی که محاصره اقتصادی و تشدید فشارهای ایالات متحده همه بخش‌های اقتصاد کشور را متأثر کرده اما بخش صنعت و تولید که نقش ویژه در افزایش رشد اقتصادی دارند، به علت مشکلات ساختاری از جمله بحران کمبود انرژی با رکود عمیق درگیر هستند.

در همین رابطه مرتضی افقه، اقتصاددان و استاد دانشگاه، توضیح داده: «بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی به ویژه واحدهای مستقر در شهرک‌های صنعتی سال‌هاست پایین‌تر از ظرفیت اسمی خود فعالیت می‌کنند. پیش از سال ۱۳۹۷ [خروج دونالد ترامپ از برجام] و تشدید تحریم‌ها و همچنین پیش از جنگ اخیر، بسیاری از این واحدها تنها از حدود ۴۰ تا ۶۰ درصد ظرفیت تولید خود استفاده می‌کردند.»

او درباره ریشه‌های غیرخارجی این شرایط گفته است: «عوامل داخلی مؤثر بر این وضعیت شامل ناکارآمدی‌های مدیریتی، تغییرات مکرر مدیران، مداخلات دولت در فعالیت بنگاه‌ها و مشکلات ناشی از فساد، از جمله عواملی بوده‌اند که مانع استفاده کامل از ظرفیت تولیدی کشور شده‌اند.»

این اقتصاددان با تأکید بر اینکه «نمی‌توان همه مشکلات بنگاه‌های اقتصادی را صرفاً به تحریم‌ها یا تحولات خارجی نسبت داد»، گفته است که «مشکلات اداری، مداخلات غیرضروری دستگاه‌های دولتی، مسائل مالیاتی و بیمه‌ای» از جمله مشکلات اصلی بنگاه‌های اقتصادی در کشور است.

مرتضی افقه هشدار داده: «یکی از نگرانی‌های اصلی درباره تداوم رکود، همزمانی کاهش تولید با افزایش قیمت‌هاست؛ وضعیتی که می‌تواند فشار مضاعفی بر بنگاه‌ها و خانوارها وارد کند. کاهش تولید، عرضه کالاها را محدود می‌کند و افزایش هزینه‌های تأمین مواد اولیه نیز می‌تواند قیمت تمام‌شده محصولات را بالا ببرد. در نتیجه، اقتصاد با شرایطی روبرو می‌شود که رکود و تورم بطور همزمان یکدیگر را تشدید می‌کنند.»

این اقتصاددان درباره تبعات این روند بر اشتغال اظهار کرد: «پیامدهای این وضعیت برای اشتغال و تقاضای داخلی و در نتیجه کاهش فعالیت بنگاه‌ها ممکن است به تعدیل [اخراج] نیروی کار یا افت درآمد شاغلان منجر شود. در چنین شرایطی، قدرت خرید خانوارها کاهش پیدا می‌کند و تقاضا برای کالاها و خدمات پایین می‌آید. کاهش تقاضا نیز فروش بنگاه‌ها را محدود می‌کند و آنها را به کاهش بیشتر تولید وادار می‌سازد.»

همانطور که مرتضی افقه نیز اشاره کرده، بسیاری از اقتصاددانان معتقدند پایان جنگ و توافق با آمریکا اگرچه می‌تواند بسترساز بهبود وضعیت اقتصادی باشد اما تا زمانی که مشکلات ساختاری اقتصاد ایران پابرجاست، نمی‌توان اقتصاد پایداری برای کشور متصور بود.

در همین رابطه علی قنبری، اقتصاددان، با اشاره به اینکه برخی پیش‌بینی‌ها از بهبود نرخ رشد اقتصادی در صورت پایان جنگ یا توافق با آمریکا حکایت دارد، گفته است: «مثبت بودن رشد اقتصادی در یک سال، به معنای برطرف شدن مشکلات اقتصاد نیست. ممکن است اقتصاد در یک دوره رشد کند، اما همچنان با مشکلاتی مانند تورم، کمبود سرمایه‌گذاری، محدودیت منابع مالی و نااطمینانی در فضای کسب و کار مواجه باشد.»

علی قنبری افزوده: «کاهش محدودیت‌های خارجی می‌تواند شرایط را برای فعالیت بهتر اقتصاد فراهم کند، اما بهبود پایدار به عوامل دیگری نیز وابسته است. ثبات در سیاست‌گذاری اقتصادی، فراهم شدن امکان فعالیت برای بنگاه‌ها، افزایش سرمایه‌گذاری و ایجاد شرایط مناسب برای تولید، همگی در این مسیر اهمیت دارند. رشد اقتصادی زمانی برای جامعه اهمیت ملموس پیدا می‌کند که آثار آن در بازار کار و درآمد خانوارها دیده شود. افزایش تولید بدون توجه به اشتغال و قدرت خرید، به‌تنهایی نمی‌تواند معیار کاملی برای ارزیابی بهبود اقتصادی باشد.»

نقشی که اروپا همچنان ایفا می‌کند!



© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

حسن دیوبند، حمید کاظمی و رضا زنگنه، از بازداشت‌شدگان دی۴۰۴، اعدام شدند

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی گزارش داد که حکم اعدام حسن دیوبند، حمید کاظمی و رضا زنگنه، از بازداشت‌شدگان دی۴۰۴، سحرگاه روز یکشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۵ در زندان قزلحصار کرج اجرا شد.

محاکمه این شهروندان در پی «قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» صورت گرفته است.

این پرونده ۱۰ متهم دیگر نیز دارد که با اتهامات مشارکت در اعتراضات و همکاری با حسن دیوبند بازداشت شدند. قوه قضاییه گزارش داده دادگاه انقلاب کرج هشت نفر از آنان را به پنج تا ۱۰ سال حبس محکوم کرده است.



قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اجرای همزمان حکم اعدام حسن دیوبند، حمید کاظمی و رضا زنگنه، از بازداشت‌شدگان دی۴۰۴، خبر داده است. این سه شهروند بازداشت‌شده با اتهام «مشارکت در اقدام عملیاتی برای اسرائیل، آمریکا و گروه‌های متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» به اعدام و مصادره اموال محکوم شدند.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی گزارش داد، حکم اعدام حسن دیوبند، حمید کاظمی و رضا زنگنه سحرگاه روز یکشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۵ در زندان قزلحصار کرج اجرا شد.

بر اساس ادعای خبرگزاری میزان، در کیفرخواست این شهروندان «تهیه و ساخت کوکتل مولوتف و نارنجک و استفاده از آنها»، «حمل و استفاده از سلاح سرد و گرم در جریان اغتشاشات»، «تخریب و آتش زدن اماکن و تاسیسات و تجهیزات عمومی»، «تخریب پست برق و قطع برق برخی مناطق کرج» و «تشویق سایرین به اغتشاش» به عنوان مصداق جرم ثبت شده بود.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی این سه شهروند را افراد «آموزش‌دیده» خوانده و مدعی شده: «این افراد با چاقو، قمه، دو قبضه سلاح شکاری (به همراه ۱۵۰ فشنگ ساچمه‌ای که بعدا کشف شد)، ساخت و استفاده از کوکتل مولوتف و نارنجک‌های دست ساز، در اغتشاشات مشارکت داشته‌اند».

این پرونده ۱۰ متهم دیگر نیز دارد که با اتهامات مشارکت در اعتراضات و همکاری با حسن دیوبند بازداشت شدند. قوه قضاییه گزارش داده، دادگاه انقلاب کرج هشت نفر از آنان را به پنج تا ۱۰ سال حبس محکوم کرده است.

منابع حقوق بشری پیشتر گزارش داده بودند که احکام اعدام حسن دیوبند، حمید کاظمی و رضا زنگنه توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج، به ریاست قاضی سبزواری و مستشاری قاضی نریمانی صادر شده است.

محاکمه این شهروندان در پی «قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» صورت گرفته است. با اینهمه جزییات بیشتری درباره پرونده و ۱۰ متهم دیگر آن در دسترس نیست.

رضا زنگنه شهروند ۲۷ ساله اهل کلیل‌آباد ملایر و ساکن ملارد کرج بامداد ۱۴ فروردین‌ماه ۱۴۰۵ در شهر کرج توسط مأموران امنیتی بازداشت شد. او هنگام باز کردن مغازه‌اش، یک تعمیرگاه اتومبیل، و در مقابل چشم کسبه محل بازداشت شد.

«کیهان لندن» پس از تأیید حکم اعدام رضا زنگنه در دیوان عالی کشور گزارش داده بود که خانواده و نزدیکان رضا زنگنه با بیان اینکه «همکاری با موساد» در اتهامات او مطرح شده، این اتهام را رد کرده و تأکید دارند این اتهام واهی به علت شغل رضا که تعمیر اتومبیل‌های لوکس بوده و همچنین سفرهای خارج از کشورش به او نسبت داده شده است. طی روزهای گذشته برخی منابع حقوق بشری از انتقال رضا زنگنه و حمید کاظمی به سلول انفرادی و احتمال اجرای احکام اعدام آنها خبر داده بودند.

«قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با جمهوری اسلامی در ۹ ماده و ۷ تبصره تدوین و در ششم مهر ۱۴۰۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. این قانون طی سه روز در شورای نگهبان تأیید و از نهم آبان ۱۴۰۴ اجرایی شد.

این قانون با در نظر گرفتن دامنه گسترده‌ای از اقدامات شهروندان، آنها را با اتهامات «افساد فی الارض» و «محاربه» روبرو و دست قضات برای صدور احکام اعدام را باز می‌کند. تجمعات غیرقانونی در زمان جنگ و ارسال تصویر و ویدئو به رسانه‌های خارج از ایران از جمله مواردی هستند که می‌توانند در زیرمجموعه این قانون سبب صدور حکم اعدام برای شهروندان شوند.

مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران نیز هفته نخست آبان‌ماه جاری در گزارشی که به بازه اعتراضات دی۴۰۴ تا آخر امرداد امسال مربوط بود اعلام کرد، در این بازه زمانی دست‌کم ۲۵ نفر در ارتباط با اعتراضات دی۴۰۴ اعدام شدند که دست‌کم پنج مورد از این اعدام‌ها در ملاء عام اجرا شده است.

مای ساتو تأکید کرده بود که قانون «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و دولت‌های متخاصم» به ابزاری برای صدور احکام و اجرای تعدادی از این اعدام‌ها تبدیل شده است.

او افزوده بود: «با این حال اعدام‌های مرتبط با اعتراضات تنها بخش کوچکی از کل اعدام‌ها را تشکیل می‌دهند. تعداد اعدام‌های ثبت‌شده به‌شدت بالاست و قطع ارتباط اینترنتی و مخابراتی که از پیش نیز وجود داشت، فضای غیرشفاف را عمیق‌تر کرده است. بیش از ۸۰ درصد اعدام‌ها مربوط به قصاص (مقابله‌به‌مثل) یا جرایم مرتبط با مواد مخدر بوده‌اند.»

جمهوری اسلامی پس از آغاز جنگ با آمریکا از اوایل اسفندماه گذشته، تشدید سرکوب شهروندان را بطور علنی و سازمانیافته در دستور کار قرار داده است. صدور و اجرای احکام اعدام فعالان سیاسی و شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات از جمله محورهای برنامه تشدید سرکوب‌ها توسط جمهوری اسلامی است.

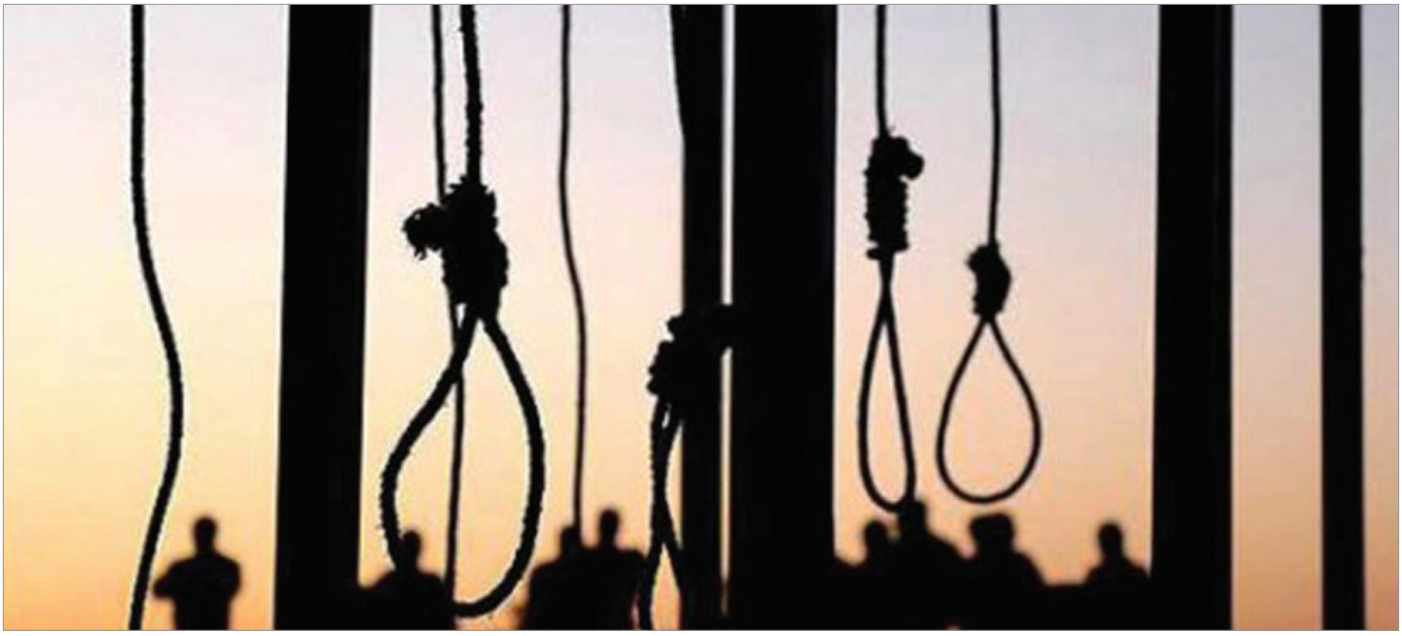
سازمان حقوق بشر به تازگی گزارش داده از اول ژانویه تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶، این سازمان دست‌کم ۶۹۱ اعدام را ثبت کرده است که سه تن از اعدام‌شدگان در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند.

در این مدت ۳۵۳ نفر با اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شده بودند که چهار شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات نیز در میان آنان قرار داشتند. همچنین ۲۴۴ نفر به اتهام جرائم مرتبط با مواد مخدر، ۸۱ نفر با اتهامات امنیتی و ۱۲ نفر به اتهام تجاوز جنسی اعدام شدند. اتهام یک زن اعدام‌شده همچنان نامشخص است.

از میان افرادی که با اتهامات امنیتی اعدام شدند، ۳۲ نفر شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات، ۱۵ نفر زندانی سیاسی وابسته به گروه‌های مخالف حکومت، ۱۷ نفر متهم به جاسوسی یا همکاری با دولت‌های خارجی و ۹ نفر محکوم به سرقت مسلحانه بودند. چهار نفر نیز به ارتباط با گروه داعش متهم شده بودند و اتهام چهار نفر دیگر مشخص نیست.

منابع حقوق‌بشری اواخر تابستان امسال گزارش داده بودند که دست‌کم ۱۰۰ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه در ۱۳ استان با حکم اعدام روبرو هستند؛ بیشترین شمار این افراد با ۴۶ نفر مربوط به استان اصفهان است.

ماشین سرکوب جمهوری اسلامی، متمرکز بر صدور و اجرای احکام اعدام بازداشت‌شدگان اعتراضات دی۴۰۴



محمدمهدی پارسا، ۲۱ ساله، اهل قلعه‌تل در استان خوزستان و از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی۴۰۴ توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اهواز به ریاست احسان ادیبی‌مهر به اتهام «محاربه» به اعدام و به دو اتهام دیگر به مجموع ۲۰ سال حبس محکوم شده است.

منابع حقوق بشری جزئیات تازه‌ای از صدور احکام اعدام و پرونده‌های قضایی شش بازداشت‌شده اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در مشهد را منتشر کردند. ابوالفضل صداقت، وحید خدری‌خواه، متین فرنیان، علی زاغی و ایلیا اکبری به اعدام محکوم شده‌اند و غلامرضا رحمتی نیز در خطر صدور حکم اعدام قرار دارد.

پرونده صدها بازداشت‌شده اعتراضات دی۴۰۴ همچنان در جریان بررسی است و خطر صدور و اجرای احکام اعدام علیه این شهروندان وجود دارد.

سازمان حقوق بشر ایران نیز به تازگی گزارش داده، از اول ژانویه تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶، این سازمان دست‌کم اجرای ۶۹۱ حکم اعدام در ایران را ثبت کرده است که ۸۱ نفر از اعدام‌شدگان دارای اتهامات سیاسی و امنیتی بودند.

فعالیت ماشین سرکوب جمهوری اسلامی با صدور و اجرای احکام اعدام علیه شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات دی‌ماه ادامه دارد. در روزهای گذشته برای بیش از ۱۰ شهروند معترض حکم اعدام صادر شده و همچنان صدها معترض محبوس در زندان‌ها با خطر صدور و اجرای حکم اعدام روبرو هستند.

خبرگزاری حقوق بشری «هرانا»، یکشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۵ گزارش داد محمدمهدی پارسا ، ۲۱ ساله، اهل قلعه‌تل در استان خوزستان، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی۴۰۴ و محبوس در زندان شیبان اهواز توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اهواز به ریاست احسان ادیبی‌مهر به اتهام «محاربه» به اعدام و به دو اتهام دیگر به مجموع ۲۰ سال حبس محکوم شده است.

بر اساس این گزارش، محمدمهدی پارسا به اتهام «محاربه از طریق مشارکت در تخریب بانک دولتی در اهواز» به اعدام محکوم شده است. او همچنین به اتهام «شرکت در تجمعات غیرقانونی» با استناد به مقررات تشدید مجازات، به ۱۰ سال حبس و به اتهام «همکاری با دول متخاصم» به ۱۰ سال حبس دیگر محکوم شده است. این حکم در شرایطی صادر شده که او از حق دسترسی به وکیل انتخابی محروم بوده است.

ابوالفضل صداقت، جوان ۲۰ ساله، همراه با وحید خدری‌خواه، متین فرنیان، علی زاغی و ایلیا اکبری در پرونده‌های مرتبط با اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در مشهد به اعدام محکوم شده‌اند. هم‌زمان، غلامرضا رحمتی، زندانی سیاسی سابق ۶۳ ساله، به دلیل پناه‌دادن و درمان معترضان مجروح با اتهام محاربه و خطر صدور حکم اعدام مواجه است.

همچنین منابع حقوق بشری جزئیات تازه‌ای از صدور احکام اعدام و پرونده‌های قضایی شش بازداشت‌شده اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در مشهد را منتشر کردند. ابوالفضل صداقت، وحید خدری‌خواه، متین فرنیان، علی زاغی و ایلیا اکبری به اعدام محکوم شده‌اند و غلامرضا رحمتی نیز در خطر صدور حکم اعدام قرار دارد.

این پرونده‌ها در شرایطی دنبال می‌شوند که دستگاه قضایی صبح امروز احکام اعدام رضا زنگنه، حسن دیوبند و حمید کاظمی، سه بازداشت‌شده اعتراضات دی‌ماه در کرج، را اجرا کرد. گزارش حقوق‌بشری منتشرشده، محل اجرای احکام را زندان قزلحصار اعلام کرده است.

از سوی دیگر اجرای احکام صادرشده اعدام علیه شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات اخیر یا شهروندانی که طی ماه‌های گذشته با اتهاماتی چون «همکاری با دشمن» روبرو شده‌اند نیز بدون وقفه در حال اجرا هستند.

روز گذشته و همزمان با اعلام خبر صدور حکم اعدام علیه شماری از شهروندان بازداشت‌شده در مشهد و اهواز، حمید کاظمی، حسن دیوند و رضا زنگنه از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی۴۰۴ در کرج در زندان قزلحصار اعدام شدند. پیش از آن نیز، صبح سه‌شنبه ۱۲ آبان، حکم اعدام امیرحسین ابراهیمی و امیرحسین ملکی، دو تن دیگر از معترضان بازداشت‌شده در اعتراضات دی۴۰۴ در اصفهان اجرا شد.

در آنسو پرونده صدها بازداشت‌شده اعتراضات دی۴۰۴ همچنان در جریان بررسی است و خطر صدور و اجرای احکام اعدام علیه این شهروندان وجود دارد.

منابع حقوق‌بشری اواخر تابستان امسال گزارش داده بودند که دست‌کم ۱۰۰ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه در ۱۳ استان با حکم اعدام روبرو هستند؛ بیشترین شمار این افراد با ۴۶ نفر مربوط به استان اصفهان است.

«سازمان حقوق بشر برای ورزش» نیز در نامه‌ای سرگشاده به کنفدراسیون فوتبال آسیا، درباره صدور حکم اعدام برای یک فوتبالیست، زندانی بودن یک بازیکن دیگر و بازداشت شماری از اعضای جامعه فوتبال ایران ابراز نگرانی کرد و خواستار اقدام فوری برای حفاظت از جان و امنیت آنان شد.

این سازمان در نامه خود به حکم اعدام احسان حسینی‌پور حصارلو، حبس امیررضا نصرآزادانی و بازداشت‌های خودسرانه شماری از اعضای جامعه فوتبال ایران، از جمله رشید مظاهری، محسن مولودپور، حسین زیاری، حمید حاج‌جعفر کاشانی، ابوالفضل دوخت، علی عزیزی و عباس یحیی‌بیگی اشاره کرده است.

این نهاد حقوق بشری همچنین بر مسئولیت کنفدراسیون فوتبال آسیا و دیگر نهادهای ورزشی در حمایت از ورزشکارانی که با خطر بازداشت، زندان و اعدام روبه‌رو هستند، تاکید کرده و خواستار اقدام فوری برای حفاظت از آنان شده است.

سازمان حقوق بشر ایران نیز به تازگی گزارش داده، از اول ژانویه تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶، این سازمان دست‌کم اجرای ۶۹۱ حکم اعدام در ایران را ثبت کرده است که ۸۱ نفر از اعدام‌شدگان دارای اتهامات سیاسی و امنیتی بودند.

نیویورک‌پست: تصاویر ماهواره‌ای نگران‌کننده از بازسازی پایگاه‌های موشکی جمهوری اسلامی



نمایش موشک‌های بالستیک؛ میدان بهارستان؛ تهران

بر اساس گزارش روزنامه «نیویورک پست» و بر پایه تحلیل‌های شرکت اطلاعاتی بریتانیایی «MAIAR» و بررسی‌های «BBC Verify»، شواهد به وضوح از حفاری، ساخت و ساز جدید و تعمیرات در دست‌کم دو پایگاه بزرگ و بیش از دوازده سایت نظامی دیگر خبر می‌دهند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تلاش است تأسیسات تولیدی خود را به زیر زمین منتقل کند، زیرا پایگاه هوایی نزدیک به این منطقه بارها هدف حملات هوایی قرار گرفته است. چنانکه یکی از تحلیلگران «MAIAR» بیان کرده، این الگو با استراتژی کلی رژیم ایران همخوانی دارد: «الگوی انتقال زیرساخت‌ها به زیرِ زمین برای محافظت در برابر حملات بیشتر».

تحلیلگران تأکید دارند که این ساخت و سازها، اولویت‌بندی منابع محدود رژیم ایران را در شرایط اقتصادی دشوار آشکار می‌کنند؛ جایی که بازسازی نظامی بر ترمیم زیرساخت‌های غیرنظامی مقدم شده است. آنها همچنین هشدار می‌دهند که تمرکز بر تأسیسات زیرزمینی نه تنها حفاظت فیزیکی ایجاد می‌کند، بلکه اطلاعات‌رسانی و ارزیابی دقیق را برای سرویس‌های اطلاعاتی غربی سخت‌تر می‌سازد.

تصاویر ماهواره‌ای تازه نشان می‌دهند پایگاه‌هایی که در دو جنگ اخیر هدف حملات هوایی گسترده ایالات متحده و اسرائیل قرار گرفته بودند، با سرعت در حال بازسازی هستند.

تصاویر ماهواره‌ای تازه‌ای که در ماه نوامبر ۲۰۲۶ گرفته شده‌اند، نشان می‌دهند جمهوری اسلامی با سرعت در حال بازسازی پایگاه‌های موشکی و نظامی آسیب‌دیده‌ی خود است. این پایگاه‌ها در دو جنگ اخیر طی سال ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ هدف حملات هوایی گسترده ایالات متحده و اسرائیل قرار گرفته بودند.

بر اساس گزارش روزنامه «نیویورک پست» و بر پایه تحلیل‌های شرکت اطلاعاتی بریتانیایی «MAIAR» و بررسی‌های «BBC Verify»، شواهد به وضوح از حفاری، ساخت و ساز جدید و تعمیرات در دست‌کم دو پایگاه بزرگ و بیش از دوازده سایت نظامی دیگر خبر می‌دهند.

عکس‌های ماهواره‌ای ماه نوامبر، فعالیت‌های ساختمانی چشمگیری را در پایگاه «گرمدره» در کرج (نزدیک تهران) و پایگاه شاهرود در شمال ایران آشکار می‌کنند. تحلیلگران MAIAR که این تصاویر را بررسی کرده‌اند، به خبرگزاری بین‌المللی بی‌بی‌سی گفته‌اند که نشانه‌های حفاری عمیق و احداث ساختمان‌های جدید در هر دو سایت مشهود است.

در پایگاه «گرمدره» کرج چندین وسیله نقلیه ساختمانی دیده می‌شود و بازسازی در پایگاه هوایی مجاور آن نیز به چشم می‌خورد. سام لیر، تحلیلگر مؤسسه پژوهش‌های سیاست خارجی (FPRI) در پنسیلوانیا، این تصاویر را نشان‌دهنده‌ی «ساخت یک درگاه جدید برای تأسیسات زیرزمینی» توصیف کرده است.

تحلیلگران شرکت بریتانیایی دفاعی- نظامی «Janes De-fense Intelligence» که در حوزه‌ی هوافضا، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های دقیق فعالیت می‌کند، ورودی‌های تونل و ساختارهایی را شناسایی کرده‌اند که ممکن است نشانه‌ی گسترش پایگاه‌های موشکی آسیب‌دیده یا تخریب‌شده باشند، یا حتی برای اهداف ذخیره‌سازی استفاده شوند.

در شاهرود نیز حفاری‌های گسترده مشاهده شده است. جیم لامسون، تحلیلگر سابق «سیا» و کارشناس مسائل ایران، به بی‌بی‌سی گفته است که این حفاری‌ها احتمالاً با تولید موشک مرتبط هستند.

لامسون معتقد است سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تلاش است تأسیسات تولیدی خود را به زیر زمین منتقل کند، زیرا پایگاه هوایی نزدیک به این منطقه بارها هدف حملات هوایی قرار گرفته است. چنانکه یکی از تحلیلگران «MAIAR» بیان کرده، این الگو با استراتژی کلی رژیم ایران همخوانی دارد: «الگوی انتقال زیرساخت‌ها به زیرِ زمین برای محافظت در برابر حملات بیشتر».

علاوه بر این دو پایگاه اصلی، حداقل دوازده سایت نظامی دیگر، از جمله مجتمع‌های موشکی و پایگاه‌های هوایی، نشانه‌هایی از تعمیر و ساخت و ساز دارند. در پایگاه موشکی کرمانشاه در غرب ایران (نزدیک مرز عراق)، سقف‌های جدیدی بر روی ساختمان‌های تخریب‌شده نصب شده است.

در مجتمع نظامی «پارچین» در شرق تهران، آوارها پاکسازی شده و ساختمان‌های آسیب‌دیده بازسازی شده‌اند. به ویژه در تأسیسات «طالقان۲» داخل پارچین، ساخت و ساز قابل توجهی تکمیل شده، ساختمان‌های آسیب‌دیده هموار و آثار حملات به یک پناهگاه زیرزمینی با بتن تقویت شده است. مجتمع پارچین با وجود حملات مکرر، بارها تعمیر و بازسازی شده است.

همچنین نشانه‌هایی از کار در نزدیکی ورودی‌های تونلی نزدیک قم و مجتمع غنی‌سازی زیرزمینی «فردو» گزارش شده که خود بارها هدف حملات آمریکا و اسرائیل بوده است.

مارک ملِت (Mark Mellett)، تحلیلگر دفاعی و رئیس سابق ارتش ایرلند، تأکید می‌کند که انتقال تأسیسات به زیر زمین، ارزیابی کامل قابلیت‌های عملیاتی رژیم ایران را برای ناظران خارجی دشوارتر می‌کند.

این موضوع به‌ویژه در شرایطی اهمیت دارد که پنتاگون ادعا کرده آمریکا تا ۹۰ درصد از پایگاه صنعتی پهپاد، موشک بالستیک و نیروی دریایی جمهوری اسلامی را نابود کرده و توانایی پرتاب موشک و پهپاد رژیم را به شدت کاهش داده است. سخنگوی پنتاگون، شان پارنل، این مطلب را پیشتر به وال‌استریت ژورنال اعلام کرده بود.

با این حال، رژیم ایران از طریق رسانه‌های دولتی مدعی است که ذخایر بزرگی از موشک در اختیار دارد و تولید موشک‌های بالستیک با سوخت مایع را از سر گرفته است؛ ادعایی که موفقیت‌های عملیات «خشم حماسی» را زیر سؤال می‌برد.

مارک کانسیان، تحلیلگر نظامی در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS)، این ساخت و ساز سریع را نشانه‌ی آمادگی رژیم ایران در صورت از سر گرفتن حملات بیشتر آمریکا و اسرائیل می‌داند. او می‌گوید: «هدف، دفاع بهتر از خود در برابر حملات آینده است. همچنین نشان‌دهنده‌ی اولویت دادن به بازسازی توان نظامی بجای بازسازی اقتصاد است».

این فعالیت‌ها در حالی صورت می‌گیرد که حملات آمریکا و اسرائیل از فوریه ۲۰۲۶ آغاز شده و در هفته‌های اخیر، پس از اعلام دونالد ترامپ مبنی بر توقف موقت حملات پیش از انتخابات میاندوره‌ای، کند شده‌اند.

کارشناسان معتقدند ترامپ پس از انتخابات میاندوره‌ای سوم نوامبر و پیش از آنکه کنگره تحت سلطه‌ی دموکرات‌ها احتمالاً اختیارات جنگی او را محدود کند، تنها پنجره‌ی زمانی محدودی برای از سر گرفتن جنگ علیه جمهوری اسلامی دارد، در حالی که ترامپ همزمان مذاکرات مجدد با رژیم ایران را دنبال می‌کند، تهدید کرده که اگر جمهوری اسلامی به خواسته‌های او تن ندهد، «کار را تمام خواهد کرد».

رژیم ایران نیز همزمان در پوشش فشار برای دیپلماسی، تهدیدهای منطقه‌ای خود را افزایش داده تا زمان را به نفع خود مدیریت کند. تصاویر ماهواره‌ای، از جمله تصاویر «Maxar» از ورودی‌های یک تونل در مرکز فناوری هسته‌ای اصفهان، و فیلم‌های دولتی از ظهور موشک‌های «زمین به هوا» از تونل‌ها، تصویری پیچیده از تلاش جمهوری اسلامی برای حفظ و تقویت توان موشکی خود ارائه می‌دهند.

تحلیلگران تأکید دارند که این ساخت و سازها، اولویت‌بندی منابع محدود رژیم ایران را در شرایط اقتصادی دشوار آشکار می‌کنند؛ جایی که بازسازی نظامی بر ترمیم زیرساخت‌های غیرنظامی مقدم شده است. آنها همچنین هشدار می‌دهند که تمرکز بر تأسیسات زیرزمینی نه تنها حفاظت فیزیکی ایجاد می‌کند، بلکه اطلاعات‌رسانی و ارزیابی دقیق را برای سرویس‌های اطلاعاتی غربی سخت‌تر می‌سازد.

در شرایطی که مذاکرات احتمالی ممکن است از سر گرفته شود و اقدامات نظامی نیز مطرح‌اند، تصاویر ماهواره‌ای به عنوان شاهدی بر ادامه‌ی تهدید فعال جمهوری اسلامی با بازسازی توان نظامی هستند، و می‌توانند بر محاسبات استراتژیک واشنگتن و تل‌آویو تأثیر بگذارند.

با این حال، آینده‌ی این وضعیت به تصمیمات سیاسی در آمریکا پس از انتخابات میاندوره‌ای و واکنش‌های رژیم ایران بستگی دارد. اما آنچه روشن است، تداوم تلاش‌های بازسازی در سایه‌ی حملات چهل روزه است.

الحره: به علت بحران مالیِ سپاه پاسداران، شبه‌نظامیان عراقی حقوق دریافت نکرده‌اند



شبه‌نظامیان حشدالشعبی

وبسایت «الحره» به نقل از منابع منطقه‌ای ۱۵ آبان ۱۴۰۵ گزارش داد، بیشتر نیروهای سه گروه شبه‌نظامی عراقی همسو با جمهوری اسلامی، دست‌کم طی دو ماه گذشته حقوق دریافت نکرده‌اند.

بر اساس اطلاعات پنج منبع در عراق، از جمله دو عضو کتائب سیدالشهدا، یک عضو حرکت النجباء و اعضای خانواده دو نیروی کتائب حزب‌الله، رهبران این گروه‌ها پرداخت حقوق اعضایی را که در نیروهای حشدالشعبی تحت حمایت دولت عراق، ثبت‌نام نشده‌اند، متوقف کرده‌اند.

وبسایت «الحره» به نقل از منابع منطقه‌ای ۱۵ آبان ۱۴۰۵ گزارش داد، بیشتر نیروهای سه گروه شبه‌نظامی عراقی همسو با جمهوری اسلامی ایران، دست‌کم طی دو ماه گذشته حقوق دریافت نکرده‌اند.

بر اساس اطلاعات پنج منبع در عراق، از جمله دو عضو کتائب سیدالشهدا، یک عضو حرکت النجباء و اعضای خانواده دو نیروی کتائب حزب‌الله، رهبران این گروه‌ها پرداخت حقوق اعضایی را که در نیروهای حشدالشعبی تحت حمایت دولت عراق، ثبت‌نام نشده‌اند، متوقف کرده‌اند.

به گفته این منابع، نیروهایی که در حشدالشعبی ثبت‌نام شده‌اند، که اقلیت اعضای این گروه‌ها را تشکیل می‌دهند، همچنان حقوق خود را دریافت می‌کنند.

حشدالشعبی به پرسش‌ها درباره وضعیت پرداخت حقوق نیروهای وابسته به این گروه‌ها پاسخی نداده است.

ایالات متحده هر سه گروه یادشده و همچنین بیشتر شبه‌نظامیان مسلح عراقی همسو با جمهوری اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده است.

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که جمهوری اسلامی در پی جنگ آمریکا و اسرائیل و محاصره دریایی و تحریم‌های گسترده، با بحران اقتصادی عمیق‌تری روبرو شده است.

دریاسالار برد کوپر فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) پیشتر اعلام کرده بود که گروه‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی، از جمله حزب‌الله، حماس و شبه‌نظامیان شیعه در عراق، که سال‌ها از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کمک مالی دریافت می‌کردند، اکنون با محدودیت مالی مواجه‌اند.

کوپر گفت: «فشار مالی بر ساختار نظامی [رژیم] ایران به اندازه‌ای شدید شده است که گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه شبه‌نظامیان همسو با رژیم ایران در سراسر منطقه، پرداخت حقوق نیروهای خود را متوقف کرده‌اند تا منابع مالی را به سپاه پاسداران منتقل کنند؛ نهادی که خود نیز برای پرداخت حقوق نیروهایش با مشکل مواجه است.»

در پاسخ به پرسش‌ها درباره ارقام و جزئیات این موضوع، فرماندهی مرکزی آمریکا اعلام کرد: «چیز دیگری برای افزودن به اظهارات دریاسالار برد کوپر ندارد» و اطلاعات بیشتری درباره گروه‌های عراقی دخیل در این ماجرا یا سازوکار انتقال منابع مالی ارائه نکرد.

رافد العطوانی استاد حقوق و تحلیلگر سیاسی عراقی در اینباره گفت: «گروه‌های مسلح در بحران بسر می‌برند و این بحران هر روز عمیق‌تر می‌شود.»

او افزود: «این وضعیت عملکرد نظامی و جایگاه مردمی آنها را تضعیف خواهد کرد و باور نیروهایشان به پروژه‌ای را که این گروه‌ها رهبری می‌کنند، کاهش خواهد داد.»

آتش‌سوزی در یکی از سکوهای گاز عسلویه؛ وزارت نفت احتمال هک یا خطای عمدی را رد کرد

سکوی SPD14D مجتمع گازی پارس جنوبی با ظرفیت تولید ۱۴/۵ میلیون مترمکعب شامگاه سه‌شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ دچار آتش‌سوزی شد.

دست‌کم ۱۷ پرسنلی که هنگام آتش‌سوزی روی سکو بودند با استفاده از قایق نجات آن را ترک کردند.

احمد زراعتکار، معاون برنامه‌ریزی وزارت نفت، دو احتمال نشت گاز یا وقوع حادثه عملیاتی را مطرح کرده است. وی همچنین با رد احتمال هک یا خطای عمدی انسانی در وقوع این حادثه گفته: «تا این لحظه، فرضیه هک و دخالت عمدی انسانی بطور کامل رد شده است.»

یکی از سکوهای مجتمع گازی پارس جنوبی با ظرفیت



تولید ۱۴/۵ میلیون مترمکعب شامگاه سه‌شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ دچار آتش‌سوزی شد. مقامات حکومتی مدعی مهار آتش‌سوزی شده اما دلیل این حادثه هنوز اعلام نشده است.

سکوی SPD14D میدان گازی پارس جنوبی شامگاه سه‌شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ دچار آتش‌سوزی شد. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، استخراج گاز از این سکو متوقف شده و دست‌کم ۱۷ پرسنلی که هنگام آتش‌سوزی روی سکو بودند با استفاده از قایق نجات آن را ترک کردند.

ساعتی پس از وقوع این حادثه، روابط عمومی شرکت نفت و گاز پارس جنوبی اعلام کرد که کارکنان حاضر در سکو همزمان با عملیات مهار آتش تخلیه شدند و هیچ گزارشی از آسیب دیدن آنها اعلام نشده است.کوروش دهقانی، مدیرکل مدیریت بحران استانداری بوشهر، نیز صبح چهارشنبه ۲۰ آبان اعلام کرد که از شب گذشته و به محض دریافت گزارش حادثه، عملیات ارزیابی و اعزام تیم‌های امدادی در دستور کار قرار گرفت و ۳ فروند شناور سنگین امداد و نجات به محل اعزام شدند.

او افزود در این عملیات، دو فروند شناور از بندر دیر و یک فروند شناور از عسلویه مشارکت داشتند و توانستند به موقعیت قایق‌های نجات دسترسی پیدا کنند.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری بوشهر افزود: «به دلیل نامساعد بودن شرایط جوّی و توفانی بودن دریا، امکان انتقال مستقیم کارگران این سکو از قایق نجات به شناور ناجی وجود نداشت؛ لذا برای حفظ جان کارگران، تصمیم بر آن شد که قایق‌ها یدک‌کشی شوند.»

به گفته این مقام استانداری بوشهر، هم‌اکنون این شناورها در مسیر حرکت به سمت خشکی قرار دارند؛ با توجه به فاصله محل حادثه تا مقصد و شرایط نامساعد دریایی، پیش‌بینی می‌شود کارکنان تا ساعاتی دیگر به ساحل منتقل شوند.

احمد زراعتکار، معاون برنامه‌ریزی وزارت نفت، دو احتمال نشت گاز یا وقوع حادثه عملیاتی را مطرح کرده است. وی همچنین با رد احتمال هک یا خطای عمدی انسانی در وقوع این حادثه گفته: «تا این لحظه، فرضیه هک و دخالت عمدی انسانی بطور کامل رد شده است.»

این در حالیست که شرکت نفت پارس جنوبی اعلام کرده، بررسی‌ها برای شناسایی علت وقوع حادثه و اقدامات تخصصی در این زمینه از سوی نیروهای مربوطه در حال پیگیری است. سکوی گازی SPD14D یکی از سکوهای فراساحلی فاز ۱۴ میدان گازی پارس جنوبی در آب‌های خلیج فارس است که در حدود ۱۰۰ کیلومتری ساحل بندر عسلویه و کنگان در استان بوشهر قرار دارد.

آمارها نشان می‌دهد سکوی SPD14D ظرفیت تولید روزانه حدود ۵۰۰ میلیون فوت‌مکعب گاز معادل ۱۴/۵ میلیون مترمکعب را دارد که از روز گذشته و در پی آتش‌سوزی این ظرفیت از مدار تولید خارج شده است.

از سوی دیگر اعلام نشده است این سکو از چه زمانی توان بازگشت به مدار تولید را دارد. در شرایطی که بحران کمبود گاز با سرد شدن هوا تشدید شده، کاهش توان تولید این سکو، کمبود گاز را تشدید خواهد کرد.

تدوین بودجه ۱۴۰۶ با فرض صفر شدن درآمد نفت، همزمان با اجرای کارزار «دروازه آهنین»

چند ماه پس از محاصره دریایی بنادر جنوب ایران که شاهراه تجارت و صادرات نفت به شمار می‌روند، توسط ارتش ایالات متحده، طرح «دروازه آهنین» با هدف مسدود کردن مسیرهای زمینی و محدود کردن تجارت خارجی جمهوری اسلامی از دریای کاسپین نیز به اجرا درآمده است.

محمد قاسمی، معاون هماهنگی سازمان برنامه و بودجه ایران، روز گذشته اعلام کرد که دولت باید هنگام تدوین بودجه سال ۱۴۰۶ برای سناریوی «صفر شدن درآمدهای نفتی» آماده باشد.

در اقتصادی که در دهه‌های گذشته همواره بر درآمد خام‌فروشی نفت تکیه داشته و جمهوری اسلامی نیز برای کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمد نفت اقدام مؤثری انجام نداده، تدوین بودجه با درآمد نفتی صفر، با تردیدهایی جدی روبروست.

در سال‌های گذشته و پس از خروج دونالد ترامپ از برجام (هشتم ماه مه ۲۰۱۸) و تشدید تحریم‌های نفتی، دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی تلاش کردند تا سهم درآمدهای غیرنفتی با تمرکز بر درآمدهای مالیاتی را در بودجه افزایش دهند؛ ساختار بودجه کشور اما همچنان متکی بر درآمدهای نفتی باقی مانده است.

در حالی که آمریکا در کارزار «دروازه آهنین» به دنبال ایجاد انزوای کامل اقتصادی جمهوری اسلامی است، معاون سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده دولت باید هنگام تدوین بودجه سال ۱۴۰۶ برای سناریوی صفر شدن درآمدهای نفتی آماده باشد.

چند ماه پس از محاصره دریایی بنادر جنوب ایران که شاهراه تجارت و صادرات نفت به شمار می‌روند، توسط ارتش ایالات متحده، طرح «دروازه آهنین» با هدف مسدود کردن مسیرهای زمینی و محدود کردن تجارت خارجی جمهوری اسلامی از دریای کاسپین نیز به اجرا درآمده است.

«نشنال نیوز» گزارش داده، برد کوپر، فرمانده سنتکام، دستور تشکیل «کارگروه دروازه آهنین» (Task Force Iron Gate) را صادر کرده است. این کارگروه که حدود ۲۰ عضو غیرنظامی و نظامی در تامپا (فلوریدا) دارد، با سایر نهادهای آمریکایی همکاری خواهد کرد.

در ادامه این گزارش آمده است، بر اساس نموداری که سنتکام (فرماندهی مرکزی ایالات متحده) منتشر کرده، وظیفه این نهاد «رصد، شناسایی و مختل کردن» جابجایی تسلیحات پیشرفته، فناوری‌های با کاربرد دوگانه، اقلام تحت تحریم و درآمدها در سراسر مرزهای ایران و دریای کاسپین اعلام شده است.

در شرایطی که هنوز ساز و کار دقیق اجرای عملی این طرح اعلام نشده و مشخص نیست تبادلات کالا یا وجوه نقد ارز که در شرایط تحریم معمول، و به انتقال چمدانی

←

ارز معروف است، چگونه محدود خواهد شد اما به نظر می‌رسد این طرح که مکمل طرح محاصره دریایی بنادر جنوبی ایران است با هدف انزوای کامل اقتصادی جمهوری اسلامی، نگرانی‌های بیشتری را در میان مقامات بقایای حکومت ایجاد کرده است.دونالد ترامپ روز یکشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۵ اعلام کرد که «دروازه آهنین» به اجرا درآمده است. وی تأکید نمود که این اقدام در کنار محاصره دریایی، ورود و خروج کالا از ایران را به شدت محدود کرده است.

تشدید محدودیت‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی در روزهایی انجام شده که تیم اقتصادی دولت تدوین لایحه بودجه سال آینده را آغاز کرده است. دولت مسعود پزشکیان در سال جاری خورشیدی به دلیل بحران جنگ و تحریم و محاصره دریایی، با محدودیت شدید درآمدهای ارزی و کسری شدید بودجه روبرو شد.

محمدعلی دهقان دهنوی، رئیس سازمان توسعه تجارت ایران، اواخر مهرماه امسال با اشاره به سهم بالای حمل و نقل دریایی در تجارت خارجی گفته بود: «حدود ۷۵ درصد تجارت کشور از نظر وزنی در معرض آسیب ناشی از محاصره و بسته‌شدن مسیرهای دریایی قرار گرفته است.»

رئیس سازمان توسعه تجارت با اشاره به کاهش ۲۰ درصدی ارزش صادرات از ابتدای محاصره دریایی تا کنون گفته بود: «بخشی از کاهش وزن صادرات به این دلیل است که با افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، صادرات برخی کالاهای کم‌ارزش از نظر اقتصادی توجیه خود را از دست می‌دهد. وقتی هزینه حمل افزایش پیدا می‌کند، ممکن است صادرات کالایی با ارزش ۱۰۰ تا ۳۰۰ دلار دیگر صرفه اقتصادی نداشته باشد.»

اکنون در ادامه وضعیت «نه جنگ، نه صلح» و در حالی که به نظر نمی‌رسد مذاکرات پیدا و پنهان، دست‌کم در کوتاه‌مدت، به توافق میان جمهوری اسلامی و آمریکا منجر شود، دولت تصمیم گرفته احتمال درآمد صفر از نفت را در لایحه بودجه سال آینده پیش‌بینی کند.

محمد قاسمی، معاون هماهنگی سازمان برنامه و بودجه، روز گذشته اعلام کرد که دولت باید هنگام تدوین بودجه سال ۱۴۰۶، برای سناریوی «صفر شدن درآمدهای نفتی» آماده باشد.

او گفته: «دولت باید خود را برای شرایطی آماده کند که درآمد نفتی به صفر برسد. بنابراین درآمدهای مالیاتی، گمرکی، سایر درآمدهای دولت و ظرفیت انتشار اوراق بدهی باید متناسب با سناریوهای مختلف بررسی شوند.»

محمد قاسمی افزود که بودجه سال آینده ممکن است یکی از «دشوارترین بودجه‌های کشور پس از ملی‌شدن صنعت نفت باشد».

معاون سازمان برنامه و بودجه تأکید کرده که جنگ از دو مسیر «کاهش منابع درآمدی و افزایش هزینه‌ها» بر بودجه دولت اثر گذاشته است. به گفته محمد قاسمی، پرداخت حقوق کارکنان، مستمری بازنشستگان و اصل و سود اوراق بدهی در اولویت قرار گرفته است. او همچنین گفت آسیب به زیرساخت‌ها، درآمد صادرات فرآورده‌های نفتی و گاز و در نتیجه بخشی از منابع کالابرگ را محدود کرده است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز با اشاره به اینکه بخشنامه بودجه ۱۴۰۶ به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده و فرض «درآمد نفتی صفر» هم در آن پیش‌بینی شده، نوشت که جنگ همزمان درآمدهای دولت را کاهش داده و هزینه‌های آن را افزایش داده است. در گزارش این روزنامه، ادامه تحریم‌ها و محاصره دریایی نیز از فرضیه‌های سناریوی تداوم وضع موجود در بودجه سال آینده معرفی شده است.

ماه گذشته نیز اعلام شده بود که صادرات دریایی نفت خام ایران که در نیمه نخست سپتامبر بطور میانگین حدود ۲۳۰ هزار بشکه در روز بود، از هفته دوم اکتبر به صفر رسیده است. تحلیلگران تأکید دارند درآمدهای ارزی دولت به دلیل پرداخت نشدن بخشی از مطالبات پول فروش نفت هنوز به صفر نرسیده، اما فشار مالی سنگینی بر بودجه حکومت ایجاد شده است.

با اینهمه در اقتصادی که در دهه‌های گذشته همواره بر درآمد خام‌فروشی نفت تکیه داشته و جمهوری اسلامی نیز برای کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمد نفت اقدام مؤثری انجام نداده، تدوین بودجه با درآمد نفتی صفر، با تردیدهایی جدی روبروست.

در سال‌های گذشته و پس از خروج دونالد ترامپ (هشتم ماه مه ۲۰۱۸) از برجام و تشدید تحریم‌های نفتی، دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی تلاش کردند تا سهم درآمدهای غیرنفتی با تمرکز بر درآمدهای مالیاتی را در بودجه افزایش دهند؛ ساختار بودجه کشور اما همچنان متکی بر درآمدهای نفتی باقی مانده است.

اکنون در شرایطی که تورم در اقتصاد کشور برای ماه‌های متوالی در مرز ۹۰ درصد قرار دارد و در شرایطی که در پی گسترش تحریم‌ها و کاهش قدرت خرید خانوارها، رکود در بخش‌های مختلف تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی عمیق شده، افزایش درآمدهای مالیاتی عملی نخواهد بود. بسیاری از کسب و کارها و صنایع برای تداوم حیات و عدم ورشکستگی نیازمند حمایت هستند، و در چنین شرایطی پرداخت مالیات‌هایی که کسری بودجه دولت را جبران کند منطقی و عملی به نظر نمی‌رسد. در همین رابطه آلبرت بغزیان، اقتصاددان، با تأکید بر ضرورت واقع‌بینانه بستن بودجه ۱۴۰۶ گفته است: «دولت نباید کسری بودجه را پنهان کند، چراکه جبران آن از مسیرهای تورم‌زا، فشار بیشتری به اقتصاد و معیشت مردم وارد می‌کند.»

این اقتصاددان توضیح داده: «دولت نباید بودجه را صرفاً با هدف نشان دادن تراز درآمد و هزینه تنظیم کند، بلکه باید کسری بودجه قابل انتظار را از ابتدا در محاسبات خود لحاظ کند تا در ادامه سال با کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌ها، ناچار به استفاده از منابع تورم‌زا نشود.»

به گفته این اقتصاددان، «بودجه سال آینده باید متناسب با شرایط واقعی اقتصاد کشور تنظیم شود.» وی افزود: «بودجه‌ای که اکنون در حال تدوین است، در عمل بیشتر یک سند درآمد و هزینه برای اداره دولت در سال ۱۴۰۶ خواهد بود تا یک بودجه توسعه‌ای و عمرانی.»

آلبرت بغزیان با اشاره به اینکه «افزایش مالیات در اقتصاد تورمی هنر نیست»، گفته: «در اقتصادی مانند آمریکا یا کشورهای اروپایی که تورم در سطح پایین‌تری قرار دارد، افزایش درآمدهای مالیاتی می‌تواند نشانه مقابله با فرار مالیاتی یا بهبود فعالیت‌های اقتصادی باشد؛ اما در اقتصادی که با تورم بالا مواجه است، افزایش اسمی مالیات به تنهایی چنین معنایی ندارد.»

او همچنین هشدار داده: «وقتی درآمدهای دولت محقق نمی‌شود، ممکن است دولت به سراغ استقراض از بانک مرکزی یا روش‌هایی برود که در نهایت به افزایش پایه پولی و تورم منجر می‌شوند.»



پیگیری نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره فهرست تراستی‌هایی که پول نفت را به جیب زدند!

ماجرای تراستی‌ها یا همان «خودی»های مورد اعتماد و دارای رانت در جمهوری اسلامی که فروش نفت تحریمی کشور را به عهده گرفتند اما بخش زیادی از درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت را به جیب زده‌اند به مجلس شورای اسلامی کشیده شده است.

محمد معتمدی‌زاده، عضو هیئت رئیسه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از "نبود نظارت و اهلیت‌سنجی در فعالیت شرکت‌های تراستی"، از واگذاری مجدد ۸۰ میلیون بشکه نفت پس از امضای «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» به برخی شرکت‌هایی خبر داده که پیشتر ارز حاصل از فروش نفت را به کشور بازنگردانده بودند.

در گزارش‌های رسانه‌ای، نام حسین شمخانی فرزند علی شمخانی، علی بایندریان، روح‌الله رضوی و محمدهادی مؤمنین در ارتباط با این واگذاری‌ها مطرح شده است. با این حال، جزئیات رسمی درباره سهم هرکدام از محموله‌ها، میزان بدهی قطعی و وضعیت تسویه‌حساب آنها منتشر نشده است.

جعفر قادری، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، مدعی شده که هر زمان نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره اسامی تراستی‌ها سوالی مطرح کرده‌اند، پاسخ این بوده که اطلاعات «محرمانه» است!



سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی از متواری شدن تعدادی از تراستی‌هایی که پس از «تفاهم اسلام‌آباد» فروش نفت ایران را برعهده گرفتند، خبر داده و گفته درآمدهای حاصل از فروش ۸۰ میلیون بشکه نفت به کشور بازنگشته است. برخی مقامات و فعالان رسانه‌ای میزان این ارزهای بلاتکلیف را بالغ بر ۹ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.

ماجرای تراستی‌ها یا همان «خودی»های مورد اعتماد و دارای رانت در جمهوری اسلامی که فروش نفت تحریمی کشور را به عهده گرفتند اما بخش زیادی از درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت را به جیب زده‌اند، به مجلس شورای اسلامی کشیده شده و حالا برخی نمایندگان به دنبال پیشبرد طرحی برای تحقیق و تفحص در اینباره هستند.

ذبیح‌الله خدائیان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، امرداد امسال افشا کرد: «۲۰ هزار و ۶۷۶ شخص حقیقی و حقوقی دارای تعهدات ارزی ایفا نشده بودند که مجموع تعهدات رفع‌نشده آنان حدود ۹۴ میلیارد یورو برآورد شده است.»

او با بیان اینکه «یک تراستی ۲۰۰ میلیون دلار از سرمایه کشور را برنگرداند و از کشور هم خارج شد» گفت: «۲۱۹ شخص حقیقی، حقوقی و شبه‌دولتی با مجموع حدود ۲۳/۵ میلیارد یورو تعهد رفع‌نشده، به اتهام اخلال در نظام اقتصادی به مراجع قضایی معرفی شده‌اند.»

اظهارات مقامات حکومتی نشان می‌داد، بخش قابل توجهی از این افراد، مورد اعتماد حکومت بوده و در سال‌های گذشته فروش نفت و دیگر صادرات ایران در شرایط تحریم را به عهده داشتند. افرادی که در اقتصاد به «تراستی» معروف هستند.

طی روزهای گذشته اطلاعات بیشتری از این افراد منتشر و مشخص شده با اینکه طی سال‌های گذشته فساد و تخلف تراستی‌ها از جمله بابک زنجانی در بازگرداندن ارز ناشی از صادرات خبرساز شده بود اما همچنان بعد از امضای «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» جمهوری اسلامی فروش نفت ایران را به چهار تراستی سپرده و این افراد ارز را به جیب زده و فرار کرده‌اند.

محمد معتمدی‌زاده، عضو هیئت رئیسه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از نبود نظارت و اهلیت‌سنجی در فعالیت شرکت‌های تراستی، از واگذاری مجدد ۸۰ میلیون بشکه نفت پس از امضای «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» به برخی شرکت‌هایی خبر داده که پیشتر ارز حاصل از فروش نفت را به کشور بازنگردانده بودند. او تأکید کرده است: «کمیسیون اصل ۹۰ با همکاری دستگاه قضایی، پیگیر پرونده ارزهای بازنگشته و دریافت اطلاعات شفاف درباره وضعیت تراستی‌هاست.»

برآوردها ارزش ناخالص این محموله‌ها را با فرض قیمت ۱۱۳ دلار برای هر بشکه، حدود ۹ میلیارد دلار اعلام کرده‌اند. این رقم، برآورد ارزش نفت واگذارشده است و میزان مطالبات وصول‌نشده را نشان نمی‌دهد.

دیوان محاسبات کشور شهریورماه امسال اعلام کرده بود: «استفاده از تراستی‌ها مسئولیت قانونی دستگاه‌های دولتی در صیانت و وصول درآمدهای نفتی را از بین نمی‌برد.»

در گزارش‌های رسانه‌ای، نام حسین شمخانی فرزند علی شمخانی، علی بایندریان، روح‌الله رضوی و محمدهادی مؤمنین در ارتباط با این واگذاری‌ها مطرح شده است. با این حال، جزئیات رسمی درباره سهم هرکدام از محموله‌ها، میزان بدهی قطعی و وضعیت تسویه‌حساب آنها منتشر نشده است.

وبسایت «رجا نیوز»، نزدیک به نهادهای امنیتی حکومت، گزارش داده مجلس شورای اسلامی در حال پیگیری واگذاری حدود ۸۰ میلیون بشکه نفت به چهار واسطه موسوم به تراستی است. نمایندگان می‌گویند برخی از این واسطه‌ها با وجود بدهی‌های قبلی، محموله‌های تازه دریافت کرده‌اند.

رضا سپهوند، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، درباره فروش ۸۰ میلیون بشکه نفت به چهار تراستی که نام آنها افشا شده گفته: «تعدادی از تراستی‌ها متواری شده و پول‌ها را بازنگردانده‌اند و این وضعیت برای کشور مشکلات ارزی ایجاد کرده و باید تعیین تکلیف شود.»

رضا سپهوند در ادامه از پیگیری موضوع تراستی‌های نفتی در مجلس خبر داده و گفته است: «سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی موضوع تحقیق و تفحص از تراستی‌ها را دنبال کرده‌اند و همچنان پیگیر این موضوع هستند.»

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی افزوده: «این افراد به کمیسیون انرژی دعوت شدند و موضوع مورد بررسی قرار گرفت. اشتراکات این تحقیق و تفحص‌ها مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد تا جلسه دیگری در این زمینه برگزار شود تا این تحقیق و تفحص‌ها ادغام شود و در صورت تصویب در کمیسیون به صحن مجلس برود.»

او همچنین گفته، مسئولیت انتخاب تراستی‌ها با وزارت نفت نیست و بر اساس اطلاعات کسب شده از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی تراستی‌ها توسط شورای عالی "امنیت ملی" (شعام) تأیید صلاحیت می‌شوند.

قابل توجه آنکه حسین شمخانی در حالی یکی از چهار تراستی است که درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت را به جیب زده و به گفته رضا سپهوند از سوی شورای عالی "امنیت ملی" صلاحیت او تأیید شده که پدرش، علی شمخانی، سال‌ها و تا پیش از کشته شدن در جنگ ۴۰ روزه، دبیر شورای عالی "امنیت ملی" بود.

علیرضا سلیمی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی، پیشتر با اعلام پیگیری مجلس در این موضوع، خواستار توضیح درباره معیار انتخاب این واسطه‌ها، نحوه احراز صلاحیت آنها و تضمین‌های دریافت‌شده برای

بازگشت پول نفت شده بود. این واگذاری‌ها به دوره پس از تفاهم اسلام‌آباد مربوط است.

مهرداد لاهوتی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، نیز درباره خبرهایی که درباره مجوز فروش ۸۰ میلیون بشکه نفت به چهار تراستی پس از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد منتشر شده گفته: «تراستی‌ها در همه دولت‌ها وجود داشته و دارد. تا زمانی که قرار باشد نفت را پنهان فروخته که کسی متوجه هویت فروشنده نشود و باید یک حلقه واسط وجود داشته باشد تا بتوان نفت را فروخت، وضعیت همین است پس فقط بحث ۸۰ میلیون بشکه نیست و همیشه همین داستان وجود دارد.»

مهرداد لاهوتی گفته: «اگر تراستی‌ها دخل و تصرفی در ارز حاصل از فروش نفت نکنند و ارز را برگردانند، بین ۵۰۰ میلیون تا نزدیک یک میلیارد دلار پول پیش آنها خواهد بود و می‌توانند با همان پول در بازار دنیا کسب و کار داشته باشند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده: «تا زمانی که مسیر به ریل اصلی و درست خودش برنگردد، شرایط همین خواهد بود؛ در بیشتر مواقع نفت روی آب فروخته می‌شود که بعضا کمتر از رقم اصلی فروش نفت است. کمیته‌ای در شعام وجود دارد که می‌گویند اشکالی ندارد و نفت به همان قیمت پایبندند فروش رود اما این نفتی که ارزان‌تر فروش می‌رود، حق ملت است. از آن طرف هم باید دولت‌ها حداقل نفت را فروخته تا بتوانند کشور را اداره کنند.»

اینهمه در حالیست که جعفر قادری، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، گفته که هر زمان نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره اسامی تراستی‌ها سوالی مطرح کرده‌اند، پاسخ این بوده که اطلاعات «محرمانه است»!

حسین راغفر اقتصاددان نیز موضوع تراستی‌ها را به شبکه فاسد نظامیان و روحانیون ربط داده که قاچاق سوخت می‌کنند و گفته: «مشکل اقتصاد کشور ورود امنیتی‌ها، نظامیان، ائمه جمعه و بیت‌علما است». او با اشاره به نقش «علی شمخانی» و همراه کردن پسرش در دیدار با شیخ امارات از عدم عزل او توسط رهبر جمهوری اسلامی انتقاد کرده و در تحلیل تاثیر رفتار روحانیون بر مردم گفته‌است: «در پی بحران ۱۴۰۱ در شهر قم هیچ روحانی با لباس روحانیت در شهر وجود نداشت زیرا همه از خوف انفجار اجتماعی و تنفر مردم از این طبقه لباس روحانیت نمی‌پوشیدند.»

حسین راغفر افزوده: «اصلی‌ترین مشکل کشور در شرایط کنونی برای انجام اصلاحات، فساد است و این فساد از حضور نهادهای نظامی و امنیتی در اقتصاد ناشی می‌شود» و تحلیل خود را اینگونه بسط داده است: «مقصود من از نظامیان نیروهایی نیستند که در جبهه‌ها می‌جنگند یا جانشان را فدا می‌کنند؛ بلکه کسانی هستند که به نام این نهادها دلالی می‌کنند، تراستی‌ها را تشکیل می‌دهند و دست به قاچاق سوخت در مقیاس‌های کلان می‌زنند. ما خودمان یک الیگارشی ساختیم؛ جریان‌هایی از درون قدرت سر برآوردند و صاحب ثروت‌های هنگفت شدند که اکنون اصلی‌ترین مانع تغییرات و اصلاحات به شمار می‌روند. »

او همچنین تصریح کرده‌است : «من در جلسات رسمی نیز تأکید کرده‌ام که ریشه چالش‌ها، اقتصاد سیاسی و ورود نهادهای قدرت اعم از نظامی، انتظامی، امنیتی، بیوت علما، ائمه جماعت و بنیادها به اقتصاد است؛ تا زمانی که این نهادها از اقتصاد خارج نشوند، اصلاحی صورت نخواهد گرفت و نظام با خطر فروپاشی روبه‌رو خواهد بود.»

زخم عمیق بحران‌های اقتصادی بر تن و روان شهروندان در ایران

حسین راغفر، اقتصاددان، اعلام کرده است که «پدیده مادون‌طبقه» شامل گروهی می‌شود که به دلیل از دست دادن فرصت‌های شغلی و ناتوانی در بازیابی جایگاه خود عملا از چرخه اقتصادی کشور خارج شده‌اند.

کارشناسان از افزایش ابتلا به بیماری «فیبرومیالژیا» در ایران به علت تشدید مشکلات اقتصادی خبر می‌دهند. این بیماری همراه با دردهای مزمن و گاهی افسردگی و اضطراب از جمله بیماری‌هایی است که می‌تواند به صورت خاموش گریبان افراد جامعه را بگیرد.

با تداوم تورم فزاینده و سقوط قدرت خرید خانوارها در ایران، کارشناسان درباره پیامدهای وضعیت بحرانی اقتصاد کشور بر جامعه هشدار می‌دهند. یک اقتصاددان اعلام کرده «پدیده مادون‌طبقه» شامل گروهی که به دلیل از دست دادن فرصت‌های شغلی و ناتوانی در بازیابی جایگاه خود عملا از چرخه اقتصادی کشور خارج شده‌اند، در ایران در حال رشد است. یک روانشناس نیز از ضربات روحی جمعی (ترومای جمعی) و ابتلای بخش قابل توجهی از جامعه به «فیبرومیالژیا» به علت مشکلات معیشتی و اقتصادی خبر داده است.



تورم عمومی اقتصاد ایران ماه‌هاست در مرز ۹۰ درصد قرار گرفته و تورم موادغذایی در مهرماه برای نهمین ماه پی در پی بیش از ۱۰۰ درصد اعلام شده است. قشر حقوق‌بگیر، از کارگر و بازنشسته تا کارمندان دولت از پرداخت هزینه‌های ضروری زندگی ناتوان هستند و جدا از فشار روانی که شهروندان به علت سقوط قدرت خرید متحمل شده‌اند، سوء تغذیه و محرومیت از نیازهای ضروری و طبیعی زندگی و تحمیل تغییر سبک زندگی به سمت فلاکت و فقر، مردم را متأثر کرده است.

حسین راغفر، اقتصاددان، در گفتگو با «اقتصاد۲۴» با بیان اینکه «مسئله سقوط ارزش پول ملی، به‌ویژه در ماه‌ها و سال‌های اخیر، یک پدیده بی‌سابقه در کشور است و هیچگاه پول ملی تا این حد سقوط نکرده بود»، از شکل‌گیری پدیده‌ای به نام «مادون‌طبقه» با خروج بخشی از جامعه از چرخه اقتصادی خبر داده است.

او گفته که «پدیده مادون‌طبقه» شامل گروهی است که به دلیل از دست دادن فرصت‌های شغلی و ناتوانی در بازیابی جایگاه خود، عملاً از چرخه اقتصادی کشور خارج شده‌اند. حسین راغفر افزوده: «این افراد معمولاً دچار بیکاری مزمن هستند و کارتن‌خوابی و آسیب‌های این‌چنینی را تجربه می‌کنند. این وضعیت به نوعی تهدید برای امنیت ملی کشور تبدیل شده است و به همین دلیل، مسئله عدالت یک ضرورت قابل جبران است. این وضعیت، رگه‌های خطرناکی از نارضایتی ساختاری دارد و نیازمند عزم جدی برای ایجاد همبستگی اجتماعی و انسجام اجتماعی است تا بتواند بر مشکلات فائق آید.»

این اقتصاددان با بیان اینکه «مشکلات بسیار زیادی در حوزه معیشت مردم وجود دارد و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری، به ویژه در بخش تولید، تحت تأثیر قرار گرفته»، افزود: «همه این عوامل می‌توانند شرایط اقتصادی را با آسیب‌های جدی روبرو کنند. امروز یکی از جدی‌ترین تهدیدهایی که کشور با آن مواجه است، همین مسئله بحران در لایه‌های مختلف جامعه است که مردم را درگیر پدیده هولناک نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی کرده است.»

او افزایش دو برابری قیمت مسکن در فاصله تنها چند ماه را یکی از نمونه‌های بحران خوانده و گفته: «بسیاری از جوانان دیگر امیدی به داشتن حتی یک مسکن اجاره‌ای ندارند و این به دلیل افزایش بی‌سابقه قیمت مسکن است. پیامد این پدیده، رشد ناامیدی در جامعه است. طبقه جوان ما اصلاً نگاه روشنی به آینده ندارد و این مسئله نابرابری‌ها را به شکل بسیار پیچیده‌ای افزایش داده و به تهدیدی بسیار مهم برای ثبات اجتماعی و سیاسی کشور تبدیل شده

است.»

در این میان، سناریوهای مطرح شده برای چشم‌انداز تورم کشور نیز ناامیدکننده است و نشان می‌دهد فاجعه معیشتی همچنان گریبان جامعه ایران را رها نخواهد کرد. در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» سه سناریو برای تورم اقتصاد کشور تا پایان سال را بر اساس تداوم نرخ‌های تورم ماهانه اخیر مطرح کرده است.

در سناریوی نخست اگر شرایط تورمی سه ماه ابتدایی سال، همزمان با تشدید محاصره و محدودیت‌های اقتصادی، تداوم پیدا کند و تورم ماهانه بطور متوسط در سطح ۷/۵ درصد باقی بماند، نرخ تورم نقطه به نقطه در اسفندماه می‌تواند به ۱۰۳/۳ درصد برسد.

در سناریوی دوم، اگر تورم ماهانه در سطح مهرماه، یعنی ۴/۶ درصد، ادامه یابد، نرخ تورم نقطه‌ای اسفندماه به حدود ۸۲/۲ درصد خواهد رسید. در این حالت، تورم در سطوح بالای فعلی تثبیت می‌شود و اقتصاد همچنان با افزایش قابل توجه هزینه‌های زندگی مواجه خواهد بود.

سناریوی سوم، تصویر خوش‌بینانه‌تری از تحولات قیمت‌ها ارائه می‌دهد. در این سناریو، اگر متوسط تورم ماهانه در سطح سه ماه تابستان، یعنی ۳/۷ درصد، حفظ شود، نرخ تورم نقطه به نقطه در اسفندماه به حدود ۷۶ درصد کاهش خواهد یافت.نگاهی به اخبار سیاسی اما سناریوی نخست را محتمل‌تر از دیگر سناریوها می‌کند. از جمله مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، با اشاره به اینکه محاصره و تحریم‌های اقتصادی، خسارات سنگینی به اقتصاد ایران وارد کرده، گفته است: «قرار نیست وضعیت به همین شکل باقی بماند. فشار اقتصادی حتی شدیدتر خواهد شد. باید توجه داشت که اثر تحریم‌ها به تدریج روی هم انباشته می‌شود و فشار بیشتری ایجاد می‌کند.»

ایالات متحده پس از ماه‌ها محاصره دریایی بنادر جنوبی ایران، اکنون کارزار «دروازه آهنین» را برای محدودکردن تجارت جمهوری اسلامی از مرزهای زمینی و دریای مازندران آغاز کرده است. این کارزار همچنین نقل و انتقال مالی حکومت با خارج از مرزهای ایران را نیز رصد و محدود خواهد کرد. در چنین شرایطی درآمدهای ارزی کاهش‌یافته و ناچیز نیز به سختی به خزانه دولت خواهند رسید. نبود درآمد و کسری بودجه، اثر مستقیم بر افزایش تورم در اقتصاد دارد.

صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین چشم‌انداز خود پیش‌بینی کرده متوسط تورم جهان در پایان ۲۰۲۶ به ۴/۷ درصد برسد اما همزمان تورم متوسط سالانه ایران در پایان ۲۰۲۶ را ۷۸/۶ درصد پیش‌بینی کرده است؛ دومین نرخ بالا در میان ۱۹۱ کشور و اقتصاد جهان!

حتی در صورت تحقق این شرایط که با سناریوی خوش‌بینانه ارائه شده از سوی کارشناسان روزنامه «دنیای اقتصاد» تطابق دارد، یعنی در صورتی که بهترین شرایط ممکن فراهم شود، باز هم تورم ایران در سطح بسیار بالا باقی می‌ماند. تورم در کانال ۷۰ درصد به معنای تداوم گرانی و مشکلات معیشتی خانوارهاست و بنابراین سناریوی خوش‌بینانه هم به معنای بازگشت قیمت‌ها به سطوح گذشته نخواهد بود.

سال‌ها درگیری با بحران مالی و سقوط معیشت، در کنار ناامنی اقتصادی و نبود چشم‌انداز مثبت، سلامت روان و جسم جامعه ایران را نیز هدف قرار داده است. در شرایطی که بخشی از شهروندان که شرایط مالی و امکانات لازم را دارند، مهاجرت را به عنوان راهکار نجات از شرایط فلاکتبار زندگی در ایران دنبال می‌کنند، اکثر مردم همچنان زیر بار فشار روانی ناشی از مشکلات اقتصادی و بی‌آیندگی در رنج هستند.

در همین رابطه کارشناسان از افزایش ابتلا به بیماری «فیبرومیالژیا» در ایران خبر می‌دهند. این بیماری همراه با دردهای مزمن و گاهی افسردگی و اضطراب از جمله بیماری‌هایی است که می‌تواند به صورت خاموش گریبان افراد جامعه را بگیرد. از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که بسیاری از مبتلایان از وجود چنین بیماری آگاه نباشند و سال‌ها با آن زندگی کنند بی‌آنکه بدانند نام دردهایی که می‌کشند چیست. درد گسترده در بدن، خستگی مداوم، اختلال در خواب، فراموشی و اختلال در تمرکز، سردردهای مکرر و در برخی موارد افسردگی و اضطراب از جمله علائمی است که با این بیماری همراه است.

امیرحسین جلالی‌ندوشن، سخنگوی انجمن روانپزشکان ایران و روانپزشک اجتماعی توضیح داده: «فیبرومیالژیا در مرز میان مسائلی مانند پردازش عصبی، تنظیم هیجانات تجربه‌های تنش‌زا در زندگی و شرایط اجتماعی قرار دارد. این بیماری صرفا یک اختلال روان‌تنی یا پیامد جسمانی تعارض‌های درونی و فردی نیست بلکه بیماری با الگوی زیستی، روانی و اجتماعی است. عوامل روانی می‌توانند در پیدایش، تشدید یا تداوم درد نقش داشته باشند و این عوامل روانی نیز تحت تاثیر تعیین‌کننده‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. به این معنا که وقتی فرد در محیطی پرتنش قرار دارد، کنترلی بر امور احساس نمی‌کند و آینده را نامشخص می‌بیند نوعی رنج روانی را تجربه می‌کند. این رنج روانی به ویژه زمانی که مزمن شود می‌تواند خود را به شکل دردهای پراکنده در بخش‌های مختلف بدن نشان دهد.»

امیرحسین جلالی‌ندوشن معتقد است، آنچه امروز در جامعه تجربه می‌شود، واقعیتی بیرونی است که عمدتا خارج از حیطه کنترل و اراده شهروندان قرار دارد. البته افراد در زندگی شخصی نیز با تنش‌ها و استرس‌های مثبت و منفی مواجه می‌شوند.به گفته این روانپزشک، «وضعیت کنونی و تنش‌هایی که مردم تجربه می‌کنند، عمدتا در عرصه‌هایی مانند تورم تقریبا روزانه و هفتگی، گرانی‌های بدون قاعده و نامشخص‌بودن آینده بروز پیدا می‌کند. امروز حتی وضعیت روز و هفته آینده نیز برای مردم روشن نیست چراکه طی ماه‌های گذشته همواره احتمال و پیش‌بینی حمله مجدد نظامی یا برهم‌خوردن وضعیت ارتباطات و اینترنت مطرح بوده است. اینترنتی که اکنون پایه بسیاری از فعالیت‌ها از تجارت‌های خرد و کلان گرفته تا آموزش، روابط اجتماعی، پژوهش و فعالیت‌های رسانه‌ای است. این تنش‌ها در زمان وقوع جنگ یا بحران‌های اجتماعی مانند دی‌ماه بروز آشکارتری پیدا می‌کنند و شهروندان را با واکنش‌هایی مانند اضطراب، اختلال در خواب و کاهش تمرکز مواجه می‌کنند.»

او همچنین گفته است: «اتفاقاتی مانند رخدادهای دی‌ماه و جنگ و شرایطی که این جنگ بر جامعه تحمیل کرده ازجمله دوقطبی اجتماعی و سیاسی، اختلاف دیدگاه‌ها، ناامیدی نسبت به آینده کشور و بی‌اطمینانی درباره زمان پایان بحران در سطح اجتماعی پدیده‌ای را ایجاد می‌کنند که از آن با عنوان ترومای جمعی یا ضربه روحی جمعی یاد می‌شود. تروما جمعی به این معنا نیست که تعداد زیادی از افراد جامعه دچار اختلالات مرتبط با استرس شدند یا لزوماً درصد افراد مبتلا به اختلالات روانی افزایش پیدا کرده است. معنای این مفهوم آن است که جامعه در سطح شناخت و درک جمعی خود، باور و امیدش را به آینده و امکان جامعه‌بودن، همکاری، کار گروهی، فعالیت سازنده و سرمایه‌گذاری از دست می‌دهد. درواقع واکنش‌های فردی در چنین شرایطی به سطح اجتماعی ترجمه می‌شوند و پدیده‌ای را شکل می‌دهند که به جای آنکه صرفا سلامت روان افراد را تحت تاثیر قرار دهد عوامل اصلی قوام و انسجام یک جامعه را نیز نشانه می‌گیرد.»

صنایع ایران چگونه قربانی ناکارآمدی جمهوری اسلامی در بخش انرژی شدند

- **قطع کامل یا جیره‌بندی گاز صنایع از ابتدای آبان‌ماه جاری آغاز شده و توزیع سهمیه سوخت جایگزین در صنایع نیز با اختلال روبروست. از سوی دیگر گازرسانی به بخش خانگی در استان‌های شمالی کشور به بحرانی جدی تبدیل شده است.**
- **احمد مختار، نایب رئیس کمیسیون صنعت اتاق ایران، با تأکید بر ضرورت حمایت از واحدهای تولیدی در دوره محدودیت گاز، هشدار داده: «توان بنگاه‌های تولیدی برای تحمل فشارهای مضاعف محدود است و نمی‌توان انتظار داشت بخش صنعت به تنهایی همه تبعات وضعیت بحرانی کمبود انرژی را مدیریت کند.»**
- **دولت در حالی اعلام کرده بود صنایع به علت کمبود گاز باید از سوخت جایگزین استفاده کنند که حالا فعالان صنعتی و معدنی از کاهش سهمیه سوخت، تأخیر در تحویل گازوئیل و محدودیت ناوگان حمل خبر می‌دهند.**
- **سعید صمدی، دبیر انجمن زغال‌سنگ ایران، پیشتر با اشاره به وضعیت تأمین سوخت این معادن گفته بود: «در شش‌ماهه نخست امسال، میزان سوخت تحویلی به معادن زغال‌سنگ حدود ۴۰ درصد کمتر از مدت مشابه سال گذشته بوده است.»**
- **هدایت‌الله خادمی عضو پیشین کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز معتقد است: «کاهش ۴۰۰ میلیون مترمکعبی تولید گاز، رقم بسیار بزرگی است و به معنای از دست رفتن بخش قابل‌توجهی از ظرفیت تولید و ایجاد محدودیت جدی در تأمین نیاز کشور خواهد بود.»**

مسعود پزشکیان ادعا کرده تأمین انرژی صنایع در زمستان امسال از اولویت‌های دولت است و گفته: «نباید اجازه دهیم در زمستان حتی یک شغل از بین برود». این ادعا در شرایطی مطرح می‌شود که قطع کامل یا جیره‌بندی گاز صنایع از ابتدای آبان‌ماه جاری آغاز شده و توزیع سهمیه سوخت جایگزین در صنایع نیز با اختلال روبروست. از سوی دیگر گازرسانی به بخش خانگی در استان‌های شمالی نیز به بحرانی جدی تبدیل شده و تنها امید مقامات استانی به واردات گاز از ترکمنستان است؛ موضوعی که به علت عدم پرداخت تعهدات از سوی جمهوری اسلامی به ترکمنستان و شرایط ژئوپلیتیک با اما و اگرهای بسیار روبروست.

بر اساس اعلام کارشناسان، به علت قرار داشتن استان‌های شمالی در انتهای شبکه گازرسانی کشور، بحران تأمین گاز بخش خانگی از این استان‌ها آغاز خواهد شد. در استان‌های خراسان شمالی، گلستان، مازندران و گیلان صنایع و نانوایان برای استفاده از سوخت جایگزین آماده می‌شوند. مقامات استانی با اعلام احتمال بالای قطع گاز بخش خانگی، وعده توزیع نفت سفید را به شهروندان داده و از آنها خواسته‌اند وسایل گرمازای برقی یا نفتی تهیه کنند.

احمد فاطمی، رئیس مجمع نمایندگان استان

مازندران در مجلس شورای اسلامی، نیز با اشاره به کسری روزانه ۴۰۰ میلیون مترمکعب گاز در زمستان امسال، ابعاد بحران گاز را گسترده خوانده و گفته است که اعضای این مجمع جلساتی را با وزیر نفت و مدیران ارشد انرژی برای حل بحران کمبود گاز در مازندران برگزار کردند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته: «اولویت این است که بخشی از گاز مورد نیاز از طریق مذاکره با یکی از کشورهای همسایه تأمین شود و بخش دیگر نیز از مسیر سوخت‌های جایگزین و توزیع کپسول‌های گاز جبران شود.»

رضا سپهوند، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، نیز ادعا کرده: «برای نخستین بار شبکه گاز کشور به صورت «لوپ» (حلقه‌ای) کامل درآمده و تمامی خطوط انتقال به یکدیگر متصل شده‌اند. این زیرساخت جدید امکان مدیریت بحران و انتقال گاز از سایر نقاط به مناطق شمالی کشور را در صورت افت فشار فراهم می‌کند.»

با اینهمه دولت بطور مشخص بخش صنعت را قربانی بحران کمبود گاز می‌کند. قطع کامل گاز صنایع سیمان از ابتدای آبان‌ماه جاری آغاز شده است. جیره‌بندی گاز در دیگر صنایع نیز در دستور کار قرار گرفته و در آنسو، قیمت گاز برای بخش صنعت با افزایشی تکاندهنده روبرو شده است. بهای هر مترمکعب گاز در برخی صنایع از حدود ۵ هزار تومان به ۱۹ هزار تومان (و با احتساب مالیات بر ارزش افزوده به حدود ۲۵ هزار تومان) رسیده است؛ تحمیل این هزینه سنگین فشار مضاعفی بر بخش تولید وارد می‌کند.

در همین رابطه احمد مختار، نایب رئیس کمیسیون صنعت اتاق ایران، با تأکید بر ضرورت حمایت از واحدهای تولیدی در دوره محدودیت گاز، هشدار داده: «توان بنگاه‌های تولیدی برای تحمل فشارهای مضاعف محدود است.»

احمد مختار با تأکید بر اینکه نمی‌توان انتظار داشت بخش صنعت به تنهایی همه تبعات وضعیت بحرانی کمبود انرژی را مدیریت کند، گفته: «وقتی یک واحد صنعتی به دلیل محدودیت گاز ناچار به توقف فعالیت یا کاهش تولید می‌شود، باید آثار این محدودیت در نحوه مطالبه تعهدات مالی آن نیز لحاظ شود. نمی‌توان از بنگاهی که امکان تولید و درآمدزایی آن کاهش یافته، انتظار داشت بدون هیچ تغییری به همه تعهدات خود عمل کند.»

دولت در حالی اعلام کرده بود صنایع به علت کمبود گاز باید از سوخت جایگزین استفاده کنند که حالا فعالان صنعتی و معدنی از کاهش سهمیه سوخت، تأخیر در تحویل گازوئیل و محدودیت ناوگان حمل خبر می‌دهند؛ مشکلاتی که در کنار کمبود گاز و برق، هزینه تولید را افزایش داده و فعالیت برخی واحدها را با اختلال مواجه کرده است.

این موضوع از سوی عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت، نیز تأیید شده است. او در برنامه تلویزیونی در صداوسیمای جمهوری اسلامی با اشاره به وضعیت تأمین سوخت صنایع و معادن گفت: «این بخش‌ها در شش‌ماهه نخست سال جاری با ناترازی انرژی مواجه بودند و گزارش‌های تولیدکنندگان از کمبود سوخت، قاچاق گازوئیل و حتی قرار گرفتن برخی کارخانه‌ها در آستانه تعطیلی حکایت دارد.»

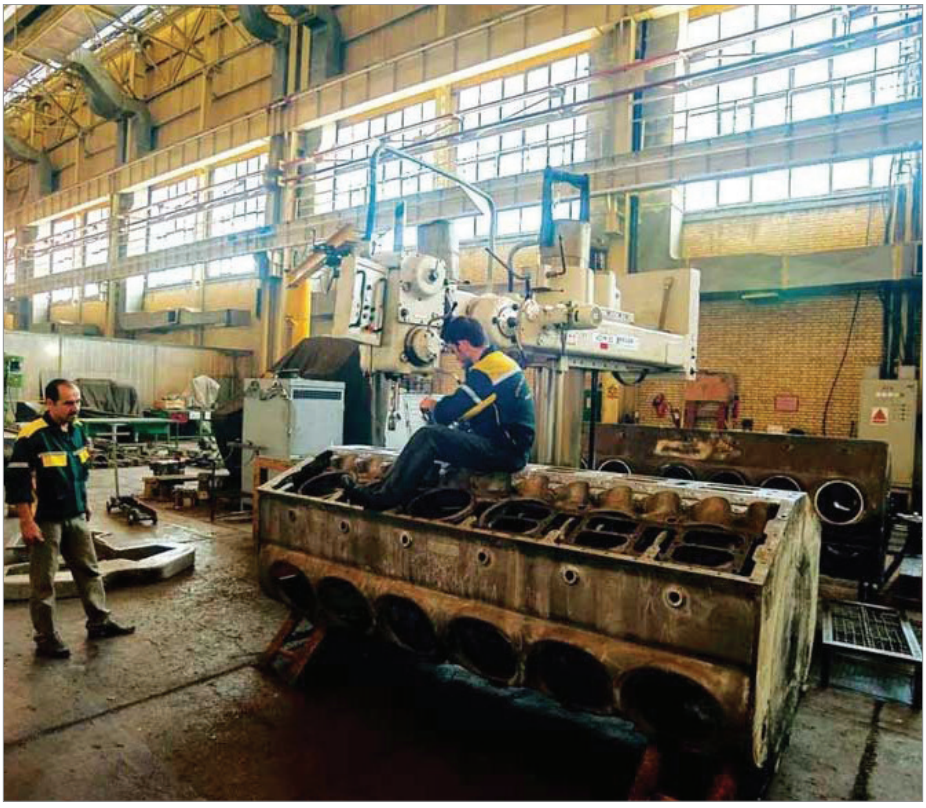
به گفته سخنگوی وزارت صمت، نیاز بخش صنعت، معدن و اصناف در سال گذشته حدود ۴/۴ میلیارد لیتر سوخت بوده، اما شرکت پخش و پالایش در عمل حدود ۳/۵ میلیارد لیتر سوخت تأمین کرده است.

سعید صمدی، دبیر انجمن زغال‌سنگ ایران، پیشتر با اشاره به وضعیت تأمین سوخت این معادن گفته بود: «در شش‌ماهه نخست امسال، میزان سوخت تحویلی به معادن زغال‌سنگ حدود ۴۰ درصد کمتر از مدت مشابه سال گذشته بوده است.»

او توضیح داد: «با توجه به مشکلات واردات زغال‌سنگ، انتظار می‌رفت تولید داخلی افزایش پیدا کند تا بخشی از نیاز فولادسازان جبران شود، اما کاهش سهمیه سوخت باعث شده معادن نتوانند متناسب با نیاز کشور فعالیت کنند.»

به گفته صمدی، بخش قابل توجهی از سوخت مصرفی معادن زغال‌سنگ برای فعالیت ژنراتورها و تأمین سیستم تهویه استفاده می‌شود و محدودیت سوخت حتی موجب شده برخی معادن در فصل تابستان حدود هفت تا ۱۰ روز در ماه امکان فعالیت نداشته باشند.

هدایت‌الله خادمی عضو پیشین کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز معتقد است: «کاهش ۴۰۰ میلیون مترمکعبی تولید گاز، رقم بسیار بزرگی است و به معنای از دست رفتن بخش قابل‌توجهی از ظرفیت تولید و ایجاد محدودیت جدی در تأمین نیاز کشور خواهد بود.»



هدایت‌الله خادمی با بیان اینکه «تأمین گاز از مسیر واردات برای کشوری که دومین ذخایر بزرگ گاز جهان را در اختیار دارد، راهبرد درستی نیست»، گفته: «در موضوع واردات و سوآپ گاز ترکمنستان نیز با مشکلات اساسی مواجه شدیم. در حالی که این کشور به همکاری گازی با ایران علاقه‌مند بود و تمایلی به سوآپ یا فروش گاز خود به جمهوری آذربایجان نداشت، متأسفانه شرایط به گونه‌ای پیش رفت که همکاری آن با ایران ادامه پیدا نکرد و به سمت جمهوری آذربایجان سوق داده شد. قطر سال‌ها از ایران در برداشت از پارس جنوبی جلوتر است.»

این کارشناس انرژی با انتقاد از عملکرد کشور در توسعه میادین مشترک نفت و گاز گفت: «قطر همواره عملکرد بهتری نسبت به ایران داشته و سال‌ها زودتر از ما برداشت از میدان مشترک پارس جنوبی را آغاز کرده است. در دوره دولت خاتمی، میزان تولید و برداشت ایران به سطح قطر نزدیک شد، اما امروز قطر به یکی از بازیگران اصلی بازار جهانی ال‌ان‌جی تبدیل شده و سهم قابل توجهی از این بازار را در اختیار دارد.»

نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی تأکید کرده: «ما در سال‌های گذشته حتی در شرایط صلح و پیش از تشدید محدودیت‌های بین‌المللی نیز اقدامات متناسبی برای توسعه میادین مشترک انجام ندادیم. برای نمونه، در میدان‌های فرزاد ۱ و ۲، حتی در دوره‌هایی که شرایط تحریمی و سیاسی مساعدتر بود، فعالیت قابل‌توجهی صورت نگرفت؛ در حالی که عربستان با جدیت در حال توسعه فعالیت‌های خود در این حوزه است.»

هاشم اورعی، کارشناس حوزه انرژی و رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی ایران، نیز هشدار داده: «در شرایط افزایش کسری انرژی، نیروگاه‌ها مجبور می‌شوند به سمت مصرف مازوت و گازوئیل بروند؛ اما استفاده از مازوت هم چالش‌های فنی دارد و هم به دلیل آلایندگی شدید در مجاورت شهرهای بزرگ با محدودیت روبروست. تامین و لجستیک گازوئیل نیز مشکلات خود را دارد. از این رو پیش‌بینی می‌کنیم امسال با کمبود برق نیز مواجه شویم. مطابق معمول، بیشترین فشار و قطعی بر دوش بخش صنعت خواهد بود. وقتی صنعت گاز کافی نداشته باشد، تولید نسبت به گذشته کاهش می‌یابد و نتیجه آن تداوم رکود در بخش صنعت خواهد بود.»

هاشم اورعی افزوده: «بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، در پایان بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته، بخش صنعت ما رشد منفی ۱۴/۷ درصدی داشته است که مهم‌ترین دلیل آن، عدم امکان تامین برق در تابستان و گاز در زمستان بوده است.»

اینهمه نشان می‌دهد جمهوری اسلامی با قربانی کردن بخش تولید و صنعت تلاش دارد از بحران کمبود گاز که ناشی از چهار دهه ناکارآمدی و سوء مدیریت است عبور کند. با اینهمه حتی «خودی»ها نیز در عبور به سلامت حکومت از این بحران طی زمستان پیش رو تردیدهایی جدی دارند.

تورم بخش صنعت به ۱۴۷/۳ درصد رسید؛ ۳۲۲ هزار میلیارد تومان عدم‌النفع صنایع در نیمه نخست امسال

تورم تولیدکننده در بخش صنعت اقتصاد ایران در تابستان امسال نسبت به تابستان سال گذشته با افزایش ۱۴۷/۳ درصدی روبرو شده است. افزایش حدود ۲/۵ برابری هزینه‌ها برای تولیدکنندگان از دلایل رکود عمیق در صنایع ایران است.

اگرچه بخشی از افزایش تورم در بخش صنعت به تشدید تحریم‌ها و محاصره دریایی توسط ایالات متحده مرتبط است اما عمده دلایل رکود تورمی در صنعت ناشی از سیاست‌های ناکارآمد و تصمیمات نادرست دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی است.

کارخانه‌های سیمان از ابتدای آبان‌ماه جاری با قطع کامل گاز روبرو شده و ناچار به استفاده از سوخت مازوت شدند. با اینهمه صنایع سیمان تنها قربانیان بحران انرژی نیستند و دیگر بخش‌های صنعت نیز در روزها و هفته‌های آینده با جیره‌بندی گاز و احتمالا برق روبرو خواهند شد.

معاون وزیر صمت گفته: «عدم‌النفع بخش صنعت در شش ماه نخست سال جاری نیز به ۳۲۲ همت رسیده که از این میزان، ۱۲۲ هزار میلیارد تومان بطور مشخص ناشی از ناترازی [کمبود] انرژی بوده است.»



تورم تولیدکننده در بخش صنعت اقتصاد ایران در تابستان امسال نسبت به تابستان سال گذشته با افزایش ۱۴۷/۳ درصدی روبرو شده است. افزایش حدود ۲/۵ برابری هزینه‌ها برای تولیدکنندگان از دلایل رکود عمیق در صنایع ایران است. بخشی از این تورم به افزایش هزینه‌های ناشی از بحران کمبود انرژی و دیگر هزینه‌های ناشی از تصمیمات و سیاست‌های دولت است. این در حالیست که مسعود پزشکیان همچنان لاف حمایت از تولید می‌زند!

در فصل تابستان ۱۴۰۵، درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت نسبت به فصل مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۱۴۷/۳ درصد است که در مقایسه با همین اطلاع در فصل قبل ۳۸/۳ واحد درصد افزایش داشته است. به عبارتی، میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان محصولات صنعتی به ازای تولید کالاهای خود در داخل کشور، در فصل تابستان ۱۴۰۵ نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۱۴۷/۳ درصد افزایش دارد.

در این فصل بیشترین تورم نقطه به نقطه با ۲۱۶/۸ درصد مربوط به گروه «ساخت فراورده‌های توتون و تنباکو» و کمترین تورم نقطه به نقطه با ۸۴ درصد مربوط به گروه «ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی» است.

درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت در چهار فصل منتهی به این فصل نسبت به دوره مشابه در سال قبل، ۹۷/۳ درصد است که در مقایسه با همین اطلاع در فصل قبل (۷۰/۹ درصد)، ۲۶/۴ واحد درصد افزایش داشته است. به عبارتی، میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان محصولات صنعتی به ازای تولید کالاهای خود در داخل کشور، در چهار فصل منتهی به فصل تابستان ۱۴۰۵ نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۹۷/۳ درصد افزایش دارد.

در این فصل بیشترین تورم سالانه با ۱۲۶ درصد مربوط به گروه «ساخت فرآورده‌های توتون و تنباکو» و کمترین تورم سالانه با ۶۳/۸ درصد مربوط به گروه «ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی» است.

همچنین در این فصل بیشترین تورم فصلی با ۸۰/۲ درصد مربوط به گروه «ساخت کُک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت» و کمترین تورم فصلی با ۱۰/۸ درصد افزایش مربوط به گروه «ساخت انواع آشامیدنی‌ها» است.

اگرچه بخشی از افزایش تورم در بخش صنعت به تشدید تحریم‌ها و محاصره دریایی توسط ایالات متحده مرتبط است اما عمده دلایل رکود تورمی در صنعت ناشی از سیاست‌های ناکارآمد و تصمیمات نادرست دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی است.

برای نمونه بحران کمبود انرژی و سخت در سال‌های گذشته از جمله دلایل اصلی افزایش هزینه‌ها و کاهش سود صنایع به علت کاهش تولید بوده است.

کارخانه‌های سیمان از ابتدای آبان‌ماه جاری با قطع کامل گاز روبرو و ناچار به استفاده از سوخت مازوت شدند. صنایع سیمان کشور از ابتدای سال جاری با محدودیت شدید ۸۰ درصدی روبرو بوده‌اند؛ یعنی از نیاز روزانه ۲۸ میلیون مترمکعبی، تنها حدود ۵ تا ۶ میلیون مترمکعب گاز در اختیار آنها قرار می‌گرفت و اکنون همان سهمیه ناچیز نیز قطع شده است.

با اینهمه صنایع سیمان تنها قربانیان بحران انرژی نیستند و دیگر بخش‌های صنعت نیز در روزها و هفته‌های آینده با جیره‌بندی گاز و احتمالا برق روبرو خواهند شد.

مسعود پزشکیان هفته گذشته در «جلسه تقویت معیشت مردم» و دیگر اظهارات مربوط به مدیریت انرژی تأکید کرد که چرخ تولید کشور نباید در هیچ شرایطی متوقف شود.

رئیس دولت جمهوری اسلامی افزود: «دولت حاضر است برای جلوگیری از خاموشی و توقف واحدهای تولیدی، برق اتاق‌های دولتی یا حتی گاز و برق مراکز فرهنگی را قطع کند تا بخش صنعت و کارخانه‌ها آسیب نبینند.» همچنین وی از استانداران خواست که «صرفه‌جویی و حمایت از تداوم فعالیت واحدهای صنعتی و تولیدی را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند.»

این ادعاها از سوی مسعود پزشکیان در حالی مطرح شده که عملکرد دولت هیچ تناسبی با حمایت از تولید ندارد. در همین رابطه سعید شجاعی، معاون برنامه‌ریزی وزارت صنعت، معدن و تجارت با تشریح آثار ناترازی انرژی بر تولید کشور گفت: «بر اساس محاسبات انجام‌شده، عدم‌النفع بخش صنعت و معدن ناشی از عدم تولید در سال۱۴۰۳ حدود ۳۰۳ هزار میلیارد تومان و در سال۱۴۰۴ حدود ۴۷۳ هزار میلیارد تومان بوده است.»

برخلاف آنچه پزشکیان ادعا کرده، معاون وزیر صمت گفته: «عدم النفع بخش صنعت در شش ماه نخست سال جاری نیز به ۳۲۲ هزار میلیارد تومان رسیده که از این میزان، ۱۲۲ هزار میلیارد تومان بطور مشخص ناشی از ناترازی [کمبود] انرژی بوده است.»

سعید شجاعی با اشاره به کاهش حاشیه سود صنایع افزود: «حاشیه سود صنعت فولاد که در سال ۱۴۰۰ حدود ۳۳ درصد بود، اکنون به کمتر از ۶ درصد رسیده است و در صورت کنارگذاشتن چند شرکت بزرگ فولادی، این رقم در برخی واحدها به حدود ۲/۵ درصد کاهش پیدا می‌کند.»

«عدم‌النفع» در صنایع به معنای محروم شدن از سودی است که در صورت نبودن عامل زیان، بطور معمول و منطقی در صنایع به دست می‌آید.

همچنین دولت نرخ گاز در صنایع را نیز افزایش داده است. حمیدرضا صالحی، نایب‌رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران، با انتقاد از افزایش نرخ گاز صنایع فولادی و چندگانگی قیمت‌گذاری انرژی، گفته است: «نبود نظام تنظیم‌گری منسجم و سیاست‌های دستوری، ارزیابی سودآوری صنایع را دشوار کرده و فشار اقتصادی بر تولیدکنندگان را تشدید کرده است.»

احتمال قطع سراسری ۴۵ روزه گاز صنایع؛ خسارت مستقیم کمبود برق و گاز در صنعت معادل ۲۰ درصد بودجه کشور!

دبیرکل «خانه صنعت و معدن» از احتمال قطع کامل و سراسری بخش صنعت تا ۴۵ روز خبر داده و گفته است که بعد از این دوره احتمالا بخشی از صنایع توان بازگشت به مدار تولید را نخواهند داشت.

روح‌الله عباسپور عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی گفته، با جیره‌بندی و قطع گاز و برق در صنایع «شاهد کاهش حجم تولید، بروز مشکل برای کارگران، تعدیل [اخراج] نیروی انسانی و کاهش صادرات و درآمد ارزآوری خواهیم بود که در نهایت، مشکلات معیشتی متعددی را برای جامعه به دنبال خواهد داشت.»

خسارت مستقیم ناشی از قطع گاز و برق در صنایع ایران رقمی معادل ۲۰ میلیارد دلار برابر با حدود ۲۰ درصد از بودجه کشور است.

تنها در صنعت فولاد، به عنوان یکی از مهمترین و درآمدزاترین صنایع ایران، ۲۰ درصد از ظرفیت تولید به علت نبود سوخت از دست رفته است.

افزایش هزینه‌ها و کاهش تولید در بخش صنعت بطور مستقیم بر قیمت تمام شده کالاهای تولیدی در این صنایع تأثیر دارد. به بیان دیگر، هزینه کمبود سوخت که ناشی از سال‌ها ناکارآمدی مدیریتی جمهوری اسلامی و عدم سرمایه‌گذاری پایدار در صنعت نفت و برق کشور است، در نهایت به جیب و سفره خانوارهای ایران تحمیل می‌شود.

جیره‌بندی گاز در صنایع و عدم توزیع مناسب سوخت جایگزین، زنگ خطر تعطیلی صنایع و معادن را به صدا درآورده است. بر اساس اطلاعات منتشر شده، تنها در صنعت فولاد، به عنوان یکی از مهمترین و درآمدزاترین صنایع ایران، ۲۰ درصد از ظرفیت تولید به علت نبود سوخت از دست رفته است. دبیرکل «خانه صنعت و معدن» نیز از احتمال قطع کامل و سراسری بخش صنعت تا ۴۵ روز خبر داده است.

کمبود گاز و ناتوانی دولت در تأمین سوخت جایگزین با سرد شدن هوا به بحرانی جدی تبدیل شده است. در حالی که مقامات دولت از احتمال قطع گاز خانگی در هفته‌های آینده در برخی استان‌های شمالی کشور خبر می‌دهند، اعمال محدودیت توزیع گاز در صنایع آغاز شده است. برخی صنایع مانند صنایع فولاد با جیره‌بندی گاز و برخی از صنایع دیگر مانند صنایع سیمان‌سازی با قطع کامل گاز روبرو شده‌اند.

با اینهمه فشار بر صنایع برای کاهش مصرف سوخت ادامه دارد. حمید بورد، سرپرست وزارت نفت، در نشست کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق بازرگانی تهران، خواستار صرفه‌جویی بیشتر سوخت در صنایع کشور شد. کاهش مصرف یا جیره‌بندی سوخت در صنایع به معنای کاهش تولید و درآمدزایی صنایع است؛ روندی که از یکسو صنایع را دچار زیان و قیمت محصولات تولیدی صنایع را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر تهدیدی جدی برای اشتغال کارگران در صنایع کشور به شمار می‌رود.

روح‌الله عباس‌پور نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در گفتگو با وبسایت «تجارت‌نیوز»، یکی از اصلی‌ترین مشکلات پیش روی



بخش تولید، به ویژه حوزه صنعت، را مسئله کمبود برق و گاز اعلام کرده است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده: «بنا بر اعلام و اذعان وزارت صمت، در برخی از مواقع با ناترازی [کمبود] حدود ۹ ماهه در مجموعه تامین گاز و برق مواجه هستیم. هنگامی که صنعت با چنین ناترازی [کمبود] طولانی‌مدتی روبرو می‌شود، حفظ اشتغال دچار مشکل شده، تولید ثروت کاهش می‌یابد و روند صادرات با تزلزل مواجه می‌شود.»

روح‌الله عباس‌پور با اشاره به گسترش این مشکلات به سایر بخش‌های اقتصاد کشور گفت: «در حال حاضر در حوزه معادن و همچنین تامین سوخت ماشین‌آلات کشاورزی نیز با مشکلات جدی مواجه هستیم؛ از این رو توصیه می‌شود تمامی فعالان این بخش‌ها اقدام به ذخیره‌سازی سوخت کنند تا مشخص شود در ادامه چه تدابیری اتخاذ خواهد شد. تنها عاملی که می‌تواند شرایط موجود را نجات دهد، مدیریت صحیح است.»

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی بار دیگر تأکید کرده: «اینگونه تصمیمات و محدودیت‌ها تبعات مستقیم و منفی بر حوزه معدن می‌گذارد. کاهش تخصیص سوخت و انرژی، منجر به افت تولید مواد معدنی و بروز اختلال در تامین سوخت تجهیزات می‌شود. در چنین شرایطی، شاهد کاهش حجم تولید، بروز مشکل برای کارگران، تعدیل [اخراج] نیروی انسانی و کاهش صادرات و درآمد ارزآوری خواهیم بود که در نهایت، مشکلات معیشتی متعددی را برای جامعه به دنبال خواهد داشت.»

در این میان، آرمان خالقی دبیرکل خانه صنعت و معدن در گفتگو با روزنامه «پیام ما» گفته: «برای قطع گاز صنایع هم، شهرک‌های صنعتی که تراکم بیشتری دارند در اولویت‌اند، چراکه برای شرکت گاز صرفه ندارد که بخواهد گاز صنایع دورافتاده و تک‌مانده را قطع کند. امسال ممکن است به این صنایع بگویند که دو هفته، یک ماه و حتی تا چهل و پنج روز گاز ندارید! حالا اگر فرض کنیم که قطعی ۴۵ روزه باشد، باید هرچه زودتر فکری به حال صنایع کرد.»

او هشدار داده، در صورت عدم حمایت موثر دولت از صنایع ممکن است پس از یک دوره قطع سوخت، بسیاری از صنایع توان بازگشت به چرخه تولید را نداشته باشند: «اگر در این میان، وزارت نیرو هزینه ترانزیت (فرایند انتقال و جابجایی انواع انرژی) نگیرد، یا بانک اقساط خود را تا بهبود شرایط برای صنعت دریافت نکند، می‌توان به نحوی از این بحران عبور کرد؛ اما این اتفاق در واقعیت نمی‌افتد. در چنین شرایطی، بهم‌ریختگی در روابط اقتصادی پیش می‌آید و ممکن است پس‌از ۴۵ روز، بسیاری از صنایع هرگز دوباره به کار بازنگردند.»

آرش نجفی، رئیس هیئت‌مدیره «انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی» و رئیس «کمیسیون انرژی اتاق ایران»، نیز با اشاره به افزایش کمبود گاز به علت حملات نظامی گفته است: «امسال استراتژی اصلی کشور باید کاهش مصرف انرژی، کاهش مصرف گاز و حتی کاهش مصرف برق باشد، وگرنه صنعت ما قربانی رفاه جامعه می‌شود. این کار کسری بودجه، کمبود منابع مالی و میزان بیکاری را افزایش می‌دهد. همچنین شاید نتوانیم به تولید ادامه دهیم و گردش مالی هم متوقف شود. همه اینها در میان‌مدت به جامعه و صنعت ما آسیب می‌زند.»

با اینهمه دولت نه تنها برنامه‌ای برای حمایت از صنایع ندارد بلکه هزینه‌های آنها را نیز به شکل مضاعف افزایش داده است. برای نمونه صنایع سیمان در شرایطی از ابتدای آبان‌ماه جاری با قطع کامل گاز روبرو هستند که تعرفه سوخت مازوت و گازوئیل نیز برای آنها افزایش یافته است. طبق داده‌های انجمن سیمان نرخ مازوت از مهر امسال از حدود هزار و ۳۰۰ تومان به چهار هزار و ۴۰۰ تومان در هر لیتر افزایش پیدا کرده و کارخانه‌ها ملزم به پرداخت نقدی و پیش‌خرید وجه حواله هستند.

از سوی دیگر هزینه حمل سوخت نیز افزایش یافته است. بر اساس گزارش‌ها، تانکرها برای حمل مازوت از پالایشگاه‌های جنوب کشور بین دو هزار تا دو هزار و ۵۰۰ تومان به ازای هر لیتر هزینه مازاد روی دست تولیدکننده می‌گذارد که فاصله زیادی با نرخ خود سوخت ندارد.

همچنین گزارش‌های اتاق بازرگانی ایران و وزارت صمت نشان می‌دهد، نتیجه قطع گاز و برق در زمستان حدود ۲۰ میلیارد دلار خسارت مستقیم به بار می‌آورد. قابل توجه اینکه کل بودجه کشور در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ حدود ۹۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. یعنی خسارت ناشی از قطع گاز و برق در زمستان به‌اندازه ۲۰ درصد کل بودجه کشور است!

افزایش هزینه‌ها و کاهش تولید در بخش صنعت بطور مستقیم بر قیمت تمام شده کالاهای تولیدی در این صنایع تأثیر دارد. به بیان دیگر هزینه کمبود سوخت که ناشی از سال‌ها ناکارآمدی مدیریتی جمهوری اسلامی و عدم سرمایه‌گذاری پایدار در صنعت نفت و برق کشور است، در نهایت به جیب و سفره خانوارهای ایران تحمیل می‌شود.

کیهان

بارش شدید باران و جاری شدن سیلاب در مناطق مختلف ایران



بارش شدید باران و برف در استان‌های مختلف ایران از روز جمعه ۱۵ آبان ۱۴۰۵ سبب بروز آبگرفتگی و جاری شدن سیلاب در معابر، طغیان رودخانه‌ها و بروز خسارت‌های جانی و مالی شده است.

در استان لرستان بارش ۱۴۰ میلیمتری در شامگاه جمعه ۱۵ آبان در شهر سپیددشت باعث مسدود شدن راه آهن تهران- جنوب و راه دسترسی به شهر سپیددشت مرکز بخش پاپی این استان شد.

استان‌های ایلام، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، کردستان، فارس، بوشهر، اصفهان، آذربایجان غربی، تهران، البرز، قزوین، زنجان، اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان و بخش‌هایی از آذربایجان شرقی استان‌هایی هستند که روز یکشنبه با بارندگی روبرو خواهند بود.

بارش باران که از چند روز گذشته در برخی شهرها و استان‌های ایران آغاز شده بود از روز جمعه ۱۵ آبان با افزایش حجم باران، برف و جاری شدن سیلاب در مناطق مختلفی از کشور روبرو شده است. بر اساس اعلام سازمان هواشناسی ۲۵ استان ایران درگیر موج جدید بارندگی‌ها هستند و برای پنج استان کشور هشدار قرمز سیلاب صادر شده است.

بارش شدید باران و برف در استان‌های مختلف ایران از روز جمعه ۱۵ آبان ۱۴۰۵ سبب بروز آبگرفتگی و جاری شدن سیلاب در معابر، طغیان رودخانه‌ها و بروز خسارت‌های جانی و مالی شده است.

در استان لرستان بارش ۱۴۰ میلیمتری در شامگاه جمعه ۱۵ آبان در شهر سپیددشت باعث مسدود شدن راه آهن تهران جنوب و راه دسترسی به شهر سپیددشت مرکز بخش پاپی این استان شد.

بر اساس اعلام سازمان هواشناسی، بارش‌های سیل‌آسای سامانه اخیر در سپیددشت، علاوه بر ثبت بیشترین میزان بارندگی در لرستان و سطح کشور ، خسارت‌هایی به منازل مسکونی و راه‌های ارتباطی این منطقه وارد کرده است.

سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری لرستان نیز خبر داده است، بارش شدید باران و وزش باد موجب قطع راه ارتباطی ۱۷۰ و برق ۱۲۰ روستا شده است.

میانگین بارش ثبت‌شده در سپیددشت استان لرستان با ۱۶۴ میلی‌متر و شول آباد شهرستان الیگودرز در این استان با ۱۴۸ میلی‌متر بیشترین میزان بارندگی را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین گاز دست‌کم هفت روستا در این استان قطع شده است. بخشی از زیرساخت‌های حمل و نقل استان لرستان نیز آسیب دیده است. مدیرکل راه‌آهن لرستان گزارش داده شدت بارندگی‌ها سبب ریزش کوه در پنج نقطه محدوده سپیددشت تا تنگ‌هفت و توقف شماری از قطارهای تهران- جنوب شده است. بر اساس این گزارش، به علت نامشخص بودن بازگشایی مسیر ریلی مسدود شده، انتقال مسافران قطارهای متوقف‌شده با اتوبوس انجام می‌شود.

در استان قزوین نیز بارش شدید باران سبب بروز چند تصادف رانندگی شد. رئیس پلیس راه شهر قزوین از وقوع ۳ تصادف مرگبار در کمتر از ۱۸ ساعت خبر داد. او علت این تصادف‌ها را لغزندگی جاده‌ها و بی‌احتیاطی رانندگان اعلام کرد.

در استان تهران نیز اداره کل هواشناسی استان با صدور هشدار قرمز درباره بارش‌های شدید در روزهای شنبه و یکشنبه، نسبت به احتمال وقوع سیلاب، آب‌گرفتگی گسترده معابر و بالا آمدن سطح آب رودخانه‌ها هشدار داده است.

رییس مرکز عملیات اضطراری شهر تهران نیز با خبر از اختلال احتمالی در شبکه تلفن و حامل‌های انرژی طی روزهای آینده داد.

بارندگی‌ها در پایتخت طی روز شنبه سبب آبگرفتگی برخی خیابان‌های مرکز شهر شد. همچنین در ارتفاعات و شهرستان‌های شمال استان نیز بارش برق گزارش شده است.

در استان‌های شمالی کشور نیز بارش باران طی روز شنبه ۱۶ آبان با شدت بیشتری نسبت به روزهای پیش ادامه داشته است. تصاویر و ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی حاکی از آبگرفتگی معابر شهرهای مختلف استان‌های شمالی از جمله بابل، ساری، نوشهر و نکا دارد.

آتش‌نشانی بابل نیز جاری شدن سیلاب در شماری از خیابان‌های این شهر را تأیید و از آبگرفتگی حدود ۲۰ اتومبیل، تعدادی پارکینگ و یک مغازه خبر داد.

در شماری از استان‌ها مانند خوزستان، کردستان و کرمانشاه نیز با توجه پیش‌بینی بارش شدید باران و جاری شدن سیلاب مدارس تعطیل شدند.

بارندگی‌ها دست‌کم تا پایان روز یکشنبه ۱۷ آبان ادامه خواهد داشت. سازمان هواشناسی هشدار داده در مناطق کوهستانی زاگرس، بارش شدید در مدت کوتاه می‌تواند باعث شکل‌گیری روان‌آب‌های سریع و افزایش ناگهانی حجم آب رودخانه‌ها شود.

سازمان هواشناسی همچنین هشدار داده، مسیر رودخانه‌های فصلی و مسیل‌ها حتی اگر در لحظه خشک به نظر برسند، می‌توانند در مدت کوتاهی با جریان شدید آب مواجه شوند. بنابراین عبور از بستر رودخانه‌ها و توقف در حاشیه آن‌ها خطرناک است.

استان‌های ایلام، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، کردستان، فارس، بوشهر، اصفهان، آذربایجان غربی، تهران، البرز، قزوین، زنجان، اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان و بخش‌هایی از آذربایجان شرقی استان‌هایی هستند که در روز یکشنبه با بارندگی روبرو خواهند بود.

همچنین سازمان هواشناسی برای استان‌های تهران، خوزستان، کردستان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، و کهگیلویه و بویراحمد هشدار قرمز سیلاب صادر کرده است.

اسکندر مومنی، وزیر کشور جمهوری اسلامی، نیز روز شنبه ۱۶ آبان در پی اعلام هشدار قرمز هواشناسی برای پنج استان کشور خطاب به استانداران مربوطه و رئیس سازمان مدیریت بحران بر حفظ آمادگی و بسیج امکانات تأکید کرد.

با وجود هشدارهای پی در پی کارشناسان درباره ورود موج بارشی پرشدت و متأثر از پدیده النینو به کشور، اما گزارش‌های مردمی حاکی از عدم آمادگی دولت برای بروز بارندگی شدید و بروز سیلاب در کشور است.

سقوط قدرت خرید آموزگاران؛ حقوق ماهانه یک معلم ۱۰۹ دلار است!



حقوق ماهانه‌ی معلمان در سال ۱۳۹۵ معادل ۶۳۶ دلار بود. امروز، در آبان ۱۴۰۵، به ۱۰۹ دلار رسیده است. قدرت خرید معلمان در ده سال حدود ۶ برابر کاهش یافته، و ۴۰ درصد این ریزش تنها در هفت ماه گذشته رخ داده است: از ۱۸۴ دلار در فروردین به ۱۰۹ دلار در آبان.

حقوق «روزانه» آموزگاران در ترکیه حدود ۵۰ دلار، در جمهوری آذربایجان حدود ۲۲ دلار، در ارمنستان حدود ۱۷ دلار و در عراق ۸ تا ۱۵ دلار است. دستمزد روزانه آموزگاران در ایران اما ۳/۶ دلار است!

دیگر اقشار جامعه از جمله کارگران، پرستاران و بازنشستگان نیز همواره نسبت به دستمزدهای ناچیز خود انتقاد داشته و تأکید دارند که حقوق آنها فقط هزینه‌های یک هفته را پوشش می‌دهد.

رقم دستمزد کارگران بر اساس مصوبات رسمی و در صورتی که کارگر همه مزایای شغلی از حق اولاد تا حق مسکن را دریافت کند حدود ۲۵ میلیون تومان است. حقوق بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی نیز رقم دستمزد کارگری است. با اینهمه بخش زیادی از کارمندان و بازنشستگان دولت نیز ارقامی مشابه دریافت می‌کنند.

یک گزارش صنفی نشان می‌دهد که ارزش حقوق ماهانه آموزگاران در ایران از معادل ۶۳۶ دلار در سال ۱۳۹۵ به ۱۰۹ دلار در سال جاری سقوط کرده است. این در حالیست که در آخرین محاسبات تحلیلگران، هزینه‌های ضروری یک خانوار سه نفره در ایران را رقمی معادل ۴۰۰ دلار ارزیابی شده است. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد درآمد یک آموزگار در ماه تنها توان پوشش هزینه‌های ضروری فقط یک هفته را دارد.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در گزارشی به سقوط قدرت خرید آموزگاران در یک دهه گذشته پرداخته و خواستار افزایش فوری دستمزد آموزگاران شده است.

در این گزارش آمده است، حقوق ماهانه‌ی معلمان در سال ۱۳۹۵ معادل ۶۳۶ دلار بود. امروز، در آبان ۱۴۰۵، به ۱۰۹ دلار رسیده است، یعنی کمتر از ۴ دلار در روز. قدرت خرید معلمان در ده سال حدود ۶ برابر کاهش یافته، و ۴۰ درصد این ریزش تنها در هفت ماه گذشته رخ داده است: از ۱۸۴ دلار در فروردین به ۱۰۹ دلار در آبان.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران توضیح داده، این محاسبه بر پایه رقم رسمی وزارت آموزش و پرورش، یعنی میانگین ۲۹ میلیون تومان، انجام شده است.

این در حالیست که به گفته فعالان صنفی اکثر آموزگاران ایران رقمی معادل ۲۵ میلیون تومان در ماه دریافت می‌کنند که ارزش دلاری آن فقط ۹۴ دلار است!

رقم حقوق «روزانه» آموزگاران در ترکیه حدود ۵۰ دلار، در جمهوری آذربایجان حدود ۲۲ دلار، در ارمنستان حدود ۱۷ دلار و در عراق ۸ تا ۱۵ دلار است. رقم دستمزد روزانه آموزگاران در ایران اما ۳/۶ دلار است!

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران بار دیگر بر «ضرورت ترمیم فوری حقوق معلمان متناسب با تورم و هزینه‌ی واقعی زندگی» تأکید کرده است.

دیگر اقشار جامعه از جمله کارگران، پرستاران و بازنشستگان نیز همواره نسبت به دستمزدهای ناچیز خود انتقاد داشته و تأکید دارند که حقوق آنها فقط هزینه‌های یک هفته را پوشش می‌دهد.

یعقوب دلشاد، فعال کارگری ساکن خراسان شمالی، توضیح داده: «با افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید، انتظار داریم حداقل ۱۰ میلیون تومان به مزد کارگران در نیمه دوم سال اضافه شود تا بخشی از قدرت خرید ازدست‌رفته آنان جبران شود.»

این فعال کارگری گفته: «ماده ۴۱ قانون کار، تعیین مزد متناسب با نرخ تورم و هزینه زندگی خانوار کارگری را مورد تأکید قرار داده است؛ بنابراین اجرای قانون نباید فقط به زمان تعیین مزد سالانه محدود شود و شرایط جدید اقتصادی نیز باید در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ شود.»

یعقوب دلشاد تأکید کرده: «کارگران شرایط ویژه تولید و کشور را درک می‌کنند، اما نباید هزینه مشکلات و شرایط جنگی صرفاً بر دوش کارگران و اقشار کم‌درآمد باشد. شورای عالی کار باید با توجه به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی کاهش قدرت خرید، هرچه سریع‌تر موضوع ترمیم مزد را تعیین تکلیف کند.»

بازنشستگان نیز با وجود هزینه‌های بالا، از جمله هزینه درمان و دارو، درآمدهایی حداقلی دارند. در ماه‌های گذشته با وجود جوّ امنیتی تحمیل شده بر کشور توسط جمهوری اسلامی و به بهانه جنگ، بازنشستگان تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی و دیگر صندوق‌های بازنشستگی صدها تجمع با درخواست محوری افزایش رقم مستمری بازنشستگی در شهرهای مختلف کشور برگزار کرده‌اند.

رقم دستمزد کارگران بر اساس مصوبات رسمی و در صورتی که کارگر همه مزایای شغلی از حق اولاد تا حق مسکن را دریافت کند حدود ۲۵ میلیون تومان است. حقوق بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی نیز رقم دستمزد کارگری است. با اینهمه بخش زیادی از کارمندان و بازنشستگان دولت نیز ارقامی مشابه دریافت می‌کنند.

تورم که ماه‌هاست به مرز ۱۰۰ درصد رسیده سبب کاهش شدید ارزش واقعی دستمزد حقوق‌بگیران شده و قدرت خرید آنها را کاهش داده است. به همین دلیل حقوق‌بگیران خواستار افزایش دستمزد هستند اما دولت برابر این خواسته مقاومت می‌کند.

در همین رابطه جلیل حاجی حسینی، وکیل دادگستری، در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفت: «کارگر در قبال نیروی کاری که در اختیار کارفرما قرار می‌دهد، مستحق دریافت مزد است و قانونگذار نیز برای جلوگیری از تضییع حقوق او، حداقل‌هایی را مقرر کرده است. از این منظر، ترمیم مزد در شرایط کاهش شدید قدرت خرید، در وهله نخست باید به عنوان موضوعی مرتبط با حقوق قانونی و معیشت نیروی کار مورد توجه قرار گیرد.»

برگزاری نمایشگاه «سایه‌ها و سکوت‌ها در کلکته»





نمایشگاه مشترک عتیق رحیمی و دانا فرزانه‌پور با نام «سایه‌ها و سکوت‌ها» از تاریخ ۲۹ اکتبر تا ۱۴ نوامبر ۲۰۲۶ در شهر پاریس برقرار است.

این نمایشگاه با کوشش کامی پاکدل، مدیر هنری و کارگردان سینما، پیرامون کتاب «سکوت‌های کلکته» که به‌تازگی از این دو هنرمند در فرانسه منتشر شده شکل گرفته است.

دانا فرزانه‌پور صدابردار باسابقهٔ سینما در فرانسه است. او از سال ۲۰۰۱ تاکنون در کنار فعالیت حرفه‌ای خود عکاسی می‌کند.

عتیق رحیمی نویسنده و کارگردان سرشناس افغان در سال ۲۰۰۷، برای پروژه سینمایی‌اش با اقتباس از داستان کوتاه «کابلی‌والا» اثر رابیندرانات تاگور به کلکته می‌رود. پروژه کنسل می‌شود، عتیق رحیمی به پاریس بازمی‌گردد اما چیزی از کلکته در او باقی می‌ماند. عتیق رحیمی در عکس‌های دانا فرزانه‌پور آنچه را که نتوانسته بود فیلم‌برداری کند پیدا می‌کند: خلأ، انتظار و نفس کشیدن شهر در فاصلهٔ میان دو لحظه...

کتایون حلاجان - نمایشگاه مشترک عتیق رحیمی و دانا فرزانه‌پور با نام «سایه‌ها و سکوت‌ها» از تاریخ ۲۹ اکتبر تا ۱۴ نوامبر ۲۰۲۶ در شهر پاریس برقرار است. این نمایشگاه با کوشش کامی پاکدل، مدیر هنری و کارگردان سینما، پیرامون کتاب «سکوت‌های کلکته» که به‌تازگی از این دو هنرمند در فرانسه منتشر شده شکل گرفته است.

دانا فرزانه‌پور صدابردار باسابقهٔ سینما در فرانسه است. او از سال ۲۰۰۱ تاکنون در کنار فعالیت حرفه‌ای خود عکاسی می‌کند. در سال ۲۰۱۱ دانا فرزانه‌پور برای صدابرداری در فیلم «چَترَک» ساختهٔ ویموکتی جایاسوندارا به کلکته می‌رود و در کنار فیلم‌برداری شروع به عکاسی از شهر می‌کند. پس از اتمام فیلم او با عکس‌های خود به پاریس برمی‌گردد و چندی بعد در یک ورک‌شاپ، عکس‌ها توجه Bill Kouwenhoven عکاس و ویراستار مجله «Hotshoe magazine» را به خود جلب می‌کند. با تشویق او دانا فرزانه‌پور دوباره به کلکته بازمی‌گردد و این بار فقط برای عکاسی کردن.

عتیق رحیمی نویسنده و کارگردان سرشناس افغان در سال ۲۰۰۷، برای پروژه سینمایی‌اش با اقتباس از داستان کوتاه «کابلی‌والا» اثر رابیندرانات تاگور به کلکته می‌رود. پروژه کنسل می‌شود، عتیق رحیمی به پاریس بازمی‌گردد اما چیزی از کلکته در او باقی می‌ماند. عتیق رحیمی در عکس‌های دانا فرزانه‌پور آنچه را که نتوانسته بود فیلم‌برداری کند پیدا می‌کند: خلأ، انتظار و نفس کشیدن شهر در فاصلهٔ میان دو لحظه...

عتیق رحیمی آنچه را که پیش از ثبت تصویر رخ داده و آنچه را که ممکن است پس از آن اتفاق بیفتد، در خیال خود مجسم می‌کند و شروع به نوشتن می‌کند. این گفت‌وگو میان عکاس و نویسنده دوازده سال ادامه پیدا می‌کند تا سرانجام کتاب «سکوت‌های کلکته» از دل آن متولد می‌شود.

در نمایشگاه «سایه‌ها و سکوت‌ها»، این گفت‌وگو شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. نگاه دانا فرزانه‌پور که در خیابان‌های کلکته میان ویرانه‌ها، کاخ‌های متروک و محله‌های مردمی شهر پرسه می‌زند و نگاه عتیق رحیمی که سرنوشتش از سال ۲۰۰۷، پس از ناکامی در اجرای پروژهٔ سینمایی‌اش همچنان با کلکته گره خورده است.

در این نمایشگاه، کنار عکس‌های دانا فرزانه‌پور، عتیق رحیمی بر روی کاغذ ژاپنی دست‌ساز که به شیوه سنتی از الیاف طبیعی درست شده‌اند با مرکب چینی، قطعاتی از عکس‌های دانا فرزانه‌پور را بازآفرینی کرده و آن را با خط نستعلیق فارسی آمیخته است. عتیق رحیمی می‌گوید: «کار کردن روی این کاغذهای ظریفِ ژاپنی هفته‌ها زمان برده است.»

در کتاب «سکوت‌های کلکته» عکسی از یک درخت معروف به انجیر هندی (بانیان) در شهر کلکته وجود دارد. تفاوت این درخت در این است که ریشه‌های آن از شاخه‌هایش آویزان می‌شوند و زمانی که به زمین می‌رسند در خاک فرو می‌روند و تنه تازه‌ای را می‌آفرینند.

عتیق رحیمی در کنار این عکس می‌نویسد: «شنیده بودی که درختان اینجا دو حافظه دارند. حافظه نخست عمیق و آرام به درون زمین فرو می‌رفت؛ آهسته و صبور، همچون پیرمردی که رازهایش را برای خود نگه می‌دارد. با همان سماجتی در جست‌وجوی آب بود که تبعیدی در جست‌وجوی سرزمین ازدست‌رفته‌اش. این حافظه ریشه‌ها بود سنگین از سکوت، تغذیه‌شده از قرن‌ها نیایش و از واژه‌هایی که در حماسه‌ها و افسانه‌ها منجمد شده بودند. هر ریشه به سوی مرکزی نامرئی فرو می‌رفت، با این باور که تنها یک حقیقت وجود دارد و باید تا پایان به آن چنگ زد.

اما حافظه دیگر، در سطح زمین می‌خزید، سبک و سرکش. در امتداد سنگ‌ها می‌دوید، از دیوارها بالا می‌رفت، از شاخه‌ای به شاخهٔ دیگر می‌پرید، گویی هر پیچ‌وخم، خود مقصدی بود. این حافظه تصادف بود، حافظهٔ دیدارهای پیش‌بینی‌نشده، مسیرهایی که بی‌آنکه بدانیم چرا، در آن‌ها قدم می‌گذاریم. از تنه اجازه نمی‌گرفت، در پی بازگشت نبود و چیزی جز طعم حرکت با خود حمل نمی‌کرد. شهر کلکته در گوشم زمزمه می‌کند که این ریشه‌ها به چه بدل خواهند شد.»

عتیق رحیمی در صفحه دیگری از کتاب می‌نویسد: «می‌گویند هند از جهان وسیع‌تر است و من اضافه می‌کنم، کلکته از هند وسیع‌تر است. می‌گویند این شهر یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای جهان است. شاید. اما برای من، بیش از هر چیز، مکانی خواهد ماند که در آن خانه‌ها می‌آموزند چگونه به جنگل تبدیل شوند؛ جایی که کاخ‌ها اجازه می‌دهند کسانی که هرگز صاحب آن‌ها نبودند در آن‌ها سکونت کنند. جایی که ریشه‌ها پنجره‌ها را همچون دَر انتخاب می‌کنند و نور هنگام صبح با مهربانی یک پرستار از روی پوست جذامیِ نماها عبور می‌کند.

شهری که پاک نمی‌کند، بلکه لایه‌لایه روی هم می‌نشاند. شهری که فراموش نمی‌کند، بلکه از نو می‌نویسد.

در این نوشتارِ لایه‌لایه، در این ورق خوردنِ عصرها، چیزی درون من به اثبات رسید: می‌توان از آنچه ترکت می‌کند جان سالم به در برد، به شرط آنکه بپذیری ریشه‌ها گاهی در جهت وارونه می‌رویند.»

نمایشگاه «سایه‌ها و سکوت‌ها» در گالری GALERIE VIRGINIE LESAGE در شهر پاریس تا ۱۴ نوامبر ۲۰۲۶ برقرار است.

غزال انصاری‌راد: ما از دورترین جای تاریخ می‌آییم و در ادامه یکدیگر هستیم

فعالیت هنری غزال انصاری‌راد شامل اجرای موسیقی و آواز، همکاری با گروه‌ها و ارکسترهای مختلف، حضور در جشنواره‌ها و مشارکت در پروژه‌های موسیقی، نمایشی و میان رشته‌ای است.

در سال ۱۳۹۷ موزیک ویدیویی به زبان محلی (لری) که من در آن به همراه یک خواننده زن و دو خوانند مرد تک‌خوانی می‌کردم منتشر شد که بسیار سر و صدا کرد و مورد استقبال قرار گرفت. از هم آنجا بود که مشکلات من به طور جدی شروع شد. پنج سال به جرم آواز خواندن درگیر دو پرونده دادگاه بودم.

غزال انصاری‌راد: هزاران نفر مثل من در ایران هستند که آواز می‌خوانند. صدای آواز زنان ایران را نمی‌توان خاموش کرد. ما از دورترین جای تاریخ می‌آییم و مانند بازی دومینو در ادامه یکدیگر هستیم. امیدوارم و مطمئن هستم که این دومینو به شادی و آزادی زنان و دختران خوش‌آواز سرزمینم ختم خواهد شد و یک روز دست در دست یکدیگر آواز آزادی سر خواهیم داد.

«بابا طاهر: مرا نه سر نه سامان آفریدند
پریشانم پریشان آفریدند
پریشان خاطران رفتند در خاک
مرا از خاک ایشان آفریدند»

کتایون حلاجان - غزال انصاری‌راد خواننده و مدرس آواز است. او دارای مدرک کارشناسی ارشد معماری از دانشگاه ایران و ایتالیا، و هم‌اکنون ساکن شهر رم در ایتالیا است. این هنرمند فعالیت حرفه‌ای خود در زمینه موسیقی را از سال ۲۰۱۰ با تمرکز بر موسیقی کلاسیک، دستگاهی و فولکلور ایران آغاز کرد و از سال ۲۰۱۶ مدرس آواز است.

فعالیت هنری غزال انصاری‌راد شامل اجرای موسیقی و آواز، همکاری با گروه‌ها و ارکسترهای مختلف، حضور در جشنواره‌ها و مشارکت در پروژه‌های موسیقی، نمایشی و میان رشته‌ای است. او در جشنواره‌ها و رویدادهای بین‌المللی فرهنگی و هنری در شهرهای مونیخ، برلین، کلن، نیس و شماری از شهرهای ایتالیا حضور داشته است. غزال انصاری‌راد در حال حاضر فعالیت موسیقی خود را در شهر رم و در قالب «Barbad Project»، به عنوان خواننده و ترانه‌سرا، ادامه می‌دهد و در حوزه اجرای موسیقی و همکاری در پروژه‌های هنری و بین‌المللی، با تمرکز بر موسیقی ایرانی و فولکلور و بازخوانی و ارائه آن در قالبی معاصر، فعالیت می‌کند.

غزال انصاری‌راد در سال ۱۳۶۷ در خانواده‌ای فرهنگی در استان کهگیلویه و بویراحمد به دنیا آمد. شور و شوق او به آواز از همان کودکی آشکار بود و تشویق خانواده را نیز به همراه داشت، اما هر چه غزال بزرگتر و جدی‌تر شد با مخالفت غیرمستقیم خانواده که خطر را احساس کرده بودند روبرو شد. شوق او اما، مانعی را بر نمی‌تابید و او را گریزی از این راه پر خطر نبود. سرانجام میراثی که به او وانهاده شده بود او را راهی تبعید کرد.

غزال انصاری‌راد می‌گوید: «من در شهر یاسوج در استان کهگیلویه و بویر احمد به دنیا آمدم. پدرم از تبار لرهای بویراحمد و مادرم از ایل قشقایی است. من بین فرهنگ این دو ایل بزرگ شدم. پدرم خطاط است، صدای خوشی داشت و آواز می‌خواند. از کودکی با دنیای موسیقی و آواز آشنا


غزال انصاری‌راد

شدم. پدر و مادرم آرشیو موسیقی داشتند و من از کودکی با پیانو جواد معروفی، صدای پریسا، موزیک محلی اقوام مختلف، صدای ایرج و محمد رضا شجریان و... بزرگ شدم.

مادرم نیز صدای خوشی داشت و بازیگر تئاتر بود؛ من هم با او چند بار به روی صحنه رفتم به این ترتیب، در شهری کوچک و در فضایی هنری بزرگ شدم. در نوجوانی خانواده که مانند همه دوست داشتند فرزندشان دکتر یا مهندس شود، اجازه کار تئاتر و رفتن به کلاس موسیقی را به من ندادند. در دانشگاه هنر پذیرفته شدم اما خانواده مانع شدند و در نهایت رشته معماری را انتخاب کردم که از فضای هنر دور نباشم. از ترم اول دانشگاه پنهانی کلاس آواز ثبت‌نام کردم. شهری که در آن درس می‌خواندم سه ساعت با شیراز فاصله داشت و من برای آموزش به شیراز می‌رفتم و بر می‌گشتم. بعدها این فاصله را برای آموزش تا تهران و شهرهای دیگر نیز طی کردم. برای من مسافت و خستگی معنایی نداشت.

اشتیاق من به آواز خواندن اجازه دیدن واقعیت را نمی‌داد و نمی‌دانستم که به زودی سیلی بزرگی خواهم خورد. اولین اجرای من روی صحنه به عنوان هم‌خوان در سال ۱۳۸۹ به کوشش استادم آقای امیر زارع و محسن آهنگیان (آهنگساز) بود. لذت خواندن روی صحنه تجربه شگفتی بود که برای اولین بار آنجا احساسش کردم. پدرم به این اجرا نیامد و تنها مادرم حضور داشت. پدرم پیشاپیش می‌دید آنچه را که من نمی‌دیدم و می‌دانست که به دردسر خواهم افتاد؛ به این طریق نمی‌خواست به طور مستقیم مشوق من باشد.»

غزال انصاری‌راد ادامه می‌دهد: «در سال ۱۳۹۳ یک گروه دوازده نفره که همگی خانم بودیم به روی صحنه رفتیم. تنظیم‌کننده و سرپرست گروه، سهند شکرزاده، قطعات را طوری تنظیم کرده بود که صداهای ما به طور مجزا شنیده می‌شد. ما در آن جشنواره برگزیده شدیم و باید در روز اختتامیه اجرا می‌کردیم. در آن روز اما تمام میکروفون‌های ما را قطع کردند تا صدای ما شنیده نشود، آنجا بود که اولین سیلی را خوردم و فهمیدم که قرار است لباس فولادی به تن کنم و این مسیر آسان نخواهد بود.

در سال ۱۳۹۷ موزیک ویدیویی به زبان محلی (لری) که من در آن به همراه یک خواننده زن و دو خوانند مرد تک‌خوانی می‌کردم منتشر شد که بسیار سر و صدا کرد و مورد استقبال قرار گرفت. از هم آنجا بود که مشکلات من به طور جدی شروع شد.

پنج سال به جرم آواز خواندن درگیر دو پرونده دادگاه بودم. در نهایت در پرونده دوم به یک سال حبس تعزیری محکوم شدم. مادرم به همراه وکیل با اعتراض به پرونده و دوندگی بسیار توانست حکم را از تعزیری به دو سال حبس تعلیقی تبدیل کند. خانه‌نشین و ممنوع‌الفعالیت شدم و افسردگی بر من غالب شد. تمام روز را در اتاقم می‌گذراندم. برای من ممنوعیت از خواندن مانند این بود که شما یک ساز خوش صدا دارید و به شما می‌گویند به دیوار قاب‌اش کن و به آن دست نزن.

پس از گذشت تقریبا دو سال پرونده قضایی‌ام بسته شد. مادرم به من گفت اگر می‌خواهی آواز بخوانی باید از این دیار کوچ کنی. پدرم هیچ نمی‌گفت، ولی از درون غصه می‌خورد. هرگز چشمان و نگاه محزونش را روزی که مجبور به مهاجرت شدم فراموش نخواهم کرد. در اندک زمانی پذیرش تحصیلی گرفتم و ایران را ترک کردم. از صفر شروع کردن در کشوری که شما در آن هیچکس نیستی آسان نیست. اما من بلند شدم تکه‌های شکسته‌ام را به هم بند زدم و دوباره از نو شروع کردم. هر بار که اینجا به روی صحنه می‌روم شور و اشتیاقی درونم شعله می‌گیرد که مرا هر روز مصمم‌تر از روز گذشته می‌کند. در این کشور جدید می‌توانم شب‌ها راحت و بدون ترس بخوابم و هراس این را نداشته باشم که ناگهان در خانه‌ام را می‌کوبند و مرا با خودشان به زندان می‌برند. من فعال سیاسی نیستم اما مثل تمام ایرانی‌ها خواستار آزادی، آسایش و رفاه برای ایران هستم. برای سومین‌بار امسال نه به جرم آواز خواندن بلکه با اتهامات سیاسی واهی در غیاب من در ایران برایم پرونده تشکیل داده‌اند و توقیف اموال شده‌ام. حساب بانکی را که مادرم برای پس‌انداز خودش از آن استفاده می‌کرد اما به اسم من بود را هم مسدود کرده‌اند.»

غزال انصاری‌راد در پایان اضافه می‌کند: «ما بیشماریم، از ضمیر جمع «ما» استفاده می‌کنم، زیرا هزاران نفر مثل من در ایران هستند که آواز می‌خوانند. صدای آواز زنان ایران را نمی‌توان خاموش کرد. ما از دورترین جای تاریخ می‌آییم و مانند بازی دومینو در ادامه یکدیگر هستیم. امیداوارم و مطمئن هستم که این دومینو به شادی و آزادی زنان و دختران خوش‌آواز سرزمینم ختم خواهد شد و یک روز دست در دست یکدیگر آواز آزادی سر خواهیم داد.»

از یک شعر لری:
«هوف و هوف دال ایا، دشت پر و مردار
شاهینم و قفسه، کلا ایزنه قار
صدای حمله‌ی کرکس‌ها می‌آید و دشت از مردار پر شده است
شاهینم در قفس مانده و کلاغ رها و آزاد قارقار سر می‌دهد»

غزال انصاری‌راد در ۱۹ دسامبر ۲۰۲۶ در Podium Mozaïek در شهر آمستردام به همراه موزیسین‌های ایرانی کنسرت خواهد داشت.

ادامه متن کامل سخنان شاهزاده رضا پهلوی در مراسم اهدای جایزه «آزادی»... از صفحه ۹

درواقع، هیچ مکانی بهتر از این سالن برای پذیرش جایزه آزادی وجود ندارد. در سال ۱۸۴۸ میلادی، آلمانی‌ها اولین پارلمان ملی خود را انتخاب کردند و نمایندگان را به اینجا، به «کلیسای پائول» فرستادند. نمایندگان شامل استادان دانشگاه، وکلا، بازرگانان و روحانیون بودند. آنها فهرستی از حقوق بنیادین را تدوین کردند: برابری در برابر قانون، آزادی مطبوعات، آزادی عقیده. آنها باور داشتند که قدرت باید محدود به قانون و پاسخگو در برابر شهروندان باشد. با وجود آرمان‌های بلندمرتبه و حتی شریف آنها اما قانون اساسی آنان هرگز اجرا نشد. با هر معیاری در آن زمان، آنها شکست خورده بودند.

کمی بیش از نیم قرن بعد، در سوی شرق؛ در سال ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۶ میلادی) در تهران، بازرگانان، روشنفکران و دیگر میهن‌پرستانی که به صورت مخفیانه سازماندهی شده بودند، تشکیل اولین پارلمان ایران، یعنی مجلس، را تحمیل کردند. آنها یکی از اولین قوانین اساسی را در آسیا نوشتند. آنها نیز دقیقاً به همان چیزی باور داشتند که مردان حاضر در این کلیسا در سال ۱۸۴۸ باور داشتند: اینکه کشور ملک طلق حاکمان مستبد نیست، بلکه متعلق به مردم است. دو ملت، با چهار هزار کیلومتر فاصله، در یک نسل به یک ایده مشترک دست یافتند؛ چشم‌اندازی از یک آینده دموکراتیک.

اما اگر با خود صادق باشیم، هیچکدام از این دو مسیر مستقیم نبود. راه آلمان از این سالن، از وایمار گذشت و سپس به ورطه نازیسم سقوط کرد. وعده مشروطیت ایران نیز در زیر سایه یک تئوکراسی اسلامی مدفون شد؛ رژیمی که اعلام کرد حاکمیت نه به مردم، بلکه به یک روحانی غیرمنتخب تعلق دارد که به هیچکس پاسخگو نیست. این رژیم‌های منحرف، علیه مردم خود و علیه اصول آزادی، دموکراسی و رهایی اعلان جنگ کردند.

اما این عمارت درسی می‌دهد که مستبدان هرگز یاد نمی‌گیرند: ایده‌های سال ۱۸۴۸ شکست نخوردند. آنها در ذهن انسان‌های آزاد زنده ماندند. و پس از تاریک‌ترین فصل در تاریخ این کشور، در قانون اساسی سال ۱۹۴۹ بازگشتند؛ قانونی که با این عبارت آغاز می‌شود که «کرامت انسانی خدشه‌ناپذیر است». آن بازگشت در برخی مواقع بعید و حتی غیرممکن به نظر می‌رسید. همین کلیسا در سال ۱۹۴۴ بر اثر بمباران به تلی از خاکستر و ویرانه تبدیل شد. با این حال، در سال ۱۹۴۸، آلمانی‌ها آن را از میان آوارها بازسازی کردند؛ جزو اولین ساختمان‌هایی بود که در این شهر دوباره سر برافراشت تا صدمین سالگرد آن پارلمان اول را گرامی بدارد. این گواهی است بر تشنگی برای آزادی؛ اینکه در میان همه چیزها، مردمی که در میان ویرانه‌ها ایستاده بودند، تصمیم گرفتند ابتدا خانه آزادی خود را بازسازی کنند. شما آزادی را فراموش نکردید.

خب، ما هم فراموش نکرده‌ایم! ملت ایران سال ۱۲۸۵ و مشروطه را فراموش نکرده است. جمهوری اسلامی ۴۷ سال تلاش کرد تا آنها را به فراموشی بسپارد، اما شکست خورد. ایده مشروطه‌خواهی، یعنی ایده که قدرت سیاسی باید در چارچوب قانون اساسی اعمال شود و توسط قوانینی ناشی از آن و اراده مردم اداره گردد، امروز در ایران زنده است: این ایده در وجود هر زن جوانی که بدون حجاب اجباری از کنار یک ایست بازرسی عبور می‌کند، زنده است؛ در وجود هر کارگری که دست به اعتصاب می‌زند، زنده است؛ در وجود هر دانشجویی که از سکوت امتناع می‌ورزد، زنده است، و در وجود هر جوان و نوجوانی که به خیابان می‌آید، زنده است.

می‌خواهم لحظه‌ای بر این تاریخ درنگ کنم، زیرا این تاریخ پاسخی است به پرسشی که بر هر بحثی درباره آینده ایران سنگینی می‌کند. به ما نیز گفته شده که آزادی و دموکراسی، پس گرفتن کشورمان از نیروهای اهریمنی و بازسازی آن از میان آوارها، بعید یا حتی غیرممکن است؛ و از قضا این حرف گاهی از سوی برخی در غرب زده می‌شود. هیچکس نیاز ندارد دموکراسی را به ایران صادر کند. حقوق بشر نیازی به واردات ندارد. آزادی [برای ایرانیان] یک مفهوم بیگانه نیست. ما ایرانیان وارثان تمدنی هستیم که خود در پایه‌گذاری آرمان‌های حقوق بشر، آزادی‌های فردی و کرامت انسانی پیشگام بوده است. اما آن تمدن، میهن ما و ملت ما، توسط یک غاصب غیرمشروع به گروگان گرفته شده است که نه تنها با آن آرمان‌ها مخالف است، بلکه از آنها متنفر است. جمهوری اسلامی دولت مشروع ایران نیست، بلکه نقطه مقابل هر آن چیزی است که ایران و ایرانیان نماد آن هستند.

جهان باید با چنین رژیمی چه می‌کرد؟ سال‌هاست که من علیه دو راه استدلال کرده‌ام:

علیه سیاست تماشاگر بودن و امتیاز دادن (مماشات و باج دادن)، که پول و مشروعیت را به رژیم تقدیم کرد در حالی که مردم ما را زندانی کرد و کشت.

و علیه جنگ، چرا که هیچ ایرانی نمی‌خواهد فرود آمدن بمب‌ها را بر سر کشور خود ببیند.

در عوض، من از راه سومی دفاع کردم: فشار حداکثری بر رژیم، و حمایت حداکثری از مردم ایران.

هر سال، دنیا راه امتیاز دادن را انتخاب کرد. و هر سال، ایرانیان بپا خاستند؛ در سال ۸۸، در سال ۹۶، در سال ۹۸، در سال ۱۴۰۱، و هربار رژیم با زندان‌های بیشتر و گلوله‌های بیشتر پاسخ داد. سپس دی‌ماه و بهمن‌ماه گذشته فرا رسید. میلیون‌ها نفر به خیابان‌ها آمدند. رژیم نزدیک بود کنترل را از دست بدهد. و به همین دلیل کشتار کرد. قتل عام کرد. رژیمی که می‌تواند ده‌ها هزار نفر از شهروندان خود را در عرض چند روز بکشد، دقیقاً به ما نشان داده است که چگونه قصد دارد بقای خود را حفظ کند. نمی‌توان از یک ملت بی‌دفاع خواست که با دست خالی، دولتی را که آماده است بدون محدودیت دست به کشتار بزند، شکست دهد.

بنابراین، با درد فراوان و قلبی اندوهگین بود که به این نتیجه رسیدیم که فشار نظامی بر ماشین سرکوب رژیم، شاید تنها راه باقیمانده برای تضعیف آن و دادن یک شانس منصفانه به مردم ایران باشد. مردم ایران این حق را داشتند که مورد محافظت قرار گیرند، و جهان در مواجهه با کشتاری در این ابعاد غیرقابل توصیف، مسئولیت داشت که از آنها محافظت کند. چرا؟ چون چاره دیگری نداشتیم. چون مردم به خیابان‌ها رفتند آنهم در حالی که خود را برای برخورد شدید آماده کرده بودند، اما آنچه با آن مواجه شدند یک سلاخی بود؛ یک قتل‌عام!

آنها از خود فیلم گرفتند در حالی که عینک شنا، شال‌گردن و ماسک پوشیده بودند. آنها برای گاز اشک‌آور آماده بودند. آنها آماده بودند تا مقاومت کنند و برای آزادی خود بجنگند. آنها نه تنها آماده بودند، بلکه به این آمادگی خود افتخار می‌کردند. ویدیوهایی ضبط می‌کردند و برای دوستانشان می‌فرستادند تا آنها را نیز برای آمدن به خیابان‌ها ترغیب کنند، و برای رسانه‌ها می‌فرستادند تا صدایشان باشند. اما آمادگی آنها حریف کلاشنیکف‌ها نشد. حریف شلیک به سر و اندام‌های حساس نشد. حریف قطع کامل اینترنت نشد. آمادگی آنها حریف یک حمله همه‌جانبه به سبک نظامی علیه معترضان بی‌گناه نشد که منجر به کشتار ۴۰،۰۰۰ نفر از آنان در ۴۸ ساعت گردید.

و به این ترتیب، بله، ما به این مداخله بشردوستانه نیاز داشتیم و بابت آن پوزش نمی‌طلبیم. همانطور که شما هشتم ماه مه را به عنوان روز آزادی جشن می‌گیرید، ایرانیان نیز از این احتمال که ممکن است آزاد شوند، ابراز خوشحالی کردند. هیچکس برای بمب‌ها شادی نمی‌کند. آنچه آنها برایش شادی کردند، امید به ضعیف شدن زندانبانان و اشغالگران کشورشان بود. ایرانیان خواستار هدف قرار گرفتن رژیم شدند: سپاه پاسدارانش، ابزارهای سرکوبش، و دستگاهی که تفنگ‌هایش را به سمت مردم ما نشانه می‌رود. ما خواستار مصون ماندن مردم ایران و زیرساخت‌های غیرنظامی آن هستیم. هر ایرانی بی‌گناهی که در این جنگ از دست برود، اندوهی است که من با خود حمل می‌کنم، و مسئولیت آن بر عهده رژیمی است که این جنگ را بر کشور ما تحمیل کرد.

اگرچه تاکتیک‌های ما مجبور به تغییر شد، اما اصول ما تغییر نکرد. در سال ۱۳۵۹، هنگامی که صدام حسین به ایران حمله کرد، من یک خلبان جنگنده جوان بودم. من درخواست کردم که بازگردم و برای کشورم، تحت همان حکومت جمهوری اسلامی، علیه یک متجاوز خارجی پرواز کنم. من حاضر بودم برای ایران زیر پرچم همان رژیمی بجنگم که خانواده‌ام را به تبعید فرستاده بود، زیرا ایران برایم در اولویت بود. هنوز هم هست. همیشه خواهد بود. آن اصل در آن زمان راهنمای من بود و اکنون نیز راهنمای من است: منافع ملی ایران و حاکمیت ملی ایرانیان.

هیچکدام از این دو تا زمانی که این رژیم سرپاست، تضمین نخواهند شد. رژیمی که مردم خود را قتل عام می‌کند، ثروت ملت را خرج جنگ‌های خارج از کشور می‌کند و ایران را به یک کشور مطرود و منزوی تبدیل می‌سازد، پاسدار حاکمیت ما نیست؛ بلکه بزرگترین تهدید برای آن است.

پس بگذارید شفاف بگویم: فشار از بیرون می‌تواند این رژیم را تضعیف کند. این امر ضروریست. اما نمی‌تواند جایگزین آن شود، و نباید سعی کند انتخاب کند که بعد از آن چه می‌آید! این تصمیم تنها و تنها متعلق به مردم ایران است.

این خط سیر بدون انقطاع ادامه دارد. مشروطه‌خواهان ۱۲۸۵؛ دانشجویان سال ۱۳۷۸؛ جوانانی که در سال ۱۳۸۸ پرسیدند «رای من کجاست؟» مردم از همه ادیان، زبان‌ها و پیشینه‌ها که در سال ۱۳۹۵ و سال‌های بعد از آن در آرامگاه کوروش بزرگ گرد آمدند تا اتحاد ملی و میراث گرانبهای حقوق بشر خود را یادآوری کنند. کارگران، معلمان و رانندگان کامیونی که دست به اعتصاب زدند و کشور را در اعتراضات سراسری سال‌های ۹۶ و ۹۸ هدایت کردند. زنانی که خیزش سال ۱۴۰۱ را رهبری کردند. و میلیون‌ها زن و مردی که در دی‌ماه [۴۰۴] خیابان‌ها را پر کردند. پنج نسل، یک خواسته: اینکه ایرانیان خود بر خویشتن حکومت کنند!

پایه‌های یک جامعه آزاد از پیش برقرار است. دانشگاه‌های ایران صدها هزار مهندس، پزشک و دانشمند تربیت می‌کنند که بسیاری از آنها زنان هستند. وکلا، فعالان کارگری، نویسندگان، فیلمسازان و کارآفرینان، شبکه‌هایی از اعتماد را در زیر گوش یک حکومت پلیسی بنا کرده‌اند. اینجا کشوری نیست که منتظر باشد کسی به آن دموکراسی بیاموزد؛ این کشوری است که از ثمرین دموکراسی منع شده است.

چند ماه پیش، یکی از اعضای بوندستاگ (پارلمان آلمان) از من پرسید: «آیا واقعاً فکر می‌کنید ایرانی‌ها برای دموکراسی آماده هستند؟» اعتراف می‌کنم که این سؤال گزنده

بود. اما سؤال جدیدی نیست و من آن را به دل نمی‌گیرم. شاید او فقط آنقدر شجاعت داشت تا آنچه را بسیاری در پایتخت‌های مختلف در خفا به آن فکر می‌کنند، با صدای بلند بگوید. پس بگذارید در اینجا، در خانه‌ای که آلمانی‌ها برای نخستین بار همین پرسش را از خود پرسیدند، به آن پاسخ دهم.

پاسخ در میدان‌های هر شهر و در هر شهر کشور من روشن است. ایرانیان دارند ثابت می‌کنند که برای دموکراسی آماده‌اند. آنها این را هربار که بدون سلاح به سمت مردان مسلح به مسلسل حرکت می‌کنند، ثابت می‌کنند. آنها این را زمانی ثابت می‌کنند که در کشوری بدون اتحادیه‌های آزاد، اعتصابات را سازماندهی می‌کنند و حقیقت را در کشوری بدون مطبوعات آزاد نشر می‌دهند. و در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، آنها بهای این پاسخ را با جان خود پرداختند. ملتی که حاضر است برای حق رأی بمیرد، آماده نیز هست تا حق رأی خود را اعمال کند! ملتی که می‌تواند در برابر گلوله‌ها در کنار هم بایستد، می‌تواند در پای صندوق‌های رای نیز در کنار هم بایستد!

شخصیتی که نام وی بر بنیاد شماست، فریدریش نائومان، باور داشت که دموکراسی را نمی‌توان از بالا اعطا کرد. دموکراسی به شهروندان مسئولیت‌پذیری نیاز دارد که پای آن بایستند، و او مدرسه‌ای را برای آموزش آنها تأسیس کرد. شهروندان ایران چنین مدرسه‌ای نداشته‌اند. کتاب‌هایشان سانسور شده، معلمانشان زندانی و اینترنت‌شان قطع شده. و با این حال، آنها در سخت‌ترین کلاس درسی که وجود دارد، به شهروندانی واقعی تبدیل شده‌اند. آنها حقوق خود را با محروم شدن از آنها آموختند. آنها معنای قانون را با زندگی در شرایط بی‌قانونی یاد گرفتند. نائومان آنها را در همان نگاه اول می‌شناخت.

مردم ایران، این شهروندان شجاع، مانند زنان و مردانی هستند که این کلیسا را دوباره ساختند و مانند زنان و مردانی که در سراسر اروپا در صفوف مقاومت علیه فاشیسم جنگیدند. مبارزه مردم ایران علیه این فاشیسم مذهبی در ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه متوقف نشده. این مبارزه امروز نیز، همین حالا که صحبت می‌کنیم، ادامه دارد. آنچه دنیا به ندرت می‌شنود این است که این مبارزه مستمر چه شکلی دارد: شجاعت فوق‌العاده، تاب‌آوری و ایستادگی ایرانیان عادی، به ویژه خانواده‌هایی که عزیزانشان توسط جمهوری اسلامی به قتل رسیده‌اند.

رژیم تلاش کرد تا آنها را از طریق کشتار و انزوا درهم بشکند، اینترنت را در جریان کشتار دی‌ماه قطع کرد و بعداً یک «بلاک‌اوت» ۸۸ روزه را تحمیل کرد که طولانی‌ترین قطع اینترنت در جهان است. اما آنها درهم نشکستند. در آرامگاه‌ها، در خانه‌ها، محل‌های کار، دانشگاه‌ها و زندان‌ها، ایرانیان در حال بازسازی نیروی خود و یافتن راه‌های جدیدی برای زنده نگه داشتن مبارزه هستند. مقاومت آنها از بین نرفته، بلکه تکامل یافته است.

رژیم توتالیتر می‌خواهد نام و یاد قربانیان را در خاک فراموشی دفن کند. درست همانطور که ملت یهود نام و یاد قربانیان هولوکاست را ثبت و جاودانه کرد، ایرانیان نیز همین کار را می‌کنند. این جایزه به شجاعت و فداکاری آنها در مبارزه برای آزادی و حق تعیین آینده ایران، ادای احترام می‌کند. در حالی که جهان عمدتاً از جنگ و مذاکرات سخن می‌گوید، من اینجا ایستاده‌ام تا از شجاعت آنها، از ایمان تزلزل‌ناپذیرشان به این آرمان و عزم راسخ آنها برای غلبه بر هر مانعی تا پیروزی صحبت کنم. بنیاد تصمیم گرفت تا از خیل عظیمی که نام‌شان ناشناخته است تجلیل کند. میراث آنها برای همیشه در صفحات تاریخ ما زنده خواهد ماند.

در پایان آذرماه سال گذشته، ایرانیان به خیابان‌های شهرها و شهرک‌های سراسر کشور سرازیر شدند. آنها مسلح نبودند. آنها پرچم‌ها، تلفن‌ها و صدای خود را به همراه داشتند. در ۱۸ دی‌ماه، رژیم اینترنت را قطع کرد. در برخی شهرها، برق را هم قطع کرد. و در تاریکی، در طول دو روز، نیروهایش کاری را انجام دادند که برایش آماده شده بودند. تک‌تیراندازها بر روی پشت‌بام‌ها. و گلوله‌های جنگی به سمت سرها و سینه‌ها نشانه رفتند. معترضان مجروح، بجای اینکه درمان شوند و به آنها اکسیژن رسانده شود، به چشمانشان شلیک شد و در تخت‌های بیمارستان به قتل رسیدند. کادر درمان، بجای اینکه بتوانند مجروحان را مداوا کنند، مجبور بودند درهای بیمارستان را سنگربندی کنند و به خاطر کمک به شهروندان در حال مرگ، مورد تعرض جنسی قرار گرفتند. خانواده‌ها مجبور شدند پیش از خاکسپاری فرزندانشان پول پرداخت کنند. بیش از ۴۰،۰۰۰ ایرانی کشته شدند. این مرگبارترین سرکوب در تاریخ جمهوری اسلامی بود. این یک قتل عام بود. دخترانی که توسط پدران در حال مرگشان سپر شدند. پسرانی که در حال گرفتن دست مادرانشان کشته شدند. اینست جمهوری اسلامی.

امروز، ما اعضای خانواده برخی از شجاعانی را در میان خود داریم که در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی به خیابان‌ها رفتند و هرگز به خانه بازنگشتند. امروز، خانم‌ها و آقایان، ما در حضور خانواده‌های قهرمانان ایستاده‌ایم. خواهش می‌کنم به افتخار آنها برخیزید.

کمتر ملتی بهتر از این ملت درک می‌کند که برخی تاریخ‌ها، تاریخ یک ملت را به قبل و بعد تقسیم می‌کنند. آلمان دموکراسی خود را بر پایه وظیفه به یاد آوردن و بر این باور بنا کرده است که یادآوری یک بارِ سنگین نیست، بلکه یک زیربنا و پایه است. برای ایرانیان، ۱۸ و ۱۹ دی همان خط فاصل است. این زخم در مرکز حافظه ملی قرار گرفت. وقتی ایرانیان به ۱۸ و ۱۹ دی می‌گویند «هرگز دوباره»، منظورشان همان منظور شماست: هرگز دوباره دولتی نداشته باشند که با شهروندان خود مانند دشمنانی رفتار کند که باید نابود شوند. هرگز دوباره سکوت جهان در زمان وقوع آن تحمل نشود. و هرگز دوباره مصونیت برای کسانی وجود نداشته باشد که دستور کشتار صادر کردند.

این شعاریست که در خیابان‌های ایران می‌شنوید؛ در مراسم خاکسپاری‌هایی که به اعتراض تبدیل می‌شوند؛ از پشت‌بام‌ها و در شب‌ها؛ از محوطه دانشگاه‌ها و کوچه و بازار: آزادی! آزادی! آزادی!

شما بنیادِ آزادی هستید و این جایزه آزادی است. شما نمی‌توانستید ملتی را انتخاب نکنید که این کلمه را بهتر از شاید هر ملت دیگری در جهان درک می‌کند. اما آزادی تنها یک شعار نیست. آزادی باید به یک نظم تبدیل شود: قوانین، نهادها، و یک قانون اساسی. به همین دلیل است که با گسترش مبارزه، من چهار اصل را پیشنهاد کردم که هر ایرانی که خواهان کشوری آزاد است می‌تواند با اتکا بر آنها در کنار هم بایستند. من می‌خواهم امروز آنها را همانگونه که واقعاً هستند توصیف کنم: چهار آزادی.

اولین مورد، آزادی خود ایران است. تمامیت ارضی ایران. تنها در یک ملت- دولت واحد، امن، باثبات و یکپارچه است که آزادی‌های ما می‌توانند شکوفا شوند.

دوم، آزادی فرد است. آزادی‌های فردی و تساوی در برابر قانون. حقوق یکسان برای زنان و مردان. حقوق یکسان برای هر شهروند، با هر زبان، هر منشأ یا هر عقیده‌ای. ایران کشوری است غنی از زبان‌ها، فرهنگ‌ها و سنت‌ها و ایران بطور مساوی به همه آنها تعلق دارد؛ و در یک ایران آزاد، هیچ شهروندی مجبور نخواهد بود بین آنچه هست و کشوری که دوست دارد، یکی را انتخاب کند.

سوم، آزادی وجدان و عقیده است. یک دموکراسی سکولار، با جدایی دین از حکومت. این به معنای دشمنی با دینداری نیست، بلکه محافظت از آن است. شیعه و سنی، بهایی، مسیحی، یهودی، زرتشتی و کسانی که به هیچ آیینی باور ندارند. در یک ایران آزاد، حکومت متعلق به همه آنها خواهد بود زیرا بطور انحصاری به هیچیک از آنها تعلق ندارد.

چهارم، آزادی انتخاب است. حق ملت ایران برای تعیین شکل حکومت آینده خود، بطور آزادانه و در پای صندوق‌های رای.

لطفاً توجه کنید که چه چیزی در این لیست نیست. هیچ نامی، هیچ حزبی، هیچ سیستم حکومتی در آن نیست، زیرا همه آن انتخاب‌ها متعلق به مردم است. من این حق را از آنها نخواهم گرفت؛ و به دیگران نیز اجازه این کار را نخواهم داد. این چهار آزادی، برنامه یک جریان سیاسی نیست. این پلتفرم همکاری دموکراتیک است که یک ملت می‌تواند به آن اتکا کند.

و یک ایران آزاد، دست دوستی خود را به فراتر از مرزهایش نیز دراز خواهد کرد. این کشور به درگیری‌هایی که این رژیم در سراسر منطقه ما به راه انداخته پایان خواهد داد و با همه همسایگان خود، از جمله اسرائیل، صلح خواهد کرد. ملت ایران هرگز دشمن هیچ ملتی نبوده است.

ایران خانه خانواده‌های سیاسی مختلف و اغلب ستیزه‌جو است. برخی نوشته‌اند که من نباید کسی باشم که این جایزه را دریافت می‌کند. می‌خواهم بطور مستقیم و با احترام به آنها پاسخ دهم:

اول اینکه: سپاسگزارم. شما توانستید مخالفت خود را آزادانه، در روزنامه‌های آلمانی و در خیابان‌های آلمان، بدون ترس از دستگیری یا گلوله بیان کنید. این دقیقاً همان آزادی است که من برای برقراری‌اش در تهران می‌جنگم.

دوم اینکه: این جایزه متعلق به شما نیز هست. بنیاد این جایزه را به من یا به هیچ جناحی نداده است. آن را به ملت ایران داده، و شما هم به اندازه هر کس دیگری در این سالن، ملت ایران هستید.

سوم اینکه: دست من به سوی شما دراز است. به سوی مشروطه‌خواهان و جمهوریخواهان. به سوی چپ و راست. به سوی خداباوران و سکولارها. به سوی کسانی که در حمایت از من شعار دادند و کسانی که علیه من شعار دادند. اگر این چهار آزادی، این چهار اصل را قبول دارید، پس ما در یک جبهه هستیم و برای شما در این مبارزه و در ایرانی که پس از آن می‌آید، جایگاهی وجود دارد. نیازی نیست درباره گذشته توافق داشته باشیم تا درباره آینده توافق کنیم!

حال بگذارید کلامی با هم‌میهنانم در خارج کشور بگویم؛ بسیاری از شما که امروز در این سالن هستید و کسانی که در سراسر جهان این برنامه را تماشا می‌کنید، به داخل ایران نگاه کنید. در داخل کشور، مردمی که در موارد بسیاری با هم اختلاف نظر دارند، شانه به شانه هم قدم برمی‌دارند. برای آنها این یک بحث حزبی نیست؛ مسئله مرگ و زندگی است. جمهوری اسلامی باید برود تا جان آنها و جان کشورمان نجات یابد. آنها اجازه نمی‌دهند اختلافات ایدئولوژیک، آنان را در برابر گلوله‌ها از هم جدا کند. بنابراین ما در خارج کشور، با هزینه‌ای بسیار کمتر، قطعاً نباید بگذاریم این اختلافات ما را پراکنده کند. اختلافات ما واقعی هستند و اهمیت دارند. ما آنها را به روشی که انسان‌های آزاد انجام می‌دهند، حل خواهیم کرد: در پای صندوق‌های رای! اما آن روز تنها پس از رفتن این

رژیم فرا می‌رسد. تا آن زمان، هر ایرانی که خود را میهن‌پرست می‌نامد باید اولویت را تشخیص دهد. جنگ ما با رژیم است، نه با یکدیگر.

خطاب به دوستان آلمانی خود و کسانی که در مقامات انتخابی یا انتصابی هستید؛ من برای سپاسگزاری نیامده‌ام. بلکه آمده‌ام تا سه موضوع را درخواست کنم.

اول، عدالت. دادگاه‌های آلمان در کوبلنتز نشان داده‌اند کسانی که مردم خود را شکنجه می‌کنند می‌توانند فراتر از خانه خود محاکمه شوند. با جنایات ۱۸ و ۱۹ دی نیز به همین روش برخورد کنید. نام مسئولان را اعلام کنید و به هر فرماندهی که هنوز در حال تصمیم‌گیری برای شلیک به مردم خود است نشان دهید که جهان در حال ثبت سوابق آنهاست.

دوم، ارتباطات. مهم‌ترین سلاح رژیم در ۱۸ دی تفنگ نبود؛ دکمه‌ی قطع کردن ارتباطات بود. به ایرانیان کمک کنید تا به اینترنت و در نتیجه به یکدیگر و به جهان متصل بمانند.

سوم، هیچ توافقی پشت سر مردم ایران انجام نشود. هر توافقی که این رژیم را در قدرت نگه دارد، آرامش کوتاه‌مدتی می‌خرد ولی بهای آن را با جان ایرانیان و با جان شما، جان انسان‌های آزاد در اینجا در آلمان، در اروپا و سراسر جهان، پرداخت می‌کند. حمایت جمهوری اسلامی از پوتین در جنگ اوکراین و فعالیت‌های تروریستی مستمر تهران در اروپا، از جمله سازماندهی حمله خنثی‌شده به پایگاه هوایی «فیرفورد»، ثابت می‌کند که این رژیم خطری نزدیک برای ثبات اروپاست. ایستادن در کنار مردم ایران در مبارزه‌شان برای سرنگونی جمهوری اسلامی دیگر یک اقدام خیریه یا موضع حقوق بشری دوردست نیست، بلکه یک ضرورت امنیتی مطلق برای دفاع و حفظ جهان آزاد است.

همچنین از ایرانیانی که در میان شما زندگی می‌کنند محافظت کنید. تعداد زیادی از آنها توسط ماموران رژیم در اینجا در آلمان زیر نظر هستند و تهدید می‌شوند. این کشور این درس را با هزینه‌ای سنگین در یک رستوران در برلین در سال ۱۹۹۲ (رستوران میکونوس) آموخت، و بار دیگر زمانی که رژیم جمشید شارمهد، یک شهروند آلمانی را اعدام کرد. سرکوب فراملی باید هزینه‌ای داشته باشد.

تا دو روز دیگر، آلمان شبی را که دیوار برلین فروریخت (نهم نوامبر) به یاد خواهد آورد. ۳۷ سال پیش، دیواری که دائمی به نظر می‌رسید، توسط مردم عادی باز شد که تصمیم گرفتند دیگر نترسند. هیچکس در این سالن در سال ۱۹۸۸ جرأت پیش‌بینی آن را نداشت. دیکتاتوری‌ها اینگونه به پایان می‌رسند: به آرامی، و سپس ناگهان یکباره.

آن روز برای ایران در حال فرارسیدن است. وقتی آن روز از راه برسد، من آماده خواهم بود تا این جایزه را به مردم ایران تحویل دهم. هنگام انجام این کار، به آنها خواهم گفت: بنیادی در آلمان به آنها باور داشت، پیش از آنکه جهان به آنها باور بیاورد، و شاید حتی پیش از آنکه خودشان به خودشان باور داشته باشند. تا آن روز، من از آن محافظت خواهم کرد. آن را نگاه خواهم داشت، همانطور که هزاران قهرمانی را که جان باختند تا دیگران آزاد زندگی کنند، یادشان را نگاه می‌دارم.

مردمی که این کلیسا را در سال ۱۹۴۸ از میان ویرانه‌ها بازسازی کردند، نمی‌دانستند آلمان چه خواهد شد. آنها به هر حال آن را ساختند، زیرا باور داشتند که آزادی شایسته‌ی داشتن یک خانه است، پیش از آنکه خانه‌ای داشته باشند. مردم ایران نیز اکنون در حال ساختن آن خانه هستند. با شجاعت خود، با فداکاری خود و با یک کلمه واحد که رژیم هرگز موفق به ساکت کردنش نشده است: آزادی!

سپاسگزارم. «Vielen Dank

ادامه یک بازنشر خواندنی از سال ۱۳۸۱؛کنفرانس خبری شاهزاده رضا پهلوی.... از صفحه ۱۵

از طرف دیگر، در این مدت جهان هم تشخیص داد که رژیم روحانیون حاکم بر ایران قابل اعتماد نیست. همه این‌ها قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد و سرانجام با این حادثه جهانیان نیز پی بردند که مردم ایران از تروریسم هم رنج می‌برند.

خبرنگار خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی، در سئوالی که آمیخته با یک رشته اتهامات علیه محمدرضا شاه فقید و نظام پیشین ایران بود گفت در زمان پدر شما مخالفان را به زندان می‌انداختند و سوابق زیادی در دست است که این مخالفان را شکنجه می‌دادند. از طرف دیگر رژیم گذشته ایران حکومت ملی دکتر مصدق را که مورد تائید مردم بود در سال ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) در یک کودتا که با همکاری سازمان سیا و اینتلیجنت سرویس انجام شد سرنگون کرد. علاوه بر این پدر شما مبالغ هنگفتی از ثروت مملکت را از کشور خارج کرد. آیا شما اگر به ایران باز گردید بابت این موارد از مردم معذرت خواهید خواست؟

شاهزاده رضا پهلوی گفت این مایه خوشحالی است که به سبب آزادی بیان، شما هم می‌توانید اینگونه سئوالات را مطرح کنید.

اما برای من شگفت‌آور است که آنچه می‌گوئید واقعاً درست است و به آن اعتقاد دارید یا اینکه تنها یک سلسله اتهامات و حدس و گمان را مطرح می‌کنید. قبل از هر چیز این را بگویم که من تنها افکار و اندیشه‌های خودم را نمایندگی می‌کنم و از این بابت هیچ موردی برای معذرت‌خواهی وجود ندارد. ولی این نکاتی را که عنوان می‌کنید تنها یک تعدادی اتهام و حدس و افتراست که در ۲۴ سال گذشته بطور دائم از سوی رژیم جمهوری اسلامی تکرار شده و هدف از آن هم این است که اعتبار و ارزش نظام پیشین ایران و همچنین اعتبار و منزلت پدرم را خدشه‌دار کنند. اما با این حال مردم در این مدت به اندازه کافی درباره رویدادهای ایران در نظام پیشین مطالعه کرده و آگاهی‌های وسیعی در این زمینه به دست آورده‌اند. به همین دلیل دیگر این گونه افتراها و اتهام‌ها را باور ندارند. به عنوان مثال در مورد اتهامات مالی و خارج کردن ثروت از مملکت که مطرح کردید با اطمینان کامل می‌گویم که چنین مسأله‌ای اساساً صحت ندارد. اتهامات بی‌اساسی است که صرفاً برای خدشه‌دار کردن شخصیت و اعتبار پدرم عنوان می‌شود وگرنه تاکنون حتی یک سند و مدرک د راین زمینه ارائه نشده و این در حالی است که رژیم اسلامی به همه اسناد و مدارک دوران گذشته دسترسی دارد. مسأله این است که ما باید تحلیل‌های خود را براساس واقعیت‌ها استوار کنیم و توجه داشته باشیم که میان اتهام و واقعیت فاصله زیادی وجود دارد. با همه این احوال من به شخصه پاسخگوی آنچه در نظام گذشته اتفاق افتاده نیستم و اگر احیاناً در مواردی اصول حقوق بشر زیر پا گذاشته شده باشد طبعاً مورد تائید من نخواهد بود. ولیکن نظر من این است که پس از تغییر رژیم، در حکومت آینده کمیسیون‌های ویژه حقیقت یاب باید تشکیل شود و با همکاری صاحب‌نظران، تحلیل‌گران و افراد صالح، با مطالعه و تفحص در اسناد و گزارش‌ها، واقعیت این رویدادها روشن شود. از نظر من که یک شخص مدرن متفکر و پراگماتیک هستم، آنچه اهمیت دارد آینده ایران و آینده مردم ایران است، نه تنفر و کینه‌ای باید وجود داشته باشد و نه قصد انتقام‌گیری در کار باشد. مسائل گذشته را هم باید به کمیسیون‌های حقیقت‌یاب سپرد تا حقایق را آشکار سازند.

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت شما از حقیقت صحبت کردید. این دیگر یک حقیقت آشکار است که حکومت ملی دکتر مصدق توسط یک کودتای آمریکائی ـ انگلیسی سرنگون شد و این چیزی است که همه به آن باور دارند.

رضا پهلوی گفت گرچه بیشتر ترجیح می‌دهم که در مورد آینده گفتگو کنم تا گذشته ولی در پاسخ شما به این



نکته اشاره می‌کنم که اینکه دولت دکتر مصدق سقوط کرد تردیدی درآن نیست. امّا اینکه چه عواملی در سقوط حکومت وی تأثیرگذار بود و چه عللی، اعم از داخلی و خارجی، دست به دست هم داد تا کار به اینجا کشید، این‌ها مسائلی است که باید پژوهشگران و تاریخ‌نویسان در مورد آن بررسی کنند و حقایق را روشن سازند. طبیعی است که تا این بررسی‌ها انجام نشود به تحلیل واقعی و روشنی در این زمینه دست نمی‌یابیم.

در پایان، مدیر تلویزیون رنگارنگ لندن که این برنامه را برای پخش سراسری ضبط می‌کرد، گفت: شما در ۲۴ سال گذشته فعالیت چشمگیری در راه مبارزه برای آزادی نشان داده و اکنون نیز این فعالیتها را گسترش داده‌اید. با توجه به تواناییها و قابلیتهایی که در شما وجود دارد تصور نمی‌کنید اگر در آینده نقش پادشاه را عهده‌دار شوید، عملا به دلیل اینکه پادشاه فردی غیر مسئول است، استفاده از این تواناییها و ظرفیتها امکان‌پذیر نیست و آیا بهتر این نیست که شما در آینده نقش رئیس جمهوری را عهده‌دار شوید؟

رضا پهلوی گفت همچنان که بارها تأکید کرده‌ام آنچه اکنون اهمیت دارد، رهایی ایران و دستیابی مردم به یک رفراندوم آزاد برای تعیین نوع حکومت دمکراتیک آینده است. وظیفه‌ای که برای خود قائلم با دستیابی مردم به این رفراندوم، خاتمه می‌یابد و این دیگر با مردم ایران است که چه نظامی را انتخاب کنند و چه نقشی را به من واگذار نمایند. از نظر من اینکه در آینده نقش پادشاه داشته باشم یا رئیس جمهوری یا حتی یک شهروند عادی باشم، هیچ تفاوتی ندارد.

*این گزارش نخستین بار بهمن ۱۳۸۱/ ژانویه ۲۰۰۳ در شماره ۹۴۱، کیهان لندن چاپ و منتشر شد.

فروش اعضای بدن؛ تنها راه خروج از باتلاق فقر برای بخشی از کم‌درآمدها

بررسی آمارها نشان می‌دهد، در ایران اهدای اعضای بدن نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته اما در مقابل فروش اعضای بدن افزایش داشته است. این تغییر رویه بیانگر اینست که فقر و تنگدستی بسیاری از شهروندان را به سمت فروش اعضای بدن کشانده است.

خبرگزاری «ایلنا» در یک گزارش میدانی به افزایش تبلیغات فروش اعضای بدن از سوی شهروندان نیازمند و کم‌درآمد اشاره کرده و نوشته: «پشت هر شماره تلفن، انسانی قرار دارد که زیر فشار بدهی‌های کمرشکن، هزینه مسکن و تنگنای معیشت، فروش بخشی از بدنش را راهی برای جبران کسری زندگی می‌بیند.»

یک آگهی مربوط به یک پیک موتوری ۳۰ ساله است که به علت بدهی ناچار شده فروش کلیه‌اش را آگهی کند. آگهی دیگر به یک مرد ۴۵ ساله تعلق دارد که به علت بحران‌های مالی ناچار شده از شهر تهران به شهرک پرند مهاجرت کند اما حتی قادر به پرداخت رهن مسکن در پرند هم نیست و برای تأمین معیشت خانواده‌اش و پرداخت هزینه رهن خانه فروش کلیه‌اش را آگهی کرده است.

افزایش تورم در کنار سقوط قدرت خرید خانوارها سبب شده حتی اشتغال دو شیفت روزانه نیز هزینه‌های ضروری خانوارهای کم‌درآمد را پوشش ندهد. در این میان بروز یک هزینه پیش‌بینی نشده مانند بیماری خاص یا نیاز به عمل جراحی یکی از اعضای خانواده و یا هزینه‌هایی مانند تحصیل فرزندان در دانشگاه که منابعی برای آن وجود ندارد، می‌تواند کل معادله مالی یک خانواده را بهم بریزد.

رقم سبد معیشت که شامل هزینه‌های ضروری یک خانوار سه نفره است به حدود ۱۰۰ میلیون تومان در ماه رسیده است. در آنسو اما رقم حقوق کارگران در صورت دریافت همه مزایای شغلی ۲۵ میلیون تومان، و حقوق ماهانه بازنشستگان و بخش قابل توجهی از کارمندان دولت نیز بین ۲۵ تا ۴۰ میلیون تومان است.

افزایش تورم در کنار سقوط قدرت خرید خانوارها سبب شده حتی اشتغال دو شیفت روزانه نیز هزینه‌های ضروری خانوارهای کم‌درآمد را پوشش ندهد. در این میان بروز یک هزینه پیش‌بینی نشده مانند بیماری خاص یا نیاز به عمل جراحی یکی از اعضای خانواده و یا هزینه‌هایی مانند تحصیل فرزندان در دانشگاه که منابعی برای آن وجود ندارد، می‌تواند کل معادله مالی یک خانواده را بهم بریزد. در چنین شرایطی فروش اعضای بدن تنها راه باقیمانده برای نیازمندانی است که برای بقا تلاش می‌کنند.

بررسی آمارها نشان می‌دهد، در ایران اهدای اعضای بدن نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته اما در مقابل فروش اعضای بدن افزایش داشته است. این تغییر رویه بیانگر اینست که فقر و تنگدستی بسیاری از شهروندان را به سمت فروش اعضای بدن کشانده است.

در همین رابطه امید قبادی، نایب رئیس انجمن اهدای عضو ایرانیان، اردیبهشت امسال اعلام کرده بود که ایران سال‌ها رتبه اول اهدای عضو در آسیا را داشت، اما این روند ظرف دو سال گذشته و به ویژه در دوران جنگ کاهش شدیدی داشته است.

طبق اعلام انجمن اهدای عضو ایرانیان در بهار ۱۴۰۵، ۲۷ هزار نفر در لیست انتظار پیوند عضو قرار داشتند که ۷۰ تا ۸۰ درصد این بیماران نیاز به کلیه داشتند. از سوی دیگر آمار ارائه شده از سوی انجمن اهدای عضو ایرانیان نشان می‌دهد که هر دو تا سه ساعت یک بیمار در فهرست انتظار



پیوند، جان خود را از دست می‌دهد. این ارقام نشان می‌دهد سمت تقاضا برای دریافت اعضای بدن نیز سنگین است و در شرایطی که آمار اهدای رایگان اعضای بدن کاهش یافته، خانواده‌هایی که توان مالی دارند، برای حفظ جان بیمارشان به سمت خرید اعضای بدن می‌روند.

خبرگزاری «ایلنا» در یک گزارش میدانی به افزایش تبلیغات فروش اعضای بدن از سوی شهروندان نیازمند و کم‌درآمد اشاره کرده و نوشته: «پشت هر شماره تلفن، انسانی قرار دارد که زیر فشار بدهی‌های کمرشکن، هزینه مسکن و تنگنای معیشت، فروش بخشی از بدنش را راهی برای جبران کسری زندگی می‌بیند. این دیوارها فقط محل نصب آگهی نیستند؛ هرکدام نشانی از گرفتاری مالی خانواده‌ای هستند که به آخر خط رسیده است.»

بر اساس این گزارش، کارگران ساختمانی، پیک موتوری، مردان شاغل در مشاغل آزاد و افرادی با سنین متفاوت از جمله فروشندگان اعضای بدن هستند.

این گزارش به قیمت‌های متفاوت پیشنهادشده از سوی فروشندگان اشاره کرده و نوشته: «هر کدام متناسب با نیاز مالی خود، مبلغی برای فروش عضو در نظر گرفته‌اند.»

یکی از کارکنان بیمارستان «صدرا» تهران به خبرگزاری «ایلنا» گفته: «اگر وارد خیابانی بشی که انجمن حمایت از بیماران کلیوی توش قرار داره، روی در و دیوار پر از شماره تلفنه. اگر بخوای از مسیر رسمی اقدام کنی و توی صف بمونی، ممکنه تا چهار سال هم نوبتت نشه. کسی که بیمار داره نمیتونه این همه مدت ریسک کنه و منتظر بمونه؛ برای همین خیلی‌ها سراغ خرید کلیه می‌روند.»

او درباره تقاضا و قیمت کلیه گروه‌های مختلف خونی می‌گوید: «قیمت‌ها معمولاً زیر سه، چهار میلیارد تومن نیست. البته برای گروه خونی O مثبت شاید با ۸۰۰ میلیون هم بشه کلیه پیدا کرد، اما برای گروه‌های خونی خاص و کمیاب، قیمت به چهار، پنج میلیارد هم می‌رسه.»

یک آگهی مربوط به یک پیک موتوری ۳۰ ساله است که به علت بدهی ناچار شده فروش کلیه‌اش را آگهی کند. آگهی دیگر به یک مرد ۴۵ ساله تعلق دارد که به علت بحران‌های مالی ناچار شده از شهر تهران به شهرک پرند مهاجرت کند اما حتی قادر به پرداخت رهن مسکن در پرند هم نیست و برای تأمین معیشت خانواده‌اش و پرداخت هزینه رهن خانه فروش کلیه‌اش را آگهی کرده است.

یکی دیگر از افرادی که برای فروش عضو آگهی گذاشته، کارگر ساختمانی ۳۳ ساله‌ای است که علاوه بر کلیه و کبد، از فروش مغز استخوان نیز صحبت می‌کند: «برای فروش مغز استخوان چهار میلیارد تومن می‌خوام. برای کبد و کلیه هم آگهی گذاشتم. همه آزمایش‌های چکاپ و مدارک سلامت رو هم دارم و از نظر جسمی کاملا سالمم. ۳۳ سالمه و سنگ‌کار ساختمانم. کمتر از این مبلغ نمی‌تونم بفروشم.»

بر اساس گزارش «ایلنا»، فروشندگان اعضای بدن خود را نمی‌فروشند تا زندگی بهتر یا رفاه بیشتر داشته باشند بلکه اکثر آنها به علت بدهی یا تأمین هزینه‌های ضروری زندگی ناچار به فروش اعضای بدن شده‌اند.

در این گزارش آمده، برای یک کارگر ساختمانی، به ویژه سنگ‌کار، سلامت جسمی و توان بدنی، سرمایه اصلی اشتغال است. او با همین توان جسمی کار می‌کند و پول درمی‌آورد اما حالا برای جبران کسری زندگی به فروش بخشی از همان بدن فکر می‌کند. در این روایت، مسئله معیشت از کمبود درآمد فراتر می‌رود: کارگری که ابزار اصلی کارش بدن اوست، برای تأمین هزینه‌های زندگی به معامله بر سر سلامت خود رسیده است.

بازار سیاه اما پررونق فروش اعضای بدن در ایران، ارتباط مستقیمی با بحران‌های عمیق اقتصادی و معیشتی دارد.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم سالانه در مهرماه ۱۴۰۵ به ۷۶/۸ درصد رسید؛ تورم موادغذایی نیز طی یک سال گذشته بیش از صد درصد افزایش داشته است. تورم ماهانه نیز در مهرماه از ۴/۲ درصد در شهریور به ۴/۴ درصد در مهرماه رسید. در همین ماه، قیمت‌ها در گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات ۲/۴ درصد و در گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات ۵/۸ درصد افزایش یافت.

از سوی دیگر برآورد اقتصاددانان نشان می‌دهد، رقم سبد معیشت که شامل هزینه‌های ضروری یک خانوار سه نفره است به حدود ۱۰۰ میلیون تومان در ماه رسیده است. در آنسو اما رقم حقوق کارگران در صورت دریافت همه مزایای شغلی ۲۵ میلیون تومان، و حقوق ماهانه بازنشستگان و بخش قابل توجهی از کارمندان دولت نیز بین ۲۵ تا ۴۰ میلیون تومان است.

این اختلاف عمیق میان درآمد غالب جمعیت کشور با هزینه زندگی، در کنار نبود حمایت‌های دولتی برای کمک به تأمین خوراک ضروری و مسکن خانوارها، زندگی بسیاری از شهروندان را به بن‌بست کشانده است. برای بسیاری از شهروندان خروج از این بن‌بست، فروش اعضای بدنی است که در راه کسب درآمد به آن نیاز دارند. اینهمه نشان می‌دهد ناامیدی از آینده سبب شده کارگری که سلامت بدنی مهمترین سرمایه او برای کسب درآمد است، بطور همزمان کلیه، کبد و مغز استخوان خود را برای فروش آگهی کند.

ادامه گزارش اختصاصی؛ سفر شاهزاده رضا پهلوی به بروکسل .....

از صفحه۶

در این رویداد، دانیال عیوضی که دفتر شاهزاده رضا پهلوی از وی به عنوان یکی از جان‌به‌دربردگان سرکوب‌های اعتراضات ماه ژانویه یاد کرده، به همراه سارا صادقی محسنی و ارسلان خوبی‌پور که برادران خود را در جریان سرکوب‌ها از دست داده‌اند، حضور داشتند. حضور آنان فرصتی فراهم آورد تا روایت‌های مستقیم جان‌به‌دربردگان و خانواده‌های جان‌باختگان نیز در کنار درخواست شاهزاده رضا پهلوی برای اقدام عملی کشورهای اروپایی، بازتاب پیدا کند.

نگرانی‌های امنیتی که مبنای این درخواست‌ها قرار گرفته، پیشتر نیز در گزارش‌ها و مواضع رسمی نهادها و دولت‌های اروپایی بازتاب یافته است. در بیانیه‌ی مشترکی که روز ۱۲ اکتبر از سوی شماری از دولت‌های اروپایی و متحدان آنان منتشر شد، مجموعه‌ای از اقداماتی که به تهران نسبت داده می‌شود، از طراحی توطئه‌های مرگبار و آتش‌افروزی عمدی گرفته تا خرابکاری و حملات سایبری، محکوم شد.

آنها به حملاتی اشاره کردند که جوامع یهودی، روزنامه‌نگاران ایرانی و منافع ایالات متحده‌ی آمریکا را هدف قرار داده‌اند.

دولت‌های اروپایی همچنین دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی را متهم کرده‌اند که با بهره گرفتن از شبکه‌های تبهکار و جرائم سازمانیافته، مخالفان سیاسی و دیگر اهداف مورد نظر خود را در خارج کشور مورد تعقیب و هدف قرار می‌دهند. چنین اقداماتی نه‌تنها امنیت عمومی را به مخاطره می‌اندازد، بلکه آزادی بیان و حق اظهار نظر آزادانه‌ی ساکنان کشورهای اروپایی را نیز تهدید می‌کند؛ افرادی که باید بتوانند بدون هراس از تهدید، ارعاب و اقدامات تلافی‌جویانه‌ی یک حکومت خارجی، دیدگاه‌های خود را بیان کنند.

در بریتانیا، ژنرال کن مک‌کالوم، مدیرکل سازمان اطلاعات و امنیت داخلی این کشور (ام‌آی۵)، در ماه اکتبر نسبت به تغییر جهت فعالیت‌های تهدیدآمیز به‌سوی هدف قرار دادن تأسیسات نظامی هشدار داد. وی اعلام کرد که تحقیقات مرتبط با حکومت ایران طی یک سال گذشته به بازداشت ۵۰ نفر انجامیده است.

پلیس بریتانیا نیز روز ۲۷ اکتبر از طرح اتهام علیه دو مرد در ارتباط با تحقیقاتی درباره‌ی فعالیت‌های مشکوک در نزدیکی پایگاه هوایی نظامی «فیرفورد» متعلق به نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا، خبر داد. یکی از این افراد به همکاری و ارائه‌ی کمک به یک سرویس اطلاعاتی جمهوری اسلامی متهم شده است.

مقامات جمهوری اسلامی هرگونه دخالت در رویداد مربوط به پایگاه هوایی «فیرفورد» را رد کرده‌اند.

حمایت نظامی جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین، بُعد دیگری به نگرانی‌های امنیتی اروپا افزوده است. اتحادیه اروپا اعلام کرده است که پهپادهای تأمین‌شده از سوی جمهوری اسلامی در حملات علیه غیرنظامیان و زیرساخت‌های اوکراین به کار گرفته شده‌اند. این اتحادیه همچنین انتقال پهپاد، موشک و فناوری‌های مرتبط با آنها به روسیه را تهدیدی مستقیم علیه امنیت اروپا توصیف کرده است. از دیدگاه دولت‌های اروپایی حامی کی‌یف، نقش تهران در پشتیبانی نظامی از مسکو، جنگ اوکراین را به سیاست آنان در قبال جمهوری اسلامی پیوند زده است.

در همین حال، پیامدهای اقتصادی درگیری‌ها در خاورمیانه نیز دامنگیر خاورها و بنگاه‌های اقتصادی اروپا شده است. اختلال در کشتیرانی و انتقال محموله‌های تجاری از مسیر تنگه هرمز و حملات به تأسیسات و زیرساخت‌های انرژی، فشار بر عرضه‌ی جهانی نفت و گاز را افزایش داده است.

اگرچه بخش عمده‌ی نفت و گازی که در شرایط عادی از تنگه‌ی هرمز عبور می‌کند، راهی بازارهای آسیایی می‌شود، اما اروپا از پیامدهای این اختلالات در امان نمانده است. بر اساس پژوهشی که بانک مرکزی ایتالیا در ماه اکتبر منتشر کرد، کشورهای اروپایی با افزایش قیمت انرژی و تشدید رقابت برای دستیابی به منابع جایگزین نفت و گاز روبرو شده‌اند.

شاهزاده رضا پهلوی در دیدارهای پیشین خود با نمایندگان پارلمان اروپا نیز موضوع تهدیدات جمهوری اسلامی علیه امنیت اروپا و ضرورت حمایت عملی از مردم ایران را مطرح کرده بود. وی روز سه‌شنبه با کریستف گومار، نماینده‌ی فرانسوی پارلمان اروپا و نایب‌رئیس کمیسیون امنیت و دفاع این پارلمان، دیدار و درباره‌ی راهکارهای کمک به مردم ایران، از جمله تأمین دسترسی پایدار و مطمئن به اینترنت، گفتگو کرد.



شاهزاده رضا پهلوی و فرانسوا خاویر بلامی

سباستین تینکینن، نماینده‌ی فنلاند در پارلمان اروپا و چارلی وایمرز، نماینده‌ی سوئد، نیز بطور مشترک میزبان نشستی با حضور شاهزاده رضا پهلوی بودند. آنان در این نشست خواستار حمایت قاطع‌تر اروپا از حق ملت ایران برای تعیین سرنوشت سیاسی خود شدند. چارلی وایمرز همچنین تأکید کرد که اروپا باید خود را برای دوران پس از جمهوری اسلامی در ایران آماده کند.

از دیگر نمایندگان پارلمان اروپا که دیدارهای خود با شاهزاده رضا پهلوی را در رسانه‌های اجتماعی اعلام کرده‌اند یا پس از این دیدارها حمایت خود را ابراز داشتند، می‌توان به آلیس تئودورسکو ماوه نماینده سوئد، سلین ایمار نماینده فرانسه و توماش زدخوفسکی نماینده‌ی جمهوری چک اشاره کرد.

آلیس تئودورسکو ماوه خواستار اتخاذ تدابیر مؤثر برای مقابله با محاصره‌ی اطلاعاتی و محدودیت‌های ارتباطی اعمال‌شده از سوی جمهوری اسلامی شد. توماش زدخوفسکی نیز بر حق مردم ایران برای تعیین آزادانه‌ی آینده‌ی خود، به دور از سرکوب و فشارهای حکومتی، تأکید کرد.

با وجود نگرانی‌های مشترک دولت‌های اروپایی درباره‌ی عملکرد و تهدیدات جمهوری اسلامی، این کشورها تا کنون بطور جمعی از رویکرد پیشنهادی شاهزاده رضا پهلوی حمایت نکرده‌اند. دولت‌های اروپایی در حالی که تحریم‌هایی علیه جمهوری اسلامی اعمال کرده و سرکوب مردم ایران را محکوم می‌کنند، همچنان دستیابی به راهکارهای دیپلماتیک، به ویژه برای حل و فصل مناقشه‌ی هسته‌ای، را دنبال می‌کنند. سفر شاهزاده رضا پهلوی به بروکسل نیز با هدف متقاعد ساختن سیاست‌گذاران اروپایی به تغییر اولویت‌ها و تأکید بیشتر بر حمایت از گذار دموکراتیک به رهبری مردم ایران صورت گرفته است.

برنامه‌ی سفر شاهزاده رضا پهلوی روز جمعه ششم نوامبر با دیداری به میزبانی تئو فرانکن، وزیر دفاع بلژیک، و سخنرانی در آکادمی نظامی سلطنتی این کشور ادامه خواهد یافت.

وی همچنین قرار است روز شنبه هفتم نوامبر در شهر فرانکفورت آلمان حضور یابد و جایزه‌ی آزادی «بنیاد فریدریش نائومان» به ملت ایران را به امانت دریافت نماید.

«بنیاد فریدریش نائومان برای آزادی» اعلام کرده است که اعطای این جایزه به پاس مبارزات مردم ایران برای دستیابی به آزادی صورت می‌گیرد و به معنای حمایت این بنیاد از هیچ شخصیت مشخصی به عنوان رهبر آینده‌ی ایران یا تأیید شکل معینی از نظام حکومتی آینده‌ی آن کشور نیست.

متن سخنان آغازین شاهزاده رضا پهلوی در نشست خبری پارلمان اروپا

شاهزاده رضا پهلوی روز چهارم آبان در یک نشست خبری در پارلمان اروپا شرکت کرد. متن سخنان وی در آغاز این نشست به شرح زیر است:

«آقای بلامی، از معرفی محبت‌آمیز شما، از میزبانی این نشست و مهم‌تر از همه، از حمایت اصولی و پایدار شما از ملت ایران سپاسگزارم.

من امروز با پیامی روشن و ساده برای اروپا در اینجا حضور پیدا کرده‌ام: جمهوری اسلامی امروز بیش از هر زمان دیگری ضعیف شده و سرانجام سقوط خواهد کرد. پرسش این است که این سقوط چه زمانی رخ خواهد داد و

آیا اروپا در کنار ملت ایران خواهد ایستاد یا همچنان به سیاست مماشات با این رژیم ادامه خواهد داد؟

در ماه ژانویه، میلیون‌ها ایرانی شجاع از سراسر کشور، از تمامی استان‌ها و از اقشار و طبقات گوناگون جامعه، علیه جمهوری اسلامی بپا خاستند.

بیش از ۴۰ هزار ایرانی جان خود را در راه آزادی فدا کردند.

شجاعت و ایستادگی آنان پایه‌های این رژیم را به لرزه درآورده است.جمهوری اسلامی گرفتار شکاف‌های عمیق درونی و هراس از آینده‌ی خویش است و اکنون در سایه‌ی سکوت جامعه‌ی جهانی و وعده‌های تداوم سیاست مماشات، از ملت ایران انتقام می‌گیرد.

این رژیم دریافته است که چگونه می‌تواند مردم خود را به قتل برساند، بی‌آنکه جنایاتش به صدر اخبار رسانه‌های بین‌المللی راه پیدا کند. با اعدام زندانیان، هر بار یک یا دو نفر.

همین دیروز نیز دو جوان دیگر از معترضان خیزش ژانویه اعدام شدند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، از ماه ژانویه تا کنون بیش از ۷۰ زندانی سیاسی اعدام شده‌اند و امروز نیز بیش از ۱۰۰ تن از معترضان با خطر اجرای حکم اعدام روبرو هستند.

آنچه در ایران می‌گذرد، حتی به‌سختی می‌توان اعدام نامید. اینها قتل‌هایی هستند که به دست حکومت و بدون رعایت ابتدایی‌ترین اصول دادرسی عادلانه صورت می‌گیرند. اقدامی با هدف ایجاد رعب و وحشت در سراسر جامعه و واداشتن یک ملت به سکوت.

اما اجازه بدهید به روشنی تأکید کنم: جمهوری اسلامی تنها تهدیدی علیه مردم ایران نیست، بلکه امنیت اروپا و سراسر جهان را نیز تهدید می‌کند.

این رژیم از جنگ وحشیانه‌ی پوتین علیه اوکراین و اقدامات او برای بی‌ثبات ساختن اروپا حمایت کرده است. در خاک کشورهای اروپایی به طراحی و تدارک حملات دست زده و برای تضعیف بنیان‌های دموکراسی‌های شما تلاش کرده است. جمهوری اسلامی تنها چند روز پیش نیز نیروهای مسلح کشورهای شما را اهدافی مشروع برای حمله اعلام کرد.

این رژیم در طول ۴۷ سال گذشته، تروریسم، خشونت و بی‌ثباتی را به خارج از مرزهای ایران صادر کرده است.

در تمام این ۴۷ سال، جامعه‌ی جهانی کوشیده است تا از راه مذاکره با جمهوری اسلامی به نتیجه برسد و در تمام این ۴۷ سال، این تلاش‌ها با شکست روبرو شده است.

زیرا جمهوری اسلامی حکومتی متعارف نیست که رفاه و آسایش مردم خود را در اولویت قرار دهد. این رژیم درواقع جنبشی انقلابی و جهادگراست که ایران را به اشغال خود درآورده و این کشور را به پایگاهی برای تروریسم جهانی تبدیل کرده است.

تا زمانی که این رژیم بر سر کار باشد، دستیابی به صلح و ثبات پایدار در خاورمیانه امکان‌پذیر نخواهد بود.

جمهوری اسلامی باید برود. نه‌تنها به خاطر ملت ایران، بلکه همچنین برای تأمین منافع اروپا.

ما خود را برای ساختن ایرانی آزاد، باثبات و شکوفا آماده می‌کنیم. ایرانی که در عرصه‌های تجارت و امنیت، شریکی قابل اعتماد برای اروپا خواهد بود.

برای تحقق این هدف، ائتلافی گسترده و متحد از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، از چپ تا راست و از جمهوریخواهان تا پادشاهی‌خواهان، تشکیل داده‌ایم.

من در اینجا حضور نیافته‌ام که خود مقصد باشم، بلکه آمده‌ام تا پلی برای رسیدن به آن مقصد باشم. مقصدی که باید استقرار یک دموکراسی پایدار باشد.

چهار اصل بنیادینی که ما را به یکدیگر پیوند می‌دهد، روشن و ساده است:

۱. حفظ تمامیت ارضی ایران.

۲. پاسداری از آزادی‌های فردی و برابری حقوق تمامی شهروندان.

۳. جدایی دین از حکومت.

۴. حق ملت ایران برای تعیین شکل نظام حکومتی دموکراتیک آینده‌ی خود.

هر کس که به این اصول باور داشته باشد، در این ائتلاف جای دارد.

اما ملت ایران به حمایت جهان دموکراتیک نیز نیازمند است.

از همین رو، امروز از اتحادیه اروپا می‌خواهم چهار اقدام فوری در دستور کار خود قرار دهد. زیرا همانگونه که آقای بلامی گفت، اروپا باید دست به اقدام بزند و اروپا توانایی چنین اقدامی را دارد:



در کنار آلیس تئودورسکو ماوه

نخست، شبکه‌های وابسته به جمهوری اسلامی در اروپا را برچینید!

عوامل رژیم و دیپلمات‌هایی را که از موقعیت و مصونیت خود سوء استفاده می‌کنند، اخراج کنید. درباره‌ی افرادی که در ارعاب و تهدید مخالفان، پولشویی، دور زدن تحریم‌ها و فعالیت‌های مالی غیرقانونی نقش دارند، تحقیق کنید و اقدامات لازم را علیه آنان به اجرا بگذارید.

دوم، فشارهای اقتصادی و مالی را تشدید کنید!

همان قاطعیتی را که در برابر پوتین نشان داده‌اید، در قبال جمهوری اسلامی نیز به کار گیرید. دارایی‌های پنهان و شرکت‌های پوششی وابسته به رژیم را شناسایی و افشا کنید. اموال و ثروت‌های نامشروع را مسدود سازید و شبکه‌های مالی تأمین‌کننده‌ی منابع جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را از فعالیت بازدارید.

سوم و از همه فوری‌تر، به مردم ایران کمک کنید تا ارتباط خود را با جهان حفظ کنند

در ماه ژانویه، جمهوری اسلامی اینترنت را قطع کرد تا جنایات خود را از دید جهانیان پنهان سازد و مانع ارتباط ایرانیان با یکدیگر شود.

هرگاه این رژیم اینترنت را قطع می‌کند، درواقع خود را برای سرکوب و کشتار مردم آماده می‌سازد.

اروپا از توانایی‌های فناوری، منابع مالی و نفوذ دیپلماتیک لازم برای کمک به مردم ایران برخوردار است.

من از پارلمان اروپا، کمیسیون اروپا و کشورهای عضو اتحادیه می‌خواهم با همکاری شرکت‌های فناوری و دیگر شرکای خود، امکان دسترسی امن، پایدار و مقاوم در برابر اختلال به اینترنت را فراهم آورند، از راه‌های ارتباطی مستقل پشتیبانی کنند و اطمینان یابند که جمهوری اسلامی هرگز بار دیگر نخواهد توانست ملتی را یکسره در تاریکی فرو برد.

چهارم، آشکارا و بدون هیچ ابهامی در کنار ملت ایران و آرمان‌های دموکراتیک آن بایستید!

از صدور بیانیه‌های ابراز نگرانی فراتر بروید. برای حمایت از اپوزیسیون دموکراتیک ایران، به ائتلافی نیرومند و فراحزبی در پارلمان‌های اروپا بپیوندید و خود را برای ارتباط و گفتگو با یک دولت انتقالی، در زمان فرارسیدن آن، آماده سازید.

در پس تمامی این گفتگوها درباره‌ی ژئوپلیتیک، تحریم‌ها و دیپلماسی، زندگی انسان‌های واقعی قرار دارد. زنان و مردان جوانی که برای برخورداری از ابتدایی‌ترین حقوق خود، یعنی زندگی در آزادی، همه‌چیزشان را به خطر انداخته‌اند.

امروز می‌خواهم روایت یکی از آنان را بی‌واسطه و از زبان خودش بشنوید. در جریان خیزش ژانویه، دانیال عیوضی هدف گلوله‌ی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفت. او از این تیراندازی جان سالم به در برد تا روایتی را بازگو کند که جمهوری اسلامی کوشیده بود برای همیشه خاموش سازد.

دانیال امروز در اینجا حضور دارد، نه‌تنها برای بازگویی تجربه‌ی شخصی خود، بلکه برای آنکه صدای هزاران انسانی باشد که دیگر نمی‌توانند از جانب خود سخن بگویند.

از شما می‌خواهم با دقت به سخنان او گوش فرا دهید. زیرا آنچه در میان است، سرنوشت انسان‌هاست و درست به همین دلیل است که اروپا باید دست به اقدام بزند!»

افزایش شاخص فلاکت؛ تلاش حقوق‌بگیران برای بقا زیر خط فقر



بازنشستگان شرکت مخابرات روز دوشنبه ۱۸ آبان در بیش از ۱۰ شهر ایران تجمع اعتراضی و سراسری برگزار کردند. بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز روز یکشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۵ زیر باران و در هوای سرد در چند شهر ایران از جمله تهران، اهواز، شوش و رشت تجمع کردند. همزمان بازنشستگان بانک صادرات با وجود بارندگی شدید مقابل ساختمان این بانک در خیابان «سمیه» تهران تجمع کردند.

روز شنبه ۱۶ آبان کارگران پتروشیمی شیمی‌بافت ماهشهر، کارگران پیمانکاری شهرداری ایلام، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز، پاکبانان شهرداری تهران در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق عقب‌افتاده و دستمزدهای ناچیز و مشکلات معیشتی بود.

علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، اعلام کرده ۵۰ میلیون نفر از جمعیت کشور برای تهیه مواد غذایی با بحران روبرو هستند و حدود هشت میلیون نفر دیگر نیز دچار «فقر مطلق و سوء تغذیه» شده‌اند.

وبسایت «اقتصاد۲۴» در گزارشی با عنوان «نان بدو، مردم بدو» به افزایش قیمت موادغذایی و سقوط قدرت خرید خانوارها پرداخته و نوشته در مهرماه امسال تورم مواد غذایی برای نهمین ماه پیاپی بیش از ۱۰۰ درصد بوده است.

فعالان صنفی نیز از کاهش سرانه مصرف مواد غذایی ضروری مانند لبنیات، مرغ، گوشت و... خبر می‌دهند که در پی کاهش قدرت خرید خانوارها، سهم این اقلام به ناچار در سبد مصرف غذایی خانوارها کاهش یا کاملا از آن حذف شده است.

با سقوط ارزش درآمد واقعی حقوق‌بگیران و افزایش پرسرعت تورم، مشکلات معیشتی در دهک‌های پایین درآمدی عمیق‌تر و فقر گسترده‌تر شده است. رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی از بحران بیش از نیمی از جمعیت کشور برای تهیه مواد غذایی خبر داده و همزمان، شمار تجمعات صنفی کارگران و بازنشستگان و دیگر حقوق‌بگیران در ایران افزایش یافته است. در این میان، بسیاری از کارشناسان سیاست‌گذاری و عملکرد تیم اقتصادی دولت پزشکیان را عامل اصلی بحران تورم در اقتصاد ایران ارزیابی می‌کنند.

در روزهای گذشته و با وجود درگیر بودن ۲۵ استان کشور با بارندگی‌های النینو بازنشستگان، کارگران و کارمندان در شهرهای مختلف کشور تجمعات اعتراضی برگزار کردند؛ خواسته مشترک همه این اقشار افزایش رقم حقوق ماهانه و رسیدگی به مشکلات معیشتی‌شان اعلام شده بود.

بازنشستگان شرکت مخابرات روز دوشنبه ۱۸ آبان در بیش از ۱۰ شهر ایران تجمع اعتراضی و سراسری برگزار کردند. بازنشستگان تأمین اجتماعی روز یکشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۵ زیر باران و در هوای سرد در چند شهر ایران از جمله تهران، اهواز، شوش و رشت تجمع کردند. همزمان بازنشستگان بانک صادرات با وجود بارندگی شدید مقابل ساختمان این بانک در خیابان «سمیه» تهران تجمع کردند.

روز شنبه ۱۶ آبان نیز چندین تجمع صنفی در شهرهای مختلف ایران برگزار شد. از جمله کارگران پتروشیمی شیمی‌بافت ماهشهر، کارگران پیمانکاری شهرداری ایلام، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز، پاکبانان شهرداری تهران؛ این تجمعات در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق عقب‌افتاده و دستمزدهای ناچیز و مشکلات معیشتی بود.

آخرین آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد شاخص فلاکت، که از مجموع نرخ تورم و بیکاری به‌دست می‌آید، در ۱۸ استان کشور از مرز ۱۰۰ واحد عبور کرده است.

میانگین کشوری این شاخص نیز به ۹۷/۸ رسیده که بیانگر بحران گسترش جمعیت زیر خط فقر مطلق در ایران است. استان هرمزگان با ۱۲۴/۹، استان ایلام با ۱۲۰/۱ و استان بوشهر با ۱۱۴/۹ واحد در صدر جدول شاخص فلاکت قرار دارند.

بحران معیشت و فقر گسترده در جامعه دیگر قابل نادیده‌گرفتن یا انکار نیست؛ رسانه‌ها و بسیاری از مقامات غیردولتی درباره ناتوانی اقشار مختلف در تهیه خوراک حداقلی، دارو و پرداخت اجاره‌بها هشدار می‌دهند.

علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، اعلام کرده، ۵۰ میلیون نفر از جمعیت کشور برای تهیه مواد غذایی با بحران روبرو هستند و حدود هشت میلیون نفر دیگر نیز دچار «فقر مطلق و سوء تغذیه» شده‌اند. این نماینده مجلس شورای اسلامی «اجرای نادرست طرح حذف ارز ترجیحی» را عامل زیرخط فقر قرار گرفتن ۶۸ میلیون نفر از جمعیت ۸۷ میلیون نفری کشور دانسته است.

علی بابایی کارنامی با تأکید بر اینکه برای یک خانواده سه تا چهار نفره بتواند همه هزینه‌های ضروری زندگی را تأمین کند نیازمند درآمدی معادل ۱۰۰ میلیون تومان در ماه است، افزوده: «با افزایش هزینه‌های زندگی، حتی داشتن چند شغل هم لزوما درآمد کافی برای یک خانواده چهارنفره فراهم نمی‌کند.»

همانطور که رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی اشاره کرده آخرین رقم برآورد شده برای «سبد معیشت» ۱۰۰ میلیون تومان برای یک خانواده سه تا چهار نفره است. این در حالیست که درآمد کارگران در صورتی که قرارداد رسمی داشته باشند و همه مزایای شغلی را دریافت کنند، به ماهی ۲۵ میلیون تومان می‌رسد. بسیاری از بازنشستگان نیز دریافتی ماهانه‌ای حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان دارند. بخش زیادی از کارمندان از جمله آموزگاران و پرستاران نیز درآمدهای ماهانه‌ای کمتر از «نصف رقم سبد معیشت» دارند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران هفته گذشته گزارش داد که حقوق ماهانه‌ی معلمان در سال ۱۳۹۵ معادل ۶۳۶ دلار بود. امروز، در آبان ۱۴۰۵، به ۱۰۹ دلار رسیده است، یعنی کمتر از ۴ دلار در روز. قدرت خرید معلمان در ده سال حدود ۶ برابر کاهش یافته، و ۴۰ درصد این ریزش تنها در هفت ماه گذشته رخ داده است: از ۱۸۴ دلار در فروردین به ۱۰۹ دلار در آبان.

بحران مالی خانواده‌ها برای تهیه ضروری‌ترین اقلام مانند خوراک و دارو هر روز در رسانه‌های داخلی بازتاب

داده می‌شود و کارشناسان نسبت به پیامدهای مختلف اجتماعی و سیاسی این بحران فراگیر هشدار می‌دهند.

وبسایت «اقتصاد۲۴» در گزارشی با عنوان «نان بدو، مردم بدو» به افزایش قیمت مواد غذایی و سقوط قدرت خرید خانوارها پرداخته و نوشته در مهرماه امسال تورم مواد غذایی برای نهمین ماه پیاپی بیش از ۱۰۰ درصد بوده است.

این گزارش افزوده، به زبان ساده، خانواری که در مهرماه سال گذشته برای خرید مجموعه مشخصی از مواد غذایی یک میلیون تومان هزینه می‌کرد، حالا برای تهیه همان مجموعه باید به‌طور متوسط بیش از دو میلیون و ۱۳۰ هزار تومان بپردازد.

بخشی از این گزارش نیز به حقوق ناچیز کارگران در مقایسه با هزینه‌های زندگی اشاره کرده است: «حکایت فاصله حقوق کارگران و تورم چنان است که گویی کسی ما را نفرین کرده «نان بدو، تو بدو»! درآور است، اما بخش مهمی از خانوارهای ایرانی اساساً برای تأمین هزینه‌های زندگی به درآمد ثابت ماهانه وابسته‌اند؛ درآمدی که در ابتدای سال تعیین شده و با وجود شرایط تورمی، دست نخورده باقی مانده است.»

این گزارش هشدار داده: «خوراکی‌ها برخلاف بسیاری از کالاهای مصرفی، بخش بزرگی از نیازهای روزمره و اجتناب‌ناپذیر خانوار را تشکیل می‌دهند. نمی‌توان خرید برنج، روغن، شیر، تخم‌مرغ و گوشت را برای مدت طولانی به تعویق انداخت، بدون آنکه کیفیت تغذیه و سلامت اعضای خانواده تحت تأثیر قرار بگیرد. در شرایطی که قیمت این اقلام چند برابر شده، خانوارها ناچارند برای متناسب کردن مخارج با درآمد، از حجم خرید یا کیفیت سبد غذایی خود کم کنند.»

خبرگزاری «ایلنا» نیز به فشار بیشتر تورم بر اقشار کم‌درآمد پرداخته و نوشته است: بر اساس آمار مهرماه مرکز آمار ایران، دهک دوم درآمدی کشور با تجربه تورم سالانه ۸۵/۸ درصدی بالاترین نرخ را در میان دهک‌ها داشته است، در حالی که تورم سالانه دهک دهم (ثروت‌مندترین دهم) ۷۴/۸ درصد ثبت شده است. از سوی دیگر، تورم ماهانه مواد غذایی برای دهک اول (فقیرترین دهک) حدود دو برابر تورم ماهانه مواد غذایی دهک ثروتمند دهم بوده است.

علیرضا حیدری، اقتصاددان و فعال کارگری، نیز درباره این اختلاف توضیح داده: «متوسط تورم هنوز بین هفتاد تا هشتاد درصد است، اما نرخ تورم کالاهای خوراکی در چندماه اخیر بالای ۱۲۰ درصد بوده است؛ لذا میزان واکنش دهک‌های مختلف به کالاهای مصرفی خوراکی و مواد غذایی، میزان تورمی که حس می‌کنند را دچار دگرگونی می‌کند. در شرایطی که هفتاد درصد سبد هزینه‌ای یک خانوار کارگری، روستایی، بازنشسته یا فقیر را «مواد غذایی» تشکیل دهد، این گروه‌ها نرخ تورم تجربه شده بسیار بیشتری از سایرین خواهند داشت. »

وبسایت «دیده‌بان ایران» نیز گزارش داده: «اجاره یک سرپناه نه چندان مناسب حالا بخش عمده یا شاید تمام حقوق یک جوان را می‌بلعد و چندشغله بودن هم کفاف تامین مخارج زندگی حداقلی را نمی‌دهد.»

این گزارش افزوده: «خانه‌های اشتراکی و زندگی با غریبه‌ها در یک خانه، حسرت حداقل‌ها، متلاشی شدن زندگی‌های مشترک و ناامیدی، ماشین‌خوابی، ورشکستگی و بی‌پناهی حالا نه‌تنها گریبان قشر ضعیف، بلکه دامن قشر متوسط را گرفته و آن را به زیر کشانده تا اثری از طبقه متوسط در جامعه نماند.»

حسن حسن‌نتاج، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، نیز پیشتر هشدار داده بود که تورم، مشکلات اقتصادی و شرایط جنگی بر معیشت و تغذیه خانوارها تاثیرگذار بوده و در برخی مناطق ایران به بروز سوء تغذیه دامن زده است.

فعالان صنفی نیز از کاهش سرانه مصرف مواد غذایی ضروری مانند لبنیات، مرغ، گوشت و... خبر می‌دهند که در پی کاهش قدرت خرید خانوارها، سهم این اقلام به ناچار در سبد مصرف غذایی خانوارها کاهش یا کاملا از آن حذف شده است.

در چنین شرایطی برنامه حمایتی دولت که ارائه کالابرگ الکترونیک با اعتبار ناچیز یک میلیون تومانی است نتوانسته به بهبود معیشت خانوارها کمک کند. در حالی که از ماه گذشته دولت اعتبار ماهانه کالابرگ را برای بخشی از مشمولان به یک و نیم میلیون تومان افزایش داد. با اینهمه افزایش ۵۰۰ هزار تومانی کالابرگ در حالی که قیمت یک عدد مرغ به حدود یک میلیون تومان، قیمت یک کیلو گوشت به بیش از دو میلیون تومان و قیمت یک شانه تخم‌مرغ به ۸۰۰ هزار تومان رسیده است، نشان از شکست این طرح دارد.

ساعاتی پس از دیدار محسن رضایی و پوتین، روسیه در مورد سفر شهروندانش به ایران هشدار داد



دیدار رضایی و پوتین در مسکو / عکس: تاس

● ماریا زاخاروا سخنگوی وزارت خارجه روسیه پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵ هشدار داد، با توجه به خطرات احتمال آغاز درگیری‌های نظامی، شهروندان این کشور به ایران سفر نکنند.

● روسیه همچنین از شهروندانش که ساکن ایران هستند خواست تا هوشیاری خود را حفظ کنند و از حضور در محل‌های پر رفت و آمد، تجمعات عمومی و مناطق نزدیک به تأسیسات نظامی و دولتی خودداری کنند.

● این هشدار پس از آن صادر شد که محسن رضایی دبیر شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی در مسکو با ولادیمیر پوتین رییس جمهوری روسیه دیدار کرد. پیش از این دولت‌های استرالیا، آمریکا و چند کشور اروپایی نیز از شهروندان خود خواستند ایران را ترک کنند یا از وورد به این کشور خودداری کنند.

● جزییات دیدار رضایی و پوتین مشخص نیست اما برخی منابع غیررسمی مدعی شدند او حامل پیام مجتبی خامنه‌ای بود.

ماریا زاخاروا سخنگوی وزارت خارجه روسیه پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵ هشدار داد با توجه به خطرات احتمال آغاز درگیری‌های نظامی، شهروندان این کشور به ایران سفر نکنند.

روسیه همچنین از شهروندانش که ساکن ایران هستند خواست تا هوشیاری خود را حفظ کنند و از حضور در محل‌های پر رفت و آمد، تجمعات عمومی و مناطق نزدیک به تأسیسات نظامی و دولتی خودداری کنند.

این هشدار پس از آن صادر شد که محسن رضایی دبیر شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی در مسکو با ولادیمیر پوتین رییس جمهوری روسیه دیدار کرد. پیش از این دولت‌های استرالیا، آمریکا و چند کشور اروپایی نیز از شهروندان خود خواستند ایران را ترک کنند یا از وورد به این کشور خودداری نمایند.

جزییات دیدار رضایی و پوتین مشخص نیست اما برخی منابع غیررسمی مدعی شدند او حامل پیام مجتبی خامنه‌ای بوده است.

رضایی پس از دیدار با پوتین گفت که درباره شرایط پس از جنگ و ترتیبات امنیتی منطقه گفتگو شده است. به گفته او، پوتین پیشنهاد مشخصی برای پایان جنگ ارائه نکرده، اما تاکید کرده است که پایان سریع‌تر وضعیت «نه جنگ و نه صلح» به نفع ایران خواهد بود.

دبیر شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری‌اسلامی همچنین گفت که «پوتین حملات نظامی آمریکا و اسراییل به ایران و بمباران تاسیسات هسته‌ای را محکوم کرده و آمادگی روسیه را برای کمک به پایان جنگ اعلام کرده است.»

برخی منابع گزارش دادند که محسن رضایی به پوتین گفته: «تا هفت شرط ایران» تحقق پیدا نکند، جمهوری اسلامی با آمریکا توافق نخواهد کرد. احتمال دارد هشدار وزارت خارجه روسیه به شهروندان خود در ارتباط با همین اصرار بر شروط رژیم و از سر گرفته شدن حملات نظامی باشد.



یک بازنشر خواندنی از سال ۱۳۸۱؛
کنفرانس خبری شاهزاده رضا پهلوی در لندن:
دولت‌ها و ملت‌های جهان باید از مبارزه برحق مردم ایران برای دستیابی به آزادی و دموکراسی حمایت کنند



شاهزاده رضا پهلوی جایزه «آزادی» بنیاد فریدریش نائومان به ملت ایران را دریافت کرد



دیدار و گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با وزیر کشور بلژیک



خیانت در سایه قدرت؛
از تخت جمشید تا کاخ سفید، آن‌گاه که دشمن از درون برمی‌خیزد



گزارش اختصاصی؛
سفر شاهزاده رضا پهلوی به بروکسل:
از امنیت اروپا و اینترنت آزاد تا حمایت عملی از گذار دموکراتیک در ایران



شاهزاده رضا پهلوی:
وارثان کوروش در کنار ملت یهود ایستاده‌اند



آمریکا چند هواپیمای سوخت‌رسان خود را در واکنش به تهدیدات جمهوری اسلامی از بریتانیا خارج کرد



بازدید شاهزاده رضا پهلوی و بانو یاسمین از اردوگاه آشویتس



شایعه‌ی تهدید به بمب‌گذاری، ۲۷ پرواز اروپایی را منحرف کرد



آمریکا دو فرد و یک نهاد در بلاروس، روسیه و نیجریه را به دلیل کمک‌های تسلیحاتی به جمهوری اسلامی تحریم کرد



معاون وزیر بهداشت:
موج اصلی آنفولانزا در راه است



نیویورک تایمز:
مقاومت عراق، پاکستان و ترکیه در برابر درخواست آمریکا برای بستن مرزهای خود با ایران



بیکبری نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره فهرست تراستی‌هایی که پول نفت را به جیب زدند!



روزنامه «کیهان» چاپ تهران:
برخورد با بی‌حجابی را جدی بگیرید



عقب‌نشینی چهار کیلومتری دریای مازندران در سواحل گلستان



تصمیم عجیب آموزش و پرورش؛
سقف ۷۲ ساعته برای تعطیلی مدارس در شرایط جنگی



زخم عمیق بحران‌های اقتصادی بر تن و روان شهروندان در ایران



توطئه حمله به پایگاه سلطنتی «فیرفورد»؛
طرح یک «تروریست» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زندان نیویورک!



هشدار درباره وقوع سیل در پایتخت؛
بزرگراه‌های تهران در مسیر سیلاب واریزه‌ای!



موج جدید افزایش قیمت موبایل در هفته‌های آینده



آثار دلار ۲۷۰ هزار تومانی هنوز به سفره مردم نرسیده است



نشست «گروه هفت» در پاریس؛
روبیو: «رهبران جمهوری اسلامی دیوانه‌اند»



احتمال قطع سراسری ۴۵ روزه گاز صنایع؛
خسارت مستقیم کمبود برق و گاز در صنعت معادل ۲۰ درصد بودجه کشور!



رونمایی از یک شهرک موشکی؛
علی عبداللهی:
«اسرائیل را نابود می‌کنیم!»



تدوین بودجه ۱۴۰۶ با فرض صفر شدن درآمد نفت، همزمان با اجرای کارزار «دروازه آهنین»


دیدار شاهزاده رضا پهلوی و تئو فرانکن وزیر دفاع بلژیک در «آکادمی نظامی سلطنتی»


"جایزه سلیمان" در کراکو برای شاهزاده رضا پهلوی


کد ۱۸۱۹؛
رمز توفانِ خاموش مردم در میانه‌ی خون و امید


کاخ سفید:
ترامپ «تعیین‌کننده» است!


سناریوهای پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا
نگاه دیگران


تورم بخش صنعت به ۱۴۷/۳ درصد رسید؛
۳۲۲ هزار میلیارد تومان عدم‌النفع صنایع در نیمه نخست امسال


محکومیت پدر دادخواه مهرشاد شهیدی به دو سال و نیم زندان


حسن دیوبند، حمید کاظمی و رضا زنگنه، از بازداشت‌شدگان دی۱۴۰۴، اعدام شدند


"پرچم فلسطین" بر فراز رایشتاگ!


تلاش دموکرات‌ها برای استیضاح پیت هگست شکست خورد؛
ترامپ: هگست یک میهن‌پرست واقعی است


الحره:
به علت بحران مالي سپاه پاسداران، شبه‌نظامیان عراقی حقوق دریافت نکرده‌اند


شاخص فلاکت در ۱۸ استان از مرز ۱۰۰ واحد گذشت


بارش شدید باران و جاری شدن سیلاب در مناطق مختلف ایران



سقوط قدرت خرید آموزگاران؛
حقوق ماهانه یک معلم ۱۰۹ دلار است!


تشکیل یگان «دروازه آهنین» در ارتش آمریکا برای جلوگیری از انتقال تسلیحات از مرزهای زمینی ایران و دریای کاسپین


حملات آمریکا به مراکز نظامی در جنوب ایران؛
حمله پهپادی به تأسیسات گاز در کردستان عراق


سقوط سطح سواد دانش‌آموزان ایران:
۵۵۰ روز تعطیلی مدارس در شش سال گذشته!


تداوم بن‌بست در مذاکرات؛
مارکو روبیو:
با مطالبات «خنده‌دار» جمهوری اسلامی، توافق ممکن نیست!


چرا رژیم جمهوری اسلامی نمی‌تواند با همسایگان خود روابط عادی و صلح‌آمیز داشته باشد
نگاه دیگران


گزارش «کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران»؛
زندان مخوف دولت‌آباد اصفهان، بازداشتگاه زیرزمینی اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی


صنایع ایران چگونه قربانی ناکارآمدی جمهوری اسلامی در بخش انرژی شدند


افزایش ابتلا به آنفولانزا و کرونا در ایران



شرط اجتهاد برای وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی حذف شد


بازداشت چند شهروند به بهانه «بی‌حجابی»


استان آذربایجان شرقی؛
ممنوعیت اجرای موسیقی زنده «بدون مجوز» در رستوران‌ها و کافه‌ها

KAYHANLIFE
KAYHAN LONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com



عکس هفته | پاسداشت پایداری یک ملت

شاهزاده رضا پهلوی در هفته‌ای که گذشت دو جایزه «آزادی» بنیاد مشهور «فریدریش نائومان» در آلمان و جایزه سلیمان، معتبرترین نشان افتخاری انجمن یهودیان اروپا، را در لهستان دریافت کرد. جایزه «آزادی» به پاس شجاعت و مبارزه و پایداری‌شان برای آزادی، دموکراسی و حقوق بشر به ملت ایران اهدا شد و رهبر انقلاب شیروخورشید به نمایندگی از مردم میهن این جایزه را دریافت کرد. ده‌ها هزار ایرانی همزمان با مراسم اهدای این جایزه از سراسر اروپا در شهر فرانکفورت جمع شدند تا از مردم شجاع ایران، انقلاب شیروخورشید و رهبرش حمایت کنند.